

تذکره الطبع جلیبر  
عروشر

تذکره الشعراء اولاً فی الطبع جلیبر مؤلف مرحوم علی درویش احمدی و صیح مذهب  
وصاف مشرب برکتی او بود و غیر شعرا انکرا احوال و معاشقین و قتالین بیانند اهلته  
معلوم در بو کتابین جوق لطایف و این غرائب و عجایب جمع انشد در قدر  
پلنوب شرفی فرام اولنه

وانا العبد المذنب  
عمود علی ما  
لعمود العبد

قال علی لم الله  
وحرره ورعه  
شرط الالفه نزل  
الکلفه شاکر

محمود ابو الفتح  
داماد اولاً شاد افند  
ملم ادرنه قافیه اوله قدر  
کوندا و کلمات بعضی  
بیانیه انقالبه  
لا فلاح الا بالله  
وارد و کلمات بعضی  
خانی ایل نامل  
فار علی لم الله  
وحرره ورعه  
شرط الالفه نزل  
الکلفه شاکر

Süleyman	11861
Hasan Hissu	
Y...	
Eski Küt...	995



بسم الله الرحمن الرحيم • مطلع موند بر کلام قدیم  
 محامد منظومه فصاحت نظام • و مدایح منشوره بلاغت انتظام  
 اول مفضی فیض والهامه • و ملهم خیر الکلامه که لسان انان الفاظ  
 رکنیده نطق فصیح • و عبارات عبرت قرینیه بیان ملیح • و بیرون بکمال  
 اسماء ذاتنده و معارف کبریا صفاتنده نکته کوی و رموز آموز  
 و سوز لرین آبدار و پیروز ایدوب طبع لطافت مشحون سوز و زلال  
 منظوم سلامت نمودن رشک در مکنون قلدر بیت **المؤلفه**  
 شکر و منت که عقل و جان و سر در • نظمی نطقه زیاده و سر در **مثنوی**  
 بر قادر قدیم • و صانع حکیم • در که **لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ فَخُذْ كَيْفَ وَجُودَانَا بِرِشْتِ تَرَابٍ وَبِرْقِ قَطْرِ آبٍ أَيْكُنِ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ مَقْتَضَا سَجْدَةِ نَكَاحَاتِهِ أَرْحَامُهُ**  
 ید قدرت و قلم حکمت بر شکل صمیم مهرش • و بر پیکریت دلکش  
 خدیو و تصویر بیکر • طلعت خدیو قمر تنویر • سپهر صباحت و مطلع  
 ملاحه نه چارده با طوع یا طوعدم در نظم **المؤلفه**

بوند قدرت اولور که خاک حقیر • اوله بود و جهله لغای منیر • آفرین  
 اجتنق اوله صنع و کمال خاک و آبه بود کلو حسن و جمال **نثر** زهی حسن آرا که  
 خلق الله الادم علی صورته مصداقچه هر چیکه جمالنده جلوه نما اولوب  
 عین عتاق مشتاقه هر لحظه بر یوزدنه عرض دیدار و کشف رخسار ایلر  
**بیت** که سر سیم جلالش نشاره زین عاتق در وصف غزلای غزل خوش که  
**نثر** بر قادر و قدیر در که بر اوج خاک حقیر پر تو جمال بی مثالند  
 برو جهله لطافت و آن ویر که نیمه لر عشقی بولند ترک سرو جان ایدوب  
 حسرت وصالنده قان اغلر و سیما آینه سیماء صفاء نما لر باعث  
 غزل سر ایا نه طوطی گفتار و موجب شو کو یانه مدحت گذار اولو شاعران  
 سخن ساز و نکته پرداز او صاف خط و خالنده نکات عجیبه و ابیات  
 غریبه یله نیمه دفتر و دیوانه تدوین ایدوب هر مقاله بیک  
 در لو خیال بخلر **بیت** ای بکس آفت جهانکه تویی  
 که شناسد ترا چنانکه تویی **در نعت فخر کائنات علیه افضل الصلوات**  
 صلوات موزون ترین و تحیات مدحت قرین اول مطلع دیوانه  
 نبوت و مقطع قصیده رسالت اوزره ایشار و نثار اولسونکه افصح  
 العرب و العجم و ابلیغ الرسل الی صبح الادم در نظم قاری معجزه نظامه شعراء  
 سحر آفرینی الزام ایدوب سار و قابل **اوتیت جوامع الکلم** کلام انا افصح



بره فن فصاحتی حقیقتی تند زبوج تقصید اینست **بیت**  
 نظم بدیع سبک چهار بخش قصیده است بیت القصیده نعت جلال محمد است  
 صلی الله علیه وعلی آل الطیبین واصحابه الطاهین و من تبعهم اجمعین الیوم  
 الدین در بیان فضیلت کلام موزون و مرتب شعراء حکمت پیام و سخن موزون  
 ببلای باغ بیابان بلاغ غور و غار سحر سخنان فصاحت فروز اعنی  
 شعراء سابقین و نظام اقدمین **جمله** از من زمره لا خوف علیهم  
**ولا هم یحزنون** مضمون پنجم نیم العام ربانی دعوی فیض بکجا حبیب  
 ایوب بکار ضمایر در امواج افکار له کناره کلن جواهر غار و غواری  
 ولانی معانی و معارف بر له کنجیه اسرار الهی و حوریه واردات  
 ناقضا همی واقع اولوب اول در غر صنایع و بدایع سرای غیب و سر  
 لاریب اول اول این نقایس مقالاته و مقصورات نبات نکاته حلیه  
 حلل الفاظه رنور و رنوب و زینت دلغریب و بیروب قلوب جهانیا  
 فریفته و الفته و ربور و آشفته قلندر و شکم اول کامل کرامی  
 حضرت شیخ نظامی فتمه بیور **نظم** قافیه سخن که سخن بر کشند  
 کنج دو عالم بسخن در کشند • خاصه کلید که در کنج راست •  
 نیز زباز مد سخن کنج راست • بلبل عشق سخن پرور زان  
 بار خه مانند بلبل میگردان **نظم** حق حکماء حقایق شناس •

شک حریفه سینه لرو و دینه دل  
 کینه از قلوب الشعراء خزان  
 از من مضمون پنجم نیم العام  
 محسن

اولیاء دقایق اقتباس شعر الهام و شاعر امیر الکلام  
 دیشد **نظم** شعر برارد با **نظم** کالشعراء اولیاء الکلام  
 کاتش قدرت چو پریشان شوند باملک از جمله خویشان شوند  
 پر خر رازی که سخن پرور است پایه از پایه پیغامبر است  
 پیش و پس است صغیر یا پیش و آمد و پیش انبیا نشود فی  
 اول شیخ معنور و صاحب کتاب مشنیده شعر ثمره ولایت و علای  
 کشف و کرامت در دیو بیور مشد **نظم** از کرامت بلند اولیا  
 اول اشعارت و آخر کیمیا این سخن را نوند انر سر سر  
 شاعری جو نیست از پیغامبری **نظم** و دخی علما و حکما کلام منظم  
 و کلمات منتظمه حقه بی حد و لایعد فضائل و فوائد تحریرو  
 رخره اشارت بر فضل و عرفان و پیرانه نطق و بیان در شریف  
 و لطیف نند کور مشد در شکم فضائل فرس فضیلت که افند  
 بر فضیلت سخن باینده کتاب مستطابنده بیور مشد **بیت**  
 که ندی کوهی و رای سخن آفرود آمد بجای سخن و دخی  
**بیت** سخن آواز پر جبرائیل است فیض بخش دم سرافیل است  
 سخن از عرش برین آمده است سخن با قلم برین آمده است  
**نظم** حق کلام قدیم واجب تقدیم و مرقمان عظیم لازم التقطیل

بامیریت نام صح



نخایات عظیم و بنیات کرمی موزون و واقع اول شد در مائیل بحر  
محدوف لن تنالوا البر حتی تنفقوا مماثل بحر متقارب و یرزقه حیث  
لا یحسب مماثل بحر هرج تالله لقد انزلنا **نثر** خاصه که شواء  
عربک افصح عروضیکه کلام قد یکمل کلام بلا غنچه ایات عظیمه نک اکثر قطع  
اولنغه قابل و اسرار معانیده کرمی پایان اولد و غر جنتی جمیع بحور و قوافی  
شامل در دیو بیور شد در نه آنکه بودند غرض نظم قرار معجزه نظام منظوم  
دیگر مراد اوله و یا خود موزون واقع اولسی قتل اوله نک اول شیخ نادر  
نای حضرت عبدالرحمن جامی روج اله روضه و قدس کثره بحور **نظم**  
بسم تاج سقر است زانکه بجنیده برین مین است وزیر اگر موجب  
نقض بود در لغظ موزون نه زقرآن بود **نثر** حتی کلام قد یکمل مفسر  
و محقق و نکته دانه و مدقق لیزید فی الخلق ما یشاء آیتیک  
تفسیر نه و اد طبع موزون در دیو بیور شد در اگر چه بعضی محدثین  
قائده فخر کاشانه ز علیه افضل الصلوة کلام موزون صادر اوله  
یعنی اولنی دخی قصده مقارن اولوب صو و بولدر قال علیه السلام انا النثر  
لا کذب انا ابن عبد المطلب و دخی بوکه مشابیه و مماثل بحور کلام موزون  
معجزه نمون نشا حکمت یا نثر نواقع اولدر لکن ثوبی مراد اوله  
اما کلام انا افتخیر بکرمی فصاحت و نظم پر بلاغت ترغیب کرمی و

کرمی و بیان منة الشعو حکمة و از غزاله یار لیسر آبیور دلیله آنکه اول  
کلمات و علوم شعری حد ذاته بر امر مذموم و شوائ آنکه ارادی اید معاب  
و معلوم عدا ید و بکلام موزونند ابا و اجتناب ایدیدی **نخ**  
بنی در الکاشا علق یرشمر ید موسی ساحر لقی یرشمر **نثر** بلکه منکرین  
و شرکین انکار و عناد محال بولوب و قرار عظیم شوه حمل اید و اختلاف  
و اختلاف موجب باعث اوله سند بر حد ذاته بلیه شکم شوا فرس بیور شد در  
**نظم** آرزو از کوه قرار بشتش زار نیالود شوا انگشتش تانه خلق  
به کما در مانند کاین دو کوه مکر از نیک کلانند **نثر** کتب توار خیده مسطور السه  
ارباب اکمار هر مکرورد که حضرت آدم نبی و ابو البشر فی کسجه دما که متین  
و مهبط لغا اولین و آخرین در شر اول اندر صادر اولد و اول زمار که قابل حایل  
قتل اندر آنکه کوروب آدم صغی نک یکنند سکون و قرار کند رنج روزگار  
واله و زار اولوب مرثیه طرزنده بوبرق بیتی او قوردر تغیرت البنا و علیها  
فوصه الارض مغیر قبیح فقیر کل در طعم ولون و قل شبا الوجه القبیح  
فوالسفی علی هابیل ابی قتل فقد نظم القیصر اما بر سائل سوال  
انت که آدم صغی خود لسان سر یا تکلم اید در یوستند اوله از ابیا و منظوم  
کلمات عربی اولقنه در کلام معتبره صکله کلامی در لوجوا و ارباب  
بودر که و علم آدم الا کما کلامی و فیه یا حشر حق و فیاض مطلق







و متر نور جمال مطلق سیر یونان و یمن و لواء اقصی و بحر و بحر و بحر و بحر  
نقاشی و اثرش مؤثر مشاهده قلور لر **قطعه** **لؤلؤ** او در عالمه مجرب  
حقیق • بیورانی که عرفان صفت در **نثر** به تقدیر چه شو اصنای قدیمک  
وصاف لر و اسرار احسن تقوی یک مداح لر و کاشغر در فی المثل مثالی  
بکره بنار زینیا • و عمارت رعنا بنا و نبیاد اتسه اول جامع پر صنایع  
تغیج و تماشا اید ندر مدح و تحسین و ثنا و آفرین استر اول مدح و تحسین  
في الحقیقه بنایه دکلمه بلکه بتایه راجع در • هر کشیک استعدانه کوره  
بر آیشی • و قابلیت کوره بر وارشی اولور **بیت**  
بهار عالم حسنش دل و جاناره میدارد • **بیت** اصحا صور شرابور ارباب معجزا  
**نثر** و اگر شعرا نیک شو مجاز لباس و حقیقت اقتباسنده دف و تی و مشوق  
فی اشعار اید عبارات و استعارات کلمه ظاهره ناظر اولور باوصاف  
شراب و شاهد و خیال ساق و ساعد ملاحظه اولمیه لسا ارباب  
طریقه • و زبان اصحاب حقیقه هر لفظک به معنا یح و هر کلمه  
برستاسی و هر کلامک بر تا ویلی و هو تا و یک به تمثیلی اولور نیکم  
اول عشق میخانه شک پیمان به در و مشوق و فی الفاظک نکته ساز  
اعز خواج حافظ شیراز سق الله براح الرقة و روحه بیور **بیت**  
سخن شناس نه دلمر اخطا **نثر** • چه شنو سخن اهل دل مکه خطا کت

**نثر**

**نثر** و بالجملة اگر او صا حو نابد و اگر مدایح شاهاندر محقق حقیقین  
واهل البه و صحت آیین مذهبه خالق و الجلال و الجمال حضرت خدا  
متعاله عاید و راجع در جل شان و بهر بهانه **بیت** که لغت جلالتش ز سر بر مدح  
شاه جهانز امداح که ستود **نثر** علی الخصوص که ماد حکم مدح و عباد شاه اسلام  
و سلطان غزات ایام اوله بادشاه حضرت سلطان سلیمان و اسکندر دورا کبی  
مدح و ثنا کن اینک عاقه مؤمنینه فرض واجب و خیرد کان قلیق نامه  
مسلمینه هر وجهه لازم و لازم و در مدح بادشاه اسلام ظل الله الملك  
العلام اوله الملك اقبال و عرفان و ناظم انتظام انس و جان منج سلطین  
آل عثمان الا و هو السلطان بن السلطان سلیمان بن سلیم خان بن یزید  
خان خلد خلافت و اید سلطنته مجموعه اقالیم بعده ممالک محبیه سنده برنج  
ورق و جراید مملکت سینه سنده برایکی پیراق در عینه علیه سی مجمع ارباب  
فنون فضایل و سده رفیع سی مرجع اهالی و افاضل در کستان و  
وصایفند و صایفنده او صا مفاخره سن ایدر هزار عنادیل نظم  
صرا مد ترتم و شکر ستان مدایکده اصناما نره سن ایدر هزار طوطی  
سخن آرامتکم در بر صاحب قرائه پراقتدار در که ساعد و مساعد قوت  
قاهره سیه پنجه روزگار بر سر و سر و بر سر و بر سر و بر سر و بر سر  
در غلاف سینه شکافی ایدر جیاد جباریه نورشده و بر باد شاه غار



و شهر شاه صفا مغازید که نیت غر و قصد کافر عما یل تیغ مردم بلند  
و مثال سبیه اخلاص عنایت ظفر قرانی دائم البده در توجیه همت حمایت  
سرحد چین و انترها و روی زمین بر لحظه لای بولدر و کوش ارض زیر  
غریبته رنوب و ذلول در بوسطوت و ضلالت هر قنده بر عدوی  
دین و بر کیش سردار متمدن و آرایه قلجی التند مغلوب و مقهور  
ایدوب قوت قاهره دین اسلامی هر وجه اظهار و اعلام شد  
**بیت مولف** سام رستم کبی کار کارزار و حرب و ضرب •  
تیغی التند رنوب در سر اسر شرق و غرب **نثر** بر سلاطین عظیم  
و خاقان سلیمان زنده که هر خطبه خطبه سی او قنور و اقالیم  
سبعه سکه سی یور و بیک بر قلعه نوبتی او را **بیت**  
قافیه قافیه حکم اتنه الکنه کم ارشد ملکک سر حد رحد ظلمته  
**نثر** اقالیم سبعه سردار لر او کبی خادم خدمت گذار و ربع میگو  
شهر یار لر خدمت مند آل و عیار او لب عرض عبودیت ایدر لر  
معلوم دکل که عرصه خاکه و تحت افلاک که ذات اعلا و بی همتا  
معادل و مماثل بر ظل ابدی محاط اوله **بیت مولف**  
سلطان بر وجهها دار شرق و غرب • اسکندر زفا و سلیمان روزگار •  
لابه تیغ فتح آیت ظفر علامتی خیل عدایه کسر ایدوب ممالک ملوک

ملوک ملک روم و ضم اندوکی کبی نیام دهان ز تیغ زبان سخن و لایتنک  
فاتی و عدل و احسان آیتک شادخی اولش رذات پاک روشن  
نهادی مجمع مجموع علوم و کمالات و ضمیر منیر تا بنا کی موقع فیوض  
اولها ماند **بیت مولف** نه علم اوله عقل کل حاصل ••  
اوله عقلی آنوک کلینه شامل **سبب تألیف رساله و باعث تظلمه**  
**مثاله** بر کوبه که رنوب زهره تر تم شعر شعرا به ارکرب شعرا که مطلع  
آفتاب کبی روشن مطلع لر هزار شوقه تقریر و دبیر تیر اول  
مطلع لر مع که خامه زرینی ابله جریده سپهر برینه تحریر ایدر  
بن داخلی بوشوق و شغب در و حالت دوق طریقه خامه خوب  
خوامی و دفتر اوراق کفای الاله لب سر و قد لر و لاله رطل و صفه  
وارد اوله کلام موزون و کلمات پرفیض قبل حلول الاجل و بن  
ایمک مراد ایدوب بویلتی او قوردم **بیت مولف** کل الرطیفی دفتر  
دور مدین فلک دیوانه اوله شعری دیوانه و دفترایت **نثر**  
**نعم الانیس** کتاب التقیس مهنویج فضلاء سلفک مؤلفات انیس  
جایز و مصنفات انیس جنایه ایدوب بوشعر حسب حال و دل مقال  
ایدنشم **نثر مولف** مردم اهل دکر باینده یاریدر کتاب  
موسر و فاتی یار غکساریدر کتاب **نظم** کلیمه رمال و جاهی جاهاک



اهل عرفان کده مال به شمارید کتاب یکد زربیکان ندر اهل فضل  
جاهل المیزبونه نشوزنه کاریدز غنچه شوش دلتنگه لاند کوکلن اچوکل کبه  
صا کل صدر بر فضل غنچه کاریدز اولکشی بولده جویها اچکنده یارب غل  
ای اطیع کوکیمکیاننده یاربیدز **نثر** لاجرم الواحدة خیر من حلیس السوء  
مضمونجه تلوت علایق خلا یقین ال یویوب و پای اختلا و ارتقا  
دامر غلنه قویوب کینج فراغت و کوشه غلت اختیار اتمشدم و یقین  
بلمشدم که وحدت کبی راحت روح و غلت کبی بسبب فیض و فتوح  
اولز و غالمده قناعت کبی غنا و احتیاجد ز بدتر غنا بولمز زبنا  
بولمز غنی غلتره و غنای قناعتده بولمز و دامر طمع  
و حرصه نشبت ایدنلر بمن توکل و تغویض دین محروم اولمز  
ز ابنا و ده وقت کسی خوش نشود • خوش وقت آنکه معنکف کینج غل  
**نثر** بوطریق حیل و حدت و راحت و واسطه و وسیله اولوب عالمک  
دوست صورت و دشمن سیرت نامه صفت ایکی یوز لو و خامه مثال  
ایکی التوفیق و غماز و سود و حماز لرند ز امین و مطمئن اولدم  
بر کس دوستی کرد در شد آخر دشمنی بجا بخود کز نیستی دشمنی بدم دوستی کنم  
**نثر** بوطریق و زره دفا تر و دوا وینده انس نام و طوا میر  
و سخا بن ایله لطف و کلام و واردر کسب الاستعداد مانده معرک

معرفت لنت یافته سی و شه و فضیلتک علی قدر الحال د فوق چشیده سی آدم  
روی کتاب یار خوش منظر کی منظوم و تکاسد و بطالت منفور و محذور  
ایدر بوجوس و غنچه هر کتاب و دفتر نظر مرده بر دلبر نو خط و کمنبر  
و دلربا به به پیکر ایدر و حروف و نقطه صغیر غنچه ارنده مانده خال  
و خط اولوب هر خط مسلسل مسکرا کین مثال زلف کره کیم بر چین و زنجیر  
عنبرین کورینورد / و سواد ظلمت خط ایچم حضرت له آب حیات بولینور  
**بیت** آب حیوان که الکنه رتبار کی نیافت در سواد خط مکتوب مضمون یافته  
**نثر** خاصه که هنوز طفل نو آموز ایکن نظم انشایله انس و الفم و فضل  
و هنر صمیم جازه و جنانده توجه و رغبت اولمغین لیس لالان  
الاماسی موجب و احب الامل و فیض متعال کمال لطفند ز ماملو  
مبدول بیور و بخاصه قرینج عبارت فصیح و استعارات  
ملایم برله منظوم و منشود شرع و سینه آیام و بیروج سپهر مینافام  
کبه اونز ایکی عدد کتاب و رساله و منشآت و مقاله تحریر و تالیف  
اتمشم اتفاق اول روز پیر و زجر بوعبد عاصی پر معاصی ایله الیف  
و انیس اولمش و انواع معارفله معروف بر یاری ریا و اراده که بهر  
علم عرفانده بالتمام بهرم مند و نطق و بیان و عهد و نب لسانده  
بین الانام امجد و ارجمند ایدر و طبع پاک و لطف العظمی ایدر اراکله



طریق نظم و انشای عربی و ارمش و فن لغت معجم خلی آد چقر مشد  
و بر کامل کامل العیار اید که صحیفه خاطر و سینه سفینه و چون که  
ایات و اشعار و لطائف و اسماری شمار اید و اول قدر طالب فضل و حسن  
و داغ دیوان و دفتر اید که مردم البند و جراید و رسایل و مردم  
دلند و کلاما فاضل کتدر **بیت** وجود حلیه فضلیه حالی  
حدود مملکت نظم و نثره و الی **نثر** لا بد اول فاضل فضیلت مآب الله  
بو کتاب بلاغت نضا و ارد را چوب هر فصل و بایند و بوقفین خطا  
اند و مکر اول کتاب کرامی بر استاز حضرت شیخ جامی اید و فاضل الله نوره  
و قدس سره کتاب مذکور شیخ مذکور ریاض رضوان و حدایق جنان  
که سکر و ضمیمه تقسیم اید و ب بر و ضمیمه فاضل شعراء و عجم مراتب  
و مناقب بیای و مقادیر و مآثرن عیانه اتمش و اول نمط و نسق و نثر  
اول شکر استاز نظم طوطی شکر خای و کلمات شکر عمد لیب سخن  
اعنی میر علی شیر نیرایی نور الله مرقد کند و لسانی اوزن مجالس  
النفایس اول و بر کتاب نفیس ترتیب و تحریر اید و ب شعراء  
سلف فرسک بعضی اید کند و دیارند و اوزر و زکارند و واقع اول  
عزیز لک انقاس نفیس سن اول کتاب **کتاب** اتمکله اثر و جود این  
احیا و نام و نشان که در جای فایده ابقا اتمش **بیت**

دو چیز حاصل عمر است خیر و نیک ازین چو در گذر کل مر علیها فانی  
**نثر** و الحاصل اول بار قدیم و نمک کریم و بو پر کم و کاست دزد خوا  
اند که ولایت روم شاعر لرغی و ترکی عبارات ناظم لرغی عفی الله عنهم  
دگر اول نامه اسلوب و زراکمی و رسمی اید و تحریر و تذکره اید و ب هر یک  
کمیت کیفیتن و التعداد و استطاعتن باذل فاقه علی قدر الطاقه عیانه  
و بیای ایدم تا که بوند و خیر د عا در بیاد و روح رواند و شاد او  
موجب و باعث اول **بیت** جهان که حاصله باد فنا در همین بوند  
مراد اولن د عا در در بیای اظهاری کرد در **عج** و اعتدال این قائل فقر  
**بیمقدار** اما بگویند کم مقدار عا در عجز قور اظهاری اید و ب و و عهد  
اعتدال ایدم که شرائط ایجاد و تألیف و روابط ایراد و تصنیف  
بر التفات پادشاه روزگار و مساعدت مکنت و اقتدار در زانم  
مؤلف کتاب اولن تشوش معاشد و وقیدانتعا شدر فارغ البال  
و آسود حال اولوب مانند سحر حلال ترین مقال اید و و هم بر صده  
چوق حد بلوغ و سعی در یغ کرک که ارباب فضل و کمال حضورند  
فی الجمله توجه نظره قابل اوله زیر ابناء زما را عایتد نازک و نکته دانه  
اولمشد در بر کلام استر که انواع صنایع شامل و بر لفظ دیلور که  
بریکه معنی اخذ اولمغه قابل اوله و غیره و دملر دکل افاضل کمال



بدیع و عجیب و سحر و اعجاز و قریب تألیفات و تصنیفات شیع و تفرص تشکر  
 هر برینک سلوب غریبند عقل چاک و طرز دلفریبند ادراک متخیه  
 ولادتیناک اولور **بیت مؤلف** سوار کور و کور بکرتظم فسوز ساز لرین  
 دیه سخا ره که واریه بودر که حلال **نثر** علی الخصوص بوجه فضلا  
 و فضیلتا دیر و درایتین بیایه انک خلیج به کار و بودر شرا و بلعای  
 بر بریند بفرق انک غایتده شکل و دشوار درو هم بومینه کم بضاع  
 اول قدر بضاع و استطاع بودر که اهالی و فاضل مراتب و مأثرن  
 تعین و تبیین ادم بلکه بواشه مباشر اولنک مقادیر عالیله در بره کی  
 و فضل و فنون ایلد شهره کی کر که رکم پیش و کم هر نه که دیسه مولانا  
 فلان الدینک دیوزمانه هر بر معتدک و طائفة اهل تقلید ک  
 مانند نص قاطع و مثال برهان ساطع یا ننده مقبول و مسلم اوله  
**بیت مؤلف** تشخیصیک و بدقنی تقلید در همان او مرین که دک  
 کشیده تمیز اوله **نثر** کینه خود بر درویش بی نام و نشان و دریش لامکان  
 و بی خانان شوریدا حال و شیدا مشرب و دیوانه زنگ و لا و بالی مزج  
 نه دولت دنیا یلا اهل قدر و نه فضل هنر له صاحب صدرم  
 بو مقوله شخصک تمیز نیک و بدین کم فرق ایدوب سچر بلکه بنم کبرنک  
 طلمذ غرض سخی در یک **بیت مؤلف** آفتا اولسک کلید ستر ایدر لر در بیغ

حایل اولور

حایل اولور رشاعی فیصنکه مانند منبع **صفت اهل حسد و احوال ارباب**  
**بعضی و ر** خصوصاً زمانه ارباب حسد و بد بین و بد پسند غایب  
 به حد و نهایتده لایعد در هر برینک صفت حالنده اکیس و لایسود نکته کی  
 مرسوم و نامنه اعمال و افعالی ارقام بغض و بخله و قومدر اکر اقام  
 علوم و فنونله انواع حقایق و دقایق تألیف و تصنیفکده اصناف  
 صنایع و بدایعه درج ایدوب نمونه سحر حلال هر مقاله بیک خیال  
 انشک بعضی سوار سر حد اعجازه ایلنک قدح و تعیبینه مقرر در  
 و اعتراض و انکار هر آینه مقدر در **بیت** منکران را و طوطی عارفان  
 نبود قبول کافران را معجزات انبیا که با ورت **نثر** بوباعثه  
 انبیا حسد و امثال و اقرا کچندلک اکثر بر برینک عنوانه  
 و رجحاننه قایل و لیوب اناخیره منه دیچکلر غایتده ظاهر در  
 و هر نه قدر کفرین و کزیده ایک کوزه کوثر میوب خلقه فضل صفا  
 ایچون هر بر فضل و صهر کی معروض عیسیده کوثر ملک قادر در اکر محل  
 تحسین و موقع آفرین اولسه بر قور لرینده عار و التماع و اصفا  
 استغنا و استکبار ایدر لر بو علتده که اهل هنر چه چو قدر و بر هنر  
 کسه رشک و غبطه یو قدر لاید بوشانلو کس محسود اقرار و تو  
 طعه و حسد و تشنه اولور لر **بیت** چشم بواندیش که برکنده باد

واردات



عیب نایب هنرش در نظر **فخر** و اگر حروف نقطه در خط و خطا، کلاه و غلط  
واقع اولوب بزاده صاده اوله سبب سوی ظن و باعث دخل طعن  
ایدهوب ذم و قدح محال بولور لر و انکار و اهاشله نگاه ایدهوب  
نقد بر پنهان ایه بر اولور نسنه پنهان ایدر لر بیت **لؤلؤ** بر عییک ام کور  
بیک هنر اولدر کورتن همار نظر **صفت شات دوم روز کار و حیات**  
**تأثیر چرخ متقلب** لؤلؤ ارمع هذا زمانه مقوله فخر و هنر  
اولقدر متاع معتبر دکدر که موجب دولت و مستوجب عزت اوله بلکه  
موجب ذلت و مور شفق و فلا کدر **نظم لؤلؤ** شاعر ایدر پیر عیب اولور  
اگر اوله هزارار بفضلله فرد | انکچو نظم غر اولدر معدوم  
که نا اهل اولدر ممدوح اهل مذموم **نثر مذاق اهل دنیا دین**  
لذت شه معرفت کمتد روشاهد نظم و نثرک محبوب که شته سقا  
بمشد رفیقو نکر اکثر کتب منسوخه کی عملد ز قالمش و سیوف خطیا مشاک  
روایای بیوت سیانده رنگ المشرار باب فضل و کمال دور انده  
پایمال و لایق قد و شایسته صدایکن ازل و ادنر کج بر لر صفت  
نحالدر بیت فضل اهل جهانده خور محتاج هر غله عزیز اهل  
دیباچ **ها اهل ندویمه سر بر غرق عارف سرو پاکن ایده فرق**  
خلق عالم جلیغ **هاله ایلد** روز یوره دو شوب فضل و هنر در **مستغنی**

اولش و فخر بیک

اولش و فخر بیک لذت شهت و شهوتده و دیا و ریاستده بولشدر  
بر مرتبه حائل در هم و دینار و بنده دنیای غدار اولشدر که بیک  
در لومعار فخر بر ذره زینت **ها** رخا در فی خوار کتره یک کور لر جیه  
ایشایی و مجموع **نظم دلکشایی خود کیم او قور کیم دکدر بیت**  
معرفت نیست دین قوم خدارا بپی تابدم کور خود را بخیر یاد کمر  
**نثر و بالجه** بو کور قیمتدار که قدر و قیمت بیلور بر صراف کلام و معنی  
ناقص و تمام قالمشدر که اکا عرض هنر و اظها کر ایدر ایده سن طو تلم  
جواهر کلامک و کلمات لالی انتظامکدر ممکنه اولش دم نقدله  
جوهر بولش کور هر کیم **صنعت سن و اول در تمینک** سنکین  
بولاجتی پاره سنک بیانه می انرسن **بیت** قماشه قیمت اولماز مشترکین  
که بر پاره طشر جوهر سیر زمانه خود تمیز نیک بد و ادعا  
قبول ورد بر مرتبه در که فرق خطا و صوابده نقصه تحسین و کماله عا  
ایدر **بیت** پوی نهفته رخ و دیود کر شمه حسن بوخت  
عقل ز خیرش که این چه بو العجبت **نثر** محصل کلام و ملخص علم  
اولدر کی فضل و کماله میل و رغبت و متاع معرفت قدر و قیمت ایشی  
تمام اولشدر بر سنه که زمانه خراید اوله اندر اصله نه عاید اوله  
واکرتالیقدر مراد عالمده بر اثر و سبب عا **خیر ایه** بو نکر کی رفاه



اثر قویوب نه قدر نام و نشان استی اولم و پیر لکده چنگ او کز یوب قیامت  
چلم عنوان جوانیدز بواند کن تعب بی هو چکوب منظوم و منشور  
بویک کتاب و رساله و منشآت و مقاله تحریر و تدوین ایتدم بر ندر  
بهره مند اولدم و برسی مقصود وسیله اولوب حصول مزاج و وصول  
بولدم **نظم** هنر غنی خود آیام آرا بکسته دلم بکاروم تجارت بدین متاع  
متقی که مز از فضل در جهان دیدم هم جفای پدر بود و سله استاد  
**نثر** و هم تکیه و تالیف کشیده فی المجال مجال و وسعت حال کرد که ترتیب  
الفاظ و معانی ترکیب اولیایق مواقعه حلل خیالات و حلیه  
نکات مجلی و مزین اولوب محفل قبوله قرین اوله روزگار محنت غبار  
بو حقیق خاکساره کرد در دبی شمارده کوز می آجدر که دنیا یوزین  
کورم و بودل رمیده آرا میده اولوب جمعیت خاطر می میترا اولور که  
عقلم دیروب بر قیج سوزه ارتباط و انتظام و یرم دم اولور که آتش غم  
و آله دود دلم کو که اغمیه و سرهام حوادث چرخ اوقی کی فلک ز او تمه  
یا غمیه **مطلع** **لؤلؤ** بکابو طالع بد غنی یارب بویک مجتشر بوکونا کوز  
ملا متبر بومر عسسه اختر نثر پس بو قدر آلام ملا لاله طبیعت کلال  
بولشکن بود افکار کا فکاره نه مجال و بودل افسر و خاطر نثر مرید  
قیل و قال **لؤلؤ** چلی اوله دیر سن ع کی شعور ترا نکیزد خاطر که

خاطر که حزین باشد **نثر** و الحاصل نهایت اعتدال و غایت اطناب و انثار اولور  
بودل ناوارد و ناشادله بویک عموم همومک همجوند عقل عقیم و طبع  
سقیم ایکن بو شغل عظیم مباشرت همایه سبب خنده اهل عرفان و باعث  
ضحک طعنه زنا و اولور بیت **لؤلؤ** هیچ دله زده د شور مزور دهن ضلع  
دو شمشور که

عالم مخصوص بو نکر زبانه و بو مقوله آوانده شعر او نظایا کچون تذکره و  
یاروب عقل او فها دخل و طعنه و لوم و سومنه مظهر دوشمک سیمط  
فکر صحیح دندور و صوب صوابه ز صده صلیه بعید و ماکور در زیر آفتاب  
شاعر و متشاعر نامعلوم اولوب عرصه نظم مقلد و اهل تقلید ایدلور  
طولش و السنه معتبره هر بر لفظ قالمش تکرر بتکرار مخلص اولمش و کجور  
و قوافی ندر بلدین و تقطیع اوزاندر خبردار اولمیدین هر کلتا و اوقیان  
شاعر و ایکی مصرعه قادر اولور مبدع و ماهر کچوب و بیش بیت مالک  
اولور جواب پنج کجه قصه ایدوب صاحب خمه ایدلور هم پنجه دریلور  
**بیت** **لؤلؤ** شعر لطیف اولور ایشی بلتی یوز دیلور عالم مقلد اولور  
جهان صنعت او غریبی نثر عجب بودر که شعور شعور بلین لرو صنایع  
شعریه اصلا شعور در او میوب کند و شانه ملایم و مناسب بر مخلص  
بولامینلر کخنده اولمیدین سخن زانلق قصه یز ایدلور جمله کلام مؤثر



قادر او بخند کند و در زمانیکه حساسی و دور آنکس کلماتی تصور را بدو  
**بیت** کشیده ایشنه کوره کمر لاف که دگر اطلس زربور یا باف  
**نثر** و اکثر نیک و راق اشعار این تشیع و تخلص ایدر او لیسک کلام  
مأخوذه سنگ مأخذ معلوم اولوب هر برینی بر دیوانه ز المش  
و هر معنای بر صاحب عرفانه ز چالش در خاصه که الفاظ نظمه  
اغز یقشمز و کندویه اسناد ایند و کی صنایع و معانی اصلا اغز  
دو شمر امانه نظر قلک ایراد و ابراز ایند کلام کرامت پیامه  
رشته لر نیک قطعاً مناکبتی و شول و لده بگز که والدینه اصلا مشا  
اولیه **مصرع** خندیده بود آنکه نمائند بجزاوند **نثر** مضمونچه سخند **حباب**  
عرفانه اولنر کور که بیلور لر و کند زاج طبعی ایدله غیر که خاصه قریحه  
معلوم قیلور لر **بیت** اگر سوز کوهی عالم طولودر بیلور صراف  
اولن اولر طولودر **نثر** بود و جهله هزاد از و نا خلف غارتگر معانی دیوان  
سلف اولوب صنایع مستعار و عاریتی شعار و دثار له کند وید غور  
ویروب و بکرو فکره قادر اولدم دیو بره کو آلتیلک کرده که کرور  
وند وینات متقدمین دنه افراز و اقتباس ایتد کلام معانی مأثور  
وجه تجاهله ز بریم احوالیده خاصه و تزیاید در لر و سرقه صیر  
معلوم اولر **صحت** تغافل ز تهمین و توارد در در لر و کی بر قج

الفاظ نا حریوطی بر نچه تشبیه و تمثیل بمعنی و مالا یعنی ایدله مخلوط  
ایدوب کندوی صاحب کتاب و سخن کداز و نادره روزگارم دیو  
رغم و پندار و استغنا و استکبار له نه حضرت شیخ نظامیه و نه حضرت  
مولانا جامیه باشی اگر بگویند زعم فاسد و خیال کاسد قولنوی کند و لر  
عدد شعرا دز عتد ایدر لر فوق الحد و لایحصری و لایعد در **بیت**  
چوق اولدر کر چه پوز بجز نه غوامس بولافز بیگانه بر کر و هر خاص  
اک بکمند و کلک شاعر ادنی خالجه دانا و زعمی مولانا کچنوب انا فیرد دعوا  
ایدوب اصلا سلف و خلف قایل دکلدر بوندلر سن نجه القابله تحریر ایدر سن  
و بر بر ندر نه و جهله تقدیم و تاخیر ایدر سن و هم بوطائف حد در نیر و  
و عدد دز افزون در اگر فردا فردا هر بر نیک اشعار ندر و گفتار و کردار  
بر قاج سطر مطور اولور سه اقلام و اشجار و مقدار بحار و صیایف  
روزگار و دقائیل و نهاره صغیه اگر بعضی تحریر و بعضی تأخیر  
ایدر سک ارباب نظم دز نجه اخوان و عرفا نکر بو خصمه صده بو فقره  
خاطر عاطف قالور و یارای قدیم میانشده باعث و بغض و عداوت  
اولور و نامی بوز نامه حر دگر اولند و غنچه منقبض و منکسر اولور خامه  
سید زبان و نامه طعنه ز تاز که اولور اولر حرف اتق و کمال  
و فضیله انکار ایدوب کند و کی خلقه فضل و غنچه حقیر تکراره کند



فلانی ذکر اتمش و فلانی کما هو حق حق و یرو ب فلان محلی مرغی فکر  
 اتمش فلانی تقدیم و ترجیح و فلانی نزدیک و تقبیح اتمش دیو حقد و  
 بجه بهانه علی علی علت است لکن که بود تقدیر چه تحریر تذکره بجه میسر  
 و متصور در یو باید بر کتاب تألیف انکار آفر فتنه بر چه  
 پاره رساله و مقاله تحریر و تصنیف انکار آفر و اساندر لطف  
 ایدوب بو خصوصه الحاج و ابرامی و الزام و اقدامی و فروع و دفع  
 یور کم بو صوبه صواب الکنز دیدم بیت چهار باشد ز باشد  
 هب گفتگو در آتی حرکت که بلد را پس اول در دیار جواب داد ز  
 آن یار و فا دار بدین بی قدر و بی مقدار و قنایم اول یار صادق  
 و مخلص موافق بو کمینه گنزد ز بو امتناعی السماع اندر اصلا  
 بو عذر می معذور و بو مقول بهانه می مقبول کور میوب انواع  
 مقدمات مسلم یله حسن خطاب و رد جواب ایدوب احسن و جوه  
 اوزره اعتراضی دفع و احترامی رفع ایدوب دید یکجه  
 ایراد و ایراد آنکه کل جوابده صواب یوقدر بو گونه خاطر خطور  
 ایدر او هام خیالات چه قدر بلکه تعلل و تکاس در ناشی اولور  
 بر او لزوم و اجمال و مشا علیه حمل اولور بر او لزوم غیث افسانه  
 عاقل و عارف اولور که تحصیل فضل و شرف با چو حضور نفسی

بر قی کوز

بر قی کوز بر طرفه اید و بوجهها ز فائده بر اثر باقی قویه کیده زیر که  
 متاع دنیا در مراد بر خیر دعالیه ایو آد در سائر اسبابی خسته خصما  
 و میراث یاد در رباعی **لعل** عاقل اولور که قویه دنیا بر خوب اثر  
 اثر اولمینک کهد که برنده یل اسر بوجهها ایچره آنکر کم اثر بر بقیدر  
 اولر اول خسته صفت زنده در دنیا محشر نشتر اگر چه بازار روز کار و کارگاه  
 دار و دیار چه متاع معرفت کالاء کاسد و مقوله نظم و انشائیم کماله  
 بر امر زاید در خاصه که زینت اسیر لرینه و زعانه نکش شدت نما و زین  
 پذیر لرینه اول قدر لازم و مقصود و مهم و بیرون دکلر لکن چار لوی  
 معارفه کتیت کلام کثرت و غیار نه واقف ناقد جواهر سخن و یاع  
 پرسم و ثمن بیک عارف بو لغز رنگ الوده کشینک زو کو هر بو لرینه  
 علامه بولنیاز مشتر اولور **بیت** اگر قیمتی کو هر غم مدار  
 که صنایع نکرد اندت روز کار **نشتر** هر که زیور فضیلت و حلیه اهلیت  
 ایلد مزین و مجلی اولر اسباب موقوفات دنیا و تیه اولما مغله فقر اکا  
 نقصان و یرمز و اسافل ادنی نک نظر دوتند ز اکادنا و ت ابرمز  
**بیت** اهل هنر ز زر هنر در زر خاک در هنر کو هر در **نشتر** فضل  
 و هنر مناجیب و قرآنه نافع و نه جهل حماقت تحصیل مال و مقاصد  
 مانع در **بیت** دولت نه با کتساب فضل و هنر است **بیت** با حکام

خصما



قضا و قدر است **نثر** عالمه و در معنی آرایش شکل و صورت و کشید فضل  
و هنر دولت و در تبت کوره اول و خار در کل تر و خار در کهر صادر  
اول و رنج کج و برانده بولور **بیت** چها معموره بینه عرضه قل کل  
بو و برانده کو کل کو کجینه **نثر** شول که لباس فضل و عرفان و ثواب  
معارف حقیقت انسان در **مور و عیان** در هونه قدر مال و افر و جاع  
فاخر اوله لا فقر باشد **نثر** الجمل مغر و منجه عند العرفا مغلس و بی کسی  
و دوند و حدر مال و منصبی اگا فضل و بر مز و جاه و جلای پایه  
معرفت کم پایه سنا یر مز **قطعه** **نثر** جملہ بکیز جها نذ فقر اولر  
فتی تحسول جهانده جاهددر ماله ناقصی غنی صند اول کشید غنی  
کاملدر و در غیور مشد **بیت** که فرید و ز شود بنعت و ملک  
به هنر ابھی کس شمار **نثر** و مشقت روزگار در ز مشکئی اوله  
زجت دنیا علامت راحت عقباد و فقر و فنا نصیب انبیا و اولیا  
و رخت نصیب مردم و آلا که بود **نثر** و بار بار غصک انکار و احقر  
اعتراضند اعراض و احتراز اتمه که نظم پاکه تمام قدر تر و فن انشا  
احتراز هو و جملہ استطاعتک وارد در نظم و نثر کلام طر و طر  
موزک و سلوب نغزته هو و جملہ عارف و سوق کلام و اقتضاء  
گرام کلامتکم و کلمتته و کج و کور استنه کا صی و افعین نتج

مستوفی ایله

مستوفی ایله احوال شعرا به بالتمام شعور ک **نثر** و قوف کلی  
ایله مابین لوند ماس اولار تفاوت و تباینه اطلاع بی قصور ک  
وار در بو قدر تالیف و تصنیف نتیجہ بلوغ طبع سلیم و تصرف ذهن  
مستقیم در بجد ابداع سخته سلاقت طبع در اکل و تصرف  
ذهن پاک و ار کیمده نه با گل و اربور عطیه ربانی و هدیه یزدانی  
بر نواله در که قولنه جانب حق در حواله در قبول لطف کنی و در اخدا  
دادا **نثر** خواجہ حقه باطل دید کلرند ز نولور اگر ظاهر  
انکار اید که باطنلر سیلور خلاصه کلام و نتیجہ و ارام اولر که تحریر  
و تالیف شروع ایدنلر و یف حرف کیر لک حرف اند سنده غم چکر  
مثل شهور در که سرچ در قورقن طار و اکز **بیت** در بار محبطار که  
پاکست از چوک دهانر یک چه پاکست **در بیان افام و اثبات**  
و کر چه زمانه در شاعر و متشاعر فرق اولما یوب و اهل اولنر اهل  
امنیاز بولما یوب فن شعور ک عرضی بوزلشد و میدار کنی بیر سوچ  
کوی شاعر در دج و دل طولشد اما بوطائفه دخی بر قیاج قسم در  
**قسم اول** شول شاعر مبدع و ناظم محترمه در که خاقه قریه کنند  
فکر بکره و خیال خاصه قادر اولور بو مقوله شاعر سید صبح القسب عالمه  
کم یاب و نادرا اولور و بر قسم مجر و در ز طبع مالک و اهل و طبع



بوله و غی سخر نظم آید کید و آنو که کند وی شاعر حقیقی تصور ایدوب  
 کتل شعاده عدا ایدر ارباب نظم ایچنده بو ورتبه چنده هنر و مقبول  
 و معتبر دکلر شکم فضلاء و نرند بر سرور **شعریت** نظمی نیست جوز در مکنون  
 سهل باشد طبیعت موزون **نثر** اگر چه طبیعت ثبوتیه انسانگر اکثرنده و نلشد  
 لکن ایجاد جدید ایدله کوزک و حی و مرد و مرد دله و بر یلمشد رنکم هر خاک معانی  
 سببه دز خالی دکلر فاما هو خاکه معدن نیم و زرو و هر دیار دز و گو  
 بولنم و هر غزلک نافی نافی اولم **شعریت** کو هر پاک کر که که اوله قابل فیض  
 یوشه هر شک حرف لعل و بدخشا از اولم **نثر** و شونم که بو طائفه دز  
 مقوله دز در اولم دخی بر قیچ قسم اوزره در بر قسمی ایراد نظمه چنده  
 قادر اولم یوب بو فنده قاصد اوله و غی جلدن یا بر شوک مخلصین دکنر  
 و یا خود ایچنده بر قیچ یا راجه بیتن او رر ارباب نظم میانشده بلکه عامه  
 ناس باینده بو حالت غایت قباح و نه باینده فضا حده که عاقبت  
 دزدیده اید و کی بیسنه یا بر کسنگ جو نکنده و یا دیواننده بولنور  
 هنر اتم صانور عین بکورد در بر قسمی دخی کلام موزونه قادر اولوب  
 قَلَّتِ قابلیتدز خیالات معانی بوله مزونم فهم و کند طبع اولم غین اجتماع  
 صناعده موجود و مبدع اوله مزنا بقصور از اشعار سلفک معنایین الود  
 و عدم قدر نندز سر قیچ معناد اولوب خاییده کوی اولور **شعریت** **مولف**

ترجمانسر برای یکی کوزند در کم دیدم طفل نادان خاییده دوسه بیه مر  
 و بر قسمی دخی معانی اشعارک الفاظ تغییر ایدوب بر وجهی دخی تغییر  
 ایدر اماینه صنعت و خیال و نتیجه و مأل بر اولور بو مقوله سارق  
 کلام و معتبر عوام دیر بر وجهی چنده هنر و مقبول و معتبر دکلر  
 و بر قسمی دخی لسان آخر کین سخن کنارند ترجمه و تراش و یا خود  
 بر معنای کور و بیا و لکی دز و غروب تضمین و افتبا کای ایدر بعض  
 فضلا قاتنده بو مقوله دز دحسن در و طر قیغه اوله و غی با عتدز  
 اقسام و نوره یه نسبت سخن در بر قسمی دخی استاد کل نظمده بر معنای  
 کورر بر نکته باریکه دی آلت ملا حظه دشر رطبع پاک و لطفا در کله اول  
 معنادن بر معناد دخی خیال ایدر و اول صفتدز بر صفتد دخی انتقال ایدر  
 بوقسم شاعر مبدع کبر اقسام و نوره دز اولی و ناظم محتسج کر جمله  
 اعلی در **شعریت** **مولف** دوزمه قوشم سوزا و غسی چوق اولور  
 شاعر اوله که مبدع اوله موجود اوله **نثر** و با جمله اگر چه شاعر موجود  
 بیکده بر بولنم اما د اثره مرد بمقداری معنی و معنی مرانیه انکار اولم  
 هر شکوفه تک بر لطافتی و هر میوه تک کونه لذتی وار در وقتیکم  
 اول یا خالص و هوادار مخلص هزار دلائل موجه و مقدمات کسلیله  
 بو خصوصیه بو کینه کمتر محکم ملزم قیلد و متعلق و بهانه دز نه طریق



قیاسه بولم الدین دافی راه مخالفه انصار و انصاره انصار  
 ایدوب کورد مکه کلامی حق و مقداتی ستر مغلق هر جوان عین صواب  
 و هر خطابین مستطاب بلام با وجود که ضمیمه جاب و جاب از خلیل بر خاتم  
 ایدوب خلاف رضاسن و تقیض مقتضاسن منزه بفتوئده و روت کور و روت  
 مأمول و ملتسن قبول قرین فلام بحمد الله الملك القديم و بسم الله الرحمن الرحیم  
 دیوب مناظره و معارضه در رجوع و تحریر تکرره به شروع اندم  
**ابتداء و کتاب تذکره الشعراء و افتتاح تبصرة النظما** شول شعراء  
 فضیلت کزین و نظمای بلاغت آیین رحمه الله علیهم اجمعین که  
 ولایت رومده صدور و ظهور از انتشار در و یا خود دیار آفرین ظهور  
 ایدوب ترکی عبارت ناظر طریق کتمش در نظمک انواع و اقسامند  
 هر بر بر فند کامل و بعضی طبعی جمیع شامل نظم مشهور غزل و قصیده  
 و رباعی و قطعه لغز و معانی و تاریخ و انشا اقسام و نبیره نکش مکارستند  
 کمی یک فن و کمی متفنن در اگر چه شعرا در بعضی بوانواع عکس بعضی قادر و اول  
 لکن جمله ماهر و لائق نادرا و اول و رشک عند الفضلا و البلفا مدوح و ستم  
 اولن مشنوی شیخی قصیده احمد شونجانی در بواج و نفر فاضل بو  
 اوج نوع فنده او تباد ستم و مقبول اهل عالم در **بیت**  
 او کو بخش کا دیر لکه او که اهل قبول و ردی نادان که او که کل **نثر**

نثر اما عوام الناس که گزیده تمیز و لیو با کما بر نظمک نکات ابیاتن فهم  
 انکده قاصد اوله طرر احل در مدح لایق اوله لور قدح و قدح ستم  
 اوله لور مدح ایدوب **نثر** تمیز او کمر بیکر سن دکه شانده  
 ولی عارف کچینو رجوع جبهانده **نثر** و تشخیص و تمیز له محافل مجامع  
 شعور در شعور فرق اتین هاجهل ناس و نادان و ناشناس ابیات مشکله  
 پر نکات و نکته دانه حقایق کاشکی نکته و عقده حل ایدوب کایر ارباب  
 نظمک بر اوج کنی تفصیل و ترجیح و کنی تردید و تعبیح ایدوب لاجرم  
 لازم و لابد اوله لیکه شعراء ولایت رومک نظم بی نظیر ایدوب مشهور و معتبر  
 اولوب السنه ناسده نامی اشعار و اشعار انشار بیون و نام و نشانه  
 اشعار و عنوان بو کیم یوب غیر مشهور اولن شعراء فضیلت شعرا  
 تذکره ایدوب بوزمره نکاذ عان عیار را بچیز به خصوصه بر کتاب  
 تحریر اوله و هر بر یک معیار مقدار محبت فن شعرا نده بولنه لاید  
 اجماع و اتفاق اهل عرفان و اعتقاد یار از نکته شناسان از رجب  
 الامکان اسمی و رسمی ایدوب دفتر و تذکره ایدوب و ایت بایه کفار و هر یکی  
 مقدار و لیافتن و قدرت و استطاعتن و بر بر بند مرتبتن و هر حقیقتن  
 و نه فنده مکارسترونه خصوصه مهارت و ارد غنی و صوری  
 نه و زکار و نه قلمی دیار مکارسترونه شعرا و انشا دیوان



ورساله در داستان و مقاله در نه تألیف و تصنیف اند و تحریر و تألیف دو  
دعوا الله و کی گند و فرجه سندر صادر اولمغ خاصه ایجاد میریوس  
زبان آخر و واقع اولن سلفک تدوینا تندر ترجمه و تراش و افراز  
و افتباسی میریوس **بیت** **اوله** متاعه ایک دلال اولنلر کچینور خواجه صاب  
بضاعت **نثر** و هم مرور و کار و عبور لیل و نهار له چه شاعر فضیلت  
اشتهارک ابیات و اشعار و اشتهار و آثار و اشیا مبتیا فراموش اولو  
نام و نشانلر چها نمانیده ناپدید و ناپید اولمش و اول افکارنده  
لیل و نهار افکار و فکر اولوب عمر لر خرج اند کلر رخ فتر و دیوانلر  
و داستان دلبستانلر و اوراق ابترکی کنج حمل و خفا و پریشان  
و پایمال اولوب قالمش و بعون الله الملک المتان اول فرقه فضل و عفا  
ز وایائی بیوت نسیانده عرصه ادعانه کتوروب بو کبیده ناملرین  
و تذکرلرین بو تذکره ایله موجب ادعایم بو مقدمه منواله چه بریک  
تدوین الله و کی تألیفاتی و تحریراتی و کی اشعار و ابیاتی سعی و طلبه  
بر بر بولدم و بچه زمانلر حبت و جوینده و یک پوینده اولدم و اشعار  
و انشایه متعلق نه قدر دیوانه و رساله و داستان مقاله و ارایه  
تتبع و تخلص قلدیم و مدت متاد رسال خرجه و رود کار دین سخن  
شاکس و افصح ناکس و عزیزلر و استغلام و استفسار ایدوب فضلا

فضلا محبتلرند و باغاجعتلرند محل و مناسبتله او قن شعر رنگینی  
و صایف خواطر باراند و دفاتر ضمایر اصل عاقده بولن نظم کربن  
شواء ولایت و ملک و ولغات و مصنفاتیلر جمع ایدوب هر بریک  
خوب مطلعلرند و مقبول طباع رنگین مشورلرند و ولایتی التماع اولن  
ابیات معنویلرند و مفید مفردلر و نافع رباعیلر له نازک مطایبه لرنند  
و شوانکن بر بر یله واقع اولن لطیف ملاحظه لرنند و بو تذکره یه تحریر  
و تطبیح ایدوب و هر بریک **بیت** **نثر** **طبع** کهر بارند و کزیده ابکار افکارنده  
بو مجموعه لطائف و سفینه معارفه درج اندم تلکم بو مطالعه مطالعه  
قلندر کلاملر کتبتند و متکلملر کیفیتن معلوم ایدوب قالدر قائله  
انتقال و فعله فاعلی الله لال ایدو لر زیر احکمن و رک مقدار **مقدور**  
معلوم و کردار کفایتلرند و مفهوم در اما شعراء متوالک اکثری  
مطلع کوی اولمیوب مجر بر مطلع ایله کیفیت طالریه مطلع اولما  
قابل اولما دغی باعشر اکثر یا و چردانه بیستی یازلر و بعضی تنک بردانه  
غزلی غایتده کوزل و معمور و مرغوب و بی بدل اولدوغی حیثیتند  
تمام تحریر اولند و بعضی محل و موقعده بو کتبه کم بضاعت نظر ظمیر  
مناسبتله بعضی ابیاتی ثبت و کتب اولند و اخوان کرم و هم تعجیب  
و تقبیح اعلیلر که بوفقیه حقیر کچیز فن شوهر بویو قدر دین ارباب



حسرت اسکا قی و مجتهد بونفیک اثباتی اینچون در بوند قطع نظر مصرع  
غرض سوز در قلمانی بر بهانه شری و بون کتاب مستطابی جمع اند کرده **عند ذکر**

**الاولیاء تنزل الیهم** مضمونچه تیمنا و تبرکات شواء مشایخ رومک  
مقامات علیه لرنو مقالات کسینه لرنو سلاطین عظام صاحب نظامک

السلطان ظل الله فی الارض موجب تعظیما و تکریم مناقب ماثره مستقل

ایکی فصل ایدوب باقی وزرا و اوری و علما و فضلا یی سایر طوایف  
سلاطین آل عثمان در سلطان و اعدا غار ز مانند زیادت هر سلطان  
سلیمان صاحب مغاز در و رند تاریخ هجرت نبور سینه ثلث و خمین و شمایی  
کلین حروف تاجی اوزن اسامی سامیه لرو و مخلص نامیه لرو بوند

تکریر اولوب حروف تاجی در قفسی مقدم ایسه اوج حرف دکن  
اعتبار اولند غفلت اولنیم چونکه قواعد اجری اولونه حیط و غلط  
بولنیم اگر چه بوقاعده منوالجه پنجه وضعیک شریف اوزن تقدیمی لازم

کلور اما بوقدمه اسلوب پنجه و نکته شرف المکان بالملکین معوجین عند  
الاهالی محذور و مقبول اولور اما بعد از خواندن عرفانده ما مور

و مسؤلر که بوا و راق و اطباء قی نظر شریف لری ایلر مشرف قلده قدیه عبید  
صغیفی بعینه عبد اللطیف فتح الله علیه ابواب الطاقه حیدر عابله یاد و جال

مکین شاد اتمنه لطف لیس لرن و کرم بر درین لرن درینغ بیور میلر **قطع**

**قطع** لولف اولد اراش د عا که چو لطیفی محتاج احوال فرد و کف الطاف هم

هر که الی کله آیین و مودته آتی کس در هیچ دیرغ ایلزار باب کرم  
چونکه الی کله ایدم دست دعا در مقصود بوفیق و آنرا حشا ایدیک نکر اوله کم  
کرم اهل لیکه کمال اهلنه کلمه نقصا لطف اید هر که کمال لیکه کرم در اوره دم

### فصل اول

بوفصل ولایت روم و واقع اولن و دیار روم و کلوب رومی لکله  
شهرت بون شعراء مشایخ که حقایق نظمک قائلدر و ذقایق فنک

کاملدر در قدسی اسم اسرار هم و افاض علی العالمین انوار هم حقیقت  
شعراء اولیاء الله و اهل الله پرا نیتا هک در که محبوب بلر جمال حضرت  
حق و مطلوب بلر وجود مطلق در و هم بونکر نظم اشعار افکار و اشتها

ایچونز د کله ریکله ارشاد طالبان راه دین و بیان سلوک سلاکین اینچون  
ان الله کنوز فی تحت العرش مفاتیحها السنة الشعراء بونکر شانه

ولسان الشعراء مفتاح الجنة بونکر بیانده در تکم اول مطلع الانوار  
و مخزن الاسرار حضرت شیخ فرید الدین عطار عطرته تربته کتاب منطق

الطیرنه بیور **نظم** انکه او بیدر و بیغامبران گفت در زیر زبان شاعران  
هست حق را کینها عجبی شمار ستر آینه یک می ندانند از هزار نشتر

معلومه که بوند ز غرض اهل الله حقیقت کفار و اولیاء معرفت شهاد



منه که مژغرف خیال و بیهوشی مقال له خول که باین ازل روزگار در  
علماء و مشرعیان قاتله شوایکی قسمه منقسم در برقی توحیدات و الهیات و اعظ  
و نصایح و خشیات در عنده العلماء و الفقهاء مباهج و مشرعو عذر و شو که هر لیا  
و محبوبات و مدایح و مریات در عقل و نقل و دود و ممنوعه و تنگم اول  
قابل جوامع الکلم صلی الله علیه و سلم بیورشده اشعر کلام محسنه حسن  
و قبحه قبیح و الحاصل شول شعر بلوغ و بدیع که تقوایه شامل و تاویل و قابل  
اولیه و معنای مجارید غیر محلی بولیمه الشعراء مزمار من مزامیر الای  
حکمه داخل و هزار صنایع و بدایع که حلال و لور و دخی و حلال  
عاطل و باطل در مکر که اشعار سلف کبار کبی تاویل و قابل و حقیقت و مجاز  
مشمول اوله زیرا که اولیاء الله احوالی ستر و کنیم ایچون که الی غیبیه فی  
و رموز حقیقتیه بی صورت مجازة کو ستر مشرد در مکر مجازی کوی لک داخلی  
حضرت حق جل ذکره دید کلر نعت و توحید و مو عظه و تهدید و عر  
خطا لربن عفو و کنا هلر که محواید و ب یقولون بالستر هم مالک فی  
قلوبهم زمره سندن قلیله لابد شو شعرا اهل حقیقت و طریقه اهل طریقه  
اولد غنی اجله در کرجیل لری سلاطین و وزرا و علماء و اماران و زمره تقیم  
اولد لک پادشاهان جهان جهان کرجی حقه شوند استعانت زدر کوششیا ز طلبند  
در ذکر حضرت سلطان مشایخ و بزرگ المرکز البرازخ مقرب حضرت قیومی

قیومی جلالات الدین رومی افاضا له نوره و قدس سره بوزمره نکند دار  
و سر دفتر و بوفرقه نک سالار و سرور اول جناب بنز کو اوار و کاشف  
غوامض الاسرار حضرت ملا خداوند کار در مرقد پیر انوار و مشهد فیض  
انار و ولایت یونانده دیار قرامانده قونیه دیمکله مشهور و مشهور  
واقع اولمشهد و هجرت نبوت نک الی یوز در دخی سنده شهر بلذخ  
دیار روم و کلوب رومده شو و نما بولمشدر در ولایت مزبور به بدوت  
یاشنده کلوب آب و هوای روج پرور یله اولامشدر در شو و نماسی و کمال  
ظهور و رومده واقع اولد و غرض شیتد از افواه عالمیانده و السنه  
جهانیا نند شریعت تامی و نسبت و نامی جلالات الدین رومی دیمکله مشهور در  
زمانه آن سلجوقی سلطان علاء الدین دورنه ایرمشدر و کلاه علاء الدین  
جان و دلدر مرید ارادت پذیر او لوب خداوند کار بغین اگا و ایرمشدر  
و ملا خداوند کار دید کلر نه وجه اولد و اولد لری سلطان العلماء <sup>الدین</sup> بهاء  
اولد در لرحضرت مولانا دینا و بنی آت اول صادق صدیقه بغیر ابوبکر  
صدیقه جعفر رضی الله عنه مناقب العارفين و مسالک السالکین تسیمه اولد  
بر کتاب که حضرت مولانا نکر مناقب کشف و کراماتن و ماثر خوارق عادات  
بیان ایدر جمله مناقبند بر بر یونانده که اول زمان که حضرت رسول ختم الرسل  
مواجه عروج اندر سیر ملک و ملک و تفرج عجایب فلک ایلر کن ساق عرش



سما عاید بر شخص بر شوق کورد آفتاب تابان گیتی نور در طیلانی  
ومیا بکلا صند خط استوا کی چکش بر شانی وار فلک دو آرمی  
متصل گردیده و جرج بی قرار گردام جنبه شور سما عنده فلک  
رقصه کمرش و نوای نابی شوقند فلکده ملکه و جزو حالت ایش  
**بیت** بر سازه دار ایکلیشی نایه بگزیه یار و لپی حضرت منلایه بگزیه  
**نثر** رسول جمیل جبریل از سوال ایتد که بوجرج او زره جرج اورن  
قطب فلک مدار و بوعرش برینه ضیا ویرن مطلع الانوار انبیاء  
و سلین ن آن مید ریخته اولیاء اکلیند نمیدر که جناب حق بوقدر  
قربتی و عرش معلای عالی منزلی و ار حضرت جبریل و پیکر رب  
جلیل بوجرله خبر و میدی که بود در دریای تحقیق که صدف  
صلب ابی بکر صدیق را نکر انبیاء عظامند و اولاد کرامند  
اول منلای مولود و شیخ معنوی مقرب حضرت قیوم جلال الدین  
رومی اول جعفر چونکه رسول رسالت پناه بوسردن اکاه اولاد  
بواشارت زکریا زارند حضرت صدیق بشاشت بولد و الی اصل  
اول متبحر علوم کونین علم ظاهر و باطنند مظهر مجمع البحرین در  
بر شیخ معنور و صاحب کتاب مشنوی در که کتاب نصیحت نصایب  
اقتیاج حجت دین و برهان اهل حقین اولوب مشایخ

مشایخ اکیلین خلائی سو خلیفه آنو طارشاد ایدر بر علم سلو کرده و تحقیق متصفیه  
آنو کیمی بر کتاب بن المشایخ غایتده نادر فلک و کم یا ایدر و هم اول کتاب مستطابده  
واقع اولن ابیات حکمت سمات تفکرو تا قلا یله امل و انشا اولمش کلام  
بلکه هر بر لفظ بی شمره و بی ریب و ارادت عالم غیب در عباراتی حرف  
حقایق و اشاراتی پیرد قایق در جامع معانی ابیات و اخبار و ارباب  
تصوف مابینند برادی محزن الاسرار در قرار عظیمک اسرار نکات  
و احادیث نبویه نک و موزات و مکتوباتن نظمیده درج و علم اولین  
و آخرینک حقایق و دقایق خراج اتمش در ابیات غامضه سی غایتده چوقدر  
و اشارت مفصله کنه نهایت یوقدر عقول عادی ادر اکن عا جروا  
قاصد در بوسیدر بعض عباراتی خلاف مقتضای اهل ظاهر در  
مجتهدین بر نه مشنور حقیقه نه بیورر سزدیو سوال اشد که بوجرله  
جواب و یردیکه ثول سوز که علم شرع مطابق عالم اطلاقده واقع  
اولش در موجه و مستم در و ثول بیت که ظاهر شرع مخالف فهم  
اولش در اول عالم استراقین دینش در موز و مأ قول درینه انک معان  
طریق طریقه منتهی و نند و اهل باطنند علم لدر بیلر بیلر و شکلاتک  
حلی ارباب قلوب و اصحاب مکاشفه قسته اولور زیر امولای مشارالیه  
علم ظاهر و باطنده فرید و حید ایدر و کند و عصرینک معنی کما و درت مدرک



مودت سبب کلمات حکمت ایا تنده خط و خطایو قدر رسو و غلط کیمیک  
 فهم و اذعانده نیکم مشور منکران کم فهمان حقنه بیور مشور  
 ظاهرش دیدر معنی غافل باطنش راکن نکه کر عاقلی حفره از  
 بدایک ظاهرست زیر ظاهر باطنی بین قاهرست **نثر** و داخو جلال  
 دنیا و مذلت و چاهی عزت و جاه بلوب فقر و فاقه هله از استکا  
 و استکراه اینه کلر بیاتند بوبرق بیت دخی مشور دندر **مشور**  
 سرور زهالت آفران را کر چه کم تر یاق و ارا از ابتدا  
 جاهلان کرورشندالت و نیم عاقلان سرها کشید اندر کلیم  
 هر که بالاتر رود احق تر است استخوان او برتر خواهد شکست  
**نثر** او تو ز بیک بیت مشورتی و طقن بیک بیت حسنیاتی و ادر  
 ذات و صفاته شامل و حقیقت و مجازه مشتمل و آداب سلوک و کچه  
 رساله سی و علم تصوف و کچه مقاله سی و اربو برقی بیت اندر کیهوا  
 کتیرند و انقاس دلپذیرند و نتیجه مشاهده سی و مکاشفه سید و اول  
 قدسنا الله بستر لغیر بیت کوه اندر پند دانه باقیم دانه چیست  
 بر اندر سر مدافتم دانه چیست پند و نوا نطق میدان کوه اهرستی  
 بحر علم و حین اناسر قد از دانه چیست پاپیر کهنه دیدم سال عمرش بی عدد  
 این زمانه نوجوانان باقیم دانه چیست پاپیر کهنه دیدم سال عمرش بی عدد  
 این زمانه نوجوانان باقیم دانه چیست پاپیر کهنه دیدم سال عمرش بی عدد

نانه میگرد

نانه میگرد و حقش هر زمانه دانه چیست شنه کردن شکل در کج زندان شد اسیر  
 خلق اندر ریسمان باقیم دانه چیست شنه کردن شکل با غضب در آدمی  
 شهوت آن ریسمانی در کرد نشانه چیست عرش پوشیده دیدم استخوانش شسته خاک  
 این زمانه ناز جان باقیم دانه چیست عرش پوشیده با شد نفسانی خبر  
 زنده کرد دانه چیست عرش پوشیده با شد نفسانی خبر  
 تخت نشین مملکت اینه اعز که حضرت سلطان ولد قدس الله سره و روح  
 روح حضرت مولانا نکر ولد همامی و نام نامیدر ولد کرامیدر مالک  
 ممالک قدسیه و سالک سالک استیاید از جذبات الهیه اید اکثر اوقاتوه  
 والد و مجذوب و مطلب جناب حقده هم طالب و هم مطلوب بایر حالات  
 غلبات شوق جذبه دانه صیغه که بریر طویر در متصل زمین اوزره چرخ  
 کچه چرخ اوزر در کیفیت جام عشق در مستانه صفت و آئینه حال  
 و ارادت قدسیه اید مالا مال و منبع ذلال مقال اید طریق تصوف و  
 انکح اخبر بر کچه منظوم کتابی و ولد نامه نام مشور جوابی و ادر  
 هنا کبتله بعض ابیات مشویه الحاق امشدر در و رباب نامه ادلو  
 بر کتاب منظومی و هر بیتنه کچه ستر مکتومی و ادر بوبرقاج بیت  
 اول سار مجلس قدسیان و طرب قرای بزم روحانیا ز دندر **نظم**  
 هر چه هست اندر جهان اینا امور از بد و زنیکی و از خشک و تر



نیم شاد در هست شاخی از جفا نیم غم از دوزخ نور و دخال  
اندر شکو شکایت مضرات نیم کامل نیم دیگر ابترا است  
نیم آن دوق و شاد و طرب نیم دیگر غصه و درد و کرب  
چاشنی از هر دو حق اینی نمود تا شور و آفتاب و از خسرو و خود  
نور و دیوان حقیقت بیان در دخی تر جان لسا الغیب و واردات  
الهام بجاریب در اشعار هم عاشقانه و هم محققانه واقع آمده  
علی الخصوص که بشعر ولایت پیام و کرامت انجام حضرت رب الانا  
جهالی نقاب جلالت در مستور و صفت لطیفی پر خفته در ظهور  
اندر کن اشعار ایدر در طبع بیکانه **وله** دلبر بیکانه صورت مهر دارد در زلفان  
که زبان تلخ گوید قند دارد در دهان از درویش و آشنا و زبیر و بیکانه  
اینچنین پر مهر دشمن غنیمت دیدم در جهان پیش و در زهر دم از شکویشین تراست  
مرح داند این سخن را تو پیش از زنده کاره کنجور کجینه معنور و محرم  
را از صاحب کتاب مشنور اعنی حضرت شیخ صدر الدین قونور قدس الله  
سره و رقع روصه الم شریف محمد بن اکتی دمکله مذکور در روایت  
عالیه لری ابوالمعالی دمکله مشهور در وطن اصلی اصله ملاطیه در صکره  
قونور او مشهور در شاخ کبابک فاضل در دین و ادب و باب طریقه کماله  
خواج نصیر الدین خلوسی ایلد رموز امر کن دین و کفر علم در دین میاننده

میانند عقی و نقلی چوق سوال و جواب و بحث و خطاب بکشد رو  
و مولانا قطب الدین علم حدیثه آنکه شاکر دیدر جامع الاصول  
آدور ساله کن و تذکره المنتهی نام مقاله سن خط شریفی ایلد یار و ب  
اکا تعلیم اتمش در بور باغی ذکر اولن رساله دین در **رباع** ایشیم عشق خال آدم کل  
صدفته و شور در جهان حاصل شد سرشتر عشق بر رک روح زدند  
یک قطره خون بچکید ناشی دل شد **نثر** و حضرت مولانا اولی دین آخری به  
انتقالی اندر دین اقدم و سر آمد مدت مقدم گمشدر صلوٰه جنازه اندله  
وصیت اتمش در بور باغی اول حضرت مروت و عالم ظاهر و فوته  
در شیه دیشدر در **رباع** بی خبر از آیت منزل که کند یا فرق صیح را ز ما و ل که کند  
هر نکته که در شیوه تحقیق افتد اسرار کاشف اسرار بگوید که کند  
قدوة العارفين والانتقاء و عمدة العاشقين والاولياء واعتر حضرت  
عاشق پاشا اعلی الله در جانه و ضاعف حسنة اولیاء الله در زعنا  
و عارف و طریق طریقه صاحب معارف گشته ایدر عجم سر حد نه یقین  
یرد در کلوب ولایت اناطولییه قری شهر در بیکله مشهور شد در توطن  
اتمشدر در تربت پاک عطریاکی اندله در ولایت روم سلاطین آل عثمان  
سلطان اورخان دوزنده کلمشدر در حضرت حاجی بکاشا معاصر  
و صاحب اولوب بود یار حرقالمشدر در شاخ غنیا سندن و صاحب



دنیا سندن ایدر شاهانه عز و جاهی و پادشاهانه قدرت و درنگاهی  
 و ایدر بر شعور شریفانه ایله سیرت درویشان ایدر و هم بیور مشر ایدر که  
 درویش اولمدر که دنیای ترک ایدر که اولدر که دنیا ای ترک ایدر زیرا اهل  
 حقیقت باینده فقر حقیقی ظاهری اولمدر باطنی اولمدر و درویش لک  
 دید کلور شال و عبا و کهنه قبایل و بولمز کوکلده بولنور درویش که دنیا  
 سوه حزن قدر فقر و فاقه سی اولمدر بینه اهل دنیا درویش غنی که هر قدر  
 غنای و مکنت دنیایی اولمدر اما کوکلنده اگا محبت و یاننده میل  
 و رغبت اولمدر صومند کلور خواجه صاحب غنا ایسه ارباب طریقت قاننده  
 بینه صاحب تجربه و اهل فساد و بالجمده درویش لک محبت ماسوای دلدر  
 جعفری و قلبی قیود دنیا در قورتر مقدر یخه تاج و زردا و تسبیح و عطا  
 که صوفی صافی دل اولمدر و بطریق طوئرسه قرب حقیقی یول بولمزدیو  
 بیور مشر در عشق عاشق و بیولانی دیکله مشهور **بیست**  
 طور رکن بوکجه او هام خیالات تجلی ایدر حق نور هیسات  
 عشق پات دیوانی دیکله مشهور علم باطنده و طریق تصوفده  
 و شد و عید ایدر و بطریق سلوک سباین بیاز ایدر منظم تالین و ادر  
 اوز فصل اوزن بر کتابد و هر فصل اوزن بابدار باب زهد و صلا  
 اراسنده استعمال اولمدر مفید و نافع سنه در حقیقت انانی افاف

افاق انفسی صورت ظاهر و تمثیل ایدر و علم باطنی آیات و اخبار  
 و کلمات متناهی اختیار له جمع انشده اما نظم اولمدر نازک و رنگین دکدر  
 زیرا اهل الله نظمده قبول خلقا بجز نصت و تحیل قصد ایدر و بفقار  
 و انهارا بجز تزیین الفاظ مراد ایدر نزل بر بوقایح آیات مشهور صفت  
 نکوننده و قدرت جهانه افریننده اول کتاب مستطابند **نظم**  
 کلی عالم بر اشارت در جهان پنج یوز بیکر ملکی وار حقل نماز  
 انس و جانده کسه لکور مشی کل کسه اول ایلدر خبر و بر مشی کل  
 فکر عقل کسیره مزاول منزل آدر اول ملک در فکل دل  
 چو آنکدر هر یوز غنی و ارباب لک هر کز آنک کمنه یوقدر امکن  
 اوز سکر بیک عالم قدر انشا یوقدر بر دزه جه او کدر صوکا  
 حقایق کلر بیک کلش راز و دقایق کلر ارباب بیل صاحب نیاز اعی  
 حضرت شیخ الوافی شیراز قدس سره اصل شیراز دین و کند و لوز کرستان  
 سلاطین عثمانیند بولمدر داضی سلطان اوز خان دورنده ظهور اتمشدر  
 و اول زمانده کید و مدد و مکرو و بدع و غمش بولمیدر هر کوشه  
 نشین ولی صیرج جو غمش بعضی شیخ فریور حضرت شیخ حاجی بابراک  
 خلفا سندن و بعضی را اعتبار سندن در دیور وایت ایدر لر قدس سره قدور  
 شیخ شیراز کتاب کلش راز فرار سید ترکیه ترجمه ایدر و علم نصو فک

آخوگ اصل کتور  
 بولمدر



ستر مکتوم لفظ صیرج و عبارت فصیح برله معلوم اتمشدر رفهم موزانه  
 آسان واسر اکتوما تر قابل دغان اولسوز ایچوز زیر طریق  
 طریقت منتهی اولنلرک ایما و اشاراتن مبتدیان و نلوفهم اتمک متعنه  
 اولور و اهل الله فائده هر مقام کبر مقامی وارد و اول مقام کبر مقام  
 سولیندوکی معلوم اولسه نتیجه کلام متعنه اولور اصطلاح مشایخ  
 شراب و شمع و شاهدیه اشارت در و زلف و خط و حال ندر عبارت در  
 بوبرق بیت کتاب مرقوم اتی بیایه ایدر **نظم** اشارات شراب  
 و شاهدیه شراب شمع و شاهد نو معنی کورنگورینر جوهر عکس مولی  
 شراب اسرار و شمع انوار بکوز بقول شاهد یوز در زبان بکوز  
 شراب و شمع و شاهد جمله حاصل در نیاس پنجویمین بویله غافل  
 شراب و شمع و شاهد تریق که تا معلوم اوله ستر انا الحق  
 شراب و شمع بقیم ستر مکتوم سکا شاهد یوز ندر اوله معلوم

### اشارات خط و خال

خدو خط اولدر صنع پادشاهی کم اندر ظاهر اولور حسن شاهی  
 هم اول منشور رتائی بو خددر هم اول مکتوب بکافی بو خط در  
 بولدر نور و ظلمت در عبارت خد آب حیات و خطی ظلمت  
 اشارات بذف سواد اعظم

سواد اعظم اولدلف سیه تار که هر تازنده بیک منصور بر دار  
 اولور سیه دلف مشکین عنبر افشان جهانده قلمیه اصلا مسلمان  
 که واللیل اذلسر خداوند صفا بوجه لقبه قلدر سو کند  
مروه صدق و کعبه صفا و قد و اهل تجرید و بقا عن حضرت شیخ وفا  
 وفاتدلس الله سره و روق روحه متوجه و متوکل عنیر ایدر کند و اولور  
 طریقت رزینی در شیخ عبد الله قدسینک خلفا سندز و جمله ریاسندز علم  
 علم ظاهر و باطنی جامع و هضم و حوصله بکوز و صلح ایدر تضایل قدس  
 ایله کنج و برانه غلت و کمالات انسیه ایله کنجینه کشف و کرامت ایدر عشره  
 قطب صیرج و غوث صیج سالک و عارف و اسرار قلوبیه و اقدار  
 و قافله شراهه فاق و سلاطین ملوک و فقنه معشوق و مشتاق  
 ایدر اگر چه ذات قدس صفات انواع فضایل شامل ایدر اما طبع پاک  
 تابنا کلر و ادرات نظمه مایل ایدر بوبرکی مطلع انوار اول حضرت  
 انقاس فیض آتار ندر **مطلع** یقین عشق آتشیه یاودود  
 کل اولیجه جمله اجزای وجود و له یازوغش چونکه اراده دولت تغیر  
 هر که عارف در بوسه بلدر تدبیر بلینر **نثر** و بیور مشددر که جنت و جود  
 و قصور ایچوز طاعت و عبادت هوا و هوا و مرد حق ذات الله  
 غیر نسنه و ایدر نمک عنین خطا در **بیت** پرستیدر حق برابر داشت



بود پیش از باب دل سخت رشت مجلسی حائیانک شمع منیر انجمنی  
و محفل قدسیا که چراغی نور طلیعت شکنی اعنی حضرت شیخ روشنی  
افاض الله نوره و قدس سره ولایت آیدین دند رو بنیاستد روشنی  
تخلص اشدر مرناضد یا صفت خانه یقین و مقیم صومعه اربعین  
علم ظاهر و باطنده فاضل و کامل عالم و عامل عنزاید زماز خوا  
غایتده شور و شوقی غالب و جاز و دلزدی و محبوبه طالبتش  
روایت ایدر لکه محفل علم ایکن شهر نورس و حضرت نام بر محبوبه معلم  
اولور واسطه تعلیمه معلمه تعلق و عشق حاصل اولور اتفاق  
برقج همراز و غماز صاحب نفاق مابینه فراق و افتراق دوشر  
کور که قلبیک محبوبه ارباطی محکم و غم محبت و عشق دله مدغم  
صبر و قناره اصلا مجال و مصاحبت و مناکته احتمال یوق هماندم  
خلعت ز غلت و حیره سنده علوت ایدوب کند و اسمیله اولبری  
دعوت ایدر چونکه برقج کوز حضرت اسمنه ملازمست و فدا و متاید  
او چنچی کوز حضرت علیه السلام عالم غیبیه ظاهر اولور حضرت  
مرادک و آرزوی فوادکنه در دیوب مثال آب حیات برقج کلمات  
ایدر بنه عالم ظاهر و بنه عالم غیبیه کیدر بوجانیده اسمک تا شیرند ز محبوبی  
بر حالت غیبیه هلا که قریب اولور اضطرار و اواقع تعلقانده خیره

تعلقانده خیره ویردکن هماندم خویشاوند اول دلدار و دلپندی  
آفت کردند ز خوف ایدوب کتور در حضور حضرت روشنی به یقور  
دیر لکه من بعد خضر بالی حضور کردند کتور و خدمت شریفترک  
اتمسوز شیخ روشن دل دخی بن خضر معلوم و دعا کنند ز کتفید  
و مستفیض اولدم دیوب همان اول زمانه ترک دیار یار ایدر اول  
حالت و حرارتله چقوب ولایت عجم کتور و شرف شروان فرزند  
باکونام قریتر حضرت سید یحیایه ارادت کتور و بال الدی و ملک  
سلوک سالک اولوب جمله خلفا کنند ز اولاد صرفه منور و مژده  
معطر اول دیار دلاوینر یعنی شهر تبریز عالم و عابد و عارف  
وزاهد کمنه ایدر بین المثنایخ قن شعره شهره سی و وار دات الهیه  
دیز بهره سی و ارداردون ابیات و مشهور اسلوبین مقالاتی واردر  
بو برقج ابیات آنوک مقالاتن اول غدای روضه فیض فتوحی  
اولیوب فضل و عرفاندر لاغر و طبع باپی برله تن پرور اولوب  
مجرد اکل و شربله قناعت و بهایم هایم کبی خور و خواب عادت ایدر  
حقن واقع او مشدر **نظم** کلار دیوانه سی بریان و نانک  
دلوسی لم و شیم و شیر دانک کلوسی قوی عبده البطن مسکین  
ایدر اوزین دیوب ایچکی دین برنج و قلیه حلوا در دهنده



طفل و شجوز و مور و کنگنه / بلا و کسوفه شی زردا السیر  
سک نفس و تنوش خدمت پذیر / سین فرج و کلو سی خدمتند  
به ایم کبی در عارف قند / **مشابه این معنی**  
اگر تن بسریش فیل اولاکین / غذای جان یسک جبریل اولاکین  
**وله** خود مند مردم هنر پرورند / که تن پرور را از هنر لاغرند  
**نکته** گفت کثر عالم و آگاهی / و ستم عارف پرانتباهی غرض  
حضرت شیخ الهی روح الله روحه و ادام فی المعارج فتوح ولایت  
انا طویل لواء کرمیانه تابع کیمادیمکله معروف ناحیه دین در مقبول  
درگاه آله و اسم شریفی عبدالله در طریق نقشبندیه نکشید کبریا  
و حضرت امیر بخاریک سیر در روایت ایدر لکم زما جوانیده  
استانبوله شغل ایدر کن خاطر لرینه سیر ولایت عجم سودا سی دوشوب  
خواسانه جقدقه مولانا طوسی یاشند علوم ظاهریه مشغول  
ایکن بر حالت عجیبه کلوب آتش شوق و جذبه دین حرارت غلبه ایدر عنایت  
ازلی رحیم و هادراونوب همین بی اختیار طوب اول آرادن بخاریه  
سید و آنده خواجه بها الدین نقشبندیک هزار شریفه مقوقه اولو  
هو اول حضرت و حاشیانه یثیمشدر در تفصیلی بواجاله صغیر  
و بعد بر طریقه مشایخ کرامدین پنج شیخ کرامیه و حضرت شیخ جامیه

جامیه بولشوبینه دیار رومه عودت آیدیلر و محروسه استانبوله امیر  
بخار حضرتلری خلافت قائم مقام نصب ایدوب کند و لر بسیدروم  
ایلیه کندیلر و هزار شریفه وارد در یکیم سی نام قصبه در اولوز یار نگاه  
و خلقه حاجتگاه اولمشدر هجر نکسکوز طقت الی سنده دنیا دین آخرته  
ارتحال و اولی در اغریه انتقال آتشدر در کمل مشایخدین و جمله  
برایخ دین در آداب سلوک متعلق زادالشتاقین و نجاش الارواح  
تسمیه اولغور رساله سی وارد در بر مطلع اول حضرت نکرا نقاس قدسیه سنده  
**مطلع** چار چیز اکت ناعواد انرا و اداندر جهان / ترک مال و ترک جاه و ترک  
راحت ترک جان **بیت** **وله** چو تو تسلیم رضای حق شوری خوش باش  
یفعل الله ما یشاء بحکم الله ما یرید و تسلیم و توکل با بند بوروباعی  
نافع دخی بو محله موافق و مناسب و لغین بله تحریر اولغور عامه  
انام جمیع امور در دستور عمل ایدر نمکه کافی و قضایه رضا ویر مکر خصمه  
کافی وافی در **بای** **کر** کار تو نیکست بتدبیر تو نیت ورنیز بدایت  
**هم** ز تقصیر تو نیت تسلیم رضا پیش کن و شاد بنیر  
کر نیک و بد جهان بتقدیر تو نیت **داشته** رخصه و تقوا انکر مکرزی  
و مدار و طائفه فقر و فنا نکشید قطب شتارار مکر سیر یقین  
اغرض شیخ شمس الدین البخاری قدس سادات صحیح الانسابدن



و اولیا و ولایت مآبند در وطن اصلی کنند ز مهاجرت باید و ب حضرت شیخ الهی ایدر  
 کلمه در و طریق نقشبندیه نک شیوع و شهرت بسیار و مشهور در طریق شایسته  
 جمله سنده در و طریق عند العلماء و الفقهاء منزه و شروع فهم اولیغین علمانک  
 عزت کزیندر و فضلا کز حدت آیین لر اکثر تا ب و طریق اختیار و انتیاب مشهور  
 ترک لذایذ جهان و جهان بیاندن ب مطلع مطبوع اول حضرت کلمات قدسین  
**مطلع هست تاج عارفان** اندر جهان از چار ترک ترک دینی ترک عقی  
 ترک هستی ترک ترک **بیت** میا در کوی مانا کز ترک دینی و عقی  
 که این بازار آرای خواجہ سودای دیگر باید و هم حضرت مولانا کز قریب  
**مطلع** دوش وقت مجدم در چرخ بابایان یافتیم در میانه دانه خشنک  
 سندان یافتیم نثر بوغل غامضه مشایخ اصطلا حجه محققانه شرح  
 یازوب با و اشارات و نکات و کنایات عبارات واضح اید ایضاح  
 انشور در شمع جمع آرای بزم نه نشی کل کار در روحانیان اغر حضرت شیخ  
 ابراهیم کلشنی ررق الله روح بروح و ریحان و اسکنه فی غرات الجنان  
 اول کلشنی در که بو کلشن فانی نک خار علایق و عوایق اگا دامن کبر  
 اولمشدر و کل بر خارینک رنگ و بوبینه بویانوب قلم مشدر حلاله کج  
 نهان و فالده پهلوان جهانین خلفانک و احبابانک دعوی لر بود که  
 اول پیر و لایق کلام و کج و صحف لکن مفسر علومی اغر حضرت جلال

التي سنده شيخ الهی حضرت زکات  
 مدنده صلوة صبحی وضوء  
 نغشا اید و اید کلری قایقه  
 سطور

حضرت جلال الدین رومی شیخ مشار الیه کز قدومنه دیوانه معنور سنده و کتا  
 مشور سنده بچایات الهام سمانه ایا و اش راستایش اوله بوبیت دیوانه پیر  
 کبیرند و جمله انقاس لیدیرند **بیت حضرت مولانا** دیدم رخ خوب کلشنی را  
 آخ چشم جواج روشنی را اما واد الحاد و اباحه دوشن مرده میرد کلشنی را  
 حضرت پیره همومن معتقد ک اعتقاد بر دخی اولمشدر بغیر اساس  
 اعتقاد لرینه حلال کلمه را کز چه که اهلنه معلوم و عارفه مفهوم در اول بر  
 ایدر که آتک سنده درگاه حق کبر صالح و صالحه و عابد و عاصیه رد و منع بوعید  
 نه آنک اول حضرت کز مذهب سنده و وسعت اولوب دائره شریعتیه و طریق طریقه  
 بیرونیه رضا و رخصت و ریدر مشایخ متأخرین کز مکتبه و خلفاء  
 حلو تیانک کلمه در مجلس فنی بخشند بچاره فیض و فتوح یتشوب و عبادیه  
 معارف آلهیه مکشوف و مفتوح اولمشدر و حضرت ملا نکر مشنوی کنه  
 جواب فرق بیک بیت معنور در بیشتر در حروف معارف و الفاظ  
 درج در لطائف در بوبیت ایات مشور اول حضرت کز کتاب معنور  
 در بیان ماکذب القواد مارای و نار الله الوقده چون فوادم ناردل کز شود  
 نار نور او برهم پرور شود ستر نار نار ازین فواد بینم و دایم ز روی اتحاد  
 به این بینش شوق قول خدا ماکذب عین القواد مارای هرگز از چشم دلش بود  
 از یقین لفظ وی دانش بود خاصه چشمی کاو بود عین فواد از حنک از دیده



کز وی بر کشاد کز تجلی چو کلمه الله او بیند از تبار الهی نور او خواهمش  
 اکاهی شد زان نور زار روشنی سان گلشنی ای کردگار قدوة الزهاد  
و عمدة العباد نافل کلام نبی اعز قطب العارفين و العارفين یار حبیبی محمد صلی  
 نور الله مضجعه قطب مشرقة محمدیه نام کتابک صاحبی و عالم ارواح و ارواح  
 مقدسه نرفقار و مصاحبی در تیر ناله و ایام و وطن اصلیه کسی شهر کلیبو  
 و منازل اختیار و ابرار غایت اولی در سلطین عثمانیه در مراد خای غار  
 دور زند گلشن در شهر انقذه حضرت شیخ حاجی پیر مدینه قدس کما الالب  
 جمله خلفا کفر او لشکر در اما کجا ح ارشاده او تورب کسند ارشاد  
 اندک در معلوم دکلدر عالم ظاهر و منتهی و علم باطن متفرق ایدر کتاب  
 محمدیه که قواعد نابغی و مبانی انصافی او را یکی علمک شایخی اوزره مبتنی  
 و ظاهر و باطنه و غیره تفسیر تحقیق اولفین مفتین و محدثین قاتله  
 مقبول و مستم و اصح و اسلم در لسان عربیه مغارب الرضا آد لو کتابه  
 ترجمه ایدوب نمط مخصوصه دگور منتوجه اوزن نظر کنور مشد و اب  
 و اخبار و امثال الشایخ اخبار در عاقله مؤمنین ایچون بر حد قوا  
 دینیته و عواید نقیبه درج ایدوب عالمک ایدر السند انتر کسند و اریجه  
 خبر و بر مشد کتاب مرقوم انک انان لایحی و علایم کشف و کرامتی در زیر  
 تابنده سلطان انبیا کما مر عالی سید مامور و عند الله مشوب و ما جور  
 و عنون الناس

و عند الناس مقبول و مشهور در کتاب مسطور نوبیه بر قصیده وارد در انده چوق  
 در و اشارت و اسرار مکتوبات درج انمشدر مطلع بود مطلع  
 الا ای سرور خوبان الاین الی الاین کوزل یوزو کی عوض ایلد کوز یوزو در حجاب  
 فخر العلماء و الفقراء و معفور سلیمان چلی محروسه بوروسه امیر سلطان  
 خلفا کسند و جمله فقر السند در ولایت رومده اول مولد نبی بود مشد  
 و دیمه کسند و خجی بر عجیب حادته سبب مشد روایت ایدر که بر کوز مشد  
 بوروسه حر و اعظ و ایش و اعظ کرسی نصیحه لا نفرق بین احد من رسله  
 آیتن تفسیر ایدر کن بو آیت کریمه موجبه بن حضرت محمد عیسی بنی در صلا  
 الله علیهما تفضیل اتین دیو جک طائفه عربیه بر مرد کرین و غیره دین  
 غیره کلوب و علی ملاه الناس دلائل فاطمه و بر اهین ساطعه ایلد  
 و اعظ من نور الله الورد مکر که قران عظیم لفظا و معنی اول مرد کا ملکر  
 یادنده و اصول فروع ظاهر روشن نهادند ایش بی اختیار دیدرهای  
 نادان جاهل سن بو علم تفسیر قاصر و راجل سن و آیات عظیمه نازنده  
 و منو خنده و مشا بر اندر و متشابهند غافل سن رسل بیند فرق  
 یو قدر دیکر ز مراد امر رسالته و نبوتند در مراتب و فضیله و کلمه  
 اگر آیتیک معنی من کل الوجوه دیکر ایدر تنک الی رسل فضل  
 بعضهم علی بعض نجه راست کورد در دیو و اعظ ایلد محکم خاصیه و مشا

مسطور علم مسطور و انوار  
 اطلاق او اندر مثلاً مسطور زرقی و دیگر  
 اما بو محله منور و عذکر و منور  
 اصل محقر و منور در لکن بو محله  
 نقیض مراد در



اتمش و شهر خلقی و اعظا نسبت اید و بی عرب و وجود ویر میجک عرب  
 داخلی فتوا ایچون دیا ربیه و مصر و حلبه کشا **محمود** بن التی  
 دفعه قبله فتوا کنفر در دیور وایت ایدر بر یو خصوصه شهر  
 خلق و عظم منوره نسبت ایدوب و اعظا اول سوزا وزن مصر  
 اولیجق یدنجی دفعه **محمود** فتوی ایل عمل اولنر و یا خود  
 اول شخص دیکندز دونر و ولایت روم اقیق اتمک مقرر در  
 دیشل عاقبت الامر اعظم مذکور اول اعراجی قیوم قضای کج  
 جامع اوکنن باصوب بوغزلدر دیور وایت ایدر العیده علمی  
 الراول مرحوم سلیمان چلبی مولد کتابن اول حادثه اشنا کنده میشد  
 واندز اقدام کسه مولد دیمه شد بو بر ق بیقی حضرت رسولک و افضل  
 الرسلک انبیاده افضلیتی بیانشن **دیشل نظام** اویوب عیسی کوکه  
 بولد و غیول امتدز اولمچچوز ایدر اول داخلی موی  
 الله کی عصا اولدر آنول عتته ازدها چوق تمنا الله یلر قده  
 بولر کم محمد امتدز اولالر کریم کم بولدر ذخی فرسل در  
 لیک احمد اکمل افضل در **نور** بو فقیر و حقیر نور فانه دکی بوز  
 مقدس مولد نبی سیر اتم برسی بونگ مقبول و مشهور اولمشدر  
 و بر یوم تیر اعتبار و اشتها زبولمشدر مکرکه مولود مرحوم

۱۱  
 مرحوم حماد چلبی رحمه الله علیه بو بر ق بیت انگ مولد یکنه ایدر کنده  
**نظم** **حضرت حماد چلبی** ارزی بال اولسه مرغ تیر بر اولسه پرینه  
 اسم الله فر پراچوب پروازه آغاز ایده مز قری بوق پرندن  
 پرواز ایده مز ذکر حق چون پر مرغ فراوله یار شریم غله هم  
 پروا له وراض ریاضت خانه تجرید و مقیم مقام تغذیه قطب دائره  
 ارشاد حضرت شیخ بایزید قدس الله سره ورق و روحه ادر نوید طریق  
 تقوا بایزید نانی و جواهر معارف الکرامیه نک کانیه و عثمانیدر  
 علم ظاهر و باطنده مجمع الحقایق و مجمع الدقایق ایدر شیخ محی الدین  
 عنک نک قدس سر علم تصوف و فصوص نام کتابه سر جان آدلو  
 منقول حاشیه یازوب نفوس مشور شرح اتمدر و اصطلاح  
 مشایخده عاشق ممکنه عبارت و معشوق واجب کنایت  
 اولوب حضرت حق جل ذکره هو الناظر و المنظور منزه منظر ظاهر  
 و منظر دناظر و منظر اولوب ان الله خلق الانسان علی صورته  
 مقتضا کج نوع آدم منظر تام و حسن خوبان مرآت جمال رب الانام  
 اولد و غنه بو مطلع ایلد یا و اثار اتمدر **مطلع** کنده و حسن خوب  
 شکنده پید ایلدک چشم عاشقده دونب آتی تماشا ایلدک  
 حضرت شیخ جامی قدس سر **بیت** آرزوی ذات ظاهر و منظر یکست لیک



در حکم عقل این ذکر از دیگر آمده **نثر** ارباب تحقیق بومضای شرح شریفه  
موافق و آیات و آیات احادیثه تطبیق امتداد در اگر چه هر طائفه  
مشریه کوره بر اطله ایشی و مذهبه کوره ایشی و نور اکثر یا بوی کبی  
اسرار مکتومه مکاشفه بیلینور و مجاهد ایلد شاهده اول نور  
**فصل ثانی** ولایت و صود و من سلاطین آل عثمان در فضل و فصاحت  
و شجاعت و بلاغت نیام دهاند ز تیغ زبانه چکوب سخن ملک کنی فتح  
ایدر سخن گذار شهر یار و عرصه فصاحتده چو گانه بیان نظم کوی بی  
میان نظم کویا در دور اند ز بوج قلا ز شمسوار کامکار لر بیانند در  
ظلاق حکیم صاحب حکمت جلالت قدره لطف و جودند و وجود شریف  
انواع شرایف و لطایفله تربیه ایوب هزار خاسته و کرامه بقیه شد  
و شاه سعادت نشانی **السلطان ظل الله فی الارض** مکریمه مکرم اول  
حضرت حق و جواد مطلق عزت السماؤه و تواتر الاؤه نظم نظام  
عالمی آفرنده و شعر آلی انتظامی آفرنده و مشد خلقت سعادت خلقت  
**صفا و سوت** اوزده مجبول اولغین طبع نازک و پاک لر  
و خاطر شریف نابنا کلر کثرت افکار و اشغالله مؤنت پذیر او کین  
اختیار و ارتکاب این فرار بلکه بوند در ظاهر و صند و رایدن ابیا  
و اشعار ثناء عشق و حین صحبت موزون حرکات رقاصه

رقاص لر سوزند و زهره جبین مطرب صدای چنگ و عودند و حالت  
ذوق و شوقه بکی حسب حال و مکی تنظیم مثال بس و سولتله فایض و لایح  
اولور و ذات شریف لر اشراف انا م اولد و غنی کبی کلام الملوک ملوک الکلام  
مضمونیه کلام کرامیلر دخی کلمات خیل فصی اوزن قدر و شرف بولور  
در ذکر حضرت و صوم سلطان مراد خان اسکند الله تعالی علی الجنان سلطان  
آل عثمان در اول شعر دین و شعر و شعایه قدر و رغبت و یرن بولدر  
اگر چه کند و کرد ز شعر نادر صادر اولمشدر لکن عهد هما بولدرن بوفن  
کمال دریم و رغبت و رواج بولمشدر روایت ایدر لر کیم هفتیه هر یکی  
علمای و شعرای جمع و کند و اذعان التفاتله سر تا قدم سمع ایدوب  
مباحثه نیه باعث اولمق ایچون هوفنده بچه مباحث تعیین ایدر لر ایش  
و قوالله انعام و احسان و امتیاز و استحسانه عنوان و در حجان و یر  
رعایت مقادیر و طریق عدله کینه لر ایش و هر کیمده بر ذره هنر و یا  
هنر اثر احساس تسلیم کسب معرفت و باعث تحصیل علم و فضیلت  
اولسون ایچون انواع رعایتله نوارش ایدوب و محنتن نکته کوی بر خوش  
نکته ایدوب بر لطیف لطیفه سولت بر خلعت و یر لر و یا مسائل مشکله  
بر فقیه فاضل بر شکل حلاته ملایقه ایدوب لر ایش **قطعه**  
هنر تربیت کرک تربیت فی الحقیقه علتی در هر هنر کیم جهان



جهانند بولد وجود پادشاهی زمانه همتی در **نشر** و بالجملة طالب  
اهل هنر و شعر و شعری غایتند شورایش و کند و در دخی افتاء و مجتبه  
و اوقات عشرت مناسبات حال بعضی منظم مقال صادر او کور  
بویکی مطلع اندر **مطلع** که چه کم خدمت دکلر بویکی قلمی دکلر  
عارف و لازم چیز بیورانی نه لازم نویلک ساقی کو تو کتورینه دوکی  
**شیرازی** سربیت دکلر کتورینه جنگ و ریایمی در دکلر حضرت  
**محمد سلطان محمد خان** علیه الرحمه والرضوان سلطان محمد خان  
غازی سلطان آل عثمان که معین و ممتاز در سلطان سلاطین غزات  
و بانی مبانی انواع خیرات در شاهان ممالک ستان **محمد** ایچا  
فاتح تحت ستان بول و محیی و اسم شرع رسول و اخبار نبویه در نعم  
الامیر در تشریف برادر مشرف در بویک سید در حیاتی و عیاتی سعادت کونین  
ایده عز و اشرف در و کتب توایچه کفایت شریفی ابوالخیرات و نعت لطفی  
ابوالحسن در بوندرک دورهای بونر علما دور و فقرها و فضل ازمانه ایدر  
بوقوم شریفه کمال محبت و رعایتند بوقدرمدارس و تلمات و امارات  
و عمارات بنا و بنیاد ایدوب بویک محمول نامحصول وجه معاشی  
و انتعاشی ایچون بزل و وقف **محمد** بقیه علماء سلف شویله و قیامت  
ایدر لکه فکر اولی مدارسی و تلماته تقدیر مستعد و معید و مستفید

و مستفید و مفید و ارسه امثله در اصغرها فی نه و اربحه و اصغرها بیدر تلویح  
و توضیح ایرتجه قابلیت متعارف اولی قوایلی و قدر ایدوب دفترین باینده  
مستقرش و تدریس و قضا در مناصب محلول اولی محل مناسبین اند  
یوقلمش بوالصفات و مرغبت زمره طلبه نکر کمال طلبه و هر محقق  
سعی تحصیلیه باعث و علت و موجب کسب علم و معرفت اولی و درش اول  
عهد و عصر اولی جمعیت علما و کثرت فقرها و فضلا بپادشاهک  
عصرنده دخی واقع اولمش دکلر و اولی که انبیاء بنی اسرائیل نعتیل  
منعوت اولی احوالی و افاضل که اول رفاهند کلمه برد و در کلمش  
دکلر در قند بر عالم متبوع و متفرد و اریه کردیار و هند و اکر ولایت  
سند در هزار اکرام و التفاتله انک بولند بزل مال و منال ایدوب مناسبات  
عالیه و مراتب معالیه ایدله التماثل و بیروب بالقدر و در هر بره و داع  
وطن و ترک مسکن اندر درش و وزیراء او را و شرع شریفه کمال درجه  
اتباع انقیاد ایدوب دائره شرع شریفه بیرو و وزیر برادر و خصیت و کتور  
و قاضیلر و قاضی عسکر مناصب و مراتب ایچون حقی کتم ایدوب یا خود  
کلام حقی بویکده ساکت میر و وزیر و صدق الامیر و بکلر مش و الحاصل  
علم و معرفت اولی دور در کمال درجه و اوجی و علما و فضلا انک سایر  
طوایف از ره ارتفاع و ابتر حاج و ارش و نظم و انشایه دخی اول مرتبه



رغبته را و اهلنا اول درجه هر متر و وارمش که دیار هند چند  
 خواججه شاه و ولایت عجم مولانا جامی به هر سال بیک عدد فلک  
 ارسال اول نورمش و شعر ادبی او تو ز شعر سالیانه و علو  
 یرمش و کی تو این نظم و انشا اید و ب کی قطع و قصاید مدایخی  
 دیرمش و کند و لک دخی طبع شعر غیر لطیف شعر شامله و لغین  
 عوثر خلص اید و با شاعر اوقات کاه مفرد و کاه تمام غزل دیر لایمش  
 بو مطلع اندک انقاس شعر نیکو در مطلع ساقی می ویر که بر دم لاله  
 زار الدن کدر ایرش فضل خزان وقت بهار الدن کدر نشر بو مطلع  
 دخی قرامان او غلیله خصوص متنی شعر انکاشا دارند در مطلع  
 بیزله سلطنت لافن اید مرش اول قرامانی خدا فرست ویر که  
 قارایره قرآم آبی در ذکر حضرت مرحوم سلطان بایزید علیه  
 الرحمۃ الملک المجید پادشاه صاحب ولایت و بایزید بطاعت فطنت  
 اید از لک عهد و عهد نه شوا چو غدر و اول دور هم نظم لائی  
 انتظامند بر بهتر بر کالای رایچ بو غدر شعراء و مکر اکثر یار آمد  
 بود دور هم کشتن و بو عصر شهرت بو اشعار و جوایز و عطایا  
 و طایف سالیانه سن الورا تو ز شعر سالیانه و علو  
 وار در و ولایت عجم بو نکر در دخی مولانا جامی به هر سال بیک

و له و له  
 بایزید اغیار و دانه خیل  
 ابی بکر بن ارباب اولی و یار الدن

هر سال بیک عدد فلک و اول در و کند و دخی باب عدالت  
 معدلت اوله و غنی مناسبت عدلی تخلص اید در اباء کرامنه غلزل  
 نکرند غالب و نظم افاضل کبیر شعر بلاغت شعاری معایب و بی  
 متسالب در بو مطلع مطبوع اول حضرت کلمات کرامنه مطلع  
 ای سوار اید از اولن رکاب چانه نفس حسن میدانر سکر ایاغ  
 و دانه نفس شعر حکرم پاره اندر خنجر جو و تنمک صبر مکر خامه  
 طوغدر مقراض غمک سید کاه اید در کعبه هر مهاب کبر  
 کویک ایچین ملک و ترشاق قلمک ای کوزم کوز یوزنی قشونچ یاشی دو که سن  
 رطلری تابی ایلد قوریدر قلماد غمک ملک ملک بقا مرحوم سلطان  
 جیم سقی الله شاه بقاء الرحمۃ و اللکم مغفور و سعید مرحوم سلطان  
 بایزید یک برادر که شریک اول زمان که بکت نامساعد اولوب بکت  
 میتر اولد ساز و سبلی ناقة طلبه اوروب کعبه شریفی شرفها الله  
 زایر و ماء زمزم کی شورابه اشکله نیمه دملرحوم محترمه مساف  
 اولد رینه بعضی بکلر کثرت کی ایلد سلطنت کوزا کس ایدوب  
 ولایت رومه کلد رایت کثرت یا بخت و یوم مقابلیه و مقابلیه قصد قلد  
 آخر الامر آینه و روزگار صورت طالع اقبالی شکل ادبار حشر  
 قلوب هول صدر دین و احتیاط خطر دین دیار فرنگستان و نذر



عاقبت الامر ديار منور هر چه را جمال سرگذشتی مشهور و قصه پر غصه  
 مذکور در آيات حسرتك ورق نگار و هنگام فرقت قصه گذار در  
 بود هر چه بر سر رخ چکه و کی مختلر و سپهر مهر در کور دیکي فلک کتلر  
 اول دار غربت و دیار فرقه تحریه کتور و بوجانیه حسرت  
 نامه لر و فرقت خامه لرا ارسال ایدر در عهد فرقت نامه سندر و رقم رخ  
 خامه سندر بیر بر سر در که **شعر** طشله دکو خوب یور آب روان کور  
 رحم ایلدر بوجاله کوز و مکانی کور طاعلر شنده ابر فلک غلبه کیدر  
 یا نجه رعد کایتدی آه فغانی کور چاک ایلدر بیغانی در دل صبح کاه  
 چه خاک شفق برینه به دکو کی فانر کور **شعر** اول زمانه که زمانه مرحوم فر  
 یوزد و ندر مشد اول حین حرارتده بو نکته یار خوب سلطان بایزیده  
 کوندر مشد **بیت** من بستر کله یا تهن ثوقله خنداز بن کل دوشتم  
 کلخن محنده سبب **جواب مرحوم سلطان بایزید** چه روز از کل قسمت  
 اولمش بزه دولت تقدیره رضا ویرمیسن بویله سبب نه  
 حج الحرمین دیوبن دعوی قلورسن بوسلطنت دنیویا به به نیچه  
 طلب **شعر** اتفاق شعرا بود که سلاطین هر سلطان سلیم دین و شهادت  
 مرحوم سلطان جم دین شعر بوقدر بود اخی سلطان سلیم کبر فارسی  
 و مستمع رسائل دیوان ایدر بوقدر مطلع دغرا نکر نیچه بتقی در مطلع

مهر دین

**مطلع** اولای یوز کل بر قعی اول زلف سمنای سجا قدیر اجعل اللیل لباسنا  
 در ذکر مرحوم و مغفور حضرت سلطان بوقدر قود علیه الرحمة  
 الملك الودود سلاطینک علما سندر و شهادت لکر فضل سندر در حرم  
 سلطان بایزید یک فرزند از فضیلت پرور و سلطان سلیم طاب ثراهک  
 برادر پید شهادت کای عظام مابینده علوم و کمالانیده ممتاز و فایق  
 و علم و فضل جتند بر موالید زعد اولفقه احق و لایق ایدر علوم  
 عربیه در فتاوی به متعلق تألیفی و دخی بعض فنون و متون شرح  
 و حواله در تصنیفی وارد در علی المحض من که علم ادوارک و فنی مکر  
 موسیقاک ایدر اعنده بی بدل و علمنده صاحب کل ایدر عائل فضل  
 و هنر و کامل هنر و و هنر پرور اول و دخی باعنده آستانه مجمع  
 و انجمن فنی او فضلا ایدر مراتب و مقامات سراسر و جلاله معلوم  
 او لغین هر کماله کماله کوره رعایت و دایره سنده کوره رعایت  
 نه آنکه سنده ز متجاوز نا اهل قدر و بر و به اهل عذر ایدر و فتن  
 شعر دخی میکت دیوانه و خوش آیدن نظم و نازک بیان و وارد در  
 به مطلع انک اشعار در بر بارند و گفتا که هر نثارندند **مطلع**  
 توتیا و خاک بایکد ز ایدر قطع نظر ایکی کورنه کورنر جقسوز ای نور  
 اول زمانه که والد سلطان بایزید که مرید عنایت کند و نکر آخ اکبر یعنی

طاب



اولو برادر سلطان احمد محقق اید و کن بیوب حرم واجب الاحترام زیارت  
عزیمت احوال بنعلیوب جرمی تخلص نمشد و نارک تاج و تخت و قارغ  
رفت و بخت اولوب مصر کتمشد و بر شورش و انکیز اول زمانه حرب حال  
دیوب دله مقال اید نمشد در **سبت** تاج و قبای ترک اید و یوب عریا  
اولاین بر زمان غریبه کیر از ایلوب مهماز اولاین بر زمان  
چنگ و ریا بک صحتی مطرب تمام اولدر همماز بنمطلاح فی کبر نالای اولاین  
بر زمان که دوشوبن کاھی طور و یوب که کلوبن که اغلیوب  
که قان یود و یوب سر خوش اولوب سکران اولاین بر زمان **در ذکر و حرم**  
**و مغفور سلطان سلیم** علیه الرحمۃ العیدیم جری الجناز فیضی اللہ  
پادشاه عارف و اسرار احوال جهات موب و واقف در شوق قدر قوی  
القلب شجاع و دلبر اید که سپهر کی سینه کسوب تیر راست رفتار کبر دشمنه  
تنها و ارمق و طوب صنف شکن کبر عسکر اعدایه استقبال اید و یوب کندوی  
قلبه و ارمق قاتنده جایز اید لا شجاعت شعار لرزید بر مطلع انزل  
حسب حالی و شاهد صدق مقالی در کرشکر عید بود ارقاف  
تا بقاف بالله پیچم از و در مصاف سلاطین آل عثمانده  
فضل و فصاحت و وفور ادراک و زکاوتله معروف و موصوفه  
اول پادشاه صاحب فراست و پرکیاست اید که کند و رای صابنده

صابنده و فکر ناقبند غیر که کاوندیر اولدر و بر شرف شاه صاب  
عدالت اید که عهد همایوننده مظلوم داد خواصک جفی بوم مکافاته  
و حق روز عرصاته قلمزد در کوکه انمدر بر مظلومک آھی  
مکر عاقلک دود سیاهی و زهن و زکاء پاکی و وفور عقل  
و ادراکی بر درجه اید یکی بر وزیر شکر تدبیر اصابت پذیرینه درجه  
قابل دکلر و دل بیمار و عقل کامل العیار له قطعاً غین و فریه قابل  
دکلر خود خور بینه قاده اولن **عقلای** کار و ان عمر  
حضورین طفل نادان و کودکی بجد خواج کبر قاصی و قاصر اید بر مهلت  
و صلای بتمند ز قلوب او و وزیر ایه بلکه کافه برای ایه دشت و حمیت  
مستول اولمش و وصیت و صدای حمیتی عرصه کائنات و هفت اقلیم  
و شش جهات طولمش در سید زمین و زمان پر افر و اعجاز و معادل  
عهد نوشتن روان اید و الی حاصل اجراء او سلطنتی و حکم حکومت ابالی  
عامه انامه و نامه خواص و عوامه بر مرتبه بکنند در که کافه خلایق  
قیام قیامت دکل حنت و افرین و تبارک و تحسین او فرلرد و عهد  
همایون خجسته فالنده منازل عالی پرافاضل و اهلها اولوب جمیع  
مناصب محل و مناسبتین بولمش و کند و لر طالب همسر و راعب  
مرد صاحب کمال و لغین الناس علی دین ملکوس هم فحو آنچه زمان



فرخنده لرزیده و ضعیف و شریف میل و کمال و معرفت و تکلم زبان و فرنگ تمام  
رغبت آتش را بدین صمیم جان و دل در مایل معارف و فضائل اولاد  
باعث از پادشاه خلق عرف و اضافت قیوب زمانه فاضل لرزیده  
اختیار اختلاط و عصمت یک کامل لرزیده بی تکلف این طایفه را بر این طبع  
وقاد و ذهن و نقاد صراف جواهر کلام و سخن شناس سلفه و نکته  
دانگه ممتیز ناقص و تمام اید در وقت دور بین لکده عقل و شکافی  
قلی قرق برادر و هنرمند کامل گشت و جویند و مرد فایده نگار و پند  
اولوب گوشه بکوشه آرا در عرصه فصاحت فارسی میدان فرسی  
و فرس طبع با کف تمام الفت و انس و اید شعراء و ولایت روم  
اند و غیر که فارسی دیوانه وین اند و شعری ترکیبی ترکیب اید و  
اول طرز کمد اشعار بلاغت شعار غنای فضل و البلاغ مقبول  
و معتبر و مدوح اهل هنر در افاضل عجم انقاس نفیس شعراء و فرس  
کلام شاهی به معادل و مماثل طوثر بر برقی مطلع فارسی اول خفنگ  
مستبر که سنه فکرمی کردم بشی کانه ماه را بدینم بخواب  
من درین بودم که ناکه شد طلوع آفتاب ابرو از تو و چشمان  
نوازی صورت چین آهواننده ز رخ شاخ بشاخ از سر کین  
مجنون داشت و خنجر ویرانه میرسد طفلان شهر فرخ که دیوانه میرسد

صیبت و صدای

صیبت و صدای سلطنت رفت به باد و ماهی یکم بیکن عجز غایتی  
بند آه سپاهی یکم سواد سایه که همراه قدیار منست  
من از صواشده ام خاک آید غبار منست و موصوم طاب تراکم  
نامه اقلن ترکی اشعار که اکثر عوام التاسک فترسی و اسناد دید و اول  
مستند اولن ترکی اشعار که مبرر محلیزه تحریر و یکم اید و کی صحت اوزن  
تقریر اولن شد و بوبیتی دخی خلق عموما کالاسناد ایدر لر  
بن با تم لایقی و شومده اول یا غین طوره سرونازم دیکم بن اولد که  
نمازم قلمسوز در ذکر حضرت سلطان سلیمان شان دام ظلّه الی انوار  
الدور از منبع المعارف و الماثر و مجمع الفضائل و المفاخر ما لکرم مالک  
فضل و عفا و مفسر و مبین آیه عدل و احسان در روز ویر  
معارف و شرافت معرور و مبین و الفاظ فصاحت لباس بلاغت  
افتخاری الطفا حسن و بلیغ و تحسن حد رای عالم آراسی سبب نظام عالم  
و ضمیر کیتی نما و مشکل کشای باعث اصلاح اعم در اثناء امور  
سلطنه صدف ضمیر لرزه صدور اید از کلام بلاغت نظام و کلمات  
الائی نظام ترتیب اوزن تدوین اولوب میان اصل عفا و سنه  
جهانیا نده اشتها زتام و اعتبار مالا کلام بوشد زنازل ادا و زکین  
فارسی و ترکی خوب اشعار و نازک گفتار و ارد بر شوغرا و غل زیبا



اول حضرت انقاسی شریف سینه در شعر رنگ غنچه در لیسک اول  
 کوکلک صافی قومه الدز قومه جملط بر لحظ شراب صافی  
 مجلس عشق آرا کلکه پروانه بتر بلیل کلشنی آکه کید را اول لغافی  
 سینه غوام صفت بحر معانی به طلب نیچه در چقوب اولدم انوک صافی  
 ایشکی در شفا سینه ابرم دیو بودل کیچه لرجه دکن ورد اید نوریا شافی  
 قانی ایچکه کلکه کی انوک غنچه دوست بومجی دیرا کا خانه صفا و عافا  
 نشر و بوا یکی مطلع فارسی دخی اول حضرت کلکات معنیه  
 مطلع بازار آفتام از خست عبوی بسته شد جان و دلم در کره ابروی  
 دیکر بازار آتش دل دپله پر است کار این چشمه ز سر چشمه خراب است

حرف لالف	اصد پاشا	امیر بی معنی	امیر اصحاب	امیر دواع
اصول	امیر ضوان	ارغور	اسحاق	اصول
افتاب	انوار	امر	امیر	آهر
عد و شواء حرف لالف ۱۴	حرف الباء بای	باقی	بزمی	بصیری

بصیر	بهار	باشی سنا چلی	باشی واعظ	بالول سیم خوار
بیامی	۲ حرف الباء ۹	حرف التاء	تابع	تاجی
تراجی	تمتاج	۲ حرف التاء ۴	حرف التاء	تاجی
ثنایی	ثنیاج	۳ حرف التاء ۳	حرف الجیم	چاکر
جامی	جامی روحی	جعفر چلی	جلیلی	جلیلی
جلار	جهامی	جمیلی	جنابی	جنابی
جهانی	۲ حرف الجیم ۱۲	حرف الحاء	حافظ عجم	حافظ سروری
حافظ قنور	حالت	جیبی	صدیدر	حیر
حیر	حیی	حسن روی	حسن چلی	حینی
حضور	حلیبی	عمر قطون	عمر چلی	حیاتر حیاتر
حیدر	حیدر	۲ حرف الحاء	خاک قطون	خاک اسکوی
خاور	خدای	خضری	خضری	حلی
حلیله زرد	خفی	خیالی چلی	خیالی بک	۲ حرف الحاء
حرف الدال	داعی	درون	درت	دعای



دلیر	ذ حرف الدال	ذ حرف الدال	ذ حرف الدال	ذ حرف الدال	ذ حرف الدال
ذ حرف الف	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء
رفیق	رمز	رمز	رمز	رمز	رمز
ریاضی قاضی	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء	ذ حرف الراء
زمانه	زین	زین	زین	زین	زین
ساعی	ساقی	ساقی	ساقی	ساقی	ساقی
سرور شرف	سرور	سرور	سرور	سرور	سرور
سویهار و فاضل	سایق	سایق	سایق	سایق	سایق
ذ حرف الین	ذ حرف الین	ذ حرف الین	ذ حرف الین	ذ حرف الین	ذ حرف الین
شاهد	شاه	شاه	شاه	شاه	شاه
شمس داور	شمس	شمس	شمس	شمس	شمس
شہدی	شیری	شیری	شیری	شیری	شیری
صافی	صبائی	صبائی	صبائی	صبائی	صبائی
صنعی ازین	صنعی	صنعی	صنعی	صنعی	صنعی
صحی	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء
ضیائی	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء	ذ حرف الضاء
ذ حرف الطاء	ذ حرف الطاء	ذ حرف الطاء	ذ حرف الطاء	ذ حرف الطاء	ذ حرف الطاء
ذ حرف العین	ذ حرف العین	ذ حرف العین	ذ حرف العین	ذ حرف العین	ذ حرف العین

عذر	عذری	عذری	عذری	عذری	عذری
عطائی	عطا	عطا	عطا	عطا	عطا
عندلیبی	عند	عند	عند	عند	عند
عذالی	ذ حرف الفین	ذ حرف الفین	ذ حرف الفین	ذ حرف الفین	ذ حرف الفین
فتوحی	فرحی	فرحی	فرحی	فرحی	فرحی
فضلی	فضولی	فضولی	فضولی	فضولی	فضولی
فور	فوری	فوری	فوری	فوری	فوری
قاضی	قدری	قدری	قدری	قدری	قدری
ذ حرف القاف	ذ حرف القاف	ذ حرف القاف	ذ حرف القاف	ذ حرف القاف	ذ حرف القاف
کشفی صاروخانی	کشفی	کشفی	کشفی	کشفی	کشفی
کمال ذلیون	کمال	کمال	کمال	کمال	کمال
لالی	لامی	لامی	لامی	لامی	لامی
ذ حرف اللام	ذ حرف اللام	ذ حرف اللام	ذ حرف اللام	ذ حرف اللام	ذ حرف اللام
مستی	مسی	مسی	مسی	مسی	مسی
منیری	میری	میری	میری	میری	میری
ذ حرف النون	ذ حرف النون	ذ حرف النون	ذ حرف النون	ذ حرف النون	ذ حرف النون
نشانی	نظامی	نظامی	نظامی	نظامی	نظامی
نہانی	نہالی	نہالی	نہالی	نہالی	نہالی
نیازی	نیای	نیای	نیای	نیای	نیای



والهی	وحیدی	وحیی	وصالی	وصفی	وحدی
حرف الواو	حرف الیاء	هاتنی	هاتنی	هاتنی	هلاکی
هلالی	هلالی	هلامی	حرف الیاء	حرف الیاء	یاری
یتمی	یحیی	حرف الیاء	تمت	الباسمی	الشعراء
سلطان الشعراء وبرهان البقاء ورحوم ومعون راغز					

احمد پادشاه علی المغفره والثناء بوسید روز را نک علماسند و شعرا نک  
 فضلا کنند در بین الانام ولی الاین او علی دیکله معروف با وجود که  
 علو نسب کمال حیدر موصوفه والدر رحوم سلطان وراج قاضی کر  
 و کند و لدخی محمد خواجه ایکن شان بی نظیر الیه وزیر اولوب نظر عالی  
 مظهر و شکر در جواهر نظم کلامه اتاد ماهر و انواع علوم و اقسام  
 فنونه قادر اید الفاظ نظم ملایانه و اسلوب شعرا کا برانه در الفاظ و معانی  
 ابیات پر نکاتی متن متین کبی محکم و قصاید خود اجماع و اتفاق آرزو  
 مستم در حتی رومک بخند اندر بوعیتی فارسی رومک سر آمد لر حقنه و جلاله  
 تحریف اید و با وقور لر بیت سوز آهی باید و الفاظ احمد در سخن  
 نازکیها و نجاتی و خیالات کمال **نثر** مراعات نظیر قسمند به مطلع ممتنع  
 التظیر نظیر اولر که آفرین بر لفظ بیکانه بوقدر **مطلع** چین زلفک که  
 بگزندم خطا سن بلدم کی پریشان سولدم بویوز قراسن بلدم **نثر**

**نثر** به مطلع مطلع دخی غایتده مقبول واقع اولمشدر مطلع من  
 ایکنده سغریب شرا ایکنده بن غریب کل ایکنز اولالم سغریب بن غریب **نثر**  
 سان فرسده واقع اولن کتب و دواینه تتبع مستوفی سی و تفحص مستوفی  
 اولوب جمیع مخطومات فرسی مستمع و فواید و عواید ضایع و بدایع و ممتنع  
 و ممتنع اولمغین بیت معنی نیک بود شاهد بکیزه بدین که کهر حیدر دو  
 جامه ذکر کوز بوشند **نثر** مضمون اول لباس عبارات فارسی برله ملبس اولن  
 شاهد معنایه ثیاب الفاظ رومیدر شاعر جدید و دیار فرید کبیر هر معنی  
 خوب بر ترک فلناز و محبوب عشوه ساز اولمشدر کرم طریق ترجمه بعضی قافیه  
 معقول و مقبول در اما بعضی بایند بوجه متدیر مطعون و مدح حواله  
 اتفاق فضلا بود که اگر رحوم مترجک نه امیتله مترجم اولمیدری شعراء  
 ولایت روم بیننده سر آمد و سلم و افضل و اکرم اولوق معتر ایدر با وجود که  
 کند و رک جودت و طبیعتی بی غایه و تصرف ذهنی بی نهایت در و رحوم  
 مشهور در که غایتده شاهد باز و محبوب پرست و شور و شوقند عشق  
 و حوایله مست و ممدت ایش بوجیشیتدر عالمده دیر و زبانه غایتده  
 و مصاحبت و مقارنتی نهایتده محذور اولوب عالم تجرد در عمر اولر  
 تأقل و بوس و آغوش زین تصور و تخیل اتمش **مسموعه** که بر کوب سلطان  
 محمد غلام خواصند بر سر و سر بلند رنج و پند ایچیز بنده چکش



و تخم خشم و کینه بی مزعده قهر و غضبند اکش آنی کور دکه فروردین  
بالبداهه برباعی وارد و لایح و متوارد اولور رباعی چهارمین که اول شمع  
شکریه بتور کر با ای اغنده دموور لب شراری حلوادر صا تر سه  
دگر مصر و بخارا و سمرقند **نثر** برباعی سلطان محمد که سمع شریفه پیشوب  
مشاد الیه ای بد قلمه جلی ارامش و مرحوم احمد پاشا محبوس مایوس  
ایکن اول کنایه ایچون عذر خواه اولوب عفو ذنوب ایچون کرم قصیدکن  
دیشدر بوبر فح بیت اول قصیده دیر **نظم** قول خطا انفسه عفو  
طوته لم ایکی الموم قاندیش قلنی کرم نه کرم اوله که مغلوب ایدنه آنی کنایه  
نه کنایه اوله که مغلوب ایدنه مرآنی کرم صوب اتر مزینتور کند و مرآنی  
بنی نیچون بتوره غصه به عماز کرم **نثر** و الحاصل اول قصیده عفو کنایه  
و کلم غیظه متعلق اول قدر فواید فضیلت درج اتمشدر که سلطان مجید  
بی اختیار کنایه حکم عفو ایروب راه رافته کتمشدر بوعذوبت بسیار و صفا  
سان که احمد و وارد را کا پادشاهلردن زوال یوقدر دیوبیور  
و مرحوم غایتند بیدیه کو و سخن آفرین و غوریاتنه تیز طبع و دور بین  
ایش مذکور در که بر کوبن سلطان محمد که مجلس شریفه خواجہ حاضری  
و افرامکر لود دیوان اسرار بیا نندن اشرف و اعیان اعتقاد و اعتبار  
ایروب استخار ایدر اتفاق بو مطلع کلور که مطلع انا ۵ که خاک را

۱۱۰  
انایه کو خاک را بنظر کیمیا کنند ایا بود که کوشه چشمی بیا کنند نرسد  
محرور مطلع حدیذیاج پسندایتند کن و قوم فروردین علی الغور مطلع  
بو تضمین اتمشدر **تضمین** انایه که خاک را بنظر کیمیا کنند خاک جواهر قدت  
توتیا کنند **سلطان العلماء و التأخرین و خاتم الفقهاء المجتهدین شمس الملة**  
**و الملة و ارث علوم الالبیاء و الدرسین علماء مملکت رومک سلطان سلیمان**  
**اغتر و محوم و مغفور کمال پاشا زاده احمد علی و افند خور الله مضجعه و طاب**  
**مرقد کمال پاشا زاده سلیمان چلبی نکر او علی در و مولد لر توقاند واقع اولور**  
**نشو و نما لر ادر نه ح اولشدر را تغافلما بود که ولایت رومن عدل و نظری**  
**بر عالم متبحر و متفرد پیدا و هویدا اولد بلکه معادل و مماثل بودیاره کلیر**  
**علامه حافقین و مفتی ثقلین ایدر مجموع علوم و فنونه طبع پاکش شامل**  
**و اصناف کمال الله کماله کامل ایدر بوجہ علوم و فنونکدر شرح متونانک**  
**مشکلات و معضلاتن فکر و شکاف شکل کشا سید اصلاح و ایضاح ایدر**  
**هر فنده بر رساله و هر نوع علم بر مقاله یا ر مشدر و الحق انصاف بود که**  
**مجمع مجموع علوم و افتخار علماء مملکت رومدر اول بر عالم ربانی ایدر که**  
**علمی اثر و ولایت و سر حد کشف و کرامته اتمشدر و اول در بابی فضل و دانش**  
**ایدر که کونن بیک مقدار ر فتوایه دستاوروب بوجہ معید و مستفیده در**  
**و بد که نصک بر جوده تألیفی کثیره کتور مک روز مرقه سید و نظم و انشاد**



دخی یک فن اولند قدر قدرتی و ابداع بدایع نظم و نثر تمام مهارتی و ایدر بوفند  
مستغنی اولغین تکلم تعیین اتمشدر بلکه بی مخلص لغی مخلص ایدر نمشدر  
بوبرق مطالع مطبوعه اول حضرتک نتایج افکارند و انفاذ در بارند **مطلوع**  
هر فنی اول سر و قد و تنار او چین چین ایدر چنانکه سرواوستند اول چین صورت  
سین ایدر **مطلوع** کلشنک آب روانر سکه او یکمکنند اولکدایه نوله گرین  
ادل و نازک بدین **مطلوع** یوله چقسه شاهلر عادت در باران یغیر ششین  
یولکه خلقک کوزند ز قان یغیر نتر و کند و لامل و انا ایتد و کی تواریخ  
آل عثمان سلطانی سلیم طاب ترا حکم مدت قصیر و اول زمانه قصیر  
ماثری کثیر اولد و غنی بو قطع ایلد خوب ادا اتمشدر در **قطعه**  
از مدته چوق ایش اتمشدر سایه سما اولشدر عالم کبر شمس  
عمر بدیر عصر شمسک ظلی ممد و داولور زمانه قصیر نتر بوبرق  
ابیات نصیحت نصاب دخی یوسف و زلیخا کند ز **نظم** کلستانند دیکه  
کسته نیک خار شوخادر دیکد کرسک کاوله کلبار ایچو کی کسیه  
طاش ایتد هرگز کسته سرتی فاش ایتد هرگز دیند کند و عیبک  
دکله کوش اول کوریکجک غیر عین پرچ پوش اول دلسک  
غیر انیمیه انکار سن انکار ایت سکا و غیر اقرار نتر و خلقت  
شیر غیر غایتد نشاط و انبساط اوزن مجبور اولغین اکثر اکا

اکثر اوقات کتاج دروغی و لطیفه کوبی اکیسک کل ایدر **مطایبه**  
مسموعه در که محوم و قوم محسند فتوی حراکین بر مد من بنک و بنکی  
بی شک بو مسئله استفسار ایدر و در که زید ایتام صیامده وقت صبح کا دنده  
افطار غبار ایتد نه لازم کلور جواب ویروب مثاب اوله سوزدیر ایلر  
دخی ملاطفه یوزند ز مطایبه قصد ایدوب قبا و شوق قاز حیران اولما  
لازم کلور دیو جواب ویردیلر **مولانا** رحمه الله علیه بواسطه در  
عراذله غازی دورنده بوی بکرنند ز میر سلمانک مادح و و اصغر و اول  
عصرک فاضل پر معارفیدی اسکندر نامه و نورک نامه دیشدر  
و علم باطنند ز افاقی و انقی شیه و تمثیل حکمت و هند سر دخی و علم  
طیبند ز چوق معانی و معارف خرج و درج اتمشدر اما نظمده  
اولقد ز طرفت و الفاظ و ادا سنده چندای لطافت بو قدر توان  
ایدر لکه کتاب و نوری مذکور دیو با اول عصرک انیمیه و ارکانه  
عرض ایتد که حیرت قبوله قرن اولیوب بو گونه نظمده بر کتابد ز یک  
قصیده اولی ایدر دیشدر اول دخی بوجوابد ز متالم و متأثر اولد  
و شکسته لکر عارض اولوب مزاجی متغیر اولور مکر اول زمانه محوم  
شیخی ایلد بر حجر جلیله و لا تکلف حکم انیس بر شمشیر واقع  
شیخی به حکایت و بو مقوله بر کتابد ز نه خوشی قصیده افضل ایدر



در کلان روایت ایدر وزیر شیخی اول کیمجه احمد آردنه حسب حاله مناسبت  
 بر مخیل قصیده پیدا قلوب و یارنده سی مولانا احمد اول قصیده یک  
 شبه بی آلوب ارکانه کلو اعیانه عرض اندکده امعان نظره مطالعه  
 قبول رکور رکور کجایات قصیده ایلده نظم کتابک اول قدر مناسبتی  
 والفاظ و معانی چند از مشایخ هندی بوق اگر بقصیده کنک ایه  
 اول کتاب دکلدر و اگر کتاب کنوک ایه قصیده سنگه کلدر دیو  
 میانلرند کجا چند از تفاوت فاحش <sup>منظری</sup> یوغین ایکی سخن  
 ورک کلماتن بریندز فرق ایدوب تمیز اتمش مکر اول زمانک اعیان  
 ارکانی کنی فهم و نکته دانلر و معنی شناس صاحب ادعائرا ایشک  
 دملر صاحب فضلک فایز دولتی و انک اول اولر اهل معرفتک سعادتید  
 وزیر برک میر سلماز آردنه مرتب دیوانی و حد در متجاوز قصاید  
 و تراجم الشعاری پایانی وارد در اسلوب شعر شیخی طرزنه قریب و قدما  
 وادرسنده فارسیدز متبرجم موتمط کونه بر طور عجیب دیو برچ مطلع  
 انکر کدر مطلع فکر ایلده مبداء ک نزدیک نیر در معاد <sup>حکم</sup> کلر کنده  
 انبوه مقامه ندر مراد مطلع بی بقاد بو منزل ای احباب  
 فاتقوا الله یا اولی الاباب <sup>نشر</sup> بوبیت دخی الکندر نامه سنده <sup>نخست</sup>  
 خارشنگ خار صقلر جانی نرملر بکر سمورک قانی <sup>مشابه</sup> این

مثابه این معنی چند و صدی و بر محل ناید بکار جای کل کل با نر جبار خار  
 و سلاطین ظهیرک اکثر قصایدن ترجمه ایدوب و علم طب مسائل قانون و شفا  
 ترکی نظله بر معبر کتاب اتمشدر و الی اصل نظمی اهلیتینه و شیخی معرفت کوره  
 دکلدر احمد داعی <sup>رحمه الله علیه</sup> ولایت کر میاندز بودخی میر <sup>سلطان</sup> سلیمان  
 شاعر نرندز چنگ نامه آدلو مستطوم نالینی و اسلوب نرسلده تصنیفی  
 واد در طر زغلی طور سابقدر و معاصر لر یک منر سلک نر نسبت بعضند  
 فایقدر بوبرچ بیت انک اشعار ندر خاصه اختراعیدر <sup>شعر</sup>

ایا خوشیدمه پیکر جملک مشتری <sup>منظری</sup>	نه منظر منظر طالع نه طالع طالع انور
جملکده چهار مشن طدا غنچه <sup>گلشن</sup>	نه کلشن کلشن جنت نه جنت جنت کوش
یوز کدر آیت تحت او ز کدر منظر <sup>قدر</sup>	نه قدرت قدرت صانع نه صانع صانع <sup>اکبر</sup>

نشر دیواننده بو مطلع در مطبوع نسنه سی یو قدر مطلع کوزم  
 هیچ کورد کلک و ارمی بچی توره طاها بنم یارم کرفته بنم کو کلم کبرشید  
 احمد بکر <sup>رحمه الله علیه</sup> دقه دین او غلر ندر بودور شعر اسنده در طور  
 و مودلات و دارات و عرف و اضافات قوللنر آغز سپاهی  
 و رعایه متصرف سنجاق پایه سنده بنده شاهی ایکن جهان قانی نک  
 فنان مقرر و دنیا ی کذر انکر و و عبورین کوشندز اظهر کوروز  
 مصاحب خلدنر فرار و ملازمت ملوک نر عار ایدوب کنج فراغنده



انروا و عزت اختیار آتش در موضع و قاردین و علوفه و تیمار در کجوب  
 توجه و توکل طریقه کتشد رفیق و قنایه متعلق اشعار و طریقی حقیقه  
 ملائیم و مناکب گفتار و اردر بوشوانک اشعارند **در شعر**  
 زین اتمک بچیز جنتی از ان التور قولوغه اکاحور و علمان التور  
 جانیوسفی مصر و جو دکره بولر کنعان البینه آدکی سلطان التور  
 واعظانیر قور قومه جهنده اودلوز ینماغه اودین هرکشی بوند التور  
**نثر و بوبرج بیت** دخی درویشک طریقه هرکس جور و جفا  
 مقرر و از اسنه تحک و صبر و وقت حدت و غضبند غریبه اتمک نوع  
 انک اسانه انانیت اتمک خصوصنده انکر **نظم** هرکیم بیرون طعن  
 ایلر بی خبردن حق مقلسون آفی دلرم خوف و خطر دین  
 کم عینتر نسو بیوس ایلر مزمت یارب پرایت اغری انک شهید و شکر دین  
 کبر بلینه کین ایدنه بارشقا ایمانله شفقت ویره و سوریه در دین  
**احمد رضوان الله علیه** بودورده فوت اولدر بوعصیه رشت باکند  
 سخاق چکی او ادر ایدر کریم امد از ایدر اما کند و اعتقاد حسینی  
 زعماد ایدر قصاید و ابیاتی حدت در بیدر امد اجد کلام موزون  
 الفاظ نظمیه صده اصلا حلاوت و تعبیر واداسنده هرکمز ملاححت یوقدر  
 دفتر و دیوانشک آب بوی و جمل اشعار بکر بوزار صوی بوبرج بیت

بیت **در شعر** و له نادر شکلا جهتم اودر بایندر موزنی تشنیم که بیدردیا  
 صنوی قاندر موزنی یا تشنیم که بغیله غار و حدت اچره خوابده  
 شوبلکم غوغای شرف و پیاویاندر موزنی کی صفین عاقانامه زاهد کافس  
 بیک کرامت کو تیریر هیچ انا موزنی **از هدی نو در الله مرقن** شوا و مکر  
 قدما سنده و ارباب تفکر فضلا سنده مولد آق شدر ایلوب الی نور الدین  
 اولدوغی مناسبتله از هر تخلص ایدر وادخان غار دوزن و شیخی و احمدی  
 عصرنده کلشرفن شعر معاصر لرینه نسبت و طالحال در کریم پورچ  
 زک و تصنع صورتی کو ستر اما معینده ساج مقالدر بواشیا انک  
 اشعارند **در شعر** فرصت الودیرشکن وقتی غنیمت بیلوم عمر مرصع  
 مهر و محبت بیلوم هر دینیک ایغی توزنه یوزلر سورهم که قبول  
 ایلر سیه آنی سعادت بیلوم هر دنی منتنی چکیالوم نفس او یوب  
 دوتلر منتنی نفه دناوت بیلوم **نثر و بونکته** دخی کرد و زنفه  
 نواز جا اهل جاه و ناز و آهله ناله و نیاز ویردو کتی مشعرا کا اسناد اولدو  
**بیت** مدله سیمی مرد نادانک دانه سی یوق اللذه دانانک **عالم این بیت**  
 بوریایه صار لوب صحاح دتر ررنی شک کل پیاز کور که فیت از قنده جامه  
**قدوة العلماء فی الافاق و حوم و مفسور مولانا اسحاق علیه رة المملک الخلاق**  
 الکوبر در علمانک شعر اسنده زوشوانک فضلا سنده زدر پادشاه دوزنه



شام قاضی بکن فوت اولشد و سایر فضایلند فتنه فتنه شمع داغ  
 کمالید کامل اولغین شیوع و شهرت بولشد اشعار خوش آینه و ساج و  
 عاشقانه کثرت اولدغی بود که انشای مصاحبه محاسبه کند و نکاح حال  
 و مراد مافی البان **نظم ایوب** نظم اتمشد بوبرق مطلع زام طبع لطیف و  
 فنی شیرین **مطلع** بوشیم چشمه سارینک عجب خونین اقرایشی مکر و ارس  
 اول عینک جگر داغنده در بایشی **مطلع** زاد من غصه غم درد دلا را  
 چکوب کعبه کوکبه کیدر قافله از باجم نوش ایدرم ایرود و شربت یارمن  
 قطره قطره دو کوردیده خونبار من **نثر** و حوم غایتده شور و شوقی غایب  
 و درون دل از مصائب محبوب طالب نازک حریف و رند ظریف ایدر هر قنده  
 بر محبوب اشتیاقه بیلیدی که نیل نیرد و بالچله پری خساره لک شخیره  
 سحر ایدر عمری اولدغی عالم تجرد میر مجتهدان و سر خلقه رندان اولوب  
 بیکرین دنیای پر زور و زور در بر قرقش دلبر و نازنین یکم هزار  
 کتره بیکر کور در **بیت** صوفی قرقش قرا و غلن کوز لک و ارکن  
 بجه بی زوق اولد شو لکه واره میل اید زنه **نثر** و غایتده شوخ مزاج و مزاج  
 و کثرت طبع خنده از روی ایدر و شادمانی و شوق قاسم دیکله متقاعد  
 اولوب متعارف اولوب ملاطفت بوزند بوبرق بیت دیوب  
 کوند شد شوای بر بر فکر غشقه خاز اولن سرور **جمعه**

جمله اسرار موزه منبع مظهر **جمعه** ملک استغفار مشکک و قارنلر خا  
 عالم اطلاقده کر چه دم اور **جمعه** بویلاخی پیره زنده دهرک یوزینه یقین  
 تکیه گاه وحدت عالمده کر چرخ **نثر** و فتنه کزنده کامل و راسخ اولد  
 غیر ی خوب مویخ ایدر لدرنه دار الحدیث کند و لره توجیه و تفویض  
 اولند قده مفاخره بومطلع تاریخ دیشلر در هر بر فقر کسی بزارین واقع  
 اولشد **مطلع** تاریخ عالم و اهل تفسیر • روشن فقیه افاق •  
 الله نه مستحق در • دار الحدیث اسحاق • اصولی ر **جمعه** الله علیه  
 رم ایلنده وارد ریکی سنی نام قصبه دندر علومی فروع و اصولیه  
 تتبع ایدوب طریق تصوفده تصفیه باطن باطن و تذکیر نفسی و مجر  
 شیخ ابراهیم کلشنی حضرت ندرین ارادت کتور شد و نفک آرزوی هواسته  
 و قلبک میل مشت ها کنه یلک نه کجوب کوشه غلته و کنج فراغنده او توری  
 اکثر اشعار تصوفه متعلق کلمات و سید نسیمی طریند مواعظ الهیاتد شو  
 انک اشعار ندر و جمله گفتار ندر **نثر** وجود مطلق کجور موجی کم ایدر پیدا  
 انا الحق کترنی لیلر اگر محقق اکر پیدا معادن قنوا انبیا ایدر اوز کند و دانسته  
 کسسم و زرها برکی سنگ مهر پیدا بویلاک که حقیقتده صوبی بر اغیانی بر  
 والی و حقایقده کجور بیک شجر پیدا نقل نوع ان شمی زهر و کمن شکر  
 عجب حکمت بر غنچه اولور در لوتی پیدا دوزیو کجور بیک ایلر بوزیو کجور

مفاخره



نه کار بوالعجب بود که اولن کار کردید با بوطوقه شش سوایچه کلدر و کتک  
نه کلدر و کلر قیو ظاهر نه کتد و کن مریدا **نچه** زجت چکر کسب الایدنجه بر عارف  
بلی چوق قان یودر کان ایلینجه بر **مطلع** تصویر غیره قلم محل قلب اقدسی  
اصنام مسکن ایله بیت المقدسی **مطلع** کل برو جان کوزینی عشقه بینا قلموم  
یاردیدارین هر شیده تماشا قلموم **مطلع** بنوم سرو قبا پوشم قو خاک ولسون **نیده**  
دلوم بنم روم بر شمر ناکه پیرهن **مطایب** مزبورک حالت فقره عی غزلت از وای  
و معات و فرا غنیه غنای و استغناکی وارد بود قدر فقر و فاقه ایله بر طاقه  
ایکن کبر عرض احتیاج ایروب باش اکر دی و درگاه حق قویوب در و میریزیا  
و این سابلکریانند منقور دکرد **نیده** اول کبر و غرور ایله پر عیوش و مست  
و دنیای دخی ایچون اکابر است اولنری کورب بو قطعه **مطلع** سر او قوردر  
قطره آب کنده یک دوسه روز در کینه را مقام کند و انگهی سر برود  
زانجا ملک و میر و خواجها نام کند سک بر آرز قلبنا شرف دارد که بدین غرزان  
سلام کنه آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب  
زکین اشعاره مرتب دیوان و عذوبت الفاظه شیرین بیان و اردر **مطلع**  
مشهور آنک اشعارند **نیده** یمنه دیش یاره کسی و ارسیب زخدا نکرده  
ینه شقا لومیش لک برستانلک **مطلع** دله که سوز اوله تی کبر نفس ز بلیغور  
خانه نکر شملکی ایچنده کی سرد **نیده** **نور** مشهوره که مرحوم سلطان بایزید

بایزید خان اما بیه خ چلی سلطان ایکن مشارالیه واسطه فضل کماله تقریب حال  
ایروب مجلس حاضره وارز جمله خواصه از اولمشد خیر حسن التفات شاهه خلی  
اعتبار بولمشاید قدیم الرقاندن محقر سلطان و صاحب فضل و عرفان اولن  
محسود اقرار اولوق مقرر اولدوغی حیثیتیه از اخوان حصد مزبور درگاه **نیده**  
منع ورتا ایچون خار و خس نفاق و شقاق طریقی مناسبتی ستا ایروب و جعفر  
شهر یار دین مکرورد و در دوشور و رویی که منده زجاج دل نازک فاجنه نسک  
جفا یله انکسار ویردر بود خی واقع عرض نمک قصیده حیلان بر قصیده ج  
ایروب چوق صنایع خرج اتمشدر بویکی بیت اول قصیده نکر مفتحن **نظم**  
عزک تبرینه جانمک صدف و لوت **نیده** ولی بنوم کبر خاکی نکل اول دولت شانی  
تیر دندم ایراغ اوق کبر قریبان اولدوم **نیده** خیم ابر و لکره بکم بید قدرت کمانی در  
نور بوبیت دفر کند و نکر افعال و انقباض مشعر قصیده **نیده** مر قومه دند **نیده**  
زمانده بوچر خلک چک تصدیق الوکا **نیده** یقر لریسر کو کلک یکتلک عنوانی در  
انور **نیده** **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب **نور** آفتاب  
پوشهر شاعر بالطبع در شوقه راقی در الفی طوغ و لغند و کانی اگر لکند  
بیلور اما طبیعت نظیه و سلاقت شعریه سی غایتن خوب و لغین مرغوب  
مضار و ایوه مغلر بوبور برقی **مطلع** آنک زار طبعی و تصرفه **نیده** **مطلع**  
زلف و خطک علم و فاجتن ایروب **نیده** بر قوه جاهل بریسی چهل و کتب **مطلع**



کانت ای شاه عالی جناب یدر قلعه در دارید رافقا **نشی و بوبیت** رنگین  
دخی بروج تهنین خوب واقع **اولشدر بیت** یکی دکتی می آمده صمدی و رب  
طلوت لوم ایکی الوم قانن یش قانی کرم **امری صلی** ادرنه ویدر بودور  
شواکند: عمار سلاطین کاتلرند ندر شاعر صاحب باریکلام او مورخ  
و معنی و معاکشادر غایتده انچه تخیل و دقیق تعقلی وارد در فن معانی  
نسبتی و شبتان خیال مهارستی اولغین صنایع شعریه سی طرز معما مثال  
و بدایع نظمیه سی اسلوب شبتان خیال واقع اولشدر شعراء عصر یکنده  
خیال خاصه قادر و ایجاد و تصرفه نظیر ناد رکسته در بویرق مطالع  
مخمله انکار نام طبع در بار و نتایج ابار و افکار دیدر **مطلع** بر شکر لیدر  
بویق محزون ناشاد اولدرن کم انکانت دینور شیرین فرهان اولدرن  
**مطلع** استمزدل بلبل اول بوز کل کلستان هر کل کل اولور سر لعلده زینر اشیا  
**مطلع** حیرت ابروی سیکینکه نوک قد رخ نقطه قوش کینه سی او کینه انک دغ  
**قدوة الاشراف مولانا امیر محمد علی** سادات مابده و اشراف  
میج الانا بدند الم شغلر سید محمود و کند و لر ارباب فضل و کمالند  
محبوب معدود در سلطان بایزید و سلطان سلیم زمانلرند نقیب  
الاشراف اولوب پادشاه سلطان سلیمان و کادت و بختکده خنده جلوس  
اندوکی یا آمده دیار فنا دند در تجایه نظر اند عالم و زاهد و قرائن

۶۶  
و قرائن و مجاهد عزیز ایدر سائر معارفند زاید فن شعریه حسان ثانی  
و طرز قصیده ممانند ظریف خاقانیدر بویرق ابیات بلاغت کما  
سلطان بایزید بایزید خلقه دیدر یکله قصیده **قصیده** دندر  
ایکی بهانی ایکی بایزید قدر طفیل خدا قلوب نظر لطفه هر برن منظور  
برسی عالم معنیده شهره آفاق برسی صورت و معنیده کربکی  
برسی محبط انوار فیض رمانی برسی رهنبره و غازیان غبور  
اند فضائل حق فضل کیبر نامعدود بنو که خصایلی حق لطفی کیبر نامعدود  
بوویدر شرع اسکنه صد قلعه امکا او قلدر زهد دیار بیغشقله معور  
شما یلی متناهی دکل چو هر برنگ کرک بر سینه صفا اول ما هو المقدود  
رضی مرادم جودک مرتقی الفضلا لواج همکار اولدر فیض اصل حضور  
**کنج کنجینه آله و خازن قراین نامتناهی اغر مولانا امیر محمد علی**  
روم ایلنده نکه بولیدر بوج صمدی شواکند زدر بکل و حسن عکله مشهور  
و معروف و فن شعری مقبولیتله موصوفد شعرو انشایله تمام  
شهرت و انکتهار بولشدر و روم ایلنده قرم قریم مدرس ایکن قوت  
اولشدر شعراء روم که ممتاز و مستشارلرند و متفرقا افتاخر نیک  
اعلا لرند در شعرون شیوه حسن و کسوز و خیر و موجود و صنایع  
و معانی سی غیر معدود در الحق و انصاف بودر که نظم و انشاسی







ترکی عبارت ناظم رشید کائنات و روح شاعر در عشق و سن رعایت

ولطائف متعلق معارف جو غید / خوی و خصلتہ الہیہ لغزہ غیری  
عجیبی یو غد / مسعود کہ مزبور ہو کون مر جوم و والحق یہ وار ج

اچہ عدد و اوزنشی قزل و بشی قوشونیش بعیر داخو حصو  
غایت منفعل و منک اولوب بو برقی بیتله آنر فرقت و حبش

واردم زوایر مطبوعه طبعه شیو  
امساکی که زباید حقوق ما  
کودم خراسانی چند کوکب  
بر مغرب لوت و لی روزه صفه

قطعه روان برای بصیرت فنی کوکلی قره در شوخی ننگ کلاه انصاریده بوم سنده برز آج سن



بن دیدم بوا یکی کسند عجب قفسی کج  
 دیدم بپیر طوکر که آله سن قمره سن  
**بهار قضاة** طایفه سندی پر زدن نام قصیده دندرفن قفسه و طرز  
 نکرده شاعر اسب و خوب موزن در موصوف و روان یک موشه **مصحح**  
 چنانچه بیجا جان اندر روان نشو تارچ دیشد بر بشود خوش آنکه شاعرند  
**شود** لبر سکن دلم بریم نون دلاکدر غمضی تیغند انکر سینه بریز چاکدر  
 نوله خام صدف بریم آنکه اول پر بر در یک دانه و صفا و لطیف و پاکدر  
 شوی که کوزر جامه خوشم اولی آنی کیم کوزر اول آفتاب بعد نه نمناکدر  
 کند سر مد جامه رنج فوطه سی ابراه حق بود که حمای آنک نیست افلاکدر  
 اول یک موشه کلخن ناز صلت بچو آب کربانه طاس کردان بهار خاکدر  
**نثر** و بوقطعه دخی انکر طایفه در **قطعه** شویم نفع و بابت ترا خنر  
 دکن در عالم اطلاقی قسیده • تجربه عالمینک شاهی ایکن •  
 واروب قول استدر کنند بن **عمود** • ناقل دید و کل گنیز جکر •  
 بهار کی صقن الدنه کسیده **کلخن** روح **علیه** قمره و ران  
 سلیمان بک و علی و بیکه سنا چندی دیکه معروف و شهرور سلیمان  
 بایزید دوزند شریعت مقتضا کج بروضیع ناشایسته صادر او کو  
 ولایت عجم کنشد روانده واروب جامی و نوا ی خدمت انمشد  
 بعد زمانه انکه شفاعت نامه ویروب و بونیک بچو نضیح واعظ

قویا هر

باشتی رحمه الله

و اعتقاد را بد و بس که او و خطا و سیاه خانه نوع انسان و عفو ذنوب  
 و عصیان صفت حضرت رحمانه لود غن بیان انمشد ایدر بونیک نکرده  
 فسی و نظم و نثر اوزن بر فح رساله سی وارد بوبیت اول غمضی  
 دیدم طالع بن جوا فحشه دیدم بود لده داغ کس نثر و بونیک نکرده  
 انکر شاعرند در شعر بار و در ریاض غصه در عالم خراب  
 مسوین عالمه کد لبر عالیجا بنرم انصا ایدر لوم بار اولی چو نعلین  
 ذره ناچیز عار انمسوین آفتا محنت و قلا ندر اولی جسم افکارم  
 مرغ روحم هر یکا در جفقه ایشتاب **تظیف** عارض کورد نکار کند و کند کمر آب  
 رضوک کورد حور حاصل اندر آفتاب نیم بقدر و غن کورد ناز رفیق عاشق  
 ایمنورد آتشینه دوزخک ایمل عدا مشویه طمشد شرار دود آسم کو کلر  
 قورقم بخور برینه او دمی کو کمر صفا **نثر** و بوبیت دخی انکر قفسه بوبیت  
 وصف زلیخا در بیت اول و دوم حسن شریحه مبادر قلم بر پیغمبر صغده عاجز  
**باشتی** واعظ ادرنه و اتانیول بیننده چو رونام قصیده طرطن  
 انمشد ناصح واعظ و زینت منیر بنده و مواظطه در سائر معارفند  
 فضل منظم کتاب فصاحت شاعر و مدون اشعار و وارد بر مطلع انکر  
**مطلع** کسبکدر عارض کلکو نیکه پیر اصل سکو که چو کانه غور آفتاب آید  
**بهار** حافظ شهر اتانیولده حفاظ قسمنده در اسمی تخلص بیدر

شوبه







مجمع اول شد اید آدم عالم کبری و منظر حضرت خدا در دیوب **مطلع** ای صمیم  
 مظهر الله سن. نسخه عهد کلام الله سن نشو دیو کورد کلر محبوبه سجده اید  
 و سجده لرزنده که او اید و بطریق ایلست که در در سلطان بایزید دور زند  
 اول طایفه اشتقاقت کیمی آب تغله اغراق و کیمی آتش رده احواق الله  
 بو مطلع انکرت هاتند و جمله کفر تابند **در مطلع** صوفی قلند اول  
 کل قازیت صبی صغالی سکا بو بر طوز قدر کید بو قیل و قالی **بیت**  
 ابد اوله صوفی ویرمه نقد عمر **نشد** کوزک آج دیدار جنت خور و علما **بوده در**  
**منش و بو مطلع** فارسی دفعه یفا سراج انکرت تارنا هموارند **در مطلع**  
 حبه الحضر که کرب عارف جاکر اند. از خیال او هزاران نکته پیدا کرد اند  
**خوف الثانی رحمه الله** و میدر استانبول توطن انشد **سلطان**  
 بایزید دور نکاو ایلند کلمه طالب علم و صاحب علم مؤلف من شود  
 و مصنف فن عشق اید لاهی و حسنی هر هتند وارت حسن حضرت یوسف  
 اولمخ یوسف ناند در لراید حقا بود که کمال و جمالده غایت کوز او کوزل  
 لکده یوسف کبری بدل اید عاقبت عشافتن بر اول جیبی رقیبه کور  
 جانرا جید و غندنه جاننه قصد ایدوب اول چشم قتالی قتل الله روح  
 بیت انکدر **شعر** در لایلد لایتم نمدر نور دیدم سرور سیم در دانه دانه  
 مزه قطره اشک سبز لواوزن ماسکله شیم در عالمک آخر

عالمک آخر المهر بیدر آدمک آخر بد مد **نشد** و بوبیت انکرت و رفی  
 قصیده کند در **بیت** ای باغبان اوله فوق در بود در سوزم  
 باغ جهانده قدر کبر مشکبار **نشد** و **رحمه الله علیه** فطمونید اهل  
 جهت قسمند در سلطان محمد دور زند کلشن جامعده موقوف و صاحب  
 تعریف ایش بو مناسبتله شای تخلص اید نمشد رغابتده لغور و فارشی  
 و صاحب عرفان کنه اید اتمافق شعر چند اید قدر و ایجاد نصرت فنده  
 جودت و طبیعتی بو غیدر بو مطلع انکدر **مطلع** خدا که بکر میبید کلر کیم در لراید  
 زلفا بکر مسمی کیم در لراید **نشد** و **رحمه الله علیه** حریفانند  
 خیاط طائفه کند در بو مناسبتله شای تخلص انشد اتمی و عامی سام  
 دل کنه اید اتم طبیعت شعریه سی بد وقت نظمیه که دکدر **مطلع**  
**انکدر مطلع** الفلر سرور زکین کلر بسنده داغم وار محبت سز زارنده بند  
 بران باغم وار **خوف الحیم جاکر یک رحمه الله علیه** ارادند در قول کنند  
 اولوغی مناسبتله جاکر تخلص اید در سلطان بایزید خانه پنجاغن چکر در فرورک  
 جوانخی زمانده نازله رهند و صقلی بی وقت اغدر اولوغی غم ریشند در لیش  
 اولوب صفالنه بویه چالدر سلطان بایزید بر کوبه سوال الله که بو نور بخور  
 ظلمت تبدیل ایدوب زکین تغییر ایدرسن و آق صفا کیوزنه قرم چالوب  
 مجرملر کبر شهید ایدرسن دیو جک و لیلو پادشاه بو جاکری اشتباه یا شم



بیلورین صقل بیا، نویلر که صادق کورنر انا که بصریح ایلر بوسیدن بن داف  
 یوزنه قره چالدم و تشبیه و تحقیر ایدوب با انتقام الدم دیو جواب ویر حکیم  
 یوزراج و مطایب مزاج پادشاهه خوش کلوب احسانه فراوانله ترفع و زری  
 ارزانی قلدر لکر اول زمانده نکاد لطیفه رغبت و نکته کوی و سخن کدازه رعایت  
 وارمش بزرگته لطیف بر منصبه اولورمش و برید کوی و بر لطیفه الله  
 مرتبه بولورمش شمد بیکیش بزرگته لطیفه یوز کتاب تالیفاتش کت کلمه  
 اشتمز و مقابله کنده احسان و احسان لازم کله دیو اصفا و استماع انمز  
**نظم** اصغایه سوزو کی منت ایلر بر قور رسیده ظنت ایلر طوماغه کتابین  
 حساب برکز نظر انمز کتاب **نظم** و بالجملة سابق الذکر اهل فضل و نکته  
 و ادب ایننده شهنشاهه و خورشید تشیع ایدر صاحب کتاب دیوان ایدر انکار  
 و حلا معقوله لیدر بومطلع انکدر **مطلع** ساقی بیاله صونه که فلکزی امانش  
 اولدافی دلبرم کبر نامم بانش **مطلع** درون دلده ایدر در دلده نامر  
 جها بیزدنی نهی قلله کرک قوای **جامعی رحمه الله** مغفاندن در پادشاه  
 دورنده نقل اندر علم خط و طره یا قوت ثانی و فن نقشه مانند مان  
 ایدر عاتقانه اشعار دلکشاکر و مشویدن و اموق عذارا کور و اردر  
 بومطلع انکدر **مطلع** حیران او دینه دونه دونه در کباب اولور  
 سوز یا شر قطره قطره چکیده شراب اولور و بومقطع ذخیره

دخی انکدر شاعرند **مطلع** عاشق کافانن اچویدر اهل دوست  
 کم اوره جامعی بالله دوستم قار انا **جامعی رحمه الله** قطمونی در  
 دیار محمده جوق سیاحت و شایخ کبار زیارت ایدوب حضرت شیخ  
 جامی خدمت انمش و ارادت کتورب ال المشدر مساجد دین غیر  
 یرح اقامت ایلر و فواید خاموشی ایلر عمل ایدوب بیکده بر جانب حق  
 حمله کمال محبتندن نفسی ایلر عداوت انمش و شاهده ایچون مجاز  
 طریقه کتشد بومطلع انکدر **مطلع** نچ بفره ایدوب برکه سکبانلق ایدم  
 یریدر فقر و فنا ملکنه سلطانلق ایدم **مشابه این معنی لغت** نفکله عداوت ایت هرگاه  
 تا اولاسی مقرب درگاه هر که نفیسه دشمن اولدر اول بولدر فقر جفت مقبول  
**جعفر صبی رحمه الله علیه** تاج بک و غلی دیکله معروف علوی  
 و کمال حسنه موصوفه در حرم سلطان بایزیده و سلطان سلیم ثانی اولدق  
 صکن قاضی عسکر اولمش در مناصب عالییه و مراتب معالییه به منصف اولوب  
 رفعت و عزت بولمش در نسل عثمان ولایت رومه منصف اولدق اولیای خلق  
 مقامنه اکانظیر و عدیل بر منشی الفاظ بلیفه و موجد معانی بدیع  
 فن نظیره حسان و صحر و اسلوب نثر و کجایان عصر ایدر سایر فضائل  
 فضل مکرر دیوانی و هوس نامه نام برد استان دستان و اردر  
 کند و فرجه سندن صادراولش خاصه ایجاد و صوار جوانیده حاکم



اختصاصی و ایرادید بر کتاب بلاغت نصاب و نظم را نسبتا بدر که مطلع  
 الی مقطع الفاظ عجیبه و معانی غریبه ایله ابیات پر نکات و صنایع و بدایع  
 عبارات و استعارات در تعریف چهره محتاج دکل کتاب مرقومه کند  
 مفادها نتایج طبع شریف که مدح اید و ب شواء و مکرر آمد این  
 قد امتد **نظم** شور که ترک دلد شهرت و ار بر شخی بر احمد درای  
 اگر شخی در انصاف ایله بابت سخی و رکنده اولش کبره اگاه  
 فصاحت و لیکن کار بوقدر کلامیند غریب الفاظ بوقدر  
 اگر چه وارد در احد مظهرت بولینور سوز لرند هم فصاحت  
 بلاغت و لی ماهر دکلدر کلامیند بطنه قادر دکلدر  
 سوزینک حسنی وارد در آنی بوقدر نقوش دیره بگرم جان بوقدر  
 بولار که هر برینک تللو حالی اولوید ترجمه او کمالی  
**نثر** و بویکی بیت مشهور دخی اسامی بزوجه متعلق معشوقه  
 وصفنده اول کتابدند **نظم** نگار تیر مژگان قوس برورم و ایندم  
 مه عقب زوایب بنبله و بت جوار مکر خوشید آتا اسد شیم و چکل دم  
**نثر** و ابیات رفوق امیر و شهرت انگیزه صفت لرونه و ادفا  
 ارداف ییم کوند اول کتابدند **نظم** ندر معنیه ادوات ارداف نقاد  
 ایکی کوه کرا به جنت حوالی زمینی دگشافتج فضا همانا

همانا اول ایکی کوهک راسی • عجب آواید جک بر لودر ارباب •  
 که آنده دمیدم آهو ایندی وار مطلع و ای خطا خسار یار او دایلد برینک سنوک •  
 بویله کوند بر آشکارا اولدغی ترویرک سنوک **نثر** نظم بلیغنه الفا و معانی  
 سوز بوقدر لکن اشعار بدیع بنده صنعت و خیال وارد سوز بوقدر  
**بیت** و له طوقتی بر اولود امن اولمزدیو محروم • الیز قومدر دامن  
 که سار بنفشه جلیلی **بور** سور **رحمه الله علیه** سلطان بایزید دورند  
 کلمه رفیق شعور اولقد رضاء عرو اشعار نکر چند این شیوع و شهرت بوقدر  
 بومطلع مشهور آنو که **مطلع** ینه بود زر کوزل کو در کو کل باره سی جوق  
 رشته زلفه بغلو بیلر آوار سی جوق جلیلی **در نور** **رحمه الله علیه**  
 خوقرینه دوز و شعور بر سوز ایدر سلطان سلیم دورند نقل اندر شو  
 مشهور آنک اشعار نند **رشته** آه کیم غریبه قالدم بر نگار اکلر نی •  
 چوقدر ایلدم سفر اول شیوه کار اکلر • ایندوله هم اول کتمه قیومدز دیرکا •  
 بو کجه بیلدر دوستلر اول اعتبار اکلر • دوشلی دل زور قمر کرداب عشق کجانه •  
 عابو کوز یارن دیو بود روزگار اکلر نی جلیلی **از نیقی** بور و سار نطن  
 ایدوب تحصیل دتقاعدا تمدر شورید حال و دیوانه رنگرشی  
 تألیف و تحریر کثرت اشعار کوه کترش علم و معرفت آشفته سی  
 و فضل و کما از ربح و آلفه سی در منظومات فرسی تمام تتبع ایدر



طریق نظم مجتهد و طالب و مشنویاتی اشعاره غالب در زبان ترکیده جواب پنج  
 کجی و طبع در بار و کجی و در شوال اول قدر شتر و اشعار چند از شایع  
 و منتشر در کتب و مطبع اند که باینکه حسابی و شاهد مافی البالی در **مطلع**  
 طوطی و صوفی و غیره زانکه اعلی ای کراما کاتبین معتمد و طوطی  
**مطلع** چکم بغیر و بر دلیر و زو کبرانی اگر جاریه قاصدینه کل کارک تبیع و  
**مطلع** یا ز ظالم عشق قاتل و ده که عاشق نیلگون چرخ بد مهر اول در جی ناموافق نیلگون  
 نثر و بوبرج ابیات بر فسون دخی حکایت یلی و مجنون در **نظم**  
 سنبلر سیان لاله ترغیسی پرچم دار زاله ذفن رتبه امیرش اولاه  
 صان سایه یوسف و آناه یار عارضیدر لطافت کویا دخی آنکر خیابی  
 نثر و بوبرج ابیات زین دخی آنکر حکایت خسرو شیرین در **صفت کوه**  
 مکر و ایدر اول و امیر بر کوه دلی عاقله صانکه داغ انبوه  
 صنان فرق فرقد پایه سید سپهر لاجورد در سایه سید  
 زحل شک سید در دامنده فکر دورا یک مزه سپهر امنده  
**جلال جلی** استانبول در در بر لرز ثمانیه موالی سنده و کند و عسکر  
 اهالی سنده در کند و در اهلیتله آراسته قابل جواب و سخن کوی  
 نکته دایه در فن شعر هنوز شروع امکان نظم چند از شعور و شاد  
 طوتمند و بومطلع مطبوع اند **مطلع** ضعیف جسمی و مندر آه و زارینه

وزارینه کور که بنی نیه دوز در روز کارینه **بیت** بو کوز کل غنچه  
 باشنه یا شل صر نه نولام کشتی کم ال اوله یا شل صر نه نولام کشتی  
**جمالی رحمه الله علیه** یا فرامان و یا خود بو کوز و وطن اصل کنده  
 اختلاف وارد در سلطان محمد و وزند کلندر و نام های یونانه های  
 های یونانه نام کتابی نظم ایدوب سلطان یازید و در نک آخر لرزده فوت  
 اولشدر غایتده زینکین اشعار و مختل کفار و وارد در طرز تقریر و  
 مرز مقبول و مطبوع اولن السلوب مرغوب و زان واقع اولشدر  
 عجب در که بو قدر نظم پاک و شعر سوزناک شهرت بولمشدر و محل  
 اشهار را یکی مظهر افلاک را تمکین مشهور و معلوم اولمشدر و بوبرج  
 آنک اشعار ندر **مطلع** طلالک هر کجی شمع یازد و غنچه پروانه بی  
 قومق اولمز اوله بر آرا دیوانه بی **مطلع** بیک اندر دوا اندر کوز  
 حبه بنی باده ای عیسی نفس یابوز اولسونی سنی **مطلع** اقدر  
 کو کلیم صو کبر بر دلیر دیدارنه طور موسیدز بتر یا ندیم تجلی نارنه  
**نثر** و شعر مشهور در آنک اشعار ندر **نثر** تا که کیدر او زانال  
 نار غشت باغنه دوزند شمع مجلسک بکر خزان پیرا غنه  
 ناله عشاقده اهنک او غزلادک دیو طو تو بن قاشد یورنه بایر نیکر غنه  
 مانا اول کوه کلکه نوله جمالی تبیع یار میل ایدر عادت بود که صویر الی غنه

بعضی کاتبین و در آنکه  
 بعضی کاتبین و در آنکه  
 بعضی کاتبین و در آنکه



جمیلی رحمه الله علیہ ترکی عبارت ناظم لرند و ترکستان شاعر لرند  
اکثر اشعار نوای طرزنده در نوای نوا جلد اول اشعاره کلیات  
بر قافیه نظیره دیشدر اما مجتهد و نثر قافیه نظیره در صنعت و خیال  
و لطافت مقاله دکلر دیو مطلع آنکه مطلع بولسون اول النجم که آنده صریح  
بولسون صریح باد و خیر بر دلار اولیه مطلع ایرد کویا بلبل افغانی قلا غیثه  
کم اندر در جامه سیک چاکنی ضیفه دامانیه جنابی پادشاه که نوح و حضرت  
بوس رکاب کامیابله مشرف مستعد اولن مقبول و مقبل بنده لرند  
بول مطلع آنکه مطلع اوله پیدا و د آهم کوز لرم بر یاز اولور  
ابر ظلمت ظاهر اوله لاجرم باران اولور جنانی رحمه الله علیه اما  
قرند از امنای سمند ز رضوان از دیکه معروف کمنه اید سلطان سلیم  
دور زده نقل اند صاحب معرفت و خوش خوید را اما سخن کویلیکه ساح  
کوبید بول مطلع آنکه مطلع چو دست غزال و بر در کج خوش کار بود  
بو کونر یارینه قوم که کونور مز بود و آنرج هانی رحمه الله علیه و مایلند  
قضات قسمند در سلطان سلیم قاضی لرند اول انصر صلب انشد طبیعت  
شعریه سی چند از پسندیده اهل عرفان دکلر بوفنده مقلد مقوله سید  
بول مطلع آنکه نیا ج نظیره سید مطلع دیدم از خوشی بولشم کار قییکر قاننه  
دیدم قاننه آدم اولد اولد کیمه قاننه فی حرف الحاء مولانا قان

حافظ عجم مولی اعظم مولو تیله مشهور لرند و اصفهانی عهد کمالیست  
مذکور لرند در فنون معتبره ده پنجه متونه شروع و حواشی تحریر اید  
پنجه مباحث مشکه تحقیق و مسائل معضله فکر دقیقه دقیق انشد تازی  
و در پنجه قصاید و اشعار و نوای طرزنده قریب خوش آینه کفادر وار  
بول مطلع آنکه مطلع خوشا که میکره کچنده بر تیا عجم اوله الم ایا عجم  
اول کاسه در فراغ اوله حافظ سیروزر طلبه طائوسند در و بوعصر  
شعرا سند در عاشقانه اشعار و نازک و رنگین کفادر وار در بول مطلع آنکه  
مطلع عاشق کوز بلار از رشتلار از عالمه بر محبت قالمش که الود  
حافظ قونور فارسی دانه و مشهور خواهر کامل کمنه در اما اشعار اوله  
مطلوع و مخیل و مقنوع دکلر بول مطلع آنکه مطلع دلف مسکین کم صبا  
چین کماله قویبر هر طرف جان ایلرنده فتنه لرقال فر قویبر نثر قدیم  
الوفاندر که قاعده دنیای غدار و عادت صبح بتمکادر که اکثر مرد کامل  
بسته بند و بلا و شخص جاهل عربی ذوق و صفا اولد و غنی شعر بوبر قی بیت  
لطایفند در قطعه کمر کز باک فضل و معرفت هیچ زمانه دشمن اهل هنر  
قوکب فضل سی ایت جاهل اولوار بود و رای کچنده جاهل معتبر در  
هنر دعوا ان اتمه ای تهی دست هنر لاله بود مده سیم و زرد  
هنر کز نبله اولد ر شمدی آتی هر کیم بیور صاحب هنر در



کوزک آج کم جهانکه خبر کندر . او دمد که ز فای شور یله شد در  
**حالی چلی** روم ایلنده ایلیجه نام قصیده زو طائفه قضائندند نازک کلماتی  
و مخیل ایاتی وارد در یو ایکی مطلع انوکا شعارندند **مطلع** صفال سر  
بریز تازده داغ در قر نفلر . باتندن دود آتم هر طرف شورین سنبلر  
**مطلع** داغ در دود ستوده تازده کینلر یکانه . داغ ازن داغ قاتر قه نفلر یکانه  
**بیت** قوموز بولده طوبت حور خارا عاتم . دکت صحر الریح مجوز لیلی من عریا آرد  
**جیبی** رحمه الله علیه عجم رحمتنه قریب یوردند سلطان سلیم طاب ثراه  
دورنده نقل اندر ترکی نظم لرین بر طرز خاصی و اسلوب مخصوص وارد  
بوفنده فزانده و طرزنده یکانه در یو مطلع و بیت آنکا شعارندند  
که سنجوز اتیم چاک ایت نازک بدنه . کورم اولسون بوقیا اکنده پیر کفن  
کتمیه بکنده خم زلفی خیالی شک . استخوان کلم اچره طو سه عقرب لر وطن  
**نظم** مولفه بر نظر کتم خیا لک چشمه سار دیده دین . بر پریدر که کار او شد  
اکه وطن . کتمیه بکنده خط سیر هوا سی دوشم . که فلزم او کتمی طو تر  
سرتاسر من . قامتیم خم اولدر غمزه دکت بوسه چان بوق . بغیر  
طاش با صیدی خاتم کبرای کیم تن . **حدید** رحمه الله علیه روم ایلنده  
قره جکده در استاد خداد اولدوغی مناکبتله حدیدر تخلص اتمشدر  
و تواریخ ال عثمان شهنشاهه بکرنده پادشاهه ز فای کلمه نازک خیال و

خیال و ترکیب الفاظه نظم ایدوب طرز ز روشده مشهور مقبول اولد  
سمتیه کتمشدر اما کتاب مرقوم صنوب بهر مند اولد و موصوفه معین  
و عربی بولده در نظم قادر و فتن شعر ماهر کمنه ایدر یوشور انکرا شاعر  
**شعر** ما شکر کدر کورد در ماهر غده غالتقی . سچله کدر او کور کینل مطلع الفی  
سن دلا را لیک یولن عالمده بنیاد اتمه . عالمک مجبور یلمزد در دلا را الفی  
لیلی زلف کین زنجیر بر دم حکیم . کور سردم شوقله مجنون شهید الفی  
**نثر** نور الکاسب حبیب الله فحوا کینجه حداد لغی ایلده در یلور در  
و نازکی امتناعی سعی باز و سنده بولور در اخوان قدیمه بر در بدیکه  
نیچوز بوقدر علم و هنر و طبع پر کدر لار کانه واروب بر منصب المین  
چونکه طرغیز قالدک بار بر صحنه قالمیه سن مدام عوام الناس کبر  
مشقت حرفت و مونت صحنه زندگان بر سن دید که بو و جهل  
جواب ویردر منصب دید کلر سنه مفت اولور و هو کمالی اولن آتی  
واروب حاضر بولور **قطعه** بوز فای بر عجب زماند که . بی غرض  
صنم برایش اولد . شوکه دست های واره شیکه . وار همت بیرنه کوک قوز کاله  
وار قیاس بوکه ز فای خلقن . شیخی بویله بوک قلمانی نوله نثر کشی  
ارکاند ز جهت جعفری و اعیان الذی بر فح اقی منصب الحق نازک اتمشدر  
لقمه و پلنگ کا مندر طعمه المعیج در و دخی اولور دایم خوار ابتد الله



پنج ماه و سال یکم درگاه میر و وزیر در بانه و سکنای پنج ارادل و اسکا  
 زیر قدمند خاک پامالی اولاف کرکر که کشی به اول مرتبه و اصل و مزاد بر  
 حاصل اوله دیوب بوبیتی بوجهد او قور در **سیت بدت** آهمن تفتد که خمیر  
 به اردکت بر سینه پیش امیر **عرب قطره** بوفتک اعیانند و وامر  
 الکلامه اراکانند در خوب منشی و مورخ و فنون اکثرند کامل  
 و رایج در مظهر معالک طریق فتخده و تار و در مغلق و غامض ابیا  
 محیده کمال سبب استخراچده کمال مرتبه مهارت و ادنی تاقل اید لحظه  
 و انده پنج تاریخ و مقام یکم قدر تر و اردر بادشاه حضرت نیک واقع  
 اول فتوحات الفاظ بلاغت کتایله زکین انشا الله و محل متابه  
 اول کتابده هر بر صغیر و تاریخ و معراج و مجمل و صنعت سحر و اعجازه  
 قریب قصیده لر دیشد اما غزل کو یلکن اول قدر مهارت و شعر دیده  
 چند ارمادستی بوقدر بومطلع اندک اشرارند **مطلع** غمزه گل تشنه  
 تشنه جگر جانمزه ایشتی فانه اید در کره نولافا غن **مطلع** آهم او لگی  
 کو کس کوهانه برابر اولد بوشیم لجه آمانه برابر **عرب بود کوی**  
 بایع عرب اولد غی منکبتد بود غی عربی تخلص اشد اجد پاشا ورمی اید  
 معاصو نظم کلامه فی الجملة قادر اید ایجاد تصرف جولای طبعی بوقدر  
 و اشعارند شعراء قدما در تهنین و تراشی بوقدر بومطلع **مطلع** انکدر **مطلع**

نا

**مطلع** سر و قدک بولنده آتمه و حی روانه باشی زره جمع اولوب تمزد بلیبلر  
 نثر و بوبیت مشهور درخی اگا اسناد اید لر **سیت** ارمادم عکس دورایلین کج روفلک  
 شمدر نیدرس که کو کلم فامراد اولوق **دلو حرمی** **تمه الله** بود و نور  
 امنا طائفه کند در سلطان سلیم خان دورند نقل اندر حج الحرمین اولد غر  
 مناسبتد عربی تخلص اشد وجود طبعی و تصرف ذهنی کم دکلر  
 بومطلع انکدر **مطلع** ایتم التوز ایدر ساقی کشی پیمانده لر کیمیا در  
 واره خاک در میخانه لر تان کلشن در رخت عکسیده مجلس ساقیا  
 بلیبلر بلبل در اند کل در پیما لر کرم اولوب او یکند کچو غار صحر کلنا که  
 شعله محکم طو تشدر در کچو پیرانه لر **حسن رومی** قره قره دیر درویش  
 مشرب بکنده اید تحصیل علم مشغول ایکن فنا غلبه اید بپروا پیرنه  
 اید اللرخالمن و فنا اهلی صورتن قوللند آخر اول ابدال صاحب  
 فتای تکیه کا عناد بر شخص بزیب چینی لر آرا سند اوروب شهید اندر  
 سلطان بایزید دورنگ او اسطنده کدر طرز شعر اسلوب حسن و آداء  
 نظمی مرغوب و مستحسن بو شعر رد العی علی القدر انو کدر **شعر**  
 مصرع کده که کم قلدر کو کل جان وریا شام زلفکن ایش لدر لیکد چیری  
 خیر وقت کلدز که کلام اندر صبا بلیبلر لال صفت فانه بوندر جگری  
 جگر غمک اوقی دلدر و دلدر کچو بین جانم اولد روانه طو تمه **سیت** کچو

بر وانه لر

چینی  
نکته بود در اول یکلشن



**حسن چلی رحمة الله عليه** کلیبولید نزد ابو عمر در وقت  
 قضای کند در معزول ایکن فوت اول در طبعنده خدی لطافت و ملا  
 و شعرند تمام صنایع و سلاکت واردی اما اشعارند درین اید و  
 کند و به تخلص **ایتمشیر** بو مطلع اشعارند **مطلع** کله کچه تیری  
 سینه به دل مرغی شاد و لور شاد و مسوئی هر سیری قول قناد اولور  
**ناش** و بو مطلع و بیت در اشعارند در بلینلر آهی به اسناد  
 ایدر **مطلع** حیات اودم ایرش جسم ناتوانم ایچو که کوی  
 آیتلری جنگلیده استخوانم ایچون و صیتم بو که اولدکه  
 کاسه سدی سفال ایدر کایشکی آیتلر نه جانم ایچون  
**حسینی رحمة الله عليه** روم ایندند و بود و رسوا سند ایدر  
 ابد اللو مشرب و در مدینه بن قوللنور در طبیعت شعریه سی کم دکدر  
 بو شعر اشعارند در شعر قاشمک یا تیده غی خالک کلد ار مر و  
 ستاره در که اولدیر **مطلع** الوت عنده صبا نکستی کلا لکدر  
 دیدیکه نیند سنده امانت **مطلع** دیار دلز اگر کم کچه بیگانک  
 در خانه او غرسوز البته ارکان ابرو **حضور رحمة الله عليه** کلیبولی  
 طر فلرند و صوفیون طائفه سند سلطان سلیم طاب شاه دوزنک  
 آخرنده آخرت کدر فقر و فنا اختیار تمش متوجه و متوکل و اذام

بلک

و اذام در هر **مطلع** صابر و متحر اولوب کوشه و حدت **رحمة الله عليه**  
 یار و خلائی اغیار بلشد بو شعر فنا اشعار انکار اندند **شعر**  
 بزکم بوجها کلشنی خاره دکشدک و اریز یوغه یارینر اغیار دکشدک  
 کلر حور و جنا بر عرض ایل و عظم بنر حقیق صور همه دیداره دکشدک  
 بو شعر شکر باره ایکن دوشمه حضور بنر فقر نور مخزن اسرار دکشدک  
**نثر** بو شعر حقیقت اشعار اهل ذات حق در وجود مطلقه غیر سنه  
 حوام ایدر و کنر شعر اکا اسناد اولنور **شعر** بوجها دار فنا در بوقناد اریز  
 بوقناد اریز در بلک بقاد اریز بو بنر زیناره و معلم دکلو زیناره  
 حور و علما نریزه که انکد اریز بو بنر اول ذات کر که غیر وجود در لوم  
 صوفی کر غیر در هر چور کافکار اریز **حلی چلی رحمة الله عليه** نقیض  
 علما طائفه سند در ثمانیه اعاده سند ملازمت مرتبه سنده ایکن کسب  
 کمال ایچون ولایت عجمه کتمش و مدت مدیده انده عظیم شغل اتمش و بچه  
 مدت در کعبه شریفه متقاعد اولوب و مشایخ کعبه نکر بر قطب  
 صر کیندیز الالبوب تکمیل علم باطن و تحصیل معارف لایزاله در رینه روم  
 عودت انکده سلطان سلیم خان طربوزند چلی سلطان ایکن مصاحبت  
 علمیه و مکالمه معنویه ایچون اقام علومه و انواع فنونه قادر زاهد  
 و صلا حله آراسته و خلق و قار له پیر آسته بر سبک روح و شیرین کلام



اوله که انکه صاحب و معارضت بردوام اوله بواو صافله موصوف اوله  
مشا دایمی ذکر اندیلر و فعالیتلر کم شریف کوندور بحاج و ابراهیم قسطنطین  
طربوزنه ایلتدیلر بادشاه خواجه اوله و کتبه جلوس اندکن چوق قدر و  
اعتبار بولر بادشاه که فراجنه کیرمش مشیر الشمش و کوبی باشمش  
اسما و رسما مناکبت وارد در سلیم و حلیم کیرمش شهادت بر اولر  
بر قصیده جده مطهر بوبیتی بیلد درج ایدوب و حومه صومعه مطهر  
شول یادش که اسم شریفی سلیم اوله لایق بود که مصاحبه اندر حلیم اوله  
جمیع وزرائکر جمعی و ملیائی ایدر مجموع امور معظمه خوف و خستیدند  
اگر عرض ایدوب اول بادشاه عرض ایدر او اگر منبوزج بر ذوقه ذکره  
نوع ملال مشاهده اسلرو هم پرسمه دو شوب حیاتیلر کیدر در انده  
بر ظرافت و حسن تفسیر واردی که تیغ بر آنله جنکه کلن عدوی عذوبت لسانله  
بند ایدر در و انده بر لطافت و لطف بغیر وارد که حسن بیان دشمن دیرینه  
پر کینه بی شرمند ایدر در فنونند نه فن اولیدر که اول انبرلمیدر وفار  
عبر ایات مشکله دنه و معادنه منکر اولیدر که اول انبر حل قلمیدر  
اگر غریف بویت که سلطان سلیم کبی بادشاه کیرنا کزیر و مصاحبه  
دلبیز ایدر دیدکی اشعار را اشعار را مقبوع کسبه ستر و کتم اندوکی با  
شعره مشهور دکلر بوبرج مطهر انکدر مطهر الوه کیرمش لطفله

لطفله اول زلف دوتا صانکه دستنده ایدر ملک چین و خطا مطهر  
اول مهر رخ که خلق بقا حسنی تابی کوم اولسونی بر یوزنر آفتابی  
**حمد رستم نور علی سلطان محمد دورنگر آخر لرین نقلات مشرفها**  
و فضلا زنده سندن و علما و علمای فقه سندن ایدر و هم بوفیق کجده  
مرتبه یوانر و اشعار زنده عذوبت بیانر و اردر شعره مشهور اولر غمدی  
بودر و بوبرج بیت مطهر انکدر مطهر بر تو ندر یوز که کسه گاه ایلمیز  
نظره اول انبر معجزه ماه ایلمیز مطهر زحلر کیشکی برینر خارا ایلدر  
کلن غنچه لورک باشنده طارا ایلدر مطهر نسیمی تیغ غمیده شره شره یارین  
یاره لوله یاره عالم شرح ایدرین و این واقعیه عالمه مایه جرات و سه مایه  
صفا و سکونت اولوب در ماضی لره مدد روح و کارگاه جهاند کتب  
فتوح اولدوغنر بیانر ایدر بوبرج بیت انکدر قطعه بگره بصر بوبرج یغی  
قوت قلب و قوت جان اچی بچه صور عزیز و قایلر اول عزیزها اولن اچی  
بچه لرتکر کیر ایدر بولنه اندر که شخصه قانر اچی بچه محتاج ایسه صوبه ماه  
آدم شولدر در روانر اچی نظم مؤلفه اچی سز که مرغ بی پردر کشتی قول قنت حیا اچی  
دیدلر اچی روح ثانیدر اهل دنیا قاتندن جانر اچی سکونت و جیه اولور اول آدم  
بولدر پیوسته قلبتا اچی لهجه سی یوق انوک اچی سروق آدم ایدر ابرر حیا اچی  
دشمنه قلم غم بیدیمکر بکار بر لطف ای فلان اچی اچی سر او ملین عبا بولنر



گیدر کلبه پرنیاز آتی ممکن ایلر قو محالاتی کو کله ایند زبانه آتی  
الده پشاکاریدر نیه صالحه آلور و ان آتی بکلمه پنی کریم اولنگ  
فوله ایدنه خلیس اولن آتی **فی الفقراء و زین الصالحی نأقل کلام نبی اغر**  
**مولانا محمد حیدری رحمہ اللہ علیہ** اولد ایلر پدین حضرت اق شمس الدین  
ولاد صاحب شرفی و فرزند خیر الخلفی در بولی بنی غنہ کو بنی نام  
قصیدہ در سلطان کلمه بایزید دور زینک آخر لوند مرحوم نجاتی بک  
نقل اندوکی سنہ انتقار اندر اگر چه بحسب العرف و الاضافہ ندر  
وقضا دینا صلب جالبه تصرف اتمک واقع اولمشد و طریقی سورا  
موالی عظام استهادک بولمشد لکن بحسب الاستحقاق و الیافه  
موالید عدا و لغز احق و احوالی او صافله وصف اولمشد مستحق  
کسنہ در حق قصه یوسفی تفسیر منعلق اولد و غیچونہ و اقوال  
روایاتن اصحن بولد و غیچونہ نظم اتمشد در بر نظم عیدیم التظیر در  
زبان ترکیب طرز مشوبین اناعیدیلر و تظیر اولمز و اسلوب مرغون  
بر صفت بصوب کسنہ عیب و نقصان بولمز قصص حسن احسنی کمال کتده  
تفسیر تمام موافق و مطابق اولمغین بین العام مقبول و مدوح  
اتفاق غضا بود که قصه یوسفی اندر لطف و احسن و غروب و حسن  
کسنہ نظم اتمشد در بر نظم حواری و ایدر در که رنق و چاشنی و الفاظ

والفاظ و معانی حسنیات و لطف استعارات درجه غایتند و حد  
نهایتده اعجازه قرین و سحر آفرین در صفت کینه و بویکی بیت اول کلامه  
**نظم بر کیش لوح ایدر اولینه جهان** اول کیش لوح نقش بند جهان  
ایکی نقش ایش ترنجہ کی بر کل او سنده ایکی غنچه کی **نثر** مذکور کیش پاره  
کتابی و ترکیبہ غنچه جواب و اوردرا ما زمانندہ متاع نظر خدیوان و  
جواهر کلام فحمت و اعتبارک بوله میوس روزگار لوند کتاب لیلی و چونده  
چوق شکایت اتمشد در بولر قج بیت اندر **نظم** حضرت علی بک شمس  
جواهر صاچمه بکزیبانه قطامی شمد راسه پنج کین کمر بوله المزد بخن  
اگر شهنامه دیشمد طلوی اکاویر مزد کرک بر فلوس غنچه بوله مکی عمارت دوم  
که ایلر مستحق اولانی محروم **نثر** مرحوم مولانا ذاتر دین شوبله اتمام اندم که  
کتاب یوسف زینجای بایزید خانه نامند و بیشتر و التفات و رعایا اولمشد  
القاب و اوصاف پادشاهی بنده اخراج اتمشد و بولر قج بیت دو کتاب  
مقومده کند و لکن موافق حایل و مطابق احوال بر ملائی در **نظم**  
جمع کردونہ که دوز پرورد رنجی کس فائزده سرور در نقصه تحسین ایدر کماله عتاف  
قبحی ترین ایدر جمالی خواب زخاک منیر نام ایلر اونه نچه سعد رام ایلر  
نگم بور فائده ناساز جابله ناز ویر و راهله نیاز **نثر** و بوبیت در صفت  
اندر کتاب تحفه العتاف و واقع اولمشد **بیت** العاقبت لورینی کوتدر



خطای خوب و چینی کوثر در نشر و بروج ابیات موعظت سجاد و علاوة  
الدنيا مارة الاخرة و مرارة الاصل الدنيا علاوة الاخرة مفهومه  
کتاب مولانبي در نظم هر کي حق بويده تقدير ايلار راحت دنيا تاخير ايلار  
هر کي مکريله تضليل ايلار نعمت دنيا تاخير ايلار رستي دنيا تاخير ايلار  
عارفه کوبا ضيال بنکدر عارف اولن بنگه پنجه ذکر اوله گاه خير او کله  
نشر فن بشور مهارت ايدوب تدوين اشعار و شعره اشهار مراد ايدوب  
افتخار اتمش در حیات ترجمه الله عليه ولایت اناطوليد نظر فایز مره سندن  
و بوعمر شعر آسندن ايدرا اشعار لطافت در خارج دکدر بو مطلع ايلار  
مطلع يار اگر عرض عذار ايليه کلز ان کله چاک اين غنچه يقاکنی و کلز ان کله  
مطایبه پوستی نام بر شاعر مزبور کفر فراجی آشور و لطيفه سی با شاعر  
استغنا يوز نند بو لطيفه تحسیر و بوشقه بی تسلیم ايدوب کوندر که  
ايت پوستی طوکوز پوستی دباغته پاک اولور می اولور می جواب  
و بر و ب مناب اوله نردير مزبور مولانا پوستی دفر مذکور حیات خوش  
ياز که حیاتی طکه و دارماتی حیات ترجمه شهدا التان بولدر  
پادشاه نند لوندند قابل جوان و خوشی شاندر خوب طبیعت شير  
و قابلیت تطييعی و ارد بو مطلع انکل اشعار ننددر مطلع  
پیکر ابرو در لبر دیده پر خنده ایلی ماهید و یوز لر صانین چو نده مطلع

مطلع طنوکدر نجا جانمدر لیک جان چقر حقیر دهانمدر لیک  
حیدر خلیله رحمه الله علیه نسر حصار نام قصیده در سلطان حکم  
دفتر دار و مهدم نمک ایدر و حو مکفر نکستاند خبر وفاتن متکانت  
مخلفاتن بو کتو مشدر روایت ایدر که مرصوم حکم بر طوطی  
بیاض سخن ساز و ارش غایتن فصیح لکن و نهایتن متکلم برغ  
البیاض ایش مزبور و حو مکمر و کاتن کتور دله اول طوطی سفیدتر  
سیاهه چکوب زاغ و کلاغه دونددر و ماتم لباس کبور ب تغزیه  
السو بن تعلیم اندکد نصکله مرغ مزبور پادشاه ویدر و طوطی  
نقطه میخ و زبان فصیحله حکم لاله پاینده باد عمار پادشاه  
دیر بو تعلیم و تربیه پادشاه سپندین کلوب کرمبانه قله سنده  
بر عالی رعایت مزبور رعایت بیور در آقا مزبور اول رعایت لک  
اولمک بو بستی عرض حالنده درج ایدوب نامه کبر یوزین مذدر  
آتا نکره شاه جرم کناهم یو غن نند اولدر عجایب صلیق قولیه  
نشر اشعار ضیالدر شاج و سطحی شاج در وقور اهل بیت و کار و  
معرفته کوره دکدر بو مطلع انکل اشعار ننددر مقطع حیدر عارف سک  
توبه جام اتمه صقین شولایشی شلیکه حکم پیمان اوله سن  
حیدر ترجمه الله علیه روم پاینده و از دارد نوار باب تیماردخ در درویش



مشرب و جعفر منصف کینه ایدر عمر آخر زنده اعمار و چه مدت نابینا اولوب  
آشنای بیگانه دزدن فرق ایده مزد **مرد** و عدو که اعمار اولم زنده اقدم مجبور  
تعلق محکم اولوب بین کسی دیدار دزد محروم و التیاق و اشتیاق نهایتده هجوم  
اید صبر یار از قدر و خواهان توقع ایدر که مجبور نکس برکتی الی او پدیده لر  
و دل نامراد نه بود و جهل شکی وین لر جو آرزو و این بر نامرد بی مروت  
کنز و کبی بر فلاح بی صلاح و بی کسور و بشته مطلوب و کجکله طالعک یار  
اولوب و دولتک الی ویدی اوب الی دیو اول شخص باطلک الی او پدیده  
و بعد فترتها بله کجی کی بند پر کزند خیره ویرا اول حینده و حومه  
بر عجب حالت و کرب و رقت کلوب حق جل و علا در کا هنه الی قلدر  
دعا و درون دلدن اولومنی استدر ایدر حکمت الی اول هفته  
دنیا دزد آخر ته کیدر فرار دیار و نورج کند و وضع اندکی زاویه در  
مجموع یار از و زیارتگاه رندانه اولمشدر اول و لایتنک خالص الاعتقاد  
و صادق الفواد لر خلوص اعتقاد له دیوانند زاربتجان ایدر لر طبع  
نار ملایم خوش آئینه و کشاح و عاشقانه و ساحر اشعار و ار در  
در بغاتنا شور شهرت و دیوانه خلق مابینده تمام استعمار و غنبت  
بوشدر بر پرچم مطلع انک اشعار نند **مطلع** دل آشفته بنوم زلف کمره کیر  
یعز دیوانه بنوم بندله زنجیر **مطلع** ابر خواج در عشق بخت و سوال صغیر

صغیر علم لدن در بو بویده جدال صغیر نشود و دوا این قرسی متبوع و فوا  
معانر نند منتع ایدر بو مطلع مطبوع دغرا اثار متبوع دزد **مطلع**  
هر لاله کم بتور در خاک فرار مجنون بیلی نند ایتلرینه اولدر افسال پر خون  
فی حرف الخاء خاک **قسط** نند **مطلع** علیه اهل جهنم در ارباب معرفت  
ایدر حیدر یلدر دزد کیمیلر بکد و زنده کلمشدر و اول ولایتی سلطان محم  
افند یار لو الی نند المشرع نند فغاننده اشتها دیز و یو لوب و دیوانه اوقنوب  
او نود المشرع بو مطلع انک اشعار نند **مطلع** ای مراد مؤمن و ترسا معین  
و دروزن قدر نکدر طاشی که مر جانز و که و در دوزن **نیت** و له دوتلر  
چاک کریبانم کور بعبیب تمکوز بنده افر برار ساییدم رو اقلدر عشق  
**مطایبه** دیز و اول رفغانه نکر زار نند برینه جائزه امید یله قصیده  
صونوب محمد و حنی جانین ویر مکر جائز اولم یحق اول قدر بلند و رتبت  
ار حینده مقام کرمیده اولندن کرم لازم و صد شمس صفا رایت اولنزه  
بی مروت و بر کرم اولمق نامناکب فنا ملایم ایدر کن بو قطع ایلد کما  
و اشرا بامشدر **قطع** کرم اهل مقامیدر بو صدر بو اولوق بی بی سنا  
بچه اولور کلر کیم کن و حله و زار تر کجا ویدر بنی مدح ایلد کور عطا بچه اولور  
**خاک** اسکوبر **مطلع** علیه طریق سورش و در کس کورش و بایر نند خا و نند  
کلمشدر لکن ظرافت طبع نوحی و فنی شرح چند از شوخی بو غیدر **مطلع**



انکدر مطلع نولاجلادی غم کار سحر می آید کوی یک کافر اسکر غیر بقده  
نثر و مطلع دخی اکثر ناس اگا انا داید لر مطلع ملاک حکیم هر که هجر از بر کمال  
که بر ننه کمال اول فکر آتی ذوال ایلو خاور و چلی روم ایلنده مناسره  
و در صرة قضاتند در خور طبیعت و صاحب فضل و معرفت در فن شعر اولقدر  
مما رتی و اشتغال و مداومتی یوقدر بر مطلع انکدر بیت ششم روار اول  
اقر غم کله آب کبر آغدر اغلده کوز لرم حساب کبر خد اثر استانبول  
پادشاه نینده لر نند شاعر خوش و شهادت مقالی کماله بسج ر و مطلع  
انکدر مطلع اغیار کینه خواه ایلده سیرانه کیم هیچ کل کور که نولدر بسج  
یا بانه کیم هیچ مطلع خاک تنوی سید و یروپ راه یارج بر تو ز قویا بر  
قوم ز روز کار و خضر رحمة الله بوسه مفتی سی احمد پاشا نکر او غلی  
حضرت جلیر دیکله مشهور در و دسی و کند و حضرت مخلص ایلده مذکور  
اما در لر نند چند شعر صادر اولمشد و شعر اولقدر شهادت  
اکثر یا حضرت آدنه اوقیان انصار یونکر گفت فصاحت شعار بید  
مطلع انکدر غدار کبر یور دیر وار بدید کبر لحظه فقاات بر روار  
نثر سلطان سلیم طاب ثراه زمانند قبلوجه مدینه مد ترس اکیکن جانا  
تو ابد و مد هم صوابه اثار عشق و جذبه ایر شوب عرقا و اضاف و نور  
حمیتی قوی و اور مشایخ کبار ک افتخار لغز شمع بخار حضرت لر نند ارادت

ارادت صادق کسور دیلر حقیقت و مجاز متفق کلماتی و فارسی و ترکی  
مدون ابیاتی وارد در شعر انکدر فاضل لر نند و فن شعر کمال لر نند و شعر  
انکدر شعار نند شعر کبر حجاب اولور طبیعت جانانه تنم بر اوج خاک  
ندر که قاله کوزیده بنم سن و حکم مهربان یور سیم عالمه آفتابم  
کشت و طاس فلک در گنیم بجه صبر الیم ای دوست طاش کله یور کم بر ج د کله  
دل نیر شمع کبر سینه طلوع نقش کار صاکنه فانوس  
خیال اور تو کید بر پیر هنم طوله ز قانیله جکر لاله صفت خضر هنور  
یوزومه بر کله بقادر او غنی دهنم خضر رحمة الله علیه اما سیه دیر  
اربابه قلم و احمای باقم زمره کندی و بوعمر شعر اسند ز ایدر حضرت  
خداوند کار بغداد سفر نه توبه اندوکی زمانده نقلاتدر مشهور کوی  
ساح مقال و مقال آتنده چندان خیال یوغید بر و مطلع انکدر مطلع  
اشکم چره روی زردم اکل رعنا صوبه دشمشیر خزان بر کینه بکر ز بر  
نثر و حوم دفتر دار احمد چلی زمانند و نوره بر امانت و یر دل  
و منصوبه و او مد ز بر منصوبه ایلده نینه الدیلر بو خصوصه مذمت کونه  
بر قح بیت دیوب دفتر داره صوند نظم امین اولن بجه اتسوز امانت  
امانت در ولی آدا خیانت امینه نه امانت اندر لر الا ضربی خیانت  
اندر لر سن کا و مر سک اول کا و رمز عجب یو کند و یر سکاید رمز



به منسوب دگر منسوبه انجی نیه ایله ویر مکر الی المق  
بیو ایله رانی سکا بلاسی قلور الکیر یوز کر قمر سی **خلیلی** **رحمه**  
دیار بکر در سلطانه محمد دورن جو انلی زمانده ازینق نام قصیده **کلب**  
تحصیل علمه شغول ایکن بر کجوبه عشق ایدوب کتاب عشقده بق الدرد و سکر دقترن  
دور باوقو مقدر یاز مقدر قاله در عشقه مبتلا و نورود ایلد و الله و شیدا  
اولوب حالنی و در دماغی البانی بر اکتان ایدوب عالمه دستان آند  
بین الانام وراق نامه ضلیای دیو تسمیه و نور ساج و کشار نظم در صفت  
خطاب نامه هر بوج بیت و کتابدند **نظم** دیدم ای ناهه فرخنده اختر  
چو کس بر بزمای عشقین بر برونگه مظهر انوار اتواق درونکر کن  
اسرار عشاق عجب نطق فصیح و اردبان سر سوزو کی عرض ایدر کس  
ترجمان سر طپونه هر دم قور امانت ویر کس صاحبینه بی خیانت  
تموعا شکر کسین دسولی یازوب حرم ایدر کس هر ملولی **نثر** و بوغول  
دی العافیتین رد العی علی الصدر و خاند **نثر** تا بنوم کو کلمه بقدر  
ای رخ کلنار نار نار شو قلمه جهاند یا ندیم ای عیاد یار یاره قلدر  
بنی رحم الیمسن ای دریغ اعلی در کجی تا صبح اولنج زار زار  
زار لیغنه بنوم همسایه در بر اتمدی آهم کابردره ای مکار کار  
**خلیلی** زرد بو کویر کعبه شریفه شرفها الله تعالی مدت در که مجا

در که مجاور و متقاعد در اشعار جا شنیدن بیرون دکلدر بو مطلع **نثر**  
انکدر **مطلع** نار عشقه در روز دل نیار دشتور اولورده بر تور مهر و خکله  
سر سرتن نور اولور **نثر** **رحمه** **علیه** در نه ویدر ارباب هر قدر حقا  
اولور و غنا بسته خفی در بعضی صتم خایله و قور بر فضائل مکتبیه  
بی بهر واتی لکله پر شهن ایدر اما ذاتده قابلیت و طبعه سلا  
اولغین جمیع الفاظ عبارات فصیح صحیح ایدر ترقی العقلا بمجالسته  
الازکیا مغر و منجه مدام مصاحبه کا مللرایله و مناسبتی فاضلرایدوب  
خذو العلم من افواه الرجال مغر و منجه افواه و السهله اولقدر لغات  
و عبارات و مسائل عقلیات و نقلیات خاطر نشان واذ عا ایدر ایدر  
که کتاب و دفتر سز مفتی و مدرس و مشر و امر عجیب و محاله قریب اولغین  
سلطان محمد عز و حضور زنده حاضر ایدوب شاعر و کفاره سمع التفانله استماع  
ارزانی قلدر دیور وایت ایدر لر مدون اشعار و اشعاره ضیلی الشهار و اردر  
صنایع شعریه در اکثر یا تجنیث مانلدر بو بر قی مطلع مطبوع انکدر **مطلع**  
سکن منجانه اولدم بینه صاحب بزم ساقی ملاج و قد طرور قاف اولدر بزم  
**مطلع** هیچ آله مالی سیمیل فی المالی دکل کبرین آل دیسر شامی المالی دکل  
**نثر** و بو بیت دخی صرخ لعبت بازو شعبان ساز بو چادر نیلکون سرنگوندر  
هر از صد لغبت و هر دم بیکر صورت کوسرتن بیکر بو علی کینای و هزاران



اشکال نمای صاحب سیمایی صفت لعنه مات اندوکی بیایند انکار شاعرانند  
**بیت** جهانده چرخ نعت باز او یونلر اوینشد کیم هزاران بوعلی لیسنا اندوینده  
 ملزم در خیالی **جلی** **رحمه الله علیه** عبد الکرم او غلیدر سلطان سلیم دفتر دار و اعیان  
 افتخار او لشکر تکریده بلی و مجبونی و خوش آینده و مختل اشعار کیم نور و اراد  
 بو مطلع انکار شاعرانند و جمله گفتارند **مطلع** خراب اولیدر اول آباد کورد کور کور کور  
 غمگین بود مطلع در یاد کورد کور کور کور **مطلع** خیرت آتور عقلی بقسم کورنه قاشند  
 صد هزاران آفرین اول شوکت قاشند **نثر** بو مطلع مطبوع و خوب که تطبیح  
 واقع اولمشدر **مطلع** دست فرقت یازد و مجنونک فرار طاشند  
 کسه نکرطو قمنه نکرطو ملامت بکشان **باب نظر** صاحب اقبالی **میر** **شعراء**  
**زمانه** اغر خیالی روم ایله و دارد اریکیم سنه مطلع دیوار قصص  
 و فرقت جریدن بلاغت در بوعهد و عصر جریوز مرنگ میر و محقق  
 و بوجله نکر سر آمد سر دفتر بدیشان بلند و طبع بی مانده ظاهر  
 ایدوب دور انکر قزان و فرید روزمانه فکر یکانه و وحیدر اولمشدر و  
 چو کانه زبان بلاغت بیان کوی فصاحتی میا متغزلاندر زبوج قلم  
 عرصه نظمک جایک سوار لر ارا منده میدار انش و بوقنده زمانه نثر  
 تعیین قلمشدر بو شعر فصاحت شعارانو مقبول اولان اشعارند  
**شعر** برادر ملکینه خانم هم ارا تمکین دولتند کاشان جمله عار انکینج

قیاس و در بلاغت و اعجاز و مجاز و عقول  
 قیاس و در بلاغت و اعجاز و مجاز و عقول  
 قیاس و در بلاغت و اعجاز و مجاز و عقول  
 قیاس و در بلاغت و اعجاز و مجاز و عقول  
 قیاس و در بلاغت و اعجاز و مجاز و عقول

نجه موبه لوکیم غشی ایچم بر موبه  
 بکرم بایده کی و غان زدیگر لری  
 آتکابو طغوز جام زمره د فامتی  
 برادر از خوش دفع خمار انکینج  
 چهره سر بر خزان اندر خیالی نکر فلک  
 سن بهار سنه آتی بر کدار انکینج  
**بیت** شاهینلر که صید کیم قضا  
 جبریل او غریبه برنی دو کر کچر  
**بیت** بن اول بازها صیدم که عالم صیدگاه  
 نجه غنقا کبر نور او چردم آشیانده  
**2 حرف** الال داع **رحمه الله علیه** شهر قشونیز معرف و مؤذن و او از الحانی  
 شیرین کشته ایدر سلاطین آل عثمانده ز محمد خان زمانده کلمش تعریفانده  
 معقول ارا منده چوقا نثر قلمشدر صنایع شعریه کی قدما اسلوب  
 او خشر بو مطلع انکدر **مطلع** ضرب آهیم او قدر سکه لر ای ماه کوک  
 حشره در دونه کتمیه بر ذره کوکی **مطایبه** شهر نوره اول زمانه  
 دعوت جن و اخراج دقایق دعوا این ایدر در شهر شخص عوثر کور و  
 رخره نام بر ذره زهر جبینه نکاح ایدوب آتور مکر اول زبیر نیاده  
 بود اعجبی بر داعیه دشمنش رشک و غبطه در بوعیتی دیش **بیت**  
 مغربی اینش ناندقار و که زهره قطره اله بر کنج کتود درینه بر کانه دلیر  
**در و نثر** **رحمه الله علیه** از نیتی نام قصیده طبع طایفه سنه در بودور ح نظر  
 طبعنده اول قدر جودت و فرمانده چند از نعت یوغیر چین



ایراد سخن تا قلم و تفکری چو غدا ما مودد خیال و موجود متعارف  
ایدر بوی برنج مطلع انگدر مطلع نوله کجینه حسکه گیسسه پاش  
ایکی شطیریم شمشک اولایکی قاش مطلع قوتاید نشد زبر موراجلار از  
کیم طاشریز زمینه دانه خرمن مطلع کوسه نوله خلقه بنانله بنی یار  
آشفته لیم بونجه رفاید که آنوک **دتر** **رحمه الله علیه** اسکوبه کتاب  
قسمند در محرم اسحاق چلبی ایله مصاحبه معاصره و جزو یاتن  
اکثر قادر ایدر اول قدر تادک دنیا و تجریدوی تو ایدیکه ایکی  
بربر و بخلودی و بوقدر فاقه ایله بی طاقه ایکن کسیه شکوی  
ایدر و جالندز اغلندر در حاله مناسب اشعار و فقر و فاقه شعر  
کفادار و اردر بومطلع آنوکدر **مطلع** اخواجه فقر و فاقه فرمال و غنایه  
ویرمزن بیکه نه شال و خرقة بی اطلسی قبایه ویرمزن **نثر** بیت  
دخیر معنایه مماثل در بیت نه بیلسون لذت فقر و فاقه مال و جاه  
بودوق کل قناعت کوشه سنده فرد حقدن صور **مطلع** سن کیدر  
سکله ایدکی کوزم باشی کیدر مشک اولدر که کشتی قالور یولداشی کیدر  
**نثر** و بوز غایتده لطیف کوی و خندان رور و فرخنده خوی کشیده  
جلای تختن بد ققاعید ز بر لطیفه ایله ایام نمودن جگر سوز و برق  
استدعا اتمشد **مطلع** بی جلالی کل احسان تمام ایت قار کدر

قار کدر ایستدز انعام عام ایت **دعای** **رحمه الله علیه** بوز بیدر از با  
جهت و اصحاب معرفت قسمند سلطان محمد دورنن کلش و جمعه  
سکر بونیه معینه نظیر دیمشد مطلع بودر مطلع عارض کنه باده  
اوینر بوز لغ غنبرین صانکه ایدر جلوه لطا و شوس فردوس برین  
**نثر** ملکه و حوکم شهنشاه شریله میاندرنن مناسبت سابقه لور و کندو  
اعتقاد بی مصاحبت صادق لری و ارزش نهایت درجه خلند و غایت  
مرتبه اخوتده اتفاق بشریت مقتضای کج بوند زبانه صادر  
اولور هماندم مقتضای خیانت ذاتی و اقتضاء وقاحت صفاتی  
بدر عمل ایدر و بشار الیهی الله الکر حق صحبت قدیمی ذیرود  
آلوی حقوق سابقه سوالنی دفع و جلب نفع ایچونه بوکه بصورت  
کوشتر که کویا بونرن کوردنر بیور اگر بر دافخی کورر که ایکی اولور  
بوقطعه اخوانه نصیحت و یاران مو عظمت ایچونه اول محله مثله  
**قطعه** ایلکرو ممق کیدر کیدر سکدر وفا امیدنرا تمک اعواندین  
چی بکر غشسه شهنه کلبه که سکر زلر کشتی چوق رفاندین یرا شوره  
ختریر او فورسم که سکر کیدر وفادار اول قلمباندین **دلیبر** **رحمه الله علیه**  
قطعه نیر سجا غنده توطن اتمش با پشاه هم نیند لوندین بر سپاهی  
ایدر ارباب سیف را سنده آترو کند و یار و عرصه شجاعتن



قلیدر قان طبر و دافکن وصف شکن دلیر و دلاور را بدید و باب  
سخا و خوب خصلتی و شجاعت و اراد و مردی مروت از نر یا نند  
ر ز و کرم جمیع صفات از احسن در دیر ایدر سپاهیان اشعار و ودا  
کفادر وارد بود مطلع **انگد مطلع** عرصه عشق از کوکل مرانه لوفید انزدر  
کله از طوبی و امید انگر قلیچ چو کانه زدنش و غزاله و قراول لرح لم  
در میان ایدوب سر کتور در او پنجه محل مهلکه در دلاور لکر ایدوب دل  
کتور در ترقم و ترقی به نافع و مفید اولد رشتند و معینی اولد رشتند  
اولوب چاکل سوار میدان شجاعت ایکن بود ادا آتیه بنوب وارد آتیه  
وصول اولد رشتی و حاله موافق بودوب و فرد **در بیت**  
چه خوش گفت آتیه دکت بخشو خور زهر است از بجا به من زور  
ای قلیدر منصبه ایرشن خوبه بکزد فزکی در قلیچ **حرف الذار**  
سختی بدایعک مع جده نکاتی و شعر صناعک مورد خیالاتی  
**قطب الشعراء اغر مولانا ذاتی سقا الله تراه و جعل الجنة مثواه**  
شعراء سلف و فوده نصی و خلف ایدر قره سی ولایتند ز بالی کسیر نام  
قصیده در اسم شریف ز بخشی و نواله سخن از لقا مینر که قسمت بخشی  
ایدوب موم نجاتی در صکن ولایت روکد استاد شعاسی و شعره  
متفر لاکر معند او پیشوالی در بلکه و فور اشعار و تصنیع کفادر

کفادر چ جلیه غلبه سی مقرر در بود را شعار کثیر و قصاید متکاثر شعراء  
روند بیری به میتس اولمشد و اوج بیکر اند غزلی و بشی یوز عدد قصیده  
و بیکر مقدار رباعیات و قطعه سی وارد در شهر انکیر لردن و لغز کردند و غیر  
و مشنوباتند حکایت احمد و محمود و کیر نرسی و مولود و عاشق  
معشوق احوال بیانه ایدر شمع و پروانه سی و خسرو شیرین طرزند فرخ  
نامه سی وارد در اگر بود و سحت قابلیت و رهن و زکا و تله فی الجملة اعتبار  
مقارن اولیدر و با خود مروت سامعه سی اصفاء کلامه مساعده قلوب  
قید معاشد از ابداع و ایجا فرصت بولیدر یوز و زکار و اولقدر کف  
و انار و بود یار و اظهار اقدار ایدوب بر نام و نشان پر اشعار طهره  
کتوریدر که شعراء ولایت و مکر سلی و خلفی نشانند واره میوب دور انگ  
یکانه سی و جهانک فرزانده سی اولحق مقرر ایدر فلکد و در پنجه روزگار دور  
انکر که که که مادر کیتی رحم طبیعتند از اگا مانند بر طبع بلند دنیا به کوزه  
**بیت** پنجه دو ملک لورک بچه در دوار که بر انگیر اولد بیدار ز شرباینده خفته  
که یحیی و عرق جبینیل در یوز موزه دوز او باش و عوام صورت ولوند  
بیرت و عیاشی ایدر کند و وجودت طبع و سلاقت نظم انکلی غم نیکر بر مقدار ک  
نخوه صفا ایدر و منجم و غلند ز قواعد در ملر او کونوب و نجوم طریقه  
سبب ملور عمره لچوق معانی غریبه به مالک اولمش و کمال همکن شعراء



انکه بجه منایع عجیبه بودند افاضل و اهالی بوضوح صوره منصفه  
بریک معلم و مدرس و تدریس کور مدین بوجه معانی بدیده اید و  
خاصه ضیاء الایجاد اید که تفکرین فضیله ذوی الافکار و متعجب  
اول لریب الثباه بوقدر که بوجاهیت کبر و عارضی دگر بلکه اید راج  
بیکر دانه غنی اوج دیوانه اما بیکر دانه کسی قرق عدد منتخب قصه اید بیکر دانه  
افراز و انتخاب اولمنشی مقبول اهل عرفان در اشعار و در زبان عشاق  
و کند و معلوم و شهر آفاق در مقبول طباع و لایق التماع و خیل ابیا و  
کلماتی بصدولایحه در برقی مطالع مطبوعه اول مطلع سپهر سخند طلوع  
و اشراق اتمشدر مطلع قدرت الیل صاحب حمام نه قباب صابون صبحله  
دعربا و جود بر حباب نشر بومطلع دخی اول سروستان رسالت  
و اول کلتا نبوت حقنه واقع اولمشدر مطلع قامتکرای سروستان  
لا مکان پیرایه سی نوزد نه بر سر و در دو شمر زمینه سایه سی  
مطلع بولسوزدیب بریردک اول شکر قریبانی بیزه او کدین کا  
قرایه اند کیمیز جانی مطلع رقیب ذایغ اند بر نرزد و شوه کار الدم  
دخی بن شهباز عشق و لالی بیکار الدم مطلع خورشید شکر افغانم حضوینی  
اوچرشد کواکب لشکرین آه سحر کا هم کوچرشد مطلع دشمن نشا  
پای سکد لبر او کشته اول غنچه کورده در بزرگ کلرا و کشته مطلع

مطلع آهک مسکنی بوق سقا نماذ غیر یا شک منزی بوق  
تخت ترا در غیر و مشنوباید ز رساله شمع و پروانه سی غایت  
متصنع کتاب و نظم سحر انتساب من مطلع الی مقطع حریتی  
معمر و مجل و مصنوع و بی بدید را اما عند الفضلا طرز کلامه  
و بسط سوق مراد حکایت نظمی تحیر و تصنع اوزن طرح  
اولنغن حسن اسی اولقدر واضح و روشن و رعایت ارتباط  
مقدماتند چند از خوشی و مستحسن دوشمشد در لغز و بوبرج  
بیت صفت شمع اول کتابدند در نظم برسیاه بر چهل و الکر بوزلوار  
سیم سیمای خوب زرین تاجی وار شهر شاکشاهی کمیش تاج زر  
هریکا او تا غله ایلر سفر بر نفس بیکر صبا آبی اگر طشره بولخانه در تاجی قیر  
صبح ایشیا و یور اول خوابه واررینه بزرگی ایشیا وید در  
نشر و صنف مطرب صفت موسیقارم بوا یکی بیت نو کند و نکر غایت  
مطبوعه و مقبولی ایدر نظم فغان اندر در موسیقارم اول یار  
لبنده بر کوزن غرابکی وار پرستو بچه لرا چوب دهانر مناسک  
کورب ایلر فغانر نشر صفت قلعه بود یکی بیت دفرانکدر  
خساندند که بر طاش اول نازل اگر کم کی کوندر زکت بیکر سیر  
ایر شمر منزل کیوانه اول طاش فلک اول سیر انکچونر اگر باش



نشرو بوبرق ابیات دلاویز و فی شهر ادر نه به دید کی شهر انگیز در **نظم**  
 بر غرارد رعبی در الیمی هریره طعی ایدر تر لک جیمی تماشا ایدم  
 دو که دو کوکن کورینور الیکی بر مقلندز بر شربت جی زاج قند لذت  
 ایچو شدر فقاغه اغر شربت مکرک اغر یار یله نزاعه دو تو بد شربت  
 فقاغه **نظم** نگه شاد بر غمها مشا الیهی رقت خیالده و خیالات  
 مقاله الساد ولایت عجم حضرت شیخ کماله بکزد در صنایع شعریه دهنه صنعت  
 اوله که اولانی اتحش اوله و خیالات معاینده نه بکرو فکر اوله که آنوکل طبع  
 پاک در آکی که یتیمشی اوله اما اوسط عمر ندیم تجاوز اند که نفسکی واقع اولن  
 اشعار اسلوب شبتان خیال و طرز معما متاکر غایت تصفیه برقرار  
 معتقد و شمد عشاق پراشواق تلذذ اید و بر خاطر مستی باد **نظم**  
 تباد را یتیزود قایع خیالاتی تأمل و تفکر اقتضا اتکن بدایع شعریه  
 شعور اولیندر ک ادراکی یتیزو بسیدر اکثر معانی دقتیق ترزق  
 تصور ایدر لر زبور جمع اللطائفند شعریه واقع اولن مطالبه  
 جمع اتمشدر بوبیت و صوم کشتی ایله واقع اولن ملاطفتند در بیت  
 معیجی نه وار اول حق دیم سنه قلمر صایدم آتی بکزدید **کشفی**  
 اثر ایشدر ذاتیا بر کماله که آنک کیم کور رسه طومر نقشنی کا با ایشدر  
 ذاتر قدرد و بفرکی بو کیمیلوکی اولی لک کشتی کوزلر بکزد رسی

سنی ایکی بوینور او بر یایه **زکاجی** **رحمه الله علیه** سلطان علم شاه یا ننده دیوان  
 کتابتن ایدر در صورتده کوزلر و زحمن و زکاجی بی ایدر شو غراسی و نازک  
 انشای وار در بو مطلع **انکدر مطلع** نیلوم اول بر فر که آنک شافی مهر و سی یوق  
 یا شو مجلد نه نولور که مطرب خوش کوسی یوق **نشو** بود بیاضه منظومه در  
 آنک صور مکاتب نام منشاند **نظم** سلامی چون نیم سنبه و کلر  
 پیامی چون نوای ساریلبلر قد خوبان کیموز و دعالر خد جانان کیموز نکلین شالر  
 دخی مهر کیمز انواع اتواق دل و جانده شکم حبشاق **ذهنی رحمه الله علیه**  
 سلطان بایزید او علی سلطان محمد کف لو اسنه متصرف ایکن دفتر دار ایدر سخن  
 چین و خاییده کور مقوله سیدر بو مطلع **انکدر مطلع** کر جیکی نکار کر رخ  
 آبی کله بکزر عاشق نیکر نالیدن بلبله بکزر **مخوف الراعدری**  
**رحمه الله علیه** قی و عامی کمنه در کیم بی اجد ده ک بر قولده تبته دکر او قوشده  
 فغندر و غندر بیگانه و توریید حال و دیوانه ایکن رنگین ابیات و نفیس  
 مقالاته قادر ایدر بو مطلع **انکدر مطلع** اولام جغای صغره که دور اندز او کور نور  
 بی مهر و بی و فالغی دور آندز او کور نور **رحمی جلد** شهر بوزله طلیه طایفه  
 ظاهر و باطنی عیار و کماله آرامنه محبوب شیخ کوزلر یکت در رنگین الفاظ  
 و نازل ادا یله کتاب ساق کدر اسی و اسماع دلیسنده قابل اشعار دلن  
 واردر بو مطلع آنکدر **مطلع** تنم کلر ارغم در هر الفدر بر بدایع اند



کورینتی آق کلد ریندرله تازه داغ آنده **مطلع** دگلای لایحه کلشنده  
سروروان یریر چمن قدر کوربا آه ایلیوب جقدر درخان یریر **رحقی**  
**رحمه الله** استانبول عطار طالع سندنز و بو عصر شعر الکنز در فن  
چندان چالشیمش و افکار معانی به اشتغال کوسه و بالیه مشربو مطلع  
انکدر **مطلع** باج و یردم خرمن عقلی دلی مفتون ایچونه آه قیدم کنده  
اول یار کندم کوز ایچونه **نثر** و فرهاد شیرین حقنده بو مدخل معقول  
دانک شعر کوه کنی لکله فرهاد اندر چکدر **رحقی** عشق معنی دکلر متوش  
انجی نیتی لوح دلدن نقش اولمشکن خیال دوس یار طشره یاق  
روامید راوشیرین صورت **رحمی** **رحمه الله** شهر یور سر در بوزار  
قصدن ایدر رحوم اندر پاشانکر معا صبر و مصاحبی و فن مجده  
وطالبی ایدر تخمیس و غزله بی بدل و اشعار مدقون و متداول در **مطلع**  
انکدر **مطلع** ارچشم رو حکمیر لکشا در فیتنه آشوب جمال و کله پرور  
**نثر** و بو برقع ابیات سکوی دنا دکنده و روزگار نیکل اعیان حست  
شعار ارباب فضل و هنر بر قور رسیده و رنک نیرنکر رخساره  
بویا دقلر بیایند **نثر** روزگار دکن بیزه بو ظلم فروانده یور  
داد فرور فرزند قور در انبوف هر دنزکد لکجه دوزنرا نیرزه  
برواره بو فلک لک کردش کولانه یور دفر بو عصر کابر لک آهی دله

دله قور تحسین لایله اندو کاشایو رضای سلمه و رضی عنه و رضاه  
ابوالفضائل مکتبی قاضی ناه قلیه محمود جلی در شهر یور و ریش  
زام دیکله مذکور بین الجمهور بالجهلی دیکله مشهور و آصف  
آرای صاحب صایب تدبیر و رای وزیر اعظم حضرت رستم پاشا خواجه  
اوائل حالنده کمال کمال اشتغال کوسه و ب مزیت فضیله متبوع جهان  
و مینوع فضل و عرفان اولمشد ربع عزیزان بزرگان طریقه خواجگان نظرینه  
ایروب شرف مجتهدن در راه هند و لوب رفیق طریق فقرا و نقشبند **رحقی**  
نقوش حب جاهی لوح دلا کاهندن یوشد ارکان دولت و اعیان حضرت  
مقارنتیه دولت صورتیه ال و یرشکن سعادت معنویه **الهم** قومیه  
مناصب عالیه و مراتب علییه قدم بصمیم کوشه فراغت و توشه قنات  
اختیار اتمش **طوبی** **لن** **لا اله الا هو** جنبه عالم اطلاق دینه در  
طلاق و یروب عروس آراسته دنیا نکر یور ترزورنه فرقیه و کفر فارو  
فتنه رجا لک کنده و دم شکار نه شکار اولمشد **رحمه الله** خیر المجلس الکتاب  
منوالیم اکثر اوقات مطالعه معتبره ایتمکی سر حال ایدر یوب عرب و ترک  
مفید رساله نرو منظوم و منثور فنی مقالیه لریا ریشه نظم تمام قدر تکرر  
و فتح افشاخ نهایتن مهارت و لوب مکرر و مکرر شعور حسانی و  
افشاخ خواججهانی در نظم عربیه و نظم **رحمی** **رحمه الله** لریا محضر تحسین در



کلام الملیح ملیح الکلام وفوه یفوه بحسب النظام مزاج القنای الخطای  
 مزاج المدام بماء النعم **نثر** وفارسی بنو مطلع دفرانکر زام **طبع** مطلع  
 فرقت است که می لعل است نوشت کند خوش است آنکه میان تو در اغوش کند **نثر**  
 و ترکیده بو مطلع لطیف دفرانکر **طبع** ترغیر نذر **مطلع** قاشکر کلکله  
 نامه حسنک عجب عنوانی وار سلطنت منشوریدر طغراء علیثانی وار  
**مطلع** بنی صحر او دند بقدر که جهان سوز اولد آهیم آه بنم وود کیا هم در روز  
 اولد ماهم ماه **نثر** و صوم بخانی بگل کره کره ردیف غزلنه دینلی نظایر  
 بونکر نظیر نه نظیر نظیر دینلیم **نثر** قاشکر نشا مهر سلیمان کره کره  
 اولد برات حسنکه عنوان کره کره لعلین بکین خاتم پروریدر سنگ  
 نقش اولد مهر سلیمان کره کره خطک طلسم کنج لطافت دکمیدر  
 دور آتش آبی افی و تعب کره کره سنبل یابنقش می بو خط دلکش  
 یا طرح اولد صحن کلن کره کره وصف ایلد رضای کره کیر زلفکی  
 رشکده اولد سنبل استا کره کره **دقیق** ده اندر شهر اعراسیه در  
 صحر ج دانشمند انکن حسنی خطی و خوب انشای او لمعین تحصیلد رجوع  
 ایروب در دولتده دیوان کتابتی خدمتده شروع اتمند را فر علیت تجلد کور  
 خلل نشو بعمایر سلاطین دین برینه متولی اولد و اول زمانه اعیان و شرافه  
 مصاحب و مقارن اولد و شرافه و اعتبار و جلال قصاید و ابیاتی بی حد

بی حد و مقطعات و رباعیات لایحد در بوبرج مطلع اندر شاعر نذر  
**مطلع** آل ایروب اولد لاله رخ کلک طغش با کورده خوش بوننه ارقاشی کونکر  
 آتش **مطلع** انچه لوب فلک خیالیه هلا اندم بیند یاد که ناکه در مشم دیو  
 خیال اولدم بیند **نثر** و بو مطلع فارسی دفرانکر دید کی نظایر دیندر  
**مطلع** بدل فی فکر سیر کلنه کلکشت چن دارم اران روزی که در کوی سیموی  
 وطن دارم **نثر** و صوم که چه دیوان مقومنده قصاید و اشعار ترغاء  
 چوقدر لکن احوال شایست زمانه حقند و واقع اولن ترجیع بند بند بدل  
 کوزل گفتار بو قدر بویا یکی بیت اول ترجیع بند دند **نظم**  
 جامله تو امان صفا و سرور ایل عفا در دو غم همراذ کافر آسمود دل  
 غم ناداندر ره زودین اولن بود درجی داه **نثر** بو بیت در دفرانکر **نظم**  
 باب رشوت کبر او بود درگاه حق قوی کبر آتی هرگاه کره آتی ولی غر اولنه  
 انده مقلد نه قدر و جاه اچلور او قبو شو برخصه که اولد دم اینی جرم و گناه  
 بوز مابر عجب زمان اولد رخشی اقلر قویان اولد **نثر** و مذمت برش بران  
 حقنه بو بوبرج بیت **نظم** شهر بنیا ایلکر اولد عیبه حق بیلوره  
 وضع ایدم میخانه لربا پیریم دکان برش ییلد ایلد آنی خراج اجل انچه حکو  
 هر یک جاننه باقره و لربا بیکان برش آتیه عور بر سلطان طوق اولد رملکه  
 روی دزد و نشیند حجت برهان برش آدمی اولد رملکه در کور رملکه قادر در



راستی نافذ در تن ملک و فرمان بر سر **دور** و **دور** علمه قراغانی بر باد که وزیر  
از کین کند و علم کند در ولایت عثمان که بدل و نظیر شروع و قانع بیلور و وزیر  
روشن ضمیر کلش و کلر مننه و زراعت تدبیر و قضا و کلش در دفتر دارلقدن  
و نیز اویش در رهن و ذکاوت و فهم فراست و عوای فضل انک و سوز فہام  
انک عالمه انک شانه کلمه و مصالح امور و امور و ولایت عادت  
قدیمه عالم و واقف ایدر بوسیدن سلطان سلیم طاب ثواب بمن رأینہ و حسن  
تدبیر منہ معتقد اولوب قتل و هلاکی خصوص منہ تأخیر ایدر در زیر که اول پاد  
روشن را یک رای صیابنه یارار و میران فراستند اینر پسندید تدبیر  
ایدر در **بیت** نہ بر حدیث فکرش وزیدہ باد غلط نہ بر صیغہ رایش  
کشید خط خطا **نثر** علوم و فنون کوشش فاضل و کامل و طبع باکی شعر و نثر  
شامل ایدر بوابیا انک اشعارند در **نظم** ممکن او نمز که نگار خط مرغوب کورم  
اول کہ بر کون آلهی خط مکتوب کورم بخت بی داد منہ الله اعلم ہر قدر  
و سعادت اصلک یانیندہ مجوب کورم **نثر** و بوبیت منہ نور و انک  
ز احراز **نثر** می شود ضعیف **ایله** الہ تسبیح و عمارت قتلہ اتیلہ طور  
**دور** **طبع** شہر بور در قضا و طاعت منہ نور و نثر و خیالی اقتدار و **نثر**  
قابل مصنوع و مختار خوب اشعار و ادب و بوجہ مطلع مطبوع انک خیال خالص  
**مطلع** شکر تانند بوجہ آل طوطی در شراب آشیانہ طوطی که شر

ساعتیضہ در کویا صباب ساقی **نثر** معانی محالست **نثر** و انر  
**روح** **ایله** **روح** ادر نہ ویدر سلطہ زبایزیدہ و سلطان سلیم خدمت ایدر  
و پادشاہمزدمانندہ ایا صوفیہ و قیلوجہ تعویض متصرف اولند ارباب  
نظمک اعیانند و اصحاب شعر کارکانند در طرزند موجد و ممتاز و **طبع**  
بی انباز در اکثر بمعانی بی لوازم مجلس نشو و خواجہ حافظ شیرازی  
شعرند الباب می جوق کتور شد رجبی شاهد و شمع و شراب و عاتق  
ساقی و صند و رباب در بوجہ با عتد متعار طرب فراییدہ میانی نہ روبرو  
و آوازہ توغم ایاتی نالہ عشاق کبر فلک فرسادر بوجہ **طبع** مطلع **نثر**  
انک اشعار فوق آمیزند و کفقار عشرت انگیزند در **مطلع**  
ساقی کلچہ الدجی الہیمانک غنیمت زینقل اجرہ لالہ تمس صانک **مطلع**  
یوللرا وزرہ دوشب یا تو در کبر آفتاب جام شکر ہنکد و لمست **نثر** **مطلع**  
شیوہ او کفرش قمر اولسر و بالادینہ با ثمرہ در کمال صومش شریانینہ **مطلع**  
یارہ عرض اندازیم چینی شکر بکار بگاوز یا شکی کز کردید **طبع** **مطلع**  
بتغنیہ اچر کو کلام ارجفایم اخترا بیلہ اچلمش کلید اندیشہ **نثر**  
و دیوانہ عشرت بیانندہ غیر آداب صحتی و اسباب عشرت بیان  
و عیان ایلر عشرت نامہ نام بر کتاب مسرت مائی وارد در خاصہ  
قرکہ کنندہ طرز خاص از رہ ابداع و اختراعیدر صفت جامہ و **نثر**







ابوالمکارم بابا چلی نکر برادر مهتر و قضات و در خدمت پسر و  
 معدت کستر ایدر فصل خصوصیتده مانند سیف قاطع و بین الامان  
 عزیز اهلیتله شایع ایدر لطیف تألیف قادر و اکوب خیریه صاحب ایدر  
 قاضی خانم سایر مشکله کنده کوزل تحقیق لار و سائو فنون در  
 زمان تحصیل بر بدل تدقیق لار و ایدر و وقف دراهم و دینار  
 جوازند غایتده مفید و مختصر سالسی و حضرت شیخ کرامی مولانا  
 جامینکر مصرع ان حسن بود و نبود آیه هان شان غزل شریف کشف  
 الحقایق فی حل الرقایق نام مقاله سی وارد در بونوردن زائد طبیعت  
 شعریه سی و سلاقت نظمیه سی و لوب بدل غزلدیشدر بر یکی مطلع  
 انکرا شعارندند **مطلع** کور در اشک روانم اندر حیا فنده کرسکه که یور آب  
**مطلع** تشبیه یا قوب کل الماهم بونوکه دو شمسوز زلفکبر دو کیمیا بونوکه  
**خ حروف الزاد در اسکو بر حمد الله علیه** قره جهره و طلوع عیله  
 مشهور در سطح زبایرید در نرفوت اولشد و موصوم بخار کبر  
 غزلنه بر نظیر نظم دیوب خوب معیندی بولشد **مطلع** بونوکه **مطلع** کور و جبه  
 اول سیمبر دونه دونه در میان اندر چه لیم و زار دونه دونه زار  
**تو قادر** دانشمند در خوب خطی و مرغوب شعرا و در بر **مطلع** انوکه **مطلع**  
 بوکوز خورشید و شمشیر او ماه بیکه حجابی شمع و ناله بر باره بینر اسف

او غلی و میکلده  
 بخاکتک دونه دونه غزلنه

اسف زار **کوزل** بونوکی بخا غنیز بود ز نام قصبه در خوب سارتنه نغم  
 سارو نوازنده طنبور نواز در که نغمه طنبور و روضه در بیلر نغمه در  
 سوبلتیز و سرود در و در قاننده مرغانه سحر ساز صغری اصلا او تیز  
 اکثر اوقات همدم بزم رندان و محرم مجلس ران اولوب برطلو حاجی  
 جمد و حالت کیفیت میده بردی کار و جلیه کیمیا و بارغان  
 یک کور را شعار وادوار قابل کماع و لایق التماع در بر **مطلع** انکرا  
**مطلع** می کیم مکیفات جهان لرو ایدر **مطلع** حجابنه غزل در رایت در در **مطلع**  
 المده جام مصفا دلمده و منف **مطلع** کوزنده اشک فراوان دلمده عمد و صکر  
**مطلع** یاریده نازاری کوزل در **مطلع** بویه او کرد کیشی الله او کردی  
**زمانه در حمد الله علیه** ادر نه ویدر زمانه ممر مساعده اتمیوب سام رولخی  
 نهانده سلطان سلیم دورنگر آخر نرند آخره نقل اندر بوفنده تعقیب بولجی  
 و شعر انکرا انبیا لرنند عدا و لجنی کسه ایدر احمد پاشا نکر آتش غزلنه اندر کیمیا  
 کیمیه شد بر بیتی بود **ربیت** دیدم نار عذار کده ندر زلف سیه جانان دیدم اول  
 کوزلوم نور که اولمونی دغان آتش **دینی در حمد الله علیه** موصوم زینر پادشاه در و زار انکرا  
 کاملر نرند و امرا انکرا فاضلر نرند ایدر خوب فغانی و فن فرید و علم لغت و خطی  
 معلومات و ایدر پادشاه و زمانند که سجا غنه متصرف ایکن لاله غزلک دیش  
**مطلع** بود **مطلع** دور کله دو شمشیر لرنه ای غزلانه کمر بزم کلنده یار بار چو غزلانه کمر







دام تو و یو مکن چو د کوان **نثر** بونکور د که منفعل و مکر  
 اولوب قلمو زلفی سر ک غط و صحت احتیاج کونوق ناصحله د و ک  
 بیزن نه نصیحت ایلا لوم دیجا میند و اندر بو مطلع آنو کدر **مطلع**  
 بزم جاننه کاکلک یجاخی در بیل صته ورد د خدارک طراوق مجلند کل  
**ساعز** محمد الله علیه در نه ویدر غناز علی دیکله شهر و شهر ابیتده  
 و حسن الله معروف و مذکور د عالمده محو محبوب غایتده آنغنه سی و طرح  
 و نزدک آغنه سی ایدر وقت محاوره و حین کالمه در سختی آفرین و نکته کنار  
 و محل ملاطفه و معارفه غایتده شوخ و شیرین گفتار ایدر بر سارند  
 بطر سار و نغمه آرا ایدر که نغمه سارسی بر و از حاروت و ماروت کورده اند  
 و رفته سرور در و دینی ذوقه دهرایه بکنند در کهنوز پیر یکجوشی کون  
 و دوقی نر و لور د بو بیتی کند شاهد خیالی و بیتی احوالی **در بیت**  
 چمن خمیره قاعده د و ندر قدر **نثر** نه ساز قودر ساغر الدین ساغر **نثر**  
 و مجله د و ندر **بیت** پیر اولر ساغری قوم الدین نیالده دوشدر  
 عصایه نرکی دین قند کبر **نثر** اکثریامیل طبعی مجو و حله املین  
 خولاتی وافر و حیاتی نادر واقع اولمشدر بو مطلع آنو کدر **مطلع**  
 لعین لبی د لبز اغیاره د شلر ش بکده بوق بخارین سر که شلدر ش  
**نثر** طریقه خله حروف تراجی از ره دیوانه و بو خصوصه تمام شتار

اشتها و منور و نر و در و بوبیت خولانجا نایز نام بشرخص شتاهم خنده  
 انکر خولایند در **بیت** بایزید ایلین آدک هر منگی صاقلدک چکین آبر الغنم البی  
 قال به یزید **مطالع** شهر ادر نه مجمع اهل دلدرا اما دقت شتاد کتبه برف  
 و بازار اندر دریا آب و کل در شعرا دیز بیلر بلده و نبرده نکر کنیز آب  
 و کلندر آذر د دلا اولوب بو بیتده مذمت اتمشدر **بیت** آله لطف  
 ایدر ب قورتر نر بوشد باطلان کشتی نر نه سیر آسونه کچر آبله کلدر  
**نثر** بوبیتی التماع اندکده شعرا سی منفعل و منکر اولوب هر نر **بیت**  
 جواب دیدر اما جمله دیز بونکر جوار غایتده موقبه واقع اولدر **بیت**  
**بیت** شکایت یلش شیطان کچر بولبله کلدر یوزینه بیلر آنرا اصلی او د د خط ایدر سلدر  
**نثر** و دوحوم و نور غایتده پیر سال خورج و روزگار دیده ایدر سلطین د  
 سلطان محمد و دونه شمش و پادشاه و در نکاح ایلند دنیا د کتمشدر **نثر**  
 آفرنده تایب نادم و اعتدار و استغفار و مداوم ملازم اولوب لاغلاص  
 مر الموت مضمونیه عامر اولوب قبل الاجل مرقد دیز نر معین و قبر دانره  
 برقع ناله فرین ایدر ب سر مرقد لوند بر نهال کبر و کده خرام و میانه  
 مشرهدن برد و صر بادام و طرف پای قبرند بر شش شتالوی شتاهم  
 وضع و نصب ایدر ب بو قطعه سنگ خزانند یا نر ش و شلدر و نر  
 قارمش **مقطع** انکچو فارم او شنده بن بو اشجار ر بولبله صنم



تا کور و صورت بدین عالم که بها اچو نلدم ندم بر روی خوشی باد اعلی  
 شفق سینه طوبی کدم ساقی ساقی **شاه** فلیک قضاة طائفة سندن بالظرام  
 دیلمه معروف اولمیس ساقی تخلص اتمش شیه اشعار و عشوه گفتار و نجاش  
 طرز نده کتمش خوشی اشعار و خوش آینه گفتار جو قدر و اسلوب شعور  
 طرز نجاشیه تفاوت فاشی و نقصا ظاهر اولمدر یو قدر و بیشتر **انکدر**  
 خلق میانلر فرق تمیز ایدیه مد کلر ندر نجاشیه سناد ایدر **شعر**  
 اهل دقت بیور که مودیدیلر • انکدر کلدر یو قدر و دیدیلر  
 غنی ابارر عندلیبی کور به قرق کلدر یونده بودیدیلر • کوییمز ناله بیلر طولدر  
 و اولی و اولی ابا بودیدیلر کور بیلر انکدر جوش • قدر اولدر یو قدر و  
 ساقی الذرا یا غنی هیچ قومزه روشنیه جگر شود دیدیلر **سبزه** **الله**  
 التابنولدر حفاکار مود سندن یو شعر سندن در خوب فارسی دان  
 و مجود قدر و بوفته در مهارستی و نظم کلامه قدر و واردر و مطلع **انکدر**  
**مطلع** بر قدر کلشن چین او خدر کلنار مدو ایدر شوره ساقی شراب کلنار  
**سجود** **الله** علیه بر زنده دندر سلها سلیم زمانده و پادشاه دورده  
 در دولته سلحدار لولای ایدر یو فنده جنایه بضاع و ایجا نقصه  
 استطاعت یو قدر و مطلع **انکدر** **مطلع** موزنده کرجه که زلفک غبار اولو  
 مغزیوزنده عاشقه صندیه ای اولور **نثر** و سلها سلیم طاب شاه قسحان

فتوحاتن خاییده عبارات مستعار فقرات انات امتد و و حوم روانر  
 مصورنده سلها سلیم برفردیف قصید دیدر کن پادشاه کفرافیه  
 خوش کلیم برف برمد و ح نسه میدر یونکر لفظ باردر و غریب قصد  
 ایدوب بجا قصیده صونش دیور و صورت کوشتر یکر و نور مجولر  
 بوییتی انده دیشتر **سب** صوق سوزار لیلر لاک جهانر بشوکه طولدر  
 یا غنوز روانر **جواب** **یوانر** یونکر طوقه قدق یر یوق جهانده انکدر **سجود**  
**سحاب** **بر عجم** التابنولدر توطن امتد فارسی و ترکی عبارتک نضمنده  
 صاحب افتد و رفق معادن در خنجر داردر و مطلع **انکدر** **مطلع**  
 غم که خذ کلینک صیده سیه چاکیم قورنیه خیر کله که انکدر **هلاکی** **مطلع**  
 دلا غیار ذوق و صلت عیاشی کجانه مکس طاب رار پردانه اتر نار سوزانر  
**سخاچی** **حمد** **الله** علیه بوسه قریندر انما طائفة سندن در سلطای سلیم  
 تحه جلوس اندوکی زمانده فوت اولدر اسمی سماکنه مطابق و سخاچی لک  
 نامی نذل و عطاکنه موافق امانا اشعار انکدر غلبی ترجمه و تمین و تدوین  
 سغندر کجین ایدر و مطلع **انکدر** **مطلع** عینده المی بو تن دنیا یارم  
 شهر صوفیه ترک ایدر دم شهر یارم **اولمه** **نثر** و بومرغ در انکدر **نثر**  
 و مع قنی نولدم قرق آسی کچر دک کوز لک یوق صنور کجیو جهادر **مطلع**  
 جو ایدر دک بنیر و شجر کچلک کچر و قنک بیدر و ارامد تراش **مطلع**  
 یا نشه

خنجر کلدر



اکبر چنگ منی برد فکیم کچر کچن نه ایکی شمدیه بوغنه و نازله فتن  
 کله بوغنه ترکیله صقالی اوتن کچر و فکیم و دارا امد و ترکی ایست  
 لطیف طبع اهل طوره کچر کفایت ویرک بوغنه عجب محل ثقلت ویرک  
 نه فکیم خطا و لور بزمه قسوت ویرک کچر و فکیم نه بود ویرک **سیت**  
 خطی کله و کله دلااره صقی یوزله کوز چونکه یوز قاره سید یوزنه اور و کله  
**سرور شرقد** **رحمه الله علیه** ولایت شرفه در بعضی در و می در دیو  
 سله یلیم دورنده کچر غایتده مطبوع اشعار و مختل کفار و وار در طره  
 نظیر معدوم و عدلی نامعلوم درخ تا معتبه کاکل خورشیده صالمه شکر کند  
 نه یوز غلی سله یلیم اناد ایدر لور بوغنه اشعارند و جمله کفایتند در هم  
 طرز و روشی دخی بوغنه صفت شاعرده **مطلع** چشم بخونه خالک عکای آرام جان  
 مسکه بکر که قول و الا حاتم شاعرنا بوغنه خود انکند و اشعارند در  
 قائم غمزه بوکله سنبه بر تاتیک کوزلوم قایتله طوله لاله سیراب تکر  
 چونک کچر هدم دلی خارادنه اول سوز و طاش صفت کینه سیمینا کچده آتیک  
 عشق کوبیده نه پوشم که نعل و داند هر طرفه زخم از ره او شد قلاب  
 نظیر **موقعه** قائم غمزه بوکله در دله و لایک اقد کوز کوز دینه  
 اخی روانم آتیک یارادنه یوسم اختیار و شکور جبهه زلفان  
 طور مزه کور قلاب تکر عارضه منکر که دایتد کور کور نار عشق

عشق آتیم صود نه یوز لاله سیراب تاتیک سرور در اخذ کلیمو لیدر عیصر  
 علما سنده و مدریس و محدثین فضل سنده در فنون کثره بی بدل و مشهوره  
 خود بی مثل و ضرب مثل در حضرت جلال الدین دوعی مشهور شکر الی جلده  
 و مولانا جامی میر حسین واعظ کرمه دار سله لویه شرح یار و یوب مشکلات  
 آسان و قواعدینی بیایا تشدی و علوم عربیه در دخی کچر مولفاتی و شرح  
 و حواله کچر مصنفان و وار در بوغنه مولفات و مصنفاندر غیر مدون **قصاید**  
 و غزلیات و وار در بوغنه مطبوع انکرا اشعارند در شعر بوکله جان ویرشکن **ایشان**  
 ویرد بوکله یاکه جان لعلکی ارغی لب معنیده اویدم رایگان **سور**  
**رحمه الله علیه** ولایت صاب و خاندن کتاب زمره کند و بود و شعر انکند  
 ایدر سرور سینه کبر طویل القامه و شجری حضرت ابوش کبر انکند زمانه سیر جامه  
 سکه صورت کولکه سی کو کچر کینه ایدر بوغنه سینه سرور و خلد ایدر  
 دخی طبیعت شعری سی کم دکله بوغنه **مطلع** انکند شول عرق کم اور  
 کل اندام کیک غمزه جگر سلسیلک عینی در فردوس باغ غمزه جگر  
 نایه بدم یاره و شو آه و افغانایم بر قولا غمزه کور بر قولا غمزه جگر  
 سحر **صلیبه** **رحمه الله علیه** تاج زام جعفر جلی نکر یار دیر سله یلیم یارید  
 زمانه کچر مد رسیکن فوت اولدر علما کچر اشعارند و شعر انکند  
 فضل انکند ایدر موغنه اشعارند و سینه محال بولم یوب ظاهر شد



بومطلع شهر انکه مطلع یارب نوید عالم ایچنده دل اولم بار  
اولور سر کوزر مائل اولم **سحر** **عبدالله** سحر خصار قاضی  
سوز نام ناحیه ندر محرم سلطان حکم شایخی سیاه و مضامیر  
ایدر کعبه شریفه کشته و دیار فکستانه تفرج ایشلر در اول  
دیار کاه عیش و عشرت و کاه غربت کربتن نظم ایدرب استمالت  
وتلی ایچون بومطلع ایلم سلطان به خطابه **مطلع** جام نشانی  
ارجم بوفتکستاندر هر قوم کز ایشان کوردور اندر نثر وایت  
ایدر که اول زمانه نخستن احوال ایچون تبدیل صورت ایدرب استانبوله  
کلیش و سلطان جم غزنده بعضی اکابر مکتوب کتوب خبر ایشلر  
اعیان در کاه بوسردنه اکاه اولور و نور کج کبر بکج ویرانه و یور  
هماندم امان ویزه یوب طوتر لر غلط بوغزنده دیایه اتر لرا شعار مشهور  
و دیوانه مسطور در بومطلع **اندر** **مطلع** دل مسکینی کونیده کار کز لفته  
طوشم دیدم اگایریدر وای نه بنده شمشیر بومطلع و خانو کز غزنده  
محرم بجای بکرتطیس و **مطلع** دیدم کعبه مید کویدریدر باغ جناز  
دیدم طوبی مید قتر کز دیدر سوز و اندر بوس **سحر** **عبدالله**  
التابول قاضی طغنده مفتی اولوب بودور و نقر اتر تیرا فاضل زمانه  
واهایی دور از بیننده مقبول و مسلم فاضل و کامل ایدر اما خلق

خلق انکسار فضا نلند فضل شمرند غافل ایدر مقتضای روزگار  
بوشهر شکوی شمار آنوک اشعارند شعر عالم طوله مستر لیکرین شاد اولدم  
آه کم بن بنده بر دم غم ندر آزاد اولدم بن کج آلم عروسخت و دولته براد  
ایک قافه عسکر بر بنیه داماد اولدم عمر کز فضا نلده عیش خرج ایدم  
جهانله غنوار بولوب عالمده دلشاد **نثر** **بریت** و غزانه و مضامیر  
جاهلک و غزانه و آه مرد کامکار ایدر و کنه **مطلع** صفا بودور و نقر  
و کامل زمانیدر اولدر جهانده فضل ایشی جابل زمانیدر **سحر** **عبدالله**  
استانبوله ندر سلطان سرای آمره خواجہ سی ایدر بودور و نقر و ایشلر  
اولمشدن قنقن کاملر ندر شعر انکسار فضا نلند در معرفت مابینده  
استقام اولور و جامع در اوقشور غزانه و نقر و شمال کج حلال محفل  
و مصنف ابیات و اردر بوشهر انکسار ندر شعر بن بنده ایدم شمع  
او خد مشر شمع بر مقبول سر عیان ایشلر در آتشی سحر طوش  
قلج در فتنه ایشلر اوق اول کار کز غم کج کج کج کج کج کج  
مسکیده طوتر لر در هر دانه خال کز کونک فلفل اولدر بکده شمشیر  
نثر وایت ایدر که هر قوم محرم سلطان بایریدر کون بر غزانه راکت  
کلور و بوشهر قائل و بوشهر کاملی ایدر کون بیور امر عالی برده فر نور  
هر قنده ایدر بولور و شایه خانه گستر و ملکانه غایتلر ایدر اول شعر بود







نظم نظم پاک و شعر سوزناک که مقبول و محم و علم دارند در بوم مطلع اندر  
**مطلع** بیکه نیکم خطک کلا در یک جانا جواب اولی که حفظ آب حیوان  
ایکجه ظلمت حجاب اولی نشو و بشود ضعیف و محم بخانی به نظیر واقع  
اولی شد **شعر** در می خوش کور که در کعبه نبی وار بود بر یک در او درو  
صور بر وار فلک طنبور و شش بود در فلانم یکنه بکثر بنومله  
صحبتی وار روم از اولی ریش اولی سواد دل که عمر نازنینک  
تسرع و **شعر** و قضاات عصا ندر بر قاضی و اخذ و اکل و مرشی  
و مقاضای سلطانی سلیم دورن محکم معارضه سی و مخاصمی واقع  
اولی شد **شعر** مذمت شعار انکه حقند **شعر** ای قاضی کاد و عو  
یزد از او بجقدر محشر صانند که دیوار او بجقدر حشر چه بجلا  
عمر چون بود امضا رشوت رقی نامی که عنوان او بجقدر دود که  
یتیم که کوز را بشو و اندر بر کوهن عرق انکه طوفان او بجقدر  
رشوت کوهن مردم ایلی که بر امرن قارن یا ریلوب بر کوهن ایلی که قارن او  
بوساز که سن بر حروارند چکن صفا که انکه نفیسی پنهان او بجقدر  
**شعر** و میخال او غل علی بگر بوسه او جلند واقع اولی غل و زو و جهاد و  
و غل و زو الفاظ زبکین و اذ شیر نلیه نظم ایوب کتاب استمد بوبرج  
بیتا اول کتاب **بدر نظم** سحر و قشده چو سزال زمانه کیند و

کیند و قوشند رستمانه قوشند تیغی خوشد رخشا طقندر خنجرین  
و تیغ دوران کتور در آسمان التولوسجی شوق جلد افقندر آلیق  
کنش تیغ و عطارد خامه طوطی علی بکدر زم ایچوز صفا طوطی  
**شعر** و بویا یکی بیت دلپسند در مهر و لره مهر و وفا با بند نصی و پند در  
چو کل رخم ایلیز انقضا کیند انکچه ز عمر و وار منصفه کیند بود بر  
صفی کیند باز در ابرار و فاسد دوستی نیک نقش دیوار **شعر** یک  
بقیه شعراء سلف و پیر نظام خلفه اما نل اعیان آرا سندن طبع سلیم  
و خلق کریمه موصوف درویشان پاک اعتقاد کشید را پادشاه  
سلطان سلیمان جلبر سلطان ایکن دیوان کتابت ایدر در دولت و جنگ  
جلوس اند که بومحل کثرت از اول کوشه و حدت در دیو تولیت اختیار  
اتدر و محوم احمد پاشا یه شمش و نجارت یک خدمت انشد خوش آینه  
اشعار و پسندیده گفتار و ارد در **شعر** انکه اشعار نند **شعر**  
داغ غل خلعی کید در زهر و تنوم جبه صاماق بجه اولی کوهن دو  
حق او غل در بجه و کوهن بکیم طفل ایکن داغ بر مشد کوزم داغ  
سینه در دو غل داغ غل غل بکیم دو که لوط قدر ریشم قطره سی سینه  
**سیاه** بیضی **سیاه** و **سیاه** روم ایلیند بطلب طایفه سندن **سیاه**  
دیگله معروف خلیجه مبارک ذات و ندیم و شیوه و شیرین کلمات در







قاضی اوله قدس طالع مطایبه طریقه بلیتی بدیر **بیت**  
 شاور اعوج بکوز که اقصی قضات اولو در بیکریل که تحصیل  
 اعرج آنوک مواجید جواب **مولانا شاور** طعن ابرایش بکله ایتر  
 دیو جمال نوله آیم یوغه حرفنده الم وار تحصیل کمال ایلکور  
 یوسف قالورسن قلمو جهاز کسیه اردکده اولوم وار **شاهید** **رحمه الله**  
 ادرنه دیز در جم سلطانکدر دفتر دارو اعیان اراکانکدر مدار علیه افتخار  
 ایدرفق شعور چند از ایدر یوقدرو اشعارنده سام و و خاییده **معنا**  
 چوقدرد یواننده قبوله فایز که چه بعضی بیانی و فر و اعلی شسته  
 مقوله سید زار و ناهموار بوبرق مطلع آنوک **مطلع** دیدم که کوزم  
 جانه کوزک کوزل کوزلر دیدرین داف کوزم کوزک کوزل کوزل  
 چشمه خضرین جام کندر لیکه بره شور آینه دیز طوبی دیشم فیکه  
**شاهید** **رحمه الله** ولایت **مطلع** منتشاع مغله نام قصیده دیز یوزور  
 نقل اندر مفت و محدد درویش مولور و شرح متن کتاب مشور ایدر  
 حضرت جلال الدین رومی مشوینکدر حبله ندر یوزر بیت انتخاب  
 ایدر و بر بیتن بشر حیلده شرح اتمشدر و آدینی کلشن توحید ویر  
 بوبرق بیت اول مشوینکدر ابتداء دیباچه ندر **در نظم** **وله** بشوینکدر  
 چه افکار میکند قصه حجر طست میکند که جدا کشته زباغ لامکان  
 واقعه

واقفان و واقفان و واقفان کلشن غنیم که مکن بود و جا  
 بر کلشن بودم معنی خوشکرا **مطلع** علم لغته و فن عوضه متعلق منظم  
 برقع پاره مفید و نافع کمر بر تو ایستی واردر مقبول اهل عرفان  
 و معدوح سخن و راندر افاق شوره اول قدر مداومت و استمال  
 و مهارت اتمشدر بر مطلع آنوکدر **مطلع** برقعی ابریه بر یوزر مکتب اچوز  
 شب یلدا اصبیحی فتان کوزنک خوا ابر اچوز **شاه** **شهر** **شهر** **شهر**  
 قریب یردیز شایسته ندر سلطان سلیم زماننده روم کلمشدر طریقه  
 مختصر شاعر و ساهر و بکرو فکره و خیال خاصه قادر در اسلوب نظم  
 نوای طرز زانوشتر و ادر معتبر در یوشتر انکاشعار ندر و انکا  
 افکار ندر **در شعر** **مطلع** کلر بیکصد یغیه پیکان ایش غنیه ایلقا  
 کلی یوز یغیه قلغان ایش غنیه نکر پیکانتر تیر بیکر اچوز **شاه**  
 جسمی یاندر ایافه مشکر سحران ایش کل و حسن صیدم بلیل کاغ اتمشدر  
 کم اوزین یانل طواق التند نه ایش دهر اراهر بر دیز دیوار کوسک شویله بیل  
 بوسلما ملکیدر رخ انزور ایش مهر نه آله نه شاهر نو فکدر نیکر کیم کوزر  
 کوکه یتکورشینه خالکد یکان ایش **شهر** و در یای ابراره تنظیم **مطلع**  
 رافضیانده دهر انکا اسناد ایدر **بیت** تاج بیکرنگی صاحب دولت انزور برکت  
 این همه کلها کرخ باغ آل حمیدر است **شکر** **رحمه الله** یوز یوز جانلر ندر

خواب



اصل علم زنده کنند در بود درم قوت اولاد را نهوس مقولید در فر کیت  
و کیفیت معلوم اولمشد بر بوبیت انکرا شادند در بیت وصل یار فکر  
ایدر کن و کتدر غم دیدم اکا کتد و کای نمکسارم دیدر کو کتد و کای  
**نثر** و بوجو ملیج دفر یار هر جایی سی حقند انکدر **قطعه** بر قدم کتیب  
بیزهله او کترو سایه و شمشیر یار قیبی نور حکم هر دم رقیب آشکار  
سک و آه و صفت بیانش یورر افجه بولونه نیند اگر اکی کلج کشتی  
طوترو برید **نثر** و بوقید فر عفتوار جوانیده بر خوب پر شمانده نظر  
پاکله مائل و هر جایی و آلود داما ناید و کتد غافل ایدم مکر اول  
اول یار بر صفتگر طرز ماز طرل دیگله ملقب بوقیب یو صوته  
و بد کیم تر و ارش نهانی آنکله ماز و زوز و شوهر مرتبه بنده محرم  
و یار مشرقیب مزبور صخره جن دتر زشت بر لعین بد کشت ایدر که  
حصیل و حیثانده قاف طلا غنچه غیب آتش قانچ دیوه و قیافت  
بر قبا حرم و اس پر دیوه بگز ایدر بر کوبه التقا و قبیح المنظر ایدر که  
شکل نمونه نظر این نکر محید سی بلبله افتضاء طعام اتمیوب  
مبتلا و داء جذام اولق مقرر ایدر **بیت** یوزینی کور در اتمز صفا  
کواحی او بر کتد و غه کتد یمنیدر کنه **نثر** لاز او را طبع خوان  
وصال یار نه تمکن مقرر بد کتد قلبه آگاه وصالند در استکراه کتد

کلو سبوح بر قیابا تر دیدم **نثر** او لایقه تغیر صیوندر رقیب کافر آیت کش  
آتش دوند خوان وصال لبر خوان و صالی یار کن غایت تغیر لیک  
او تو غنچه جدا لیک تر میور آنر کم بر کل فر من کتور مشرب خارا و کتد کش  
چون غنچه طار صرا اللمش اول کل تر دیر لور در کم میثکرایوسی خنتر  
بونکته مجرب اولدرینه مقرر **شکر در حماره علیه** کور دستانند در متغین  
شاعر و کمال آنکله کتد نه قادر ایدر پادشاه کتد کتد متعلق مستلوم  
کتا بر وارد در نظم سائر و سطحی شاعر در فن شعر او لقدم و خوشی بوقد  
و طبع نازک و خوشی بوقد و مطلع انکدر **مطلع** اغلقتد کوز لرم یار  
بر خور ایلدر بر نیز عین اس بر نیز جیحون ایلدر **شعر** دفتر دار علیه  
**الرحمة الغفار** شاعر طعنه نیدر در دفتر او بنیده جندره جزاج دیگله  
معروف و مشهور در سلطان محمد و سلطان یار نیز دفتر دار اولمشد در  
اندرا قدم کتدینه فراوانه و حلیه و ملوک کتد خزینه بی کرانه مالک ملک التجار  
و خواجگان بر رکاب میانش قدرت و مکنیتله پراشتههار ایدر نی کتد  
هدیه و خنده و عدنه و عینه کتد ایدر بخت حد و لایعده جواهر و اتمه  
ینه رومه کتد در و شول جواهر زاهره و اتمه فاضله که شایکا خزینه  
شاه و شایسته حضور پادشاه در کتد و حدیه قلوب سلطان محمد طاهر  
مصاب و مقارن اولقدم کتد عزت و اعتبارله دفتر دار اولمشد



فوق حاده محاسب سراج الحی و جواهر علمنده که هر زینت کبر نظیر رکن بایدر  
لغات و بیرون زبان فارسی و بیج و بیج خوب تکلم اید در دو ساله معتبره نکرده  
برنده شود در دو بر پنج مطلع انکار انکار نند **مطلع** و اکن کلزار حسنک  
کلسانه بقرم مهر خشار کلو رکن آسمانه بقرم **مطلع** کوز لوز او مولی بود  
صفایا بلویه صرم قدر کوز لوز او دین ضایع نرا پایا بلویه صرم قدر **شعر**  
**قاصد سور** **شعر** علیه قره شمس بیکه معروف در سلطان سلیم دیار غریبه  
اقدو کی زمانه کف قاضی سید زین شود ماحو و خیال خاصه قاصد ایدر  
بو بر پنج مطلع انوا شاعر نند **مطلع** بزم حسنک کلک یو قدر یورکی  
ما هفکرای دولت مکر و ارید چو رکی **مطلع** درویش نه بوش کبر لیل اقدو  
کل زلزل کل و صفی او قور آل و رقد **شعر** ادوار **شعر** ادوار **شعر** ادوار  
وزمره قضا نند در غایتده فقیه و فاضل و علم فرائض و علم حاسبه  
محاسب کامل ایدر علی الخصوص که علم ادوار و فن موسیقار و صاحب تالیف  
تصنیف بو ضابطه و مضمون بخانی بکر و زبوره ملا شمس ادوار دیر در اکثر  
بخانه شعریه اراش بخش لکن انکر تصنیفی در و طریق شود و طرز غزله  
بخانی پی درویدر بو بر پنج مطلع انکار انکار نند **مطلع** اند تیز غم کی بیگان  
دلوز زنگ آواز انید بکر هم شیم بو مایه ای نکر **مطلع** او یکینو بوق  
صیحو که مسک خطا نه غیر **مطلع** اوله برایش خطا نه غیر **شعر**

**شعر** خصار **شعر** علیه البرقه ایدر بود و فطره ندر دین و شهر خصار نند  
حامد معوق و خواننده لغت ایدر بادشاه سعادت نختله نختله طوی  
اندو کی زمانه صرم موت اولد بود و علم قاصد انکار باب خشنود مصنف  
بر ماسته ایدر او نایکی مقامی او نایکی بر وجه دیر او اوزه دیر بلوده  
و دورت نختله نختله دورت عنصره و یکرمی دورت پریم  
دورته ساعته ترکیب و تقسیم ایدر و بیج و بیج صورت دلا و زور او آن  
طرب انکیز او علم کتبه شد و فن شعر و معایه دفر بر مقدار ال  
ویر شد بر مطلع انکر **مطلع** ویر و خطا نند قلبه کید  
او غبار ر قومه مرآت عدلا کده کید **نظم** اوله بر آوج خاک ایدر  
بحر محیطی مغیر بمن نه حاکم که ویرم لجه آسمانه کده **شعر** درویش **شعر**  
سور خصار در انش **شعر** بیکه معروف در کتاب مرغلر مولی و در  
بچه فکر صاحب تصنیفی در کتاب معروفی دینو سلطان سلیم موند قدیه سلم خان  
خیلی احش و اشیا نند و اوله علمد هما یونکر آخر لوز آخره نند  
خوش آئیده ابیان و سام و کتبه تمثیل او در دو بر پنج بیت بیغوش  
قوشله نصیحت **در نظم** قور صغور کدانه دین طولر دکور خانه کوز یو  
قاله دکور بیوزن نختله نختله جفتی بکر نختله دوشموزین  
قویه لم هر قصه افسانه بی مورک غزله قیور نند دانه بی **نظم**







انکار اشعارند و اشعار را ندارند در **مطلع** هر چه موجود در عدم است  
 حال ابدی را رسیده میانگیر **بوقدر** لیدر اوج شمس نیم نولهاده  
 کم بکوش جمال الله نور محمد **و** لا خیال لعل جان بشکله جان تنه زوایا حقیر  
 من اغلای این اعلم اسم او مدنی یکی جان چقدر **نور** و بوغول مختل در خور  
 انور جمله اختر اعنند و خاصه اید اغنند در بوقافیه و واقع اول  
 اشعار کثیره بو شعری نظیر نظمیر اول **شعر** اول فکک متالیز  
 انشمن مسووم یازده هلاله شکلی طاقه بر جده میخواره نگر  
 دعاسی نوله اول مسه نجاب هدم قدح دعا کن او قور پیر میکن  
 آنو بل قور پیر لبکده خطک نولا شمدیر اولدر بار و ناز اوزره عیبه  
 مد جگر تیغ غمزه ی با نغمه لطف ایدو ایردیر بود و تله کو کل بخت سر مده  
 کیمه در دیر اسکام نور کو شو قزغی بر کوزر یا شلو یله زرد شکو فلک زرد  
**شعر** **اربعه** انطاکیه حل فله ندر حرفت اهلند بر علوانی کینه  
 ایدر خلاوت اشعار ولدت شمد کفشار له شمد راکر مخلصی و در کوش  
 و اخوانو یاراه شمد و صحت شیرینه مکس کیر او شمش ایدر بو مطلع **انکه**  
**مطلع** کو کل قیصر زلف غنبار زاع کور که ههای ایتدر شکار  
 در نور ساح دل و صادق القول کینه ایدر مسووم که واقع لرنند  
 ز غار اجلن یقین بی یوب و اجل عجله اندرین کور و کفن تدارکن ایدر

ایدوب کند و ایلده علوان آشناتمش و مرصوم سلطان نیم آخر  
 آخونه کمتدر مو غطه طرزنده بو بر قیج ابیات دفر انور **نظم**  
 آدمه آفر حوام اولور عربی عالمک طاق ایاوانید کورده کند و کی عای  
 قصه ایاوانیده ای عالی مقام اولدم <sup>صفت</sup> کند و کی یوکسکه کورده منکر کت  
 استخوار کله چتره بیزاشک کور اچنده مور یی نیم قدر **هنا**  
**مشایخ** **برج** دار میکنه بوطاق کسر عنکبوت بوم نوبت میرد  
 بر قلعه افراسیاب **شیخ** **الشعر** **امولانا** **شیخ** **رفع الله در جانه فی العلین**  
**وانس** **روحه** **بار ولاح** **الواصلین** شد کوتا هیده زرد واد خانه  
 غار در دوزنده کلمتدر و سید نسیمی ایلد بوجو جمع اولمش ز خانه  
 حکیم کنایه دیمکله معروف در و اطباء ما بیننده خداقت و مهارتله  
 موصوفه رشوا و رو مکفید ماسند ز شیخ حاجی میرام افروز و نیک  
 خلفا کند در اما کسه ارشاد انکدر طریق رزق و طامانه کمتدر  
 اولمش در اول حالنده ولایت عجمه جغوب مشایخ کبار در دینی صد  
 عزیز لیره ایر شمش و طریق تصوفده ولایت قدم بصوب تو حیرت  
 یتیمش در علم ظاهر و باطنده یدر علیا و فن تو حید و نصوفد  
 قسمت عظمای سی و ایدر بو خصوصه کمالاته و قوف و اطلاع  
 مراد ایدر کتابک اوائلنه و او اخونه نظر اتسوز که اقسام و رتب



توحید اتر و اصناف تجلیات ذات و صفات تر خوف اکتاف اعلی  
علم طبایع و احوال فلکیات تر اظهار و افهام اتمش در زبان ترکیده قصه  
خسرو اندر شیرین دیشی بود که در احوال نظم بی نظیر نظمیش  
چو قدر کتاب خسرو شیرین بی تصویره کرد بر ایکی در فرس حقه  
فیسانه و افسانه در لکن مغرب زنده اظهار علوم و معارف علت  
و بها در بیت علم ایچده یزن متون و شروح صورت قالب اتر معنی  
نثر السوب قصیده و مشنوبه ممتاز و فایده اقا و ادبی شعر طرز  
غزله طرز قدما و السوب با بقدر بوی برقی مطلع انکار افکاش شریف  
سند در مطلع کو کلم خوشه پیرینه دانه بکلرک اولاد مسود طریقه  
کیر قانه بکلرک **وله** دله کلام و زهد و دین خاطر من کوزله ده  
ناصح اولن کشی مسور خاطر کوزله **در** **وله** غزلی که بر خند نکله بیک  
مانه قصد ایدر خوش آهوا از کوزله و شیرانه قصد ایدر  
خطره که چکدر ضاع یا قوت دازه بر مورد که مسلمانان قصد ایدر  
خال که زلفک طوشوب النوا که غر حسنه صفت کینده ایوانه قصه  
**نثر** بوی برقی بیت در غنغ رملده صلوات الله انکار افکاش  
سند در **نظم** در همان معنی که اتمی قودک آدک سلطان ایکن دونه  
قبایلک در عیال ایرنیات و معدن و حیوانه دعوتک کم اولاد

کم اولاد شاهد حج و اشتر و عصا هر ناکی رنگی الی اتر او قلین  
عربانه و اغز قاز بیور طبراق یولی هو **نثر** ظرافت اسلوب مشنوبه شعراء  
روم اندر کور مشرد و بوی خصوصه اکافتد ایدوب بی دیوانه مشرد  
مشنوبه در غر عجب پر سوز و حالت انگیزه و وادی عشق و فلاح حالت  
بخش و موعظت آیدر در بوی چهار خراب و بناء برای بوی فلک و وار  
و ارض ثابت القرار الیه آیه به تشبیه و تمثیل اتملر خوب واقع اوشده  
**نظم** فلک لر کردشی دولابه بکوز بوی خلق اول کوزله اولد آب بکوز  
بوی طولاب چوه خلقک بوی العبد کیمی لیراب کیمی تشنه لب در دگر می کبیر  
احوال عالم ایچده دانه کندم در آدم ایکی طاش آه سینه دانه  
او کدر بیل آنرد و زمانه **نثر** و تصفیه باطن خصوصه بوی برقی  
ابیات محققانه در خوا کدر **نظم** قلنج عقلنی در صوصو اقول  
کدر قل بوی کوزله در صفایول طور کن بویچاهام خیالات  
تجلی ایله می حق نور حیرات یا پلن روح نفسی یقینی  
ملک کرمیه شیطان چینی **نثر** و غم و غصه که روح انسانه زهر قاتل  
قاتل و مائه زهر هلاهل ایدر ممکن اولد قی انک دفع و دفعه بی  
واقدام اتملر خصوصه بوی برقی بیت در خوا کدر **نظم** قوما به عاقل  
اولن دله کدر که اولور قلنج کورک طایفه در در غمک بوی کتر



کو تر قدر بیزیر بیز آدم غمی غمی بیز جهانگر حاصل کردم دیشتر  
بیشتر بیز دمه بیکر غم دیشتر **بیهوشی** بیهوشی بیهوشی بیهوشی بیهوشی  
هونه قدر کلی ایسه ساهل طوت بیز غم ایچیز کند و کوه ویر و الم بیز غم که ایله  
کل ایکی غم چونکه جهان باغ و فاسد درر عمر کل انده بقا سزد در  
چونکه سکا فطرت ویره بر دم اجل اکل غنیمت او دمی بی بدل  
عمر که کچدر آتی غنیمت کله کچدر کچن بر دفر کوه مرزاه قدر بیزیل عمر کل  
ای بوالهوسا بیزدم ایست خوش کور آنر بر نفس سود و زیان  
چونیم دنیا غم غم بیز سکا باری بی دنیا غم **شیر** **شیر** **شیر** **شیر**  
هر سکا و علی اند پاشا نکه او علی در الیمی علی اولد و غمنا کبتد شیر  
تخلص ایدر و پادشاه مرز مانند قیو حجاب شلقه سنجاعه چیت  
سنجاعه ایکن فوت اولمشد طبیعت شعریه سی بد دکلر و شو  
اکل اشعار نند در **شعر** دیگر بیزه عشقی صفا سوز ایکن مجنون  
کم اول حکمتی تعلیم ایده افلاطون کوره یین او کشته ماه فکر بگزینی  
چقین ناکه کند بله بکوز کردی ای دل الدنمه متاعنه پسر و نکر  
کنج دنیا نقد شود ایده قاره **تطیل** **لؤلؤ** شویله ال ویرد چیت  
فتی دل مخونه عشق تعلیم ایدر سیز شور مجنون قور قورم که  
طوقتر خرد بر کوز چرخک اویدر اولمشد قزقاله لرم کردونه

کردونه جان ویر سیم فلک یاره لوند ز صفا حور یلر ایلد قانلو  
کفتم کلکونه قلدر نارنج کبر بکرم او تارنج کین بکرم بکرم رنگی  
نه عجب بیهوشی غم کجمنه حریف اولد لطیف یار که نیلدر هر صی طبع  
بله مستی فانونه **فی حرف الصاد صابر** **رحمه الله** حلب قریب ز و فتوی  
طائفه سندن در بوعصر فوت اولد فراینده صالح و صابر و غنیمت  
عداوت و خفا لفته تمام قادر ایدر نوسن و نفس کشتی لجام ریاضت کندی  
رام و عنان اولد مشربا کند تا کلام اتمشد او قدر بر صغیر کار و قور  
شعار ایدر که حرم سندن خوف ایدر بکسکه طعنا منند تا اولد ایلد  
واغزنده طاش طوت بکسکه حقه خیر و شر بیلد در عرقیه دوز و نار  
محبته پرور ایدر حوق معارفه مالک درویش ساکرا ایدر بومطالع انکر  
**مطلع** ایرمز بقا کلزارنه بو کلستانه کچین جانانه واصل اولیه جان  
و جهانده کچین **صالح** **حلب** جلال زاده ناسخ بکرم بریدر نظم و  
اشعار و الی عصر که صحروریدر اما انشا الله تعالی چوق غالب  
و طبع شعر غلر در فرفرت شعریه انشایه ارتوق راغب در بومطالع  
اکل اشعار نند در **مطلع** جسم زردم قاره قاره داغلر در بر قیاس  
شاه عشق الکنومه کیدر در بلنکی بولباس **صافره** **رحمه الله** سلطان پانده  
و نیر اولان قاسم پاشا و موصی شعرو انشا که بین الانام جوز قاسمی



دیکله معروف زبور جز نکلام غانه زاد صورتا بنده معنیده آزاد  
ایدر شعرا و رومده مثل کویک اولانده صادراولشی و بخا ترکیده کالی  
کمالی بولشد بویک مطلع انو که اشعارندند **مطلع** کل کرم اولوبنی  
یولکنه صاحب سوزای دولت صوفی کچر ایکچ فراخ احوال و ابروت  
**ولم** یارب پورشی کیوزک کوریه ملکر برآه ایده لراوم یانه جمله ملکر  
**صبانی** رحمه الله علیه ادرند ویدر بوالهوس و هوای اولد و غیبه صبا  
تخلص تشلدر فن فریده و علم عوضده کامل و طبع شعرا انواع و  
اقسامنه شامل ایدر شعرا و عجم کلماتن تشیع ایدوب دریای ابراره  
و کانتی تکرر و جبهه کنه جواب بشدر بوبرق بیت اندند **نظم**  
نه فرشته دل و فی آخرت محو تن شکر بخد و تکرر حجه دل عز  
شتر لایها شد ایر حجه کور چگونه اثر شد در کشم حجه تن  
مشو حواشتر کشش بحجه فقر مکنش بحجه کرد و نه شرف کیردن  
**نفر** قوت ناظمه نه و طبیعت شعریه کنه سوز قدر لکن اشعار نک  
بی رنگ سام یولدر حوقدر بوباعشه شعر چندا به شورت بولمش  
والسنة ناسده مذکور و مشهور اولمشدر بوبرق ابیات **مطلع**  
لذنه بیک قندمی آلوده بکوز ترک ترک گرا لاله به بکوز **مطلع**  
دیدم کنش یوز که قولا اولدر کوزا بدل دیدم چو کی دل وطن اندر محل دیدم

محل دیدم **مطلع** اشتها یا لک قلیج خون وصال ایر مرال سوسوز بن  
آبله اغیار کله راحل **نثر** و بوبیت و فرقصیده و نغزده حضرت امام  
حسن و امام حسین حقنه واقع اولمشدر **ریت** بن نیمه و صفایدم حسیده  
حسینی کم ایکی همادر رضی الله عنهما اشرف کرامت برین و عده  
کرمی سی کلنده بوبرق بیتده تغلیظنی لطیف ایدوب عرضی ال و شکایت  
اظهار ایدوب بوبرق بیتده **نظم** و **له** طوق اولدر جمله خلق طوره صابره  
صنوبر آج اولن عالمده اتمک یوق صنوبر حرک اولدر صاحب مال کیر  
اولنه بیلور کم نه در حال فقیر صاع اولدر صیر و حال اکثر حسته  
فریاد نیر حسته **طکیز** **صبر** حلیه صادق کسند و قضات بیننده حکیم  
زاج دیکله مشهور دروسا از معارفند زانده شعرد فرمودن و مطور  
بو مطلع **اندر** **مطلع** دست صبا به ویرمه صیقل اتمک کیر باشد چقرمه زلفکی  
بیراهنک کیر **صبر** **بروس** طریقه نفع اتمش اهل جهت صاحب  
معرفت کسند و طرز شعرد فراموشده بوبرق و کله رد العی علی  
علی القدر ارسو بنده بو شعر انکراشته عاتقند **نثر** و مصرع حال چنده سن  
یوسف حجه من یوسف حجه عشقند بن شکسته عشقند بن شکسته  
بیلای طیب الکیم دوشدم غمکله در اولدم اولملو حسته  
اولدم اولملو حسته آهوا کرا و جنم دوشتم کیر کمرای دل او یانه کسته



ای دل او بانه طعن ایدر زاهد ایق طولا ینم کل صوفی می بسته  
صوفی می بسته صبحی صبحی بچرخ شوقله جوشه طلع اول خاطر شکسته  
صدر جلیب **علاء** علیه ازینق نام قصیده وزمره فضا تندند ربو عصیر جلیبه  
فوت اولدر ضایع شعریه سنی سلوبدیز خارج و خیالده خالی دکلدر شعار  
مدق و مرتب و کلمات مستعدیه سی مکتبه بدربو برج مطلع انوکلدر تصرف  
پاکی وزام لطف ادراکلر **مطلع** کوشک کل او یکیند مرشی که لرا بشمونه  
بکینن زلفو که دیر سنبیل او کوب **وله** ای غنچه دهی بولیه بچون و عده ایدر  
یوقیره هماغه غموره شکر اذر **وله** مادیر لینی صو کبر اغیار قنذر  
او دباره سی کبر دل عاشاق یاندر **صغر قسط** نور **وله** علیه و محرم بخا  
بکشاکرد لرنند رقصاید و ظهیریه مقبول نظایره و کلیاتده  
و جریاتده خیل معارف و ماثور واردر و زبان ترکیب دغوغا  
غزل و نیا قطع لر و لطیف تارخیلر واردر اما کلیات رضایع  
اولوب شایع اولمدر بو باعثده بین الانام شیوع و شهرت  
بولمدر بو مطلع انکر اشعار ندر **مطلع** بچون کیدر کوزمده قدر  
خیالی انکر برنده صومی چقدر اول سرودلستان **وله** یشکوز  
زلف سیلکار کوزندر ای مردم دریا سوسینک قاره کوزندر **نثر**  
و بو غزل ذی القافیتین دخی انکر اشعار ندر **شعر** ای دوست

ای دوست چونکه کور در جبالکعبه عیان عیون شرح ایلمکده اولدر آنز  
زبان زبون انی پیر نولور که بوحسین بولطفله کور سه جمالکی بوله  
خود جنان جنون انجته جور و دور جفا پیشه در کوکل در زمان  
بلند اولور و قز انکان کنون **نثر** و قوم و صوم سلطان محمود بن سلطان  
بایرنده آستانه کنده احکام کا تبکرنده و نجای و طالعی مصاحبه نده  
ایدرا اولد مانده سابق الذکر اولان سلطان محمود کنجاتر شایخی  
و طالعی دفتر دار و صنعتی دیوان کا تب ایدرا اول زمانده ترفع  
و ترقی رجاسن ایدوب صنعتی منوره بوبیتی دیمشدر بیت  
صنعتی قولیننی تیز او کر در کجانبکر **الاندم** که طالعی اتم معاوت  
صنعتی ازینقی **رحمه الله** بود فرا اول دورم کلمش و قلت اشعار نده  
پیغوله غمول و خفاج قلمشدر پسندیده اشعار و قبوله قابل  
کفادر وار در بوبیت مثل آویرانکر اشعار دلا ویز ندر **بیت**  
قدنه کوره سر و یازمسنین **الکر** انده قلمشای نقاش **صنعتیکم**  
امرانکر کاملر ندر و کبرانکر فاضلر ندر ایدر بین الانام اشکندر پاش  
او علی مصطفی بکر او علی بیکله معلوم ایدر و سلطه سلیم خان زمانده  
طرابلیس خاغن بودر بلا غتده بلیغ و شجاعته شیخ ایدر جندر  
محاربه کنده خیل لا و راکر ایدوب سلطه سلیم خان علیه الرحمه الرضوان



تعلیم و کرم نماید شریفی ایلد باشند همایون کلین صوفی بادی  
مرتبه ایکن اعلا سخاق از زانی قلدر بومطلع انکدر **مطلع**  
کل دخلو که لاله اگر اول حست و بخندن انکدر نیر ایدرداغ محبت  
و پاکه دغبت سکه نفرت ویشای زیبا جمال حسنه منتهی عشق  
بنده برکمال **صنع کاتب** **رحمه الله علیه** کلیبولید ز امانا و کتاب فسمده  
و بوعصر شعر اسند ز ایدرا قراند نسبت اعلا مقوله کی و کند و عصر  
نسبیده عمده سیدر زمانه تعین بوله حق و مقبول خلق اوله حق  
کمنه ایدر عمر و فائده بومطلع انکدر اشعارندند **مطلع**  
فتوح عاشق که غبار ره جانان اولش تختی بیل کو ترکند و لمان  
**نثر** و بویستی دغوب سیم تن بر بر و سیم ساعد و سیمه حقنه انکدر  
**مطلع** الدغنی المویسی بر عیسی که ستر در درید بیضانی کشته  
**مطلع** دیمینر دلو مجنونه او بر طاع ایدر دردله کرایده  
بر آه می او جوق طاع ایدر صفت شمع و بوبرق بیت فر  
انکدر اشعارندند **نظم** و موسی اوله بویکی شمع رعنا انکدر بقدر  
پاینه جینا دواغ انکدر اکال آلا اورنمش باشنه بر طاس نقیاً  
صمیمه صدره التوزنلکرامش عذار او ستمه حال ذراتش **نثر**  
و بوقطعه دغوا انکدر لطائفندند **در قطعه** آلهی مجلس می صمیمه  
و ایشخ

و ایشخ او غلی دگر خیر اولش وار و صفت فنده که دچو اولش  
کرک مسجد و کرک دیوار اولش **صنع** سلا نیک ارباب بیمار دز  
و بود و شعر اسند در ارباب نظمک حاد ثلث زونو و بوسلوندند  
کلام ترا و قدر رکنه و هواری و بوفنده صاحب قندارد کلام  
بومطلع انکدر **مطلع** قیو که خلع در او لغه ای مه لغا ماه نوایل  
ز تفکر قدینی دوتا **نثر** و بوبرق بیت دغوا انکدر لطائفندند  
**شعر** و کشتی طغرد دیو سبلا و نده قریش بویکه  
بلمسلطو تمیله در بریکش انی مستوره صنورا اولد مختور شر  
بوسیدند او معکب بیلد او نده بریکش سحر و مکرله ایکی کوز نیر  
یا کدر باشنی یا خود دیوز در کین اعتقاد اتمه بولاره قو فکارد ز طوت  
ایلدک البشت کوره بر که بجه عورت اریکن وقت ایلیمو صنوبر بولاره هرگز  
اوره کن کجخی قازینه قرآسن قریکن **صغای** **رحمه الله علیه** کدر سید  
ظرفا قهندر ذراق کشتی ایدر **نظم** نایزیدنا منه مرتب و مکمل  
دیوانه و سطحی و ساد اشعار غشت بیانر وارد رکن طرز اشعار  
چند از دقت و صفت و ظرافت بوقدر بوشعر انکدر اشعارندند  
مقبول و شاعر اولن کفادندند **شعر** کو کلی بولدم انکدر لغنه  
طوشمش امیش کوز قرار د ب قور سودالره او شمش امیش



بی خبر بودید لرید نیک کلام خطی نظر اندم چو شکر تنگنه مور و شمش  
یارد کافی او گنده صویر لکوت او خوب زین کورین عقیق کید و ب  
**نشر نور صفای محرم لغای به خبر کوند ر که بزم دیوان شیرین بیامرک**  
اخوان عرفان بیننده فی الجمله اشعار و عنوان و نسبت به بعضی در کتاب  
و رجحانی وار میرد دیو جگر محرم لغای به قطع جواب قطع در قطع  
سزک دیوان گردستان اولبدر شهر کو بیلوا و قور شهر تروار کو آهوا کر  
و صفیه شمر یکدستان کبر رعیتی وار **صفای جراح** رحمه الله  
ادر نه دزد و بوعصر شعر اسند در روش صفت و اهل کنت کشید  
دکانر جمع ظرافت و منزلت و اولغی روز کار کچوق کاملر و بی حد  
فاضلر ایله مصاحبت اتمه کند و نکد فرسطی به ابیات و سام به  
کلمات و در آقا بومطلع بدد کلام **مطلع** موی بار یکد اوزل دیر بر میا  
وار سکه غنچه نو خیزه آچلد دیر دهانکار **سنگ صغیر** رحمه الله علیه  
بور بودر سلیمان محمد خان ماد حله ندر در شاعر و نقاش و عیاش و قلا  
کنه ایدر صنعت نقشنده مانند مانر و ار زنگنه انرا ایدر هونه تصویر  
صورت و بر در و هونه سر و که خبر ایت قوشلر قوند در در انباشند  
اشعار و رت نام نظم آیدر دکل ایدر اشعار نفوس خیالات و صفا  
وسام و زنگنه کاندز بیاض و کشا در بومطلع آنو کلام **مطلع**  
سنبکدز

سنبکدز هر که باج نثار صبرم بیلورم آفرین بود الروح جانم لرم  
**غرف الفاد ضعیف** حله ارباب معارف دزد و بوعصر شعر اسند در طبیعت  
نظمیه سی بدد کلام بوعصر شعر اسند شعر شمشاد قدر مشایر به بوستانه بتمز  
زیر انال طوبی باغ جهانده بتمز دیدم نیچو ته لایسن بار و فادز ای سرو  
کلام ایدر یکد میوه سرور روانده بتمز جان و یردکم یو کلامه ای تازه کلزها  
ایکنده از کورمه کم جان بوستانده **ضعیف محمد صلی** زاده فغان شد  
قطع نمیدز علما طائفه کسندز علما انکد صلی کسندز و صلی نکد فقر کسندز  
داشند کلامه فایق الشان و بین الاقران مشا و الیه بالنایز در حالیا  
تقاعد ایدر و نقشندیه طریقه سلوک اتمه در زهد و تقوی ایدر آراسته  
متوکل و متودع کسندز در مصاحبت خلعت فرار و ملازمت میر ملک  
عاد ایدر و **بیت** معشوقه عاشقان کتابست معشوقه همیشه در خیانت  
**نثر دیو** تفسیر و حدیث کتابلر ایله الفت و انس طوتمش در ریاضات  
ملک خصال و فرشته فعاله که دهان پاکندز در غرطعن و غیبت و خوش  
و لعنت صادر اولمشدر دیو بمین اسم حنیث اولمز کبر کلور و لایق  
در نبیره ج و قور کمالات و معارفه متعارف در و بوبریشان و را  
جعی انکد لایق حاجی و ابرامی و تحریک و اقامی ایله اولوب کتاب مرقوم  
سبب لیغنده واقع اولن لوال و جواب و جواب خطا انرا ایله واقع



رتبه لاریش عیون پایه بند برتر و فن نظم و انشا سازگار است و بر  
و هم بودند مستغنی اولیغین کند و لاریش عیون انشا است و بر  
بر قیاس بیت انکرک ذات طبع در بارند و بی افکار کردن نثارند و  
جانده دل وصله از او که بر تنها بولند دید دیدار کرد از او که  
بر تنها بولند خلعت حسن چوق الجوب دو کدر خیاط قدر  
لیکری اندازده بر قه بالا بولند دشلوک و صفنده عظم طاهر  
بحر حیرت شول که لری بولند که غواص دریا اولد **نثر** بوبرق بیت  
دخاست از له و تقدیر لم یزله متعلق انکرک **نظم** سعادت قولند  
حقه عطا در اکار فوراید سعی انکرک خطا در کعبه اولور عیون  
نه تقصیر اند فقر و فلاکت کشتی سعید کرد دولت بولیدر که الرقیه  
سلطان اولیدر مقرر در بوم ویرمک حقد عطا دائم  
خوادم مطلق **ضمیمه** **رحمه الله علیه** انا طویل و کنفرید بر بر قال کبر  
و ضمیر دانلکه بینظیر ایدر علم اخفا و فن جنایا اکتاد و ما  
و جن کبر میان خلق زباید اولمغه قادر ایدر آفرین و ی اخراج  
دکان جن هلاک اند لو سلطان سلیم دوزنیکه او انلند کدر خوشی اکر  
و خوش آینه گفتار و ایدر بوبرق بیت انکرک **نثر** قور قور طبله بولی  
یولی سحر و اعظ ایل کچد و کی کچد بزرگ کچد و اعظ دوزخه

دوزخه اهل دیا اکل ایلو کز قوم بر رنده جسته کوشا بجزوا عظ  
بود بزره و عظمکم دنیا کشتی قلعه بومنون فانیمنه اکل صول  
کچد و اعظ **صیابی نثر** **رحمه الله علیه** ولایت حمید در و اهل علم طاند  
بود و در فوت اولد خوب و زکین الفاظ و ادایه حکایت یوسف  
و زنجاری و تحسین و قبوله قابل تخیل و مصنع نظم دکتاسی و ایدر کس  
اسمی یوسف و درویش بیت و بر تکلف کسسه ایدر فن شعر حیدر السعالم  
و کثرت اشتغال کوسر و ب حال ایدر نمشرد را طایفه مشهور کس  
و نکته گذار و نظم با کز ناظم کامل العیار ایدر و شاور هم فی الامر و حنی  
قواید مشاوره حقنه بوبرق بیت اول کتا بدند **نظم** چو ایره عاقل  
بر کاد شکل که دشوار اولد انداز کا عاقل ایده عقلینه بر عقله  
کا و آسان اگا اولد کار دشوار چو روشن بولیدر بشماره او ایدر  
داخل کارته بر تو ولی غیر او قیده بیدر عوجدن کچ لکارترا کچ  
انجوا یکی کچد **خوف الطالعه** **رحمه الله علیه** شر قسطه و قیده در کمال  
مخوفوره و معارفنا محصوره قادر کسسه ایدر فن شعر امیر الکلا  
و مقبول کرامی در روم شاعر لرند و ترکی عبارت ناظم لرند و نجاشه  
مانند بر طبع بلند و ایدر اولد شعر مشبه متعلق قافیه لوح و دیلمک  
ردیف لوح دیشد و اصلا اشعارنده ترجمه و تراش و تضمین  
و اقتباس یوقد بوبرق مطلع انکرک اشعارنده و نایح طبع در



**مطلع** کون فی طلعت غراسی اولیم برک جیح بانه کشک بلیز در دو **شمار** قمر  
**وله** زلفه قراچی خال و خطک غریب او غرس بریره کلر زشتی ایکی ملت او غرس  
**وله** عقل طور فرکی کون ذلت او در نیمه که دورت بر غن عقد مابین **شمار**  
 سلطانیم دورنده در دولتته بیکچر کاتب او مشدرو بیکچر ایله کند و اراکنده  
 بومضای بولویا پادشاه صوند **قطعه** کسکون اولدوغو بیکچر نیکر  
 دایما کینی قاطر بیلدر باغدر خصم تیر بارانر حور بیز برق لامعی بیلدر  
 ضارده کیم نفخیده چوققد چوق مضار منافع بیلدر کشک بریم نفور چوق اما  
 ایلمکه منافع بیلدر بختر کورد در بکوز بوطائفه کقده وار طالع بیلدر  
**منتر** سلطانیم بوقطعه فی کورد کده ملاطفه یوزندز بولوال امتش که  
 اما کیه تو قد دین او غلبه بصد قلند دخر بیلدر مدک دیک کده منع مصلحتی  
 ایچو واردم هیو جواب ویردر **طالع** زحمه الله علیه کفه ولا یقین تیار  
 خاز ماد علم نذر اقی و عافی کسند در اما طبیعت شعریه سی و سلاقت  
 نظمیه شی غایتده خوب ایدر لکن شوکر صیح بر لینه دخل ایدر با عنراض  
 انحر ماده و معلوماتی اولدوغو بیلدر جواب ویروب مقصد شک  
 اعتراف من دفعه این مندر بومطلع انکدر **مطلع** باش کون در زلف  
 بر چنین خطا در آداباج بغلدر ملک ختن بولدر نال آخراج **طالع** زحمه الله علیه  
 نوم ایلمده و دین در در محصل علم ایکن سلطانیم بایزید دوزنک آخون  
 آخرته

اخوته کنته قابل شان و تازده جوانید بر بوقی بیت انکدر شاعرند  
**شمار** صفا زلفه بیکچر صفا بوز کیدر که که طویر صفا و صفا ایگوز کیدر ملک  
**شمع** مجلس که کشک ایلیوب ایچم ندره او رزیکله زرکیوب التونلو نکر  
 کوزم او کوزند بوشکینه انسوز **اولم** صودر ایدر سیلور کون که نولور حال کیمک  
**نظم** **اولم** اول قمر چمن کیلده بوز التونلو نکر دویدر بیلدر  
 طوغده ماه فکر نسی عینی کراول محبت ما هک صغینه  
 نذر اولور در انکدر بر حک دینوم چقد بیدر نجی سون وار  
 طویر لاله صفت یاند در و نده یورک قلمک یان لری نیجه  
 صبر ایلمین کوزرم باشی دما دم دو کرا و نده نکر سورد  
 اغیار دما کچک لطیفه الک بویلد در حال کیم املک کیم بیکر  
**خ حروف الظاهر** فی الله علیه بولی کجا غنده صابع کونیکر نام  
 قصیده در سال خود و روزگار دین و طریف حریف ایدر بایزید خاز  
 غار دورنده نقلاتر طرز شعر شاعر سلف طوزنده و قدما السونده  
 مشکرا وچ اولدر دینغند بوزل دیشدر و صر مصرعه اوج عدد  
 بوشدر مطلع بودر **مطلع** یاند در دل و جانیده مشکرا اولدر قلم غم  
 هجریه فر مشکرا وچ اولدر **شمار** بوقطعه دخر انکدر طائفه ندر  
**قطعه** باغ اراکنده کورج لا ارا قولکم دیدم ایا سزور و ان سزور کش



کرد یک کلاه اودم بیدارش جانوتیم اولد لر از این سید صلی الله علیه و آله  
 خود سرکش لکی و یا تدریجاً همان **نشر** بعضی بر قطعه دفر اگا اسناد  
 ایدر **نشر** قطعه دکلیم خواجه که نیکو تر غره اولد در قماشته  
 دوشدر بر خاچی فراتنه دوندر متوزق و صوانه نوکرم وارد کرد در  
 کیمش آلترا بچنه طائنه ویردراچی لیک خدمتکار وارد کرد بر خاچی باشته  
**ظهور** **نشر** علی جانیکر جانیندن بر سپاهی درویش نهاد در بغداد  
 سوزنه فوت اولد در نظم کلام معزونه فی الحله اقتدار و ساجه  
 اشعار وارد در بومطلع انکدر **مطلع** ذره دکلیم حشمتی قاور  
 بکند در دم بند خرای ماه پیکر بکند **نشر** بومقطع دفر انکدر طائنه  
 اراو زماند بر مدبر و مسک حقه دیشدر **نشر** آچلغند  
 اشخی آه آتش مکر مطبوعه ایلد و تیز در تدر صغور  
 صورت نیکر انکشی کوران کشی طائمه دین داغ طعنه او منور  
 جاق عمارتدیز ایچر دشوره کن سوخته لردن ایکن او تنور  
**ظهور** **نشر** اوم ایلنده مناکتدیز قضات طائنه سندن و عجم  
 شو انکدر در نظم کلام قدر تر و بوفنده عمارتی وارد در بومطلع  
 انکدر **مطلع** کور میلده کورم اول غنی کل پیرهنه لاله کور انداز  
 اندر ششم قانله صی **نشر** بنی سن غمکه بر لحظه دل شاد  
 انکدر

انکدر پادشاه داد فراید **فی حق العین عارف حسین چلی**  
 محرومه تا بنوعی بود و رشتو اسندن در سابقا ارکان دولته خرنیه  
 عامره کاتیلرند و ارباب قلک منشی و می کبیرند ایدر بعد تصدقات  
 سلطان و اکمل سید کعبه شریفه و ارب شیخ ابراهیم کلشی خدمتدنده  
 بودند و او انالرح بالاتفاق متفرقه زمره سنده الحلق اولند بر خاچی  
 حضرت شیخ کعبه متنده اولوب شرف مصاحبتدند صفایوب  
 بومقطع اول حضرت یک وفاتنه و صورت ظاهره فماتنه دیشدر  
**نشر** تاریخ کرد در حلت زکستان فنا کلشی اغیر شیخ ابراهیم  
 ز قدیم بر شمن لاهوت شد جلوت برای انس مقیم زین برای فنا  
 حادث نقش کشت میمان بخانه قیدیم گفت هاتف برای او تاریخ  
 مات قطب الزمان ابراهیم **نشر** و نظایر دریای ابراره متعلق فاکر  
 تطیس وارد در مطلع بود **مطلع** بزه زار چی کور و وزیر بزرگ  
 از سر شکشتم نمکینان محنت پرور است **نشر** و تصوفانه بر ترجیع  
 بند دیشدر که جمیع و اتیه تصوفه علی الاجمال انده اشارت شد  
**نشر** عین عارفده وجود اثبات کور نورانده کنش الما **نشر** واحد  
 پاشانک قصه و کنش قصیده کنه بودند بجهت وضو شد که تطیس  
 دیشدر بومرچ مطلع دفر انکدر اشارتدند **نشر** داغ الم ملونه



باغ ایچم لاله لر دفع ملال ایدر دیو صونر سیاه لر نشو و بوی طلع  
دخا نگر نتیج متبغند در **ولا** نصیحت ایله کجه عرق ریز او غله بیکدر  
صقن انجمنه انجمنه که جانام ادم آب ژو بیکدر **مطایبه** مرحوم کمال پاشا  
زاده افندرسند فتوی در ایکن مطایبه طریقیله بو قطعه دیمشدر  
بو فراج اول حضرت کبریا فراج شریفه خوش کلوب سندا تمشدر **قطعه**  
احام دین ملت اعنی مفتی که یوقدر اکه بکیر اهل آدم شو کلو  
اختصار ایلر جوابر اولور اولمز یزد و ایداعلم **عاشق چلبه**  
شهر بورکده در علما طائعه سندن در بو عصر شعر السند ز بین الجسور  
نطاع زاده دیکله معروف و مشهور در سید صبحی النسب عالی ز الوالد  
سایر کمالات و فضائلند فضل شروان شمس و نظم دلکش  
وارد در حسن ساداتکرو فقه الشهدا نام کتابن فارسیه ترکیه ترجم  
ایدوب محل و مناکبت آیات اخبار در و امثال مشایخ اخبار در  
مفید و نافع جوق سندن الحاق التمشدر و بوی طلع انکرا طبع در  
**مطلع** عار ایدر بن دره کشته در اول آفتاب مدم افروز اولور غنچه  
بند ز ایلر اجتناب زاله در دیمشدر در دند انکرا حقه حسن  
غنی انجمنه اول در انکرا غنیمت حسن عارض اولمشیم دلداره  
دمد طوتمش نقاب صاندم آنز کوریکر نیملوتمش آفتاب

**آفتاب** مولانا عبدالرحمن چلبه امانتیه در در بین الموالی مؤید زاده دیکله  
متعارف در سلطان یازید زمانند قاصر عسکر و جمع فضلا و فضی  
رجع و مخیر ایدر مرحوم تاجانر بیکدر دیوانر بیکدر دیباچه سنده انکرا  
نام شرفین عنایه ایدر و بولطف استنده و مکارم صفاتنده خلی  
القاب و اوصاف یازمشدر حتی دیباچه دیوانر بونلکنا میله  
اولور غنچه و زرا انکرا عدا و تر مؤید زاده دیکله اولمش شرفین  
غنیور تاجانر کوجلیکات بولمشدر عاقبت الامر مذکوره یندر غنیور  
مطاحرت و معاونت ایدر و بولطف سلطان یازیده خوب گفتگو عالی  
رعایتدر ایدر و کند و لرد خوا عیانا قطعه غزلدر لطیف بتیلدر دیر ایدر  
بوی طلع ابیات انکرا شاعرند در **شعر** حاک اولن دکت جفا یله کریا غنچه  
ایلیش قادم محنته داما نمدر انکرا تمیلد فدنکین صوریم نوله کم  
باغ سینده بنی نروفا نمدر یتغ و کاننده جازویر سی کمالدر اکر  
اول جفا پیشدر اغز دیر قنیه بامدر نشو و بوی مطلع مشهور در انکرا شاعرند  
**ولا** ایچ لوم ایچ لوم ترا ایچ لوم ینی بر صوف صافی آب ایچ لوم  
و بوی بیت فراندند **ولا** آفنده اولور شرایه حساب بزانر بونده  
ب حساب ایچ لوم **عبدل چلبه** **عبدل** عیله بوی کویدر بین العفقات  
اسلی عبددر دیکله معروف در اسمن خلص ایدر در بو عصر کینه قاصد







عذر چلیب رحمة الله علیه اسکو بر در قضاات ذمه کند و عذر  
شعرا کند در لنگر بیکر با اولاد و غی مناسبت عذر لنگر ایدوب عذر  
تخلص تشد ز شکم حالنده عذرین بیان ایدوب بیشتر بیت  
عشق بویینی وار مغه یوق پای قدر صفا بویولده عذر اقولک  
عذر لنگر ایدوب نثر بوفنده اول قدر مهاترو ایراد تقلم کلامه چنان  
قدر تر یوق قد تضمین و ترجمه سی غایتده چوقد بوی مطلع مطبوع انک  
نتایج تبیین در مطلع دل عشاق صفت صفت اولد پریشان کل  
قامت گرفته و سرفتنه دوران کامل **عسکر** ادر نه وید عتبه علیه  
ورده سینه ملازم اندر بود و شعرا کند در چرخه زمان امام  
عسین آستانه سینه یوز سورش در و سینه غار در کا هفت شاه جوان  
سلامن کتور مشد ابدال مشرب و موالی مذهب کسبه در دیار  
بغداد حرائمه عظامد از امام حسن عسکر آستانه سنده یچ بیتلریم  
اولوب اول عتبه رفیع به انتا تاقی اولد و غر مناسبت عسکر  
تخلص تشد در رویشا نه بیاتی و فقر و فناء متعلق کلاما تر و ارد  
بوی بر قی مطلع آنکول بیاتند در **مطلع** باد شاه دهر کاشا لنگر که اگر  
وارمش ملک اکتفاد خوش اهل قنار وارمش هر دینک  
دو نطی چرخ کرد و نوز او کتنه جسنی در البته دوز دوز

دو نوز اولی دوز او کتنه نثر نوز بر زمان امید خدمت ایلد بلای ملا  
مبتلا اولوب اعیان ارکاند یچ میر و زیر خدمت ایدوب برنده  
بر رند اول سودا دوز و مندا و یچ بوی خصوصه غایت متا لم  
و متا دوز اولوب دور اندر و اعیان دوز و افر شکایت و بر قصیده ایلد  
احوال پر ملال حکایت اتمش بوی بر قی بیت اندر **شعر**  
ای کول اعیان دولت چره همت / کیمز او مر کیم اهل مروت قلم  
ای درینا لطف و احسانک قیون / ذکوخیر و لسنه نوز اهل دولت قلم  
بر اولوق قلمی نخی قدر و دولت / بی کاهد ز دوز بر خور خصیت قلم  
ادر ز خاتم خا طومار نطی ایدیلر / کتدر عیب لاکرم جود و نجوت قلم  
خلق علم موز و جبار اولوبه شیلر / کتدر لطف و رحمت قطع اولد شفت قلم  
طولدر ملک عالم اثر طاساعتی / کربلورن ظاهر اولد قی علامت قلم  
شیر دنیا یوز نطی و شربت / آه کیم بر کوشه و صحت سلامت قلم  
**عشر** استا قبول قرینه بیک خصار دین دانشمند قسمنند دوز  
شعرا کند در جماعه قابل اشعار و ادوار و ایدوب **مطلع** انک  
عاشق اشتکینا کاتش چایمز / قورقوز اول مبتلا دین کیم جانانم  
**عشق** قدیم رحمة الله علیه سلطان محمد ماد جلند در اشعار نظم  
و کلام موزون مقول البدر تصرف ایجا چندان قدر تر و شکر



اصلا حلا و تریو قد را تا بو حالید اول ذمانده خیل رتبت رفیع سر  
 و پادشاه در یومی یوزاچی و طبعه سر و ارشش شکم اول زمانه شعر  
 فنای تخلصی پیر بر شاعر فنای دیش **بیت** عشقی یوز یوز حد و خود  
 بو فنای نکر خضر صفته حیدر کونر وار طو نلق و تیمار **نثر**  
 و بر دخیو بید کوفی لک بختی نامسا عدم بد کوی لک بخت  
 نامسا عدم اولدوغنی بیانه **بیت** عشقا طالعو که عشق اولسون  
 کرم نکل کو ترستار ک **نثر** معلوم اولدیکه ما **نقد**  
 بخر و دولت کمال و معرفه کون اولمش و قدر و عزت بونار  
 استحقاق و لیاقت کوره بولمش **بیت** افتادست درجهای بسیار  
 بی تمیز از همند و عاقل خوار **نثر** بو مطلع انکار شاعر نند **مطلع**  
 بر کون صنایع و کوی یارم الوده تا کج کوره کنیچه در یارم الوده  
**عشق اسکدر از یکجیک** بکیده تقاعداتش طالب عرفان و صاحب دیوان  
 خوش طبع کسند بر بو مطلع محققانه انکار شاعر نند **مطلع**  
 بر انکار مهند محو اولنده بیداد موند ذره کور مصر کرانوار **نثر**  
**عشق صاخر خان** معینا دیز بود و شو انکدر در او استاد  
 خراط و نقشند و خطا ط در طبیعت شعریه سر کج دکلد **مطلع**  
 انو کدر **مطلع** او کسند فاش کلد و در اول غمیز خا

صان کو پیر او زره فکر حکمته دانیال عطای **نثر** علی شهادت  
 سلطان خداداد حله نند ر مولد صاحب سلیمان چلبه نکر برادر کتدر  
 والد لرینه عوض پاشا دیر لراید سلطان و اح وزیر او لشدر روایت  
 ایدر لکر که پیدلور قوت اولدقدن مشارالیه جمال و کمال ایلد آراسته صاحب  
 حسن و یان جوانه و نیاز طبع و نکته دان بولنوب و صوم و ادخا  
 سابق البیانی سرای عامره و باوق و اداید بک تظلم و شکوای شعر  
 بر شعر دیوب سلطان و اح صومند و مقطع بود **وله**  
 عدلیه صغیندر پیر ظلم زمانه **نثر** عطا بی کوجو سلطان ایدر **نثر**  
**نثر** اول دور کشتو اندر و صوم شنجی دیز کجیک بوندر انهای  
 یوقدر زیره اول عصر ک **نثر** مترجم و ساد کوی شاعر لر **نثر**  
 بو مطلع انکار **مطلع** ذاصید اخلاص کلد سجده قیل انبوسنه  
 و ار یایله هوس اتمطواف حرمه **وله** زمانه غصه لری کوانمش لکر  
 ولی دواسی می ارغوانمش لکر **نثر** کشت قصیده کن سلطان فراد آدنه  
 اول بودیشدر احمد پاشا نکرکی اکا نظیر واقع اولمشدر عطای دیز  
 بولدر کجدر لده مهر کدر عطای نظم زین **نثر** عادت مشهور اولدوغر بود  
 پرو کشت **نثر** احمد پاشا نظیر کسند اعتدافنا **نثر** بحر غمزه کدر **نثر**  
 مهر کدر اقرن کوزایش **نثر** پس ندر مشر عطای کا ولد در در پرورش



مطلع زلفکد و شور بر بزمی بنده لولوی قلم و خود مایه دشمن بنده  
عطاء اسکندر **عنه** تحصیل علم از تقاعد اید و ب نقشینه طریقه  
ساکد و سلوکنده بچه معارفه مالک و لشکر سلیم خان دورنده قوت  
اوله شو انکد مقبول لرند و محمد و حمرند ربو مطلع انکد **مطلع**  
سنگ غنچه دینا زک تر و شیرین دیا انکوار شکر دین طنبور کل کبر  
زنگین زبانکد **اوله** بنده اوله نمکه یکی جهان شاهکن  
صیف در بنخانه قلمی قلمی بیت اید ایکن **نثر و تجنیست** کاتبی سلو بنده  
منظوم بر رساله سی و احوال طریقه منکب بر مقاله سی و ارد  
اما اوله شهور و مذکور دکلر که بوسیت اوله مقاله **دند** بیت  
خدا انکد و توفیق همرا کسند قریبینه بولمز راه **علو در** **عنه**  
شهر بیکه دین سلطان و ارد و سلطان محمد ماد حمرند در ترکیه هفت  
پیکر و حقیقت و مجازه ملتس غلر و اطرز و کلوب قدما  
وروشی قدما سلو بنده محل و قواعد بوسیت بیت انکد **شعر**  
ای سحر غرضن ایدن یا رضا یا کر اوله محبت اهل نظر قافله سالار  
یول و کشتی خوامی کوزک اوکنده جان غشاق کبزار کز قنار اوله  
کر بیکر او قله قدما تمکه اعدا قلبین غمه لر نیز کشک ششم کماند ار اوله  
**نثر** اوصاف شراب و خطاب فیده بوسیت بیت انکد **تظامید**

نظامید زمتد قمر در اوصاف شراب و تعریف می ناب کتور باقی  
شراب رفوانر جوان ایلر او پیر ناتوانر که سر اولدم بنیر ناید وند  
رخ زردم کل خمر اید وند در شفا بولور کز نوشات خسته  
صفا بولور یکسر دل شکسته **علو در** **عنه** بعد سدید  
علو مکان او غلی دیمکه مشهور در سلطان سلیم دورنده محیر  
مزبوره مدترس ایکن فوت اولدر عصرند سرد فتر بلخا و لرند  
فصحا ایدر رنگین نظم و مطبوع و شیرین شعر مصنوع و ارد در دهر  
دنا، تنی و دورک شامتنی مشعر و شعر انکد اشعار زنده **شعر**  
دار دنیا دینیک کم جفا بنیانی در محنت و درد و بلا و غم چهار کاره  
دولت ایدرم دین دنیا در ذلت ایلدر خواجہ بودا ندیم دیو زخم اندوکی شرفانی  
شول و شوکور کن کیو بصلح کچلر خلق بچون نیمه صلیح هر بر کوه ستم قبلانی  
شکر کلاملا حی ندر اولسون که موزک وار یا فخر محضریا محبت او غلانی  
**علی چلبز** **عنه** قلبه یذربین الموالی واسع علی دیمکه متعارف  
بود و همایونده بوسه قاضی ایکن فوت اولدر شعر و قصیده ایلر  
مشهور و شاعر لفظ مذکور دکلر منشی الفاظ بلیفه و محشی متن  
معانی بدیع در سین و اغظک کلید و دمنه سن رنگین الفاظ حسن  
ادایله و انشای دکنش ایلر فارسی در فارسیه ترکیه ترجمه ایدر حقوق







کوردم او که قدر از بر باد پایش کویا که بر کله در باد صبا پایش  
**نشر** مسعود که فرمود اول عصر که عیادت در برینه برامرا بچون فرست  
 و بر خودی مصیبت بچون برین کوز ملازمت امتش مکر اول وارد قلمی  
 شخص مرثی نگارند هب باطنند ز تحف و هدایا ساز و باد هوا که سینه  
 مصیبت کورم که جزو کلمی در نه الله اچون برایش بتورکسایند اصلا  
 جائز کلامش باب رشوت مابند برین کوز کلو و خیانت و قیام  
 متفطن اولور کورم که درند اولوز دیان و اخذ و اکل ایچون بچون  
 اولمان اعوانه تحفه ایله کلمه بیور و تحفه سی و لیستله افند اولور در لر  
 غالباً بویست شهور انک حقتن واقع اولمشد **الله** الکه ذر الوب  
 مارک افند کل بیور در لر اگر دست نهی وار سکر افندی او یور در لر  
**نشر** اخلاص برایش شکر و برایکی بال مو منی اول دوزخی بیابند و  
 کوز برینه ایکی اند در صبا و تا غرض صفا او ناند در بر قطعه  
 اول مرثی نگارنده همیشه **قطعه** خلق کبر ایکی کوز قیوم  
 هو کلند ز یکم ز نامد او مر انکی التمه بفر کله نکر کنیک مکر که و سزد  
 لغت رسول مرثی به لغت کالائی قبول ایله **عقد** بر طاق و در  
 شر استانبول بود و در شعر اندند نظم کلامه فی الجمله افند اول  
 و خوش آینه چه کفار وار در بر مطلع **انکدر** مطلع نه مصفا صدی

صدق سی وار کوشه میانی که کبر نه مصاحب بیستور عاشق بیما که کبر  
**نشر** و بویستی خواصغاء کلامه قاصد قول غرقانی مولانا داتر  
 حقتن همیشه **بیت** بیگانه بی سولید که کوشگر مرز برسی  
 دیگر کوز ایچون داتر قلا نکر و کین **جواب** اتر ادر نه ویدر **قطعه**  
 بایزید عند لبر اگر چه شاعر چوق **منند** اتر تو غنه قوشم دین **عقد**  
 ادر نه ویدر سلطان بایزید و منند ادر کاندن احکام کانبورند ز ایدر  
 ز کیش شاعر و شیرین کفار وار در بر مطلع **انکدر** قطعه وارم  
 سایه سر و بلندم وارکن **بیت** کیم قول اولم سنگ کبر افندم وارکن  
**عقد** الخین عباد **قرامان** قرامانده لارنده خطله طائفه  
 بوزمانه شوا اندند مدینه منوره ساکنونند و روضه مطهره زار لارنده  
 چه مدت در آنده متقاعد و ممکن اولوب اول استانه شریف فقر  
 سکندرم منک فراغت و عزت اختیار اتمشد بویستی سابقا  
 استانبولده کوی وفادار ساکن اولد و عزت خانه همیشه **بیت**  
 رکوی وفانک خاکسار ایا قاطر پیر مسکین غبار در نر و بوبر قج  
 ابیات محققانه دفرانک بر آلهی ترجیع بندند **نظم** نظارت  
 دیدن جانیده جهانرا کله مظفر علم لدر چمن حکمت در هب  
 حکمت و عبرتله رمز و اشارت نه که مار و هب خدا در نجات تعلیم و هدایت در

یا فخر حرم نه کوه سنده قنده وارم  
 یقینی بصیری بغدادی ترجمه سنده  
 بیست ای کون صکره بود جلد خاشبه  
 درواز اولمشد که قنده وارم  
 یقینی بصیری دیوانه مسطور در  
 نکره اربابی ادر نه لغت دی به  
 یا زلزل انتهی  
 طغوز بوز التمش اوج یار خلیله کورخ  
 بر قدم جموعه ده سلطان بایزید  
 شراب از باسی اولخ عهدهی بایر قریه  
 در بر غزل نکر بیتامه غمدهی خلصه  
 سر و بخت اولمش کورمشدر  
 و السلام



فهم ایچیز عالم کبری اولوالالبابه صور عالم صفوی **صورت** در حب  
 غافل اولمه که کراچ عالم کبر ارسن سدن ولوج و قلم عرش حلا سکن  
**غریب رحمة الله علیه** روم ایلنده یکجه دیز بود و شو انشد ایدر درویش  
 و اهل معرفت مکنه ایدر ایلدو بشو کرم دکلمو مطلع **انکه مطلع** کز در قرصی  
 صهی طبله یکنده **هاله** مشترک **درهم** انجمله در کیم اله  
**غالی رحمة الله علیه** بولسودر لا او بالی شوخ طبع کسند اوله و غرا جلده  
 بین الناس لی برادر دیکلمه مشهور در تدر استدر تقاعد اتمش در کامل  
 و فاضل ایدر اما ججو و حله طبع شو غایتدن مائل ایدر سا بقاشا **هرا**  
 سلطان قور قور تقرب ایدوبت بالیفانک مفا بله حبسی ایکنی اخضو  
 اولاز بیال بکرمنا منه القبة شلفیه طرز زنده واقع الغوم ادله کتاب  
 مسرت ماب ترتیب ایدوب باب جماعده و اتصال و اجتماعه ذوق  
 آمیز و شهور الیکه لطیف لطیفه لر و شیرین حکایه لر ایدر ادا تمشدر و مجوب  
 دوستر ایدر ز پرشکر مابیندن مطبوع **ه** مناظر و معقول مباحثه  
 ابراز ایدوب هر بر یکیمه عاکنه دلیل کلامنی با ویدل اتمشدر اما غایب  
 غلیظ و فاحش خشیات و خفیات اوله و غراب غنچه **من حسن اسلام**  
 المرد ترک مالا یعنی فحوا کیم التما عنده طبع و فرار ایدر حقی کتاب  
 و قومی موصوم سلطان قور قور **عوض** انکه اوله و رتبه حله رضا و رخصت

و خست میر میوب مذکور در کا هندی طرح اندر و بو التما  
 اوله و اول زمانده بر آذر د خیر آذر اولوب بوریا کلمش  
 و کیکلر با بانام زاویه به شیخ اولوب بو مناسبتله غالی تخلص قلمشدر  
 بو مطلع مشهور اوله مناسبتله دیشدر **مطلع** خیال شیم آهولر له هربار  
 کیکلو بابیه دوندک بهی **یاد** **نشر** بعده ینه صد دنده سوک ایدوب  
 سور خصما ز نام قصبه **همه** رتس اوله و واربانده بر مدت قرار  
 و مدت عرفیه نتیجه سکوز اختیار ایدر میوب ینه دیر دولت کلدرا عیان  
 اثر افنه تیز کلدک و منصف کده او تورب قولر ایدر مدک ندر بحضو  
 اولاد دیو سوال انکه کده کور اوله و لغین او تورب حضور ایدر مدیم  
 بر دوزم بر جو کز عنایت ایدر دیو جواب ویرد بر یو لطیفه ایداق  
 شهر **همه** بر مدربه صدر رتس اولوب جهات قولیتنی تدریه ضم ایدوب  
 الی آچی ایدله منصبه متصرف اولدر مسمو عدرا اول زماندن بو خصوص  
 ایچیز قاضی عسکر متردد اولیجی بو قطعه یا زوب ویرد در دیو  
 روایت ایدر **لر قطعه** دمنده غمبار از ان لطافتیه زار تازه اولمز  
 جهانن کو چکو بزرگ قنده کمر زار است بر آوازه اولمز افندر لطف  
 ایت اولچوب یا پیغی قو متاع همته انداز اولمز **نشر** فزونیم شو  
 شوخ صریف و نازک طبع و کسند و طریغ ایدر نوار یخ و لطافتدن



ای کوکل

ای کو کل عبرت آل بو حالد بن عاصلی نولد عاقبت کور کیم . بو قدر عفت  
و سعادتند . داریش زهر قهوه اغزند . قلمدر هیچ اثر حلاوتند .  
اولین نجم طالعی راجع . بعد و اردر کمال قریبتند . قوندر نور چشمه افانند  
صبر صبر حکمت خیانتند . رفعت و ارد اولدر حکم ترفیع . ناکه در که عدالتند  
چکدر لروی آسمانه همان . کورتب آنر خاک دلتند . کسدر دونه دونه سماع  
ایدرک . داران دیار غریبتند . بومینی بخلو قول اولدر درگاه  
اولدر آزاد بند گشتند . یصمد بر ایاغش دیدند . شبی قورتلدر  
چون فدتند . اعدر معراج خوش لطافتند . قورتلور عالم کفایتند  
اولدری دیرس انکار صلا . اولدر خالی هیچ رفعتند . دیدر اهل سما  
اکا تارینج . قدر غم سمولطافتند . آخرت دخر و ارد اولدر .  
اولدر بر عالی یوم جنتند **حرف الفاء فائز رحمة الله علیه** قلبه ویدر  
بلده منوره عیبی خواجه دیکله معروف و معلوم در و او صفا  
معانیله موصوف و موصوم خوب عریاتی و سائر قونند در دفر وافر  
کمالاتی و ار ایدر بو کیمینه کم بضاع اندر در تصوف متعلق لمعات  
عراقی او قشدم سائر کمالا تند غیر خوب اشعار و مرغوب کفایار  
وارد در بو مطلع **انکه بیت** مطربا وقت طربد الاله فی دخی  
ساقیا جامی کتور مجلگ اولدر شرف **شرف** جو مکر نقطه قادر و کتور



ماهر شاگرد را در بر بونو شعر کو یک بایسته بر پی نوع نصیحت و پند  
و پند بگزیند تا تشنه بر وفق کبریا دهنده و خاطر اناش دهنده در رفت  
شعره همسایه در خزان غفانه احم و الرغم در جمله نصیحت بر سر  
بود که نظم مباشرت ایدر یکسایه رسید بر و عیدیز معلومات و خاطر ایدر  
و افراغات کر که که تا کم بیست ابیات بر معر و قصر نظم بقصود اول  
نظم بنایانک اسباب بر هیا و مساعد اوله مراد بنای بنیاد ایدر و مر  
والت و السباده تصور اوله زیبا طو توب اباد ایدر و مر ننگم مشهور  
ع چون معانی جمع کرد در شاعر آسان بود **نثر و در** معروفه شعره شمر  
ننگم شخص عیان که بر شمر فارسان میدار فرس بر شمر در بیت  
شاعر علی بود فی المثل کون بر هغه مکر در میان **نثر و در** در  
بود که شعر شاسلق شاعر افک پایی و شعر صنایع و بدایع فهم  
انگ شاعر که مرعیه سیدر که بر شعر کو یک در بخش شاسلق افضل و شاعر  
پسندن مرد نکته دانه اولی و اکمل در **بیت** شعر گفتن کر چه در سخن بود  
لیکن فایده از گفتن بود **نثر و در** در داخی بود که شاعر کند و زعم  
و پندار نه اعتماد و هرنادان تا مگر ناشناسک سید و ریش خنده  
اعتقاد ایدر و بکنده و غور و بیریه و طر فاء زمانک تحقیق تحقیق اکلیوب  
کندوی کوریه **بیت** مشغره بر حسن گفتار خوش بختین و ناد و پندار

لله ان و پندار خوش **نثر و در** در داخی بود که شاعر شعر فی تعریف و کند و  
توصیف انک مناسبات و لایق و مقتضای کماله موافق دکلدر در **بیت**  
اگر هست لمر در هغه بر سره و در هغه خود بگوید صفا **نثر و در**  
کندوی سک چو یک ایدر اطهار دیکم نوافه استی سک و **نثر و در** در  
بود که شعر کثرت اشتغال کو ترو باعمال مبر و راته مانع و او را در  
و اوقات صلوات بر ضایع انیمه و طر در شعر طر قیلاهی و مناهجی و کتمه  
**بیت** در قیامت نرسد شعر بر یاد کسی کوسد اسر بخش حکیم تو ناگردد  
**نثر و در** قرمانه قرمانه ارباب طر بقید در واد خانه خاخر  
دورنده و قرمان لو علی عصره و واقع اولش در حد در قیما و اشعار  
واللهایه متعلق گفتار و در آدم عالم کبر و نسیجه مقدمات  
عظما اولد و غرمتند شول سینه که آفاقه و واقع اولش در فی تمثیل البیاء  
على ترکیب الانسان آفی انفسه بولش در بر قی بیتله آن بسیار  
مکر بر خانه معور عاقل قلوب جسم انسانه مماثل مشابه در دعا  
غفره دار دفر دهلین در خلق موی یار در انک سینه اغذیه و مرتب  
ایکی قننت قیاسد را یکی لب اوک حقن باشه بگزیند را و نساد بوزینه  
صدر دیدر اصل بنیاد مکر کوز لرد در اول و در منظر اولورق  
خانه سی اندر منور فلک در عرش و آینه در همت سما در علو



و از آرمه قامت خدا خلق ایلیو بد روح محفوظ کواکل و آرمه  
حقه محفوظ قلم یار تدیر ادر جهان بشر طبعی و ارقیو رنایی  
فلک و ملک و ارقیو حقیقت دماغ آدمیده علم و حکمت همان است  
دار جانان نظر قلدات انسانده جانان اولیو رفته و در وضو احازن  
جانان آدمیده ر همان خازن فلکده که چه کیم شمس و قمر و آرمه  
عقله نظر و آرمه بیسمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
در آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
محمد صلی الله علیه و آله و سلم در آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
اولیو دلبه شیرین حرکات قلمش در صورم آب حیات و ظلمات **قرا و اعط**  
کو تا حقیقه دوز بود و در آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
پان تألیفات و تحسین و پسند قابل ابیان و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
کشتند عالم بر بستره ایو و هیچ کس ذاعتر از او بلیل **حق** و قفس کوفتار  
**شرف** و شرف و مبدوم دریا کبر ایو و خوش بلمر قندز کلو و مردم بکایار و خوش  
خلفه خلقه و اغلا با قدم تمده مطربا نای دکت کل بکادف کبر اولدم محمد کوش  
عشق و اولیو اغلا زین آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه

پوشش نشو و لطیفه دوز آنکه جز تیا تنده **قطعه** دیدر محبده بر کوز بر مباح  
بنیای شنج ایدر بو خاطر اشغال فلان درویش او غنی صبر خواسته  
صنق کواکلم بنم هر ماه و هر سال جوانده دیدر اول شنج و اسع  
یور و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
ارباب تواریخ بیننده او زوز فردوسی دیکله مشهور در تواریخ متعلق  
تألیفات آنکه حکایانده مذکور در اول بابیده غایتده محیط و تحفه کمر ایدر  
سلطان بایزید و اولیو سلیمان نامه سی نام شریفیه نظم و نثر و زره جمع ایدر  
کتاب منزله نقد قصص و اخبار و عالمده نقد حکایت و اسرار و آرمه  
علم و حکمت و هندسه و نجوم و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
محلی و مضامین آنکه هر آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
اما سلطان بایزید و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
احراق ایدر حکم فردوسی سابق کبر سلطان بایزید بر قی بنیو  
ولایت عجم کشته شد فرار اند در و تألیفات آنکه سکون انان کچو  
فواید بیان ایدر و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
عیان آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
سوزن حکیمک اگر کیم و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه و آرمه  
اگر کوی اولر شهر و ولایت کمر کبر ایلیو سن بر یوزنده یوریک سن یوزنده



دو زنده بوله کن بریری که اوله عالی شمالند زیکا اوله جنایی  
اچوق اوله ولی غنی هوایی اوک صحر او طاع اوله اولی و راکر  
دوشه برا اوله صوغ غنی یانینه بوری اند صند لک غینه یونده  
هر قن بکر آنه ریح ویرم انقاله اوله آرایه ترویج ایکنده فوق  
اولیه ستایی بکراتی اولیه یازن هواسر دفر تیز ابر شور  
اوله نباتر دو تب تیز کچیه هم حضور اتر مصافیر اوله ایلامی کچیه  
مثالی اوله قشلق کچیه بویجی اشبو وضعیده مواضع  
رواندر آنده پاپسک مصر جامع بوسه یور یا پسک منزل و دار  
قبوی شرق اوله دیدر معمار بنانکه اوله قبوی شرقی کشتی  
دوشه اچینه شوقی بخاراد صند اوله کدورت کشتی کور کیدر بنیک  
ظلمت شوی که کشتی قلمر سربایت ضرر در ایله اند اقامت  
**فرجه الله علیه** شعر قلمو بنیدر بود و شعر اندر در روز کار دیده  
و فکر را نه لا و بالی عجب شخص ایدر عالم داند و غم نذر بلر ایدر جمیع  
زمان حالند ز متالم و متضرع اوب بکر کشیه کایت قلم در اندر  
خندان روی و بدیره کوی ایدر بو مطلع کتد و نذر حالی در مطلع  
عالم کچیه کدر از در عیش و غمی بنی مسرور و ملول انیمه دوق و آلمی  
اول آهوشیا جنوب رقیبا دیار ترک ایدر کک کک بهما **نثر**

**نثر** بو قطع دخیالک لطائفند در **قطع** کتد انیمه دیدم بر اولونکر  
نیجه اویجی ابر مضبیه اول دیدر مزید بکا چاره بودر طو ز اول بر  
قبویه اودن کل **قطع** دکر بویمنسن در و جلوت راه بیک ایلر سک  
اولولاره طیبوی • برایکی ساح رو قول بیکش چکی کونکله قی  
ایستک قوی **نثر** **رحمه الله علیه** ولایت صابو فانه آق خضار ددر  
ولایت فرجورج زاویه متصرف ایدر در ویش صورت و فانی سیر  
ایدر بودور اچین فوت اوله اگر چه بین الناس نظمه نامدار و عول  
پراشته ایدر در کن تخیل مقاله و تصنیع خیالده جولاه طبع چند  
دکله اشعار غایتده ساح و خوش آینه در طبع عوام الناس  
مدایم اولغین مشهور اولش و شدت طو نمندر بوبرق مطلع انکر  
اشعار نند **مطلع** دل دوشدر نیلیمینه بر سو قیامت  
ایردم هوا بولنده یور رکن قیامت مود کله کورنن بولنده صد جا کله  
دستم تیر کدر بریرد کلمش خاکله **بیت** کافر و لیون می یچوب  
عالم دلیبرومین حی مسلمانلر بولده اختیار اولنر بشا  
بویستی دیدکی زمانده شرع مخی الفدر دیوز نور تکفیر تمشدر  
و موضعت و ات و دانشمند لوقاضیه ایلمشدر ایدر قاضی روز و کی توجیه  
دید کده کافر و لیون می یچوب عالمده دلیبرومین دیدر و توجیه



و تأویل او و بخل اص او در **فرد** **رحم** الله شد التا بولید با د شام  
بنده او در اید از جوان و خوش صورت او شد روز ماه  
شهر خیل اشهار و اعتبار او شد بر مطلق **انکدر** **مطلع** بنم ماه  
بیه مردم کبر بر شگلاک اگر **انکچو** باشم او شدن او بود دود سیاه  
اگر **نشر** و زبور کیشا فند بر بر بیتله لطیفه یوزند ز تنای صال  
و التماس اتصال اتمش **ریت** یلو کولق بر الله بر اثر کله فرد  
سنگه جفت اولام **فرد** **رحم** الله علیه اسکوید خراجی حشام  
معروفه را در نه در از الحدیث متولی سید سلطان سلیم دورند  
فوت اولد ز نازک طبع و خوش گفتار و نکته کوس و سخن کوار گفته اید  
بو مطلع شهر اندر اشعار نند **مطلع** بلبل بود کلوناله ای اید در کل اوله  
کل ناز کریمه اید در بلبل اوله **نشر** مرحوم ذاتر ایلد زبور ک خیل  
معارضه و مخاصمه س کچشد مطابقه یوزند ز دست خمر لاله پور عی  
اچشد زبور فردر مذکور ذاتر به دیگر **ولله** او قورینه یاز زنده خود  
وای انکر ساغ اغز نیر بیاتی **جواب** اثر بیاتی دیو کوکشد دلجه مسلم  
نه بلسو اول ز با نر کلامی کچه کافور ز جوج اولدر دافتر ک  
اتما اول لسانر آنی بز بلیمز زنده دیر بیسوز دینجه سوکدر  
بیرا بانر **دانه** آه او فردر مسکینه بر ناه دارد بر همیشه بی صحر اکا

صحر اکا کن صحاح دوشمن نافر سی **فصل** **زید** **فصل** استانبول در کتاب  
قسمند ز بود و در شوا سند ز در ایراد فطیمه طبعش تمام سر غر و فو رایت  
و فو رقابلیستی وارد در شواء عصره قایلر نند ز فو شکر کالکونند  
اشعار کثیره به مالک صاحب طبع و قابل شان و مؤلف کتاب و دیوان  
بو شعر ذی القافیه این آنک اشعار نند **نشر** عشق و سبیل ایدن نیمه انزلیا  
اندر قیس دلیده به همپا نر گنا اصول به بن قور کونده قطع پیوندین  
اتمس خالی خدا اصلا بنی قطع فانی دولای پر بار بعاد طوب  
خانک اچنده کورم پیدا نر تنه **نشر** و خسر و شیرین طرز زنده کهای و  
نامه آدویش بیکر بیت بر کتاب نظم اتمش صفت تصویر بر  
بو بر قج بیتا و کتابدند **نظم** یازمش کوردر بر تصویر دگش  
حریکون اوزن هفتش یزمش غم در زار و سی غا او طره  
قورنه مطرا در در دیشلرین زینده یازمش کشتد ز طویرین ایدن یازمش  
اید بیکر ز طویرین کلکونند آل کلک قلمند طلمش بر نقطه خال  
نیو ایکونند **انکه** نقش چینی نه جانر و ارا و **انکه** قیر **فصولی** **بخداد**  
بود و شوا سند ز در نوای طرز زنده قریب بر طرز دلفریر و اسلوب  
عجیبی در طرز نند مبدع و طر یقینه محشع در مطلق مطوع  
آنک زاده طبع و خیال خاصی **مطلع** مقوس فنر ککم و سمر بر نر طویر

که اولی  
سن جمال  
نوع  
بیم  
قطعه  
ای  
فوق  
چند  
مقتضی

مختص نه بیکر



فتی بیل ناله فتحی

قلیجی در که قانلد و کیکید زنگر طوطی **نشر** فتی کلش کلینی سر و خا اما کجه بار  
فتی کلین اوزنه غنی لعل خد انکی بار فتی باغکانه بر نخلی قدر نکریا بر  
فتی خلک یو کوی کب ز خد انکی بار فتی بزم اولش منور بر دگر و شمعین  
فتی شمع شعله سی خد انکی بار فتی برج بولونیت کابریج حسن  
فتی کجک از دری زلف پشیا نکید فتی باغک بیلین در لوفضولی سن  
فتی بیلک سرور آه و افغانکی بار **نشر** بو طرز اوزن غمسه به جواب و مودج  
و مقبول بش پاره کتاب قرار در بوی قی بیت انکریات پرفرندزه  
لیلی و مجنون در **نظم** رهقان حدیقه روایت صراف جواهر حکایت  
معنی چینه کل کنده سرشته سده که کچنده قلش بیکته دانلق  
کلر یوز کلر کوفت نلق **نفاذ قرمانی** **رحمه الله علیه** کتاب سمند سلطان  
عبدالله ماد حکمرند در شته نامه بکشف الکندر نامه نظم انشور که  
احل فضل صادق جوان ایدر آقا بوفنده بی اشتهار و عنوان ایدر  
بو مطلع **انکدر مطلع** شیم و در ملن چشم طوتر در بوی عتله یو کده  
سایل اولشد یوزر و شمشیر دتله **نشر** و نور شاهد زور له بهتان عظیم  
و غدا بایم و غایوب ایشی دشوار و صعب نسبت کذب و اقرار الاله  
صلب اولند بوقطوع انکدر مقطعاتند **نشر** **قطعه** دکل عمده بیک کفی  
اوزنه دشمن ضرر یوق ماحه کلک و عودند کوزه کوشه

کوزه کوشه خوشید رخفاش کم اولمزدتیه مهر بر توند **نشر**  
**رحمه الله علیه** طریع بر زلمود را صغها نیدر رجوع ایدوب علم طیه شروع  
اتشد **نشر** ملایم قابل شانی و منقلوبت فرید و اوقفا طرشی و ادر  
عبد و فارسی نظم متعلق نه که وقت صغحه ضمیر نده نقش اولور در و فتی  
شور که نظر ادعا ایلد ایلد کوزدن کچر کالغش فی الحجه خا طرند فلور  
فتی شرح صغره و موس ایلن قشاع صنایع نظمیه دکنش بولید  
وزمان ساهل و قلیل المهلن ظهور ایدوب پشاه شیر اوزن اولس ایلر  
آخر سلاقت طبعه مغر و کلمات کمر اثار نه سحر اولوب صدف زمین  
در تمین کبر کنیدی صامتغه و انا فرید دیو خا مه حروف کیران کبر اعیان و  
اشراف حروف اتغ با شلار **نشر** دو ابراهیم آمد بروی جهان یکیت  
شکی شد در کتپ نشان **نشر** بو بیت مشهور که مرحوم ابراهیم پاشا عتده  
صدور ایدوب ایلک مشهور و دلور مذکور اولدر کل تر جاوز  
الاتین شاع مجموعی اخواه السیه دو شوب عالمده شیوع بولدر عا  
کمال ذوالکعبه سب اولدر **نبلاء الان** من اللان فحوا کجه دل اوجنه  
جهان وسیعه بییرن طار و تر انا الحق دیر از اچمدین ایلدوب منصو  
وار بر دار ایدر بویستی صغره دیشدی که بو واقع اولدر **نشر**  
زلفی کندنر الداله جلا ذمیه بکوز فغانر ظلمه بردار ایدر سنی



نشر مروج مذکور را که مساعداً قلیند و بر مدت اجله ز امان و زمان  
 بولید بفرزنده تعیین بولاق و شعر انکر مقبول ترند از اولی مقرر اید و  
 برای یکی مطلع انکر شاعرند **مطلع** اول در سر کربن اول بوش کل برین  
 الله لاله و شمعون بکادر اهل بر قنقون **له** بوخارستان عالمده اجکر  
 کل معقود ز غم ای بلبل جان چونکه کلز عدم موجود **د فقر** **رحم الله علیه**  
 روم ایلنده ذوق فقراد ز و زمره فضلاد ز کوکلی غنر و التماس و رجا د  
 مستغنی کسند ایدر سلطان سلیم دورند فوت اولدر الفاظ پاک و شعر کوزنک  
 وار در مطلع انکر مشهور انکر شاعرند **مطلع** خسته دلم بکاشم آه ندم ندم  
 یقه بلا و غم آه ندم ندم ندم **نشر** و بوبیت دفر انکر شاعرند **بیت**  
 دولت لایق اولندر کور خنده و لوزین دولت انگت جهانند دولت دکل  
**فکر** **حلی** **له** التاب لولذ قضات زمره سوز و بوش شعر النند در مانی  
 دام و بیکله معروف و مشهور در صنایع شوعیه و مهارت و ایراد معان  
 قدتر وارد صاحب کتاب و دیوان و سوز اهل عزم اندر بوم مطلع انکر  
**مطلع** ای کوکله عالمده لذت دنیا بدیل از فرهاد کور شول پیره ز **خلو اید**  
**فوز** عبدالله او غلی و نقاش علی بکر لیدر علامه سوز و بوش شعر انکر  
 اهلیت قابلیت اید معروف و مشهور موصوف بین الاقران فایق الشان  
 کسند در علمند فضل نازک و شعر و انشا اسر و نظم و نکی اداسر دخی وار

دفر وار بوبیج مطلع انکر **مطلع** امواج قلزم عشق بونه قبا به صغیر  
 اهل دله نه مخفی دریا جابه **صغیر** **له** جامع حسیه ایلز ز خدا نکره خال  
 چاه ایچنده کعبه کویا از ان و قور بلال **همی** **رحم الله علیه** ولایت  
 صبر خنده پادشاهم ز مانده الای یکی اید و فرهم و فرا سوده  
 غایتده تیر فرهم و نه یاق زکی ایدر امار مرتبه و عاشق پیر و محبوب  
 پیرسته ایدی که زین و زینار و قسند غایتده دوز و سب ایدر طائفه  
 زخم بر مشابهن منفور و بود در جرح محذور **له** که زین و زینار  
 بیاجکی یزد و زیناره دکل و کی کیا جکی کیمز در مقتضای طبیعتی  
 و اقتضای جبلتستی مشهور شعر انکر شاعرند **شعر** زینار کرسند  
 درخشانند ارب قامتی طویر از در حور و در منوانند ارب خار  
 پرور کل خود در درگاه ویر کل بدتر ترنگ ایل بر کلستان ارب  
 دلبر کون کبر ظاهری دکل و حجاب قنق نادان زینار ایدر او غلاتند  
**فیضی** **رحم الله علیه** ز عمادیه اسحاق پاشا سلطنت در بیج خرنن قوللور  
 قتل اندر بوبیت کویا که شاهد خالی و مبتنی احوالی واقع و اید  
**بیت** قبرم او سینه سمند ز اینوب اولمه دیرر ظلمه اولمشدی نور  
 ایندر بومسکین او کسند **حرف القاف** **فادر** **رحم الله علیه** ادرند ویدر  
 محرومه فرجوره مدتس اینک **له** ن بایزید دوزنک آخر لوزن آخره

حس

سمندند



کتد مسموع که مزبور که آزاد دین پدر و مادر تفرقه ایوب  
 غیره و بر فکر مراد اید ندکن بوی قیچ بنیت سلطان بایزید عرض حال  
 اتمش **قطعه** ای شهنش که آستان کن جمله مشکلات اولور منحل  
 عدل و داد کی احاطه نمشد ربع مکتوفی ای شه امدل ندر واد که دور  
 عدل کنه این مظلوم ظالم عدل مانع وصل شمع اولور مراض  
 بر پروانیه اید دره حلال **نثر** و مزبور بکبر و فکر و خیال خاصه قادر با  
 نظم ایچند نظیر نادر کسند ایدر عمر وفا اند و کی اجله اشعار ندر  
 تدوین مجال بولمشد و اشعار نادر اکثر ضیاء شیوع بولمشد و اشعار  
 بولمشد و بر قیچ بیت انکار اشعار ندر **ربیت** لیلی کبر چمنده قنوب کل  
 اوتاغله مجنزه یور کی کیم نیر لاله داغله هنگامه کبر اولور صحر  
 عجب دکل کیم نیمه پهلوان نصیر بر باغله دل طفلی کوزله دوش بجه  
 اشک او کوزدر صحر یوزملکی ایکی قباغله پروانلر غنم کیوب انوار  
 درویش لور کبر طولور چراغله کویکن قادر ربی رفیده در کوزن  
 بلبل چمنده هم نفس اولوز فی راغله **قافیه افند** **ربیت** ای طبعه شکر طمونه  
 علی طامونه ندر بوعصره اشعار ندر در مدرش و محدث فقیه و فاضل  
 کسند در شائرفه ندر فضل شورش و در بوشو انکار اشعار ندر  
**شور** جام می اولور لیر جانانه برابر دنیا در بیشتر بو که تا فانی برابر یکدیگر

یک یوز در صحر یوزده کی آینه هر کوزم کا اولور یوزده یوز سنه تا بانه برابر  
 باشی کو که ایدر که کور و شش نکی اولیه بکون قامت جانانه برابر  
**قند افند** **علاء الله قدره** اسم شریف لیر عبد القادر و مولوت و اعلیت  
 بین الموالی افراز نادر در و بادشاه محمد ووزن قاهر مکر و فقی اولور  
 و مناصب عالییه متصرف اولوب مدت مدید اکر ام و اعتبار بولور  
 عالم عالمقدار و نافذ فضیلت اشعار بوجیه فتنه فضا یلد فضل  
 شاعرانه اشعار و مطبوع و مصنوع پسندین گفتار و در بر  
 بر قیچ بیت انکار اشعار ندر **ربیت** صاف دل اولوب بکبر روح اولور  
 روشن کبر نیر طبع اولوب کیران جان اولور در دین کبر خلق کبر  
 کمنش کاف بولنده اورمه قولاغ بقعه عساکر ایندز یار و ز کبر  
 آسیاوش بی تمیز اولوب او کومه بولور و عکس خرم بین اولور دقیقه  
 کوزله پروین کبر نیر باران کشته زو سپر اول کل کبر اولور لزان  
 صاعقه صولوتیغله سن کبر انتقامت ویر مکر سنک و وجود عالمه  
 گاه دهم اورگاه مرهم فکرایت رکزن کبر **نثر** و بوبیت شورش و خزان کبر  
 اشعار ندر **ربیت** دلش غم خلیل دشت غم بلی کچمتش نیچ یلدر مجنزه  
 ای دروغایا لکوز بولور دلو میدان **قدس** **ربیت** **علاء الله** غلطه  
 امنا ذمه کندز و بود و دوشو اشعار ندر در بیخ سحر اولور و غنای خنده فوت



اولد فن شعره کثرت اشغال و شعرا در عهد اولینجی قدر حالی وارد در **مطلع**  
آنوکه **مطلع** یا شمس فانه بویند شیرازی نیلین جگر او دله یاندر  
کبابی نیلین شعر و بو قطعه دخی انکار طالعند در **قطعه** منفعت  
غرض کا بردن یا نولوز نفعی اولین اولودن کور مسر خط انز  
شیخ ایلد صوفی قی سزا اولودن **قریحه** **علیه** از نیق در علم طائفه  
سند در بودور یکجده فوت اولد رفقا نیشا بورینک شبت خیالین  
فارید ز توکیه ترجمه ایدوب لغزو معایبه متعلق فاصه تصرف اتمشد  
اما شعر کو یلکن چند از سهارت و شعر نکاح لغز و طاهر بود قدرا  
عیاش و عشرت دوست کسند ایدوب **مطلع** آنوکه **مطلع** دند اولو منیا  
بامنده طور شبگاه عید الله جام می طو ترکوز را فتنه ماه عید  
**قندر** **سیر** **از** **رحمه الله علیه** جم سلطان شاعر لوندند در خلبند و قناد اولو  
مناسبتله قندر تخلص اتمشد اگر چه شعرا اولقد مشهور دکلدر اما اسکو  
شعر علا و تنز دور دکلدر بو **مطلع** آنوکه **مطلع** جو طو شد که لغز  
ای دل پریشان اولو بر قاره بخت و ارایش کبر نالان اولو  
**نثر** و بو قطع دخی آنوکه **قطعه** قنده قدم ای صمیم جلا بعلکر قنده  
کم بکافند دیو بهتان ایدوب نفس **قندری** **بور** **بور** بود و  
بود و شکر ریز و قناد اولو و غرضنا سبتله قندر تخلص اتمشد شاعر

شاعر راسخ و خوب موترخ در بود **مطلع** آنوکه **مطلع** مهرابین وفاد  
بی وفاد المومنه ایدر اولو طاهر کول قلسو وی یول قلسو **نثر**  
و بو تاریخ دخی اولو را با نظم شاعر صفا تر صوم مغفور مولانا دانی  
حقنه دیمشد **قطعه** **نایب** کوجب عقبایه رحلت اتد ذاتی اکامتر  
ایده می داور بهشت یکجده جام سلسیلی او مر صوم صوم ساقی کور  
چو کورد قندر آنوکه دخی دید تاریخی کچر سخن **قریحه** **کسر** **قطعه**  
طلبه طائفه کسند و بود و شعر آکسند در علمند زاید شعرا دخی وارد در **مطلع**  
آنوکه **مطلع** خاکک غباریم نکر ای غنچه لبکار اکبابی که خاطر که  
کلیه غبار **حرف الکاف** **کاتب** **رحمه الله علیه** بود و بد سلطان محمد  
وسلطان بایزید عا دحلرندند رفیق کتابتند **ماهر** و خطوط مختلفه قادر  
اولو و غرضنا سبتله کاتبی تخلص اتمشد در متجاوز قصاید و اشعار وارد  
اما اشعار آنوکه بیرون و لطافت دور در جمله اشعارند بو **مطلع**  
مشهور در انبشهای یوقدر **مطلع** **ینه** ای جام مصفا سنی کورد کسر  
مجله کونقی سن دینده ارت **کسیده** **کاتبی** **حلیه** **رحمه الله علیه** غلط ای در یاد  
بند لوند بود و شعر آکسند زمانک قابلرند و بوفتک کمالرند  
بو **مطلع** آنوکه **مطلع** نو کچیز دوستلر عجیب جانانه در در لر بنچو  
دو شمنلر عجیب جانانه در در لر کاظم **رحمه الله علیه** ولایت انا طو لویه قاز آباد



قرین در سابقه دانشمند و جوان طبعه بی مانند ایدر طریق تصویر  
سلوک ایدوب مشایخ کن بی صد غزیره ایتره وار یاتج و در اید  
قارند آخر استعدا دنده و شریک و فتور اولهین علم توحید تکمیل  
این میوه الحاد اسقاطه دوشد و تکالیف شرعیه بی بری اولوب  
مباحلر کلمات و ملاصلا و زیادقه عادت تن قوتلنور اولدر زینرا  
انصاف مشایخ عظام بودر که توحید تکمیل ایدن تکلیف انکار  
ومیدانزین کسسه معادن در ملاحظه ایدوب مقتضای خلا  
شرع کوزو یلمز بولیت انکار کشته اند **بیت** زاهد بانه  
تکلیفاتی عرض اتمینر بنوخلیفه دام یوز قوتلوق دکدر شانز  
**نثر** بولیتله و زبور تکفیر ایدوب قبلی زمان صبر اند بیا اصطلاحات  
و تا ویلاتد ماهر کسسه ایدر سوزنر شرع شریفه موافق تاویل و توف  
ایدوب خلاص بولدر **کامی** **رحمه الله علیه** قرمان در علما طائفه سنده  
و بود و شوا سنده در خوب شعور لکشی و یونو دنیای و اردر  
بو مطلع انکار **مطلع** کله کوشا تدریمز یوقیر بلیل ایگلر  
عشق دستانی شمدر کج او قور کج دکدر **نثر** صفت سده بونج  
بیت اول کتاند **نظم** بوله غم ایدر هر بری بکشینر دور در لور  
یوکلر مشودنی تیز ختا و ریمد همچون مرغ آبر دوند

دونده و بر آهوش شبانی اورر لریان صدیکه کمدن شکسته  
ایدر لرفرغ دمن دخی بیک خاصا لشکر کوه کوهان بلندان شته  
پشتان بر کوهان بدندر کوه اما یوق بکونر ستونیلر بکونر  
هم صفا قناعت کبر کجوار هم ارباب کرم کبی کم ازار **کامی**  
**اد** **نثر** علما طائفه سنده و بعضو سنده در مطبوع اشعاری  
و مخیل گفتاری و اردر بو مطلع انکار کشته اند **مطلع** جمال آینی  
آینه کوز کج صیب اوزینه عاشق اولور عاتقینه اولدر رقیب  
اسیر زلفین کاداد لستانم بن ایکی نجیر لافلو نه بر شیرین کیم  
**یکبر** **رحمه الله علیه** روم ایلنده اهل جهات و صاحب معرفت کسسه ایدر  
سلطان بایزید زمانه کبری فوت اولدر کرچه اسلوب شعر  
طرز روشن خوب بیلور در اقا قلت طبیعتنر صنایع ثوبه سی  
آز بولور در بوغل تجنیس انکار کشته اند اختراع خاصیه **نثر**  
ای کوز دمیدر اشک فراقیه طندر کاغیا ر بکوز یارله بازار طندر  
خشمیلدینه جور و جفاتیف بلند ای دل کامی یا یکمی آنی بلندر  
دل فرقه اغلیون بایکینو ایلندر دیدر اشک تیرا تا کومه ایلندر  
**نثر** و صوم و زبور عصر اولو شرای کوزنه کوزنه مزدر اندر دخی  
بونی شوا دنده ایدوب وجود ویر مزدر محوم کاتب شوقی



بوقلمون بوند حقد دیشد **قطعه** کبیر شو کو را آن سنده هینت بعد  
 اچند صغر بکوز تراید ویر و راعدا و اگر چه حسابی می آید اهل  
**کرمی** **رحمه الله علیه** بگوید راعدا فو تندی در بود و کر و ایلند فوت  
 اولد **سکون** و قرار له آرگت شیرین کلام کسند ایدر استماعه قابل اشعار  
 و دیکس و نادر گفتار و ارد در بومطلع آنو کدر **مطلع** اول یاره نوله  
 علقینه جور عادت معشوقه کور و علقینه جور سعادت **نظم** حکا  
 بر ظلم وارتش اطمینان و نازناشاد که غریب باشی و جگری قانی  
 طمطم اقلی قصه و ایوان آباد ایدر در بومرغ بدیتی و عظمیوزند  
 اما کوندش و بوش و بندله آنی طریق ظلمه ز دوندش ایدر **نظم**  
 روانی آخرت دارن یقانی بخود دنیا چون دیند ز حقیرن  
 الاس کوزی یکم هر شب که موفه کن دیند دارن یکم  
 خواب و روزنای آب کلهب قوایی کل بنار جان و دل لب  
**کشف** **صا و خا** **رحمه الله علیه** طریق علمه تقاعد امتش ایدر سلها  
 سلیم و دوزند فوت اولد **صا** کتاب دیوان در بوش و مشهور  
 انکار خرا عید **شعر** دل دقید که کور بکن آه دیدر برج عقرب  
 سید اول ماه دیدر باغ گلشنه کور شیوع رفتار و کی سرو  
 بل باغ اوزن طور یار بکالت دیدر شمر جامه کسای دل کیم امیر اولد  
 آه فریاد

آه فریاد و فغان آیدر خضر شاه دیدر **کشف** **استاثو** **رحمه الله علیه**  
 بود و شو استنک شمر و لرزنده شود سلف کلمات تنبع امتش  
 معلوماتی چوق شاعر و فن فریده و علم عروضه ماه هر کس ایدر  
 اکثر اوقات ده نصب نفس سلاطین و زرایه و ملوک و امرا به بل و مقام  
 اچیز قصاید دیوب و نثار شایسته مشغول و لغن فارسی و ترکی قصاید  
 و افرو اشعار نادر واقع اولمشد طرز غزل شعراء عجم صنایع  
 معینه و معناد و لما غن وادی شعر اسلوب شعراء رومند و در  
 و شیوع و شکر تدرجید و تکجور اولمشد بوش و بدیع علی وجه التصریح  
 انکار اشعار نند و جمله انکار نند **شعر** اول لب شیرین بوزخ رنگین  
 من صنم جین کرو و اندر تکر در تکر قمر در صنم بشرد و صفا ندر  
 ماه هاکر اول خط و خالک غنچ و دلالک بوزخ الکث معر کزین در غار  
 دیند حانه عین در کش جاندر عقن مو یک کمر یک کمر کوش کوش لطف  
 رویک بند و بلاد ک خطاد حای صفا و صفا ندر بکمی فلفل  
 خدمی بویا کل صبحی یکسید لبی به خود مل دانه جاندر رود دجاندر مکر  
 جهاندر جان جاندر ای پت غرآد لب بر عنا غنچ و زیبا بلبل کویا  
 سهر و امق خلقت صادق هارمه ای تو کشفی هماندر **شعر** و مطلع  
 دفرانک اشعار نند **مطلع** قشکر قوس قضا غم کر بلاد نند در







ای عارف کوکل ویرمه فادینای غداره اگر شرباز و حدشک چو کز کس قونه  
 کمال اتقی رحمه الله ولایت قرامانده لارنده دین در بوجکایت  
 لرد بر منم و عدد که مذکور کمال اتقی بنی امیه سلطه بر شجاع تکیه سنده  
 وار و بوضوئی بایا سلطانک بر قوچنی قرابان تشد بایا سلطان دفر  
 بونکرک بوفعلند متفعل اولوب جمالنه جلال عارض اولوب  
 دفرله تحفه یوردند بنی نکر او کنده برالسته و فرورک او کف بر کند  
 میان بند قونوب در فنادر طریق اشتغال لربنه اشارت نمشد  
 عاقبت بنی نکر بوسی سلج ایدوب و نور صلب اید برفنایه متعلق  
 بابایانه ایامت و درویشان کلماتی وارد بر برج بیت انک اشعاره  
 شربو خان اچره نیخان قوندر کوچدر بوخته نی سلطه قوندر  
 بودنیابر کنه کار و ابراید که نی نی کار و از قوندر کوچدر بودنی  
 تکیه سنده بر قوندر که بونل نی ممان قوندر کوچدر قنوسی  
 اغلیورق کلار کتدر ایت قنغی خنداز قوندر کوچدر  
 بولیمادر اجل ز صحنه تریاق بو شدره نی نی قوندر کوچدر  
 کواحه رحمه الله علیه کیوه نام قصیده توسل انشد سلطه ایلم  
 نامه کنه الیدایع و پند نامه نام رساله سی وارد زبان ترکین اولان  
 امثال کثرین بنصیح و پند طریقا ورن نظم کتورب آدین پند

پند نامه کواحه ویرمه فادینای غداره اما نظمنده اولقد رزاکت و شرفند دفر  
 چند ان ظرافت بوقدر بو مطلع انکر مطلع تا ایلدکی بقشه متردین تقا کل  
 واردی هوایه تش خد کلدر آب کل شکر زلال لعلک لعلک زلال شکر  
 عمر ز حال قدک قدک ز حال عمر فرهاد اولور در کور کور اولور در فرهاد  
 شکر لبو کی شیرین شیرین لبو کی شکر اولور کواحه شایا کواحه اولور  
 چاکو قیو کده دایم دایم قیو کده چاکر الحیا یمینع الرزق الا برام کصل المرام  
 مفرهونی مشربو نظم انکر نظم بو پندن دکلدر کی هیچ انانک کم اولور  
 اوغلی قیزی او تانانک کور کور خصوصه جد و اقام واد  
 اوزر و بولاتا کادانجام کور اقام عرض مال جوان ممد ویر فراتا  
 اغلامه از غلام کیدر زری چون اولدر رزقه طامع حیا اولور  
 بیلور رزقه مانع شربو شود خدی کند و زمانده شکایتی بیانی اید  
 شربو قنور دایم پیدر کر چه خدمت قاپوسی شمد قنور و لی کلور  
 همت قاپوسی خانه عزت اولیدر مکنی مکنی لکرا آچلو و حایله  
 حایله همت قاپوسی نی بر منت کوکل و دونه فانی رزق اچو  
 کج باقی کسب ایت اچو قدر قنایاوس فانی اولخت اولیدر حقیقده همان  
 کیمه آچلدن بلاد دارند راعت قاپوس کوشر رده الله علیه عینا بدین بودو  
 شوا سندن در خوش آیندن بیاتی و سطحی و کلماتی وارد بو مطلع انکر مطلع

آچلدن کورین سقیدر شوت قاپوس  
 کج فحشه عجب شکره قالود ده مال اچ صی  
 صی صی صی صی صی صی صی صی



سوقد لریا باشی از ده بریدر آینه اولدوغیچو دلبره منتظر حالک آینه  
نشد و بوسیت دخی انکار انکار ندرند **مطلع** جانان محکم انکار قارن  
قبولر شاید اولنجی بکه بر سر مراد اولاسور و مولانا فتح مک  
دخیر بوعلی تحمیس انشد **نظم** بلد کی بو عالمده جانانیه عشق اولسون  
عشاقه وفا ایلر جانانیه عشق اولسون آتش کبر کل بتدر کاشانه  
عشق اولسون ایام بهار ایدر منجانیه عشق اولسون کلکم  
کولریوز لوی بیانیه عشق اولسون **حرف الهم لا اله الا الله علیه**  
توقاندر ز طهور امتی متعجوز باز فرس منکم کنه ایدر  
سلطان محمد دورند درویش قلندر شکند رومه کلوب متعج  
ایکن عجم کچوس حضرت مولانا جامی سلامنی و عجم ایلر پیامنی  
کتورد و کند و دخی انواع کمالات و شیرین کلماته شایر  
مجلسه کرمش و نیجه سلاطین و ملوک صحبتیه ایش و افر تواریج  
ولطایف و مناقب و معارف بیور کسته ایدر بو واسطه ایلر  
سلطان محمد مجلس خاصه دخول ایدر و بر عزت حضور ندره  
عزت و اعتبار بولدر آخر الامریچ اولما یور متعج اولما  
ظاهر اولدر مکر اول زمانده طایفه عجم غایتده رعایت اولور  
و آنرا شید و بر فضیله عجم ولایت رومه جوق کامل کس کلور مش

کلور مش و بالجمله چونکه فریوز کر و می اید و کن بلبلر قریب  
پادشاه صیدر دور قلعه ایلر یور بر قی بیتی اول حصص دیشدر  
**نظم** اولقا ندر ک اعتباره محل یا عیدر یا صودر محمد کل  
کوه قیمت اولیه کانه در بهاس بولامر عثمان سولیکه و  
مثل در بو کاه و لور اول جوق دخی قری کو اگر آمده فوت  
ایسراد نه فضیلت و بر مرش کابلاد طاشدر صادر اولدر کوه  
معبره معتبر در دخی نناکه اهنر رومده کله نهمه عجم  
اولدر عجم بولور ندر کرم عجم صبر بر کی رومه کلور یه وزارت  
یه جوق آکومه کلور **نظم** مطلع انکار انکار ندرند **مطلع** خال لعل  
شاه صند و در شکر در خور آکا سینه خور ملاحتدر خطاری آکا  
**سیر فضل و کمالات صهری ساطع فی الفضل و الفصی**  
**اعز مولانا موعود نور الله قدس** بولور بیدر بود و شو اکندر  
و شو اکندر فضل اکندر در السیم تغیر محسود و فضایل غیر معهود  
و بین الفضل و الکفا فضل و کمال عدا و لغایه فتو کرا کثر نه  
قاد بیدر لیکن بوجله در فن انشا و ماهر ایدر شرف الانان  
تسمیه و لنور کتابدن منظوم و منثور جمله مؤلفات مصنفان  
عد و شمار اندر کن مانند ساعت لیل هزار بیت و چهار اولدر دیو



تادی و در شکل و معنی کتابدیر ترجمه کنند استاد جهان و کثرت عاده و معلوما  
 دریای فضل و عرفان اید ارباب فضل و علوم و فواید الیفات ترجمه کنند  
 اکا جامی روم دیشتر در اگر چه دیوان موجود و مدونانی غیر معدود در  
 لکن طریقی شعر چند ان التفات و طبقت نیکو سرعته در متفقا  
 اوله در وقت اتمش در جو بر قی نیت انکر در **مطلع** بی وفا لادن دکلر  
 جور و ظلم و خشم یار مقتضای عز و ناز حسن در هر نه که وار **و**  
 حد نه آشور نه نازکی جان ویر **و** صوکر بو جفکر کچه قلز نکار ابو  
 مشویا تندر کوی و چوکانی و ایسا و سلیمان و منشأ تندر حردلی  
 و شرف الان از عند الفضل و البیضا مقبول و معتبر در روم و مدوح  
 ارباب فضل هکنز در علی الخصوص که کتاب شرف الان و مجمع مجموع معانی  
 و معانی در آیات و اخبار و امثال مشایخ اخبار له تقلم و نشر از  
 به حد و لایحه فواید علوم دینی و اسرار عواید یقینی درج اید و  
 نقد صنایع و بدایع و از خرج اتمش در صفت ضعفا پیرین بو بر قی  
 بیت اول کتابدیر **نظم** آورد چو نای پیر کا رعیت ذکت  
 اینک الوی که ایکن گشت اوله جو دیر دهکتری کد کی  
 بر ایلد طلعت سیم و زر آهن یکن لدر کلینز چوموم فتح طلسم  
 تیقل هجوم اوله سبلد چو کوز کشیدار ایل جان چشم امل به

چار قد قوالام الف در عضا نفی وجود انکرا کچو ز اولدر **لا مطایبه**  
 مسموعه که بر کوز اعیان کرامدن برینک مجلسه اکابر قیام و امالی  
 عظام پایه رتبتی و مقتضای رفعتی روضینی او نور مشر  
 و خدام مجلس که مقدار کجه و قدر و اعتبار کجه بر یو برین کوسه که  
 طو مشر مکر زمانه اولو لارند کند و در اولو بر خد بین و خود پسند و کفو  
 زعم و پسند کجه سر بلند و ارجمند مجلس نوره کلوب برتر دد و تبرکلف  
 اشها و صوره کچو صدر مجلسه کزین و کم قدر و با نشین اولوب  
 او تورو مال و جاه و مغرور و لباس فاخره و مخمر اولوب اموالی  
 و املاکی کلا فخر و تکیه کتور اصلا ارباب مجلس عینی آلوب کر کچه اصغر  
 و تیر فکر فاسدن بیانه انور کما کینز هر کز نیمز اصغر مجلس مولانا یی مشا  
 الیردی در حباله مناسبت قطع و با عییز بر قی استعدا که ده بوطه  
 اول جینه علی الفور دیشتر **و قطع** معتبر در جهان دوز دتر  
 دایم ذکت از ره اهل فکر حال عالم مثال در یاد کوه یاک از نرو  
 زیر **لا یح** **نظم** کدر طو ندیز هنوز نو جو از نو خواته ایکن فضل  
 و کماله آراسته اید و طریق سوش و دس کوشش دانشمند فاضل  
 و ضبوط مختلفه کدر علی حده انواعه کامل اید از کفای کچو  
 تجارته شروع اید و ب سودی غدد و وفائت فوق الحد امید ایل



عما تکر و بجهنده خوانده عاقبت اول کج عثمانده و دریای بر پاینده کشتی  
وجود و زورق بود و نایب در غریب لجه فنا و نایب و نایب اولوب  
کنده و جمع اند و کی مال و منال ایله امید و اماله ایروب نه متاع دنیا دین  
تمتع و نه عمر کمر انما یدر تنفع اند و بر قی مطلع انکلمات کمر بارند  
و ابیات در نثارند **مطلع** دیک لازم دکل نخل و الفکر کم باره  
زبان حاله کویله اغر آجوب قویان اول صم کمر و قد و کل و در  
دهنی غنچه کبر خوش بود ای دود آه قان بولت کبر کو که آغ وای  
اشک دیده بغور اولوب تار یسیر باغ **نثر** و بوقطعه دخرنا اهلک  
مد صیغه اهلک قدر افضل و **نکته** آنوک مطلقا تنه در **نظم**  
او در مدوح او کن اهل اوله آنی منشد بیک مدح جلال فضل  
ویر کشتی به مدح نادان که بیکر مدحند آنک قدر کامل **مولانا الطیغ**  
توفات قدر برتی الجنان سیرع البیان مستح و کجاست کمنه ابرار کج  
اوصاف اصلیت ایله موصوفه کما کن لا اوبالی و شوریده رنگ اوله و  
باغند بن الموالی دلی الطیغ دیکله معروفه انواع علومه  
شامل و اصناف فنونده کما لیده کامل و لغن صحن ثمانیه حرمی کوه  
درس عام اید و سلطان محمد بوسکو مد رکن مستعد و معید و مستفید  
و مفید لا علی القیاس کلوب بند و هرفند و او فو و ندر دیو کند و عرض

عرض امشد راول زمانه کافاضیه و امالی بوار ارتفاع و امتیازه محل اولوب  
اظهار بعض و عداوت و اضما کدورت و برودت امشد و بویا عتد  
محل مباحثه کجاست نکته کد و حین معارضنده سخن آفرین و صاحب  
کفتاد ایدر محافل و مجالس موالی کوامه و احوالی و فحاشه محل و مناسبت  
عجب نکته لرو لطیف لطیفه لرایدر در عربی قصاید و انشاسی چو قدر اما  
امشاد نک اوله شد تر بقد و بوقطعه انک اشعارند **مطلع**  
کور در کو کلم کوز تر فاشی کوزی سودر بر بر تر اشی کوزل **نثر**  
سلطان محمد طاب مرقم و نبور سنده شمر در منس و نوسوال اند که  
بیت جواب و جود **نکته** و حکمت اصله کرا و امشعار  
دفن ایدر دم بنف ایامک انار لیبید **مطایبه** فخر عجم که عجمه علی و جی  
ایله رومه کلمه در دار الحدیث و اقلک شطنه الکی این و نوز فخر  
رعایت و ایدر یوب قرقله ویر و راحرف یاکه ابجد شطنه او ندر  
حدیث کسیر بحدیثه ایدر کور راول زمانه ملا الطیغ لطیفه  
بور باغی دیشدر **نظم** ای دهر عجب حادثه در که حدث اندک  
بنیاد نر علمک کمر بیقدر کعبت اندک **لطیفه** لیبی که علماء  
صحی مدر تکرند سلطان بایزید دورند دفتر دار و امنا و عماله  
آقامه سی رجوع دمداد امشد راول زمانه علما ایله امتحانه حاضر



اولوب با حجتیه قصد اید یک آنی بخت ز خارج کورب دیدیکه الحاکم افعال ناقصه  
فعلکینه انجلین سن بو کجده داخل دکل سن وار عامله اید حسابک اید کیت  
دیور علی الفور بوییتی دید **لایت** کوزلر ایشندلر صعب بکندر افندم علمده  
عامل اولمش **نیش** بو کونه **مصلح** و طبعه دیز اول عصره موالی سی منقبض  
اولوب موعی الیه ختم اولدیلر اتفاق اول انشا عشرم مجتبه حادشی  
واقع اولوق هر طرفه ز خصومه یول بولدی عاقبت الا فرقتنی حوب  
و مقتضی سنه اسناد ایدوب بقتلی خصوصیت اقدام و اهتمام و قیام  
تام کوتر و با صرن تمام اتدیلر بوشه قتل اولاجی زمانه قریب میشد  
**شعر** عشق قیون الاله الایمنی **دیرین** عالمده آواره صلابت  
نه دیرین رسوای جهل اولوق ایچور نیش عادر هنیو کرک کای جلا  
نه درین **لعلی** **حمر** **عده** وطن اصلین اختلاف وارد اما معلوم و  
درکیم شاعر لوند ز شعر کویان ولایت روکار ساح لریندر را **عمر** **اللون**  
مناسبت علی تخلص اتمشد مشد موافق خوش آئیده ابیاتی و زین کلماتی وارد  
بو شعر لور انک اشعارند **شعر** زاهدک کو کلند حبت عاشقک دیا یار  
لاجم هر کیشک باشند برودکی وار علقه حالات و صحن اختیار صمکوز  
دربال شیوه سی آئیده قور اختیار ای مقلد کیشید آینه صاف اولوق کوک  
قوتیه کاکا کرد و رند غبار **شعر** **لؤلؤ** صغی خنده یا اول صمکوز

صمکوز خط غبار ذره لور در کیش خاری انشکار زلف غبارکی  
یوزد کتور کتور جوی وار چونکده یوزد کتور کتور کتور حبتده مار  
زلف و خسار خیالی دانیس و موسم اولدور کتور کتور کتور کتور کتور کتور  
غم غبارن برغلی نینه دلد کتور خاکه دوشوب اولدین اثبتن خاککی غبار  
ای لطیف عرفانی هر نفس کچکده شول قورصور کی کیم ایلمز بدم قرار **لقای** **عده**  
استابنری در سلطان سلیم دورنا نقلر اینه یز اسنانکند و صحن  
و عالیه شاعر و صاندی طبیعت مشوبه سی چند ایزد مشبو اولدور  
دکل ایه ی بو مطلع انکست شمارند **مظلم** **مظلم** کتور کتور کتور کتور کتور کتور  
بصقلم سبند و آزادار بدر بنوم سن شازله فلرین دبودن  
مار کلکب کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور  
بزم ایتونکست باران سبند فی الجمله شهرتی و شوشنا سدر بیانده قبوله  
زین اولوق حیدر در غنچه وارمدر دبو سؤل انیدکن مرحوم لقابی  
بو نقطه بی جواب کوند رمش **قطعه** سزک دیوانکده شمار اولوبدر  
مشهد لور کوبلور و نوز شهرتی وار کوزر آهوار کت و صغیه شندی  
کیکرتستانی دکور غنچه وار **بغای** **سنگ** کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور کتور  
ایله شهرت بولود حمر اگر اوصافکی دیوانه یازم کیکرتستانی اولوق  
اولدور **عرو** **الم** **مالی** **عده** قضاة ذمه سندن بودور شعر اسندن دیرین **القضاة**







اولن کلماتند **مطلع** کورد ای قاشی کمان غم که مردم سوزان  
 تیر کر تیرک انوی کچیز یوزینه اگر بقر **مستی چلیب** ادرنه ویدر خوشی و  
 خوشی یکن سلطان یازید دوزنک او اسطند فوت اولد بر حال  
 و اهل کمال جوان اولد و غریب غمده بخانی تعلق و عشق ایدوب  
 حقه غزل دیشد و مستانه چشم و میگون لب اولد و غریب  
 مستی تخلص ایشد و هم زندانه اشعار و مستانه گفتار و اراد  
 بر شعر عشرت آمیز انکار ایات دوق آمیزند **مست** غم و صراحتی  
 شاه تابدارم یوق قوی کم ایغن او پیکار اقدارم یوق  
 بنماید پیر معان نکد و نکد اولسون صنوبر کاسی کرد و نکد  
 انکارم یوق می است صوندلر الوه روزازل ایچلدن اول  
 می تخم دخی غمارم **مست** مسموم که عشاقدن بر اول محمد و مکر  
 آسمانده خادم اولمق ایچون حجاب اولن الی قطع ایدوب کندوی  
 خادم و اعراض غسانیه ی آراد بر رفیع ایدوب مصاحبت روحانیه  
 بی تکلف و بی توقف مداوم و ملازم اولور **مست** هر که میدار غم کی  
 نمک دارا کامیبت در **مست** قلندر استانبول بود و خوش است در  
 فقر و فنا اهل صوفی طوتمش لا و بالی حقه صوب و درویش نهاد  
 و قلندر مشرب علم ادوار **مست** تالیف قدر و رفیق مستی قدر **مست** تصنیف

کلمه  
 بر

تصنیف لیا قدر و رفیق شعر و در طبیعت نظمیه بی بد کلمه و بوی  
 بیت انکار اشعارند **نظم** و افکاره صنایع و باتوان و در ناکم بن  
 نمک در شعره شعره پان چاک چاکم بن مردم شرست آب غنینه  
 خاکه یوزاورد مردم خوان و قندک کویا سیر دوشمش بر ناکم بن  
 کیمی اولور احیا ایلر اول عیسی صفت اما بوز او المومنین قتل ایلر  
 آله لاگم بن **مستی** روم ایلند اسکوب قریبند پرشته نام  
 قصیده در دقت خیالده بکرو فکره قدر و تر و ضاقت معنی ایرادن مہارتر  
 وارید اما تجلی طبعی غایت دقیق اولوب طرز خاصه خواجه مخصوص  
 اولمغین نظم بلاغت نظامند طباع عوام الناس چندان تلذذ ایدن  
 بوی قلم انکار اشعار استانبول **مطلع** ای یوسف غانی کل او تر جا کمر  
 تند تنها قوم یعقوب دلی بیت خرتن ای هسته دل قلن می ناز  
 و عابد کل کو کلمی خوش ایلدینه بر جوابله ایکی عالم قصه سن او ندر رشتا  
 جا جم انکچیز جامی الدن قوم یوب کچدی مدام و طرز قصیده  
 دخی مختص معا و ساری ساحر در بوی قلم بیت تاج زاو حقدن واقع  
 اولن صفت ہمار قصید کنند **نظم** میر اقلیم سخن اعنی شاخشی پاشا  
 ایره مرفکری نشانہ خند کافکار زالد کل صغیرین مہرہ یوبد تاکہ  
 یان زکین سوزین اولمک و تمکین و ما ای ساکن کو کلم و کلم انک معجز

صاحب



روی دو اندر چه بابل سر کلک سحر **نثر** و گلشن انشا اسونید عبارت  
واضح ایلد کلام صدر بر تسمیه اول نور یوز **جمله** صورت مکانی وارد  
منشیان و مترسلان بینند خیل و غری و غروب **در مطایفه** مذکور  
ایلد ذاتر بینند متعلق بعضی معنی توار دو واقع اولوب ذاتر مسیحی  
سرقه تلمنی مشوبو قطع فی یازوب کوندر **نثر** قطع ای مسیحی هر بر عرض  
او غری عیار در نثر شکر شاهی سن بر در لود داغ اولد رایش  
ملک نظم ذاتر کافر غروب معناری کیر و برج یوانکه تبدیل مشور  
**جواب مسیحی** صنفه که معنی نمادانه بنی ال اوردم دکلم طفل که خاییده  
ایدیم افطار تنه کی روح بخا عاریتی اولد و غیچون کونده بیکر  
ایدم کند و حیاط مد عار شاعر ک برسی کتور رایدر قلک انجمنه  
اوج بو غونر بالبداهه دیدم که فایده قلک انجمنی کوزک بو غونر  
**محمادی سنانیکه** درویش مشرب واسع مذهب کسسه در تازه لکنده درویش  
چوق سیاحت و عجم از ندر یله خیل مصاحبت امشد رفه سوز و لغات در تشیع  
و معلوماتی چوقه را اما شو کو یلکله چند از الی یوقه روفق معانکر در  
علمی سنده ماهر اما علمند تصرف ایجاد غایتند نادر در خاصه که فن شعور  
کند و به غایتند حراعتقاد و طبیعت نظمیه سنده نهایتده اعتماد و اراد  
آقامره و مد مقوله سید ربو بر فی بیت انکر غایتده مطبوع و مقبول اولن

اولن انشاندر و مدوح و مستم اولن گفتارند در نمونه ایچون کتب انتر  
حرات صفا الله حق صورت انشانر آیه کوزکی غانم بق کوز صورت رحمان  
یکلشی او قوم صفتن الله کلامنر یارک یوزنیه یا قوب از بر لیه قرانر  
چین سوله تیچیم چین چین فخر اولشدر بوشل سیر بر کاکل ریحانی  
**معید** **در الله علیه** سکوبدز بود و شعر اسندز در مفتی علی چلبی نکر معیدی  
و افاج و استفاد اهلنکر معید و منفید ایدر سخن و رکنده طبع کهر سخن و زبان  
ترکیده جواب پنج کنج وارد لعا عند الشعراء الفضلا پر کوی مقوله سیر نظم  
اولقدر نازک و زکین و شور خندان پسندیده و شیرین دکله بوشو انکر انشاندر  
**شعر** زینت کلزار و صحرای کلیم در بلبلیم ایلین کوکلی بغا کلیم در بلبلیم در کل کلدر  
سویله بلبلیم بلبلیم آدی یارب اول شوخ دلارا کل معید بلبلیم معید  
در دل سنده می یابنده نمی طویلدر بلبلیم عشق از ان ایدر افشا کلیم در بلبلیم  
بلبلیم اغر کل کلر هر صبح عشقه یوشه بخونده لیا کلیم در بلبلیم  
ای معید کو بلبلیم دلبری دله غمشن ایلره شمد رنماشا کلیم در بلبلیم در **نثر**  
و بوبیت دفر انکر مفرد اتندز و رباعیاتندز در **رباع** دولته لایق اولندر  
کور مرد و تنه یوزین دولت انکر کم جهانن دولته لایق دکلم مردم والا  
کوهر دیز قدر و امتیاز انکر کم ذاتر کامل شاندر فایق دکلم  
**مشابه** **بیر صفه** باشی جاهلک فوق العلام یوزر کاملک تحت الترام



هسته اهل جهان خور و محتاج را سر بر جبهه غرق دیناج نذر  
ایکسب فضائل بویژه مرتبه برود قابل هسته اهلینک و اولی معلوم  
هسته عتقا کبر عالمه معدوم **الملح الشعری** و الله علیه توفاتنا حیدر  
علماء فرقه کنند در فتنه نکر اکثرند ما هو و صوم احمد پاشا یله مصنا و معا  
ایده انواع معارفه معروف و لمغاین احمد پاشا تریه سبیل سلطه محمد  
مجلس خاصه یول بولشید و تقریب تحصیل ایدوب مصاحب و مقارن  
اولشدر اقا غایتده عیاش می پرست و روز شب گاه محو و گاه است  
ایده ارجام کلغای الی المایچه نکس کبر کوز اچم و بر مقدار مستی او کیچیه  
کندوی بلمزدی نیمه کوزه جبه و دستاداری فروخته رهنه قوش و نیمه نیمه  
کوزه می اید توبه دن ال یومشدر مکر روشنی حضرت لاری اید زمار تحصیل  
منالبت سابقه می و مصاحب صادق سی واریش مذکور شیخ روشنی فزونه  
خبر کوندر که بوفسق فحور و لهو شور نیمه دک کلسون بکا محبت چاپند  
عشق نرا بن اچورین کورون ذوق و حالت و شوق و کیفیت قنده اولو  
دیر بود و خبر کوندر که اگر ایکی قدح شراب ذوق و حالت و کیفیت  
ویرم بیلور سر خدمت پیرمغان قوبین اولی آستانه خانقا هندی  
ارادت پیری اولاین دیر بوجو جمله حجاباتی اولوب حجاباته دوشیک  
سلطان کتوب انواع تا کید و تله بدله توبه ویرور که من بعد جام

میدن ال بویه و تسلسل جام فاسد فرجامی الذ قوبه عمر اولو قسمت  
و صلاح و طریقی فوز و فلاحه کیده بو شرط اوزن احسان خراوانک  
عالی ازانی قلمور بوجو بوانعام تامله منزله کلور شیر مادر در کیش  
طفل ضعیف کبر برایکی کوز شراب میر و صبره جان و دله محکم جبرانه حسرت  
باح درگاه بوزیه گاه یوز و یوز لدر و گاه بنکی و گاه بر آتش اولو  
آخر شراب تلخ لبتن یزند بوالعد و اتسرو اتمک سزا اولو آتسرو اولو  
می ادغو انز خسر تند بر که تاکه خزان رسیده کبر چهره سی زرد و از روی  
در دمی ایچنه درد اولو نفس آواره بو خصوصه میرم و منقضا اولو  
عمره کنده اولو عمره کنه غصه جرات و اقدام این میوب عاقبت اصلاح  
مزاج و جان علیه علاج ایچونه طیبانه بر حقه بولور و اول حقه ایل  
شرابی کند و یه حشقان قلمور بوجو جمله کیفیت حاصل اید که او کنگد بتر  
مست و او کار و بدنام روز کار اولوب تحت الطلیعه کلور بوجو جانبد  
پادشاه دفر بوز که کیفیت حالن بلبل ایچونه هر طرفه آدم عالمش  
مصطبه و صیکده لور و قوی را مد قلمی بر مکر تحت الطلیعه قالمشیر  
اتفاق بود و خصوصه در شراب و کیفیت می نابله خم کبر جوشو صرا  
صفت خروشه کلوب و منافع الناس دیو و صاف شراب صفا افتاک  
ایدوب بویلتی او قور در **بیت** آفرینلر شراب کلرنگه لعنت اولو



بوزایه و بنکه نشو و جد است و مددش و لا یعقل و بهوش میان تحت القلع  
کواره لغور و غلغله هر طرفه از او شوب بوزینه لغور ایکن اول شخص بود  
نگه بوینده و جوت و جوتین ایدر هماندم حقیقه کلد و میان تحت القلع  
مولانای شارالیر میست و ملامت بولد اولدم بر قیاح و من دیو کورت  
ایله مولانای کتورد و حضور شهر دایره بتورد لر پادشاه کیتی پناه مولانای  
و نوره نگاه اندر کورد که شرب شراب در رنگر و سیلاب و غیره غرایه  
کوزار میکوز چایه و نوش چیه و دستار می فرشته الدرش و نفع بی شمار  
مطر باره چالدر مشنه رفتارند استقامت و نه گفتارند فصاحت و ارشاد  
والا نسب ششم و غصه کلوب و ایدر یک موعی ایله کهر کیا و در خوشاب کبر ماوی  
و مکانی قعد دریا این لر مسفور منور در صورت مصحف و یوزا و زورت  
صحنه عرش اعظم و کعبه معظمه غلاظ شد ایدوب دیدیکه عز خضر شیدار  
عهد پیمان ایدلر بیانه الله المدم و جام می کبر عهد من اولن عهده شکست  
و یروب پیمان شکن اولدم دیو متقل بمین ایدر اما ایا غرا و زن طور حق  
حالی کند و می جمع ایدر حکم محالی یوغیدر آخر کیفیت حاله واقف اولماق  
اچوز تراشی و خدام باشنه چوقدر و محکمه معدلت شاحین اول اندک  
اغزنی قوقدر اراکیده اثر احساس ایدر میوب متحیر و متعجب و یحیی  
پادشاه دفع و لینه خبرک صحنه صورت اولد افره از نیاز و اعتداله

و اعتداله کیفیت حال من تغییر و بر حقیقه بولوب قی احسان اند و کز غیب  
ادایله تقریر ایدر بوزاج و راج پادشاهه خوش کلو سیر ایدر و ایمنه قلم  
چکدر امید در که اول ما حی سیات و فر و فور حسند و خطیاتی غصه ایدر  
کنا هکر محو این طریق شکر علمنی خوب بیدر در و خواند فضلایه  
مخاف و مجالسه فتی بیاند ز کج قلور در بر و مطلع انو کدر مطلع بحر  
کوب و بن سوز در دم اوچ یاند شمع اغلده و غم کورد در شی قانیه بنیر  
شور و شربینه دل در دهنه بر تاره جوا کیم آفتی در جانک و آشوب جهانک کولم  
دوشل عشقه دیر کوزم مردم دو کد کی میره قانمی سیرا دو کلا فاک زلفک  
رک مصحف چشکه نگار تفسیرین ایدر سوره نوزله دخالک نر منفور ضعف  
پدید عشیار لغی زمانند عصایه قیام ایدر در اما مستحی او یحیی متزلزله  
عصا کیدر در حکمتن صود لر یو قطعه ایدر جواب ویر در **قطعه**  
بوملیحی ایکی عصا کونور بر جسمان بر زو جانر اولکی جسماندر  
انجند در اولکدر و جانر لعل رمانی و من کورک اغزنده اصلادند  
اشرود درج دهنده کهر قلم شد سلطان محمد و قومه بر کوبوس خود من دکلن  
بوسن کسکه نولد در یوسوال ایدر حکم یو بیتله جواب ویر در **بیت**  
ماه رولر لیدرینه و هم اولد و غن کورب اولقدر طاش لورد لر اغزنده  
قلندر **منیر** در ره **ایله** علیه شریعیه در سلطان احمد بن سلطان یازید و



و اول عصر که مملکت از نو عارفانند ز درو و فور علم و معرفت طبعی یافته

شامل اید و اما مشایخ و سادات و اولیاد و غرض از جمله خلق کمالات معارفند

عاقلاً بیدار فارسی و ترکی ایکی پان دیوانه و دیوانه خیل اثنا عشر فانی و اردر

بمطلع انکه مطلع دو کدر جو اهرین صوبه چشم اشکبار کلوار کو یک کتور

ایکی تبار محمد <sup>رحمۃ اللہ علیہ</sup> ہو جو بد شو انک فرما سندنز و قد مانک فضل

ایدر سلطان محمد که مردم خامی و مقبول خواهر ایدر شاه طبع و خدای

روی و سریع الفهم و بدیرمد کوی شاعر و فوریایت ماهر ایدر اتفاق

برصید و صاحب جمال شیر عرین کبر سلاسل و خلخال الیہ اطرافہ زنگار اشمس

اشناء، راجع کید سلطان محمد ایلده راسف کلمه و علی الفور بنو شعرا و اول

پیدا قلور **سور** بکوز فلک طلیعی کم او نراید کم کم سنجاب سنجاب او نراید کم

کیشند قاقم بن سیر چندر کوکلر ایدر کیشتم جام استریدیم کوندر هر

صنوبر بر غم ناگاه قول او را غم بر ز منزه بیشتر هوایا که نظر قدم

جان کوزیده کوردم بر حصید کوز او غلطان اردینه کفل از ره زنجیر

از نما همیشه شنید و آفریدم اول یار بر سبکیر اول ماه منظر

هم منکر آنکه محض او مدد در غمدم معنی مهرشیکه مادر میر میر

درج در فصاحت اعز که مع هر نورانیه مرقد ها طاب و مشربها

اعانتہ نہ روشن ضمیر بہ بر جرح بلا غلک معروفاً بلہ عمشہر ایدر

ایدر فن شعری قدر و یار و جان معرفت که جان دکار ایدر طبعی آری

کلیکونہ نظم زنجین ایلہ مشاطہ طبع و حسن مقالہ و زینت کفر فکہ و یکہ خصل ایلا

که چه بشود اشعار و شیوه گفتار زنانه در آقا جنت سوز که از عثمانی

و بیان ثوق نیاز هر مردانه در هر مطلع انو کدر **مطلع** عشوایانند زنده ما ابد اول

یار کشت جانده ویردک حواسن اتمد ز کمر ارکشت و لها دیدم روزی که در مرد و او را

کود شده کشتا از نقابنی اودم دید کوراشته کوز کور در کو کل ایلد اکنین

کشته و غنیمت میکارم اتمدا بیسته و کوشیده نشر و ات ابرار که قدر

محبوبه محبوب پیرت عشق هوایدست و عقدت دامن عصمتی و زلف عفت

الایش تہستہ زباک و تہی ادر با ساقہ کظہ زباک ہر باک مشر عفت و عصمتہ

مبالغه ایدر که مردم و صنفی نامحرمان اول کینجه نمانند ما را هم از قلم دین عقوبت

نه قطرات نسان اتصال در صدف است یعنی لایه آب و شیشه ای را جدا کننده از غشای زنگنه.

پیر آب و خش و بالجملة کہ انار دوتنمیز ز داد او لشیز نه عوض لیستنه ماهی

عاشق سنا زیا ش او علی السکندر علی عشق ایدوب حقه نه غزل ممشد

بیت و لها ایرد صو آب حیاتہ محمد اولیٰ مرتضیٰ ذکر کورد جو ز غلہ شنیده

او مبادی الکندرانشتر بنو فاضله مرقومه الکلمه تحت السور سلطه زان

مجلسند ظرفاً و شوا انکه اندکده بوبیت بحواب ویدر **نیت** نی السکنا

علم زلالی صوبہ التذرو صوبہ کستور در اکثر اشعار و صوم غنائیہ نظمیں



واقع اول شد و ایجاد بقصر فی اکثر ایقظایر بر بولشد رخسار  
کریم دونه دونه نظیر مکی دیشد اما جمله نظائرین بونکر نظم  
اول **شعر** آتش غمده کینا اولد اکر دونه دونه کوکله جعفر دخانه  
شرد دونه دونه دل دروغند طوشتد برین بر شمع کبر تن خیالکله  
فنا اولد برین دونه دونه جان جانبا از کور بعلکله بر شمع کین  
رسمان سر زلفکله از ایزد دونه دونه **شعر** مرقومه دینه شعر که ها  
اول بخانی ارسال و دو اتند بر حورنه که متوارد اولد ایصال ایدرد  
بر کون بر حریفه طرفه بر سوال آتد که بخانی بکر بر قوم صنایع شوقیه  
مزد به نموز بکوز اولد شخص طرفه خکلا مند طوافت و ابرها مقصد  
اید و شاعر شیرین معنی در دیوایا یکن بکنورد یو جواب ویر  
**قطعه** بحر وجود کرا اولد عالمه معین شاعر برز ماکل شکر  
اوگرلر ایاب نظم ایچند جوق اولد کرچه که تخشد معنی چله سن  
ایامکی دوگرلر **میر حمید** فضات زمره سندن بود و شعر سندن  
شعری سمت طرفتد دورود اثر لطافتد بر بعید و محجور کلد  
بو مطلع انوکر **مطلع** اعضا مکر اوشتسون لکون سندر ملاقت  
تا ویر میه دند از لک دلبر زحمت **میر پرو** می اسکوب سندن  
بود و شعر سندن شاد ات زمره سندن بر جوق قمرچ مجایب و تماشای

و تماشای غایب اتمند رستیا ربع سکون و جهان دیدد هر بولم  
و هم صنایع جوییه نکر اکثرند کامل استاد ایکن بوبیت فحوا کیم مغلس  
ونا شاد **در بیت** شاد اولد عشق اشنده فرهاد او شادق اولور  
اکثر استاد بوبیت انکر **در بیت** نوله بیگانه ات عالمکی بومشدر  
بوایه یار در اظهار کمال ایچون بر ورقه نیم طبقه خطوط مختلفه  
درج و فضل و حسن در مقدمه و نثر فرج ایدوب و رسوم الکنه جللی  
کتور مشدر سلیمانکر بر قطعه سی اند و رسوم و این عینک و خیال مکر متعلقا  
و رباعیاتد برین ابیات مرقوم ایدر حوری حیرت اشد و در  
ما فی البالد بیان **قطعه** لور و راعی غنای عالی علمت قلل قاف  
قناعت رانشین کرم است روز کار خاین کند نما و جو فروش  
طوطی طبع و ابراز ز کمر است **لامی** دوستا بکاد لم نیت روزگار  
ار زمانه دشمن اصل صبر بود سهلت اگر جفا شم از دهری وفا  
زحمت نصیب مردم والا کر بود در آستان بودی شمار  
ریخ کسوف بردل شمس قمر بود **میر طیب** عجم زاهد در بود  
مثل آینه اشعار و خیال انکیه کفار و وار در بو مطلع انکر اشعارند در  
نقد عمرین کم اندوکن جانکر چغورند بولدر خدا کدر **حرف التوت**  
**میر** شعر انکر کامل داند و کرده نظائر کتور صفات اعز و رسوم مغنومولانا



نجاتر انجاه الله تعالى النيران والسكنة في دار عرفت الجنان عبد الله  
او غلی درو شد ادر نه در سانی نام بر شاعر کفولیدر اما کمال ظهورش در طبع  
واقع اولی غیر تحریر اندوکی رسایله کند وی بلده نوریه نسبت اتم شد  
میدان نظم کمال ملوان خوش توی و شعر و از بخش انداز له شعراء و دیگر بازی  
صوبی در ضربا مثاله متفرد و کسب و اسلوب مقال موجد و مبدع  
شعر سلیس و نفیس الفاظ سلاسته هموار و یکدست درو غیر یکر اشعار که  
بعضی بلند و بعضی پست در روزگار اول روح اول باشد به خصوص  
ماعداسی چاروا شد در شکم دیشد بیت سندی او کردند در حدیث و فقه  
غلط ایوب فانی از درم **نشر** نکته شناسان فنون علوم مثل کویلی گشته  
اجماع و اتفاق اوزن اکاموسی روم دیشد در تواریخ آل عثمان سلطان  
محمد دین سلطان بایزید و صفند مولانا ادریس بود را ابو الفضل صاحب  
تدریس الکی و قومه خسرو روم و صا طرز رسوم دیوبت عظیم ابوبلی  
مناسبت مقتضی بله یاز شد **بیت** سلطان سخن و روان عالم در دین سخن  
و دلیست خاتم و دخواست و علماء افاق و روم مولانا اکا قوی  
مسلمین تسلیم اید و به مقتضی بویستد شهادت اتم شد **بیت** شعر کرد  
اوقه و مقبول خلق اوله صافی بخانی شعر کبر بر منکر **نشر** طرز غزل  
اسلوب شعراء سابقه کند و زمانه کلنج کتب منسوخه کبر نسخ اید و ب و

و اشعار قدما نکر عقرب مع اعتبار کف فاسد کبر فسخ اتم شد مقال پر خیا ک  
سحر صلا اید و بر سر حد اعجاز ایلتم شد و زبان ترکیده سخن و کبر و نکته  
پرور کبر شیوه کی انده تمام اولمشد و انک شعر شری و نظم کبر صبی و ارکن  
غیر بلده دفتر دیوان دروین اتم کرام در شکم دیشد **بیت** حنیف اوله  
شعر بخانی و ارکن عالمده خلق یازت کلوب دفتر دیوان **نشر**  
طرز کلام شیرین بیامنه عاقه انام مایل و قایل اولد قلمر شود که حلاوت  
اشعار شکر بارند و لطافت گفتار شد شاد و طبع انام و امر جبه  
خواص و عوام لذت و حلاوت بولمشد و در شعر حال عاقل و فقی  
شد موافق عام کبر و دپیدر اولد و غنچه شجرت شعر مشهور عالم  
و عند الافاضل و الاصال مقبول و کلام اولمشد و بر قیچ مطالعه مطبوعه  
و کلمات مصنوعه او حضرت نکر تاج طبع شعر بغیر و زاده دهن لطیف  
**مطالع** بیکر صید اید کج بانی بر ملوان آصر فاشک بر رسم کوز باشنه کمان  
آصر **نشر** ای پر آینه کیم کور تصویر کنگر آسمان اولد از فنون عریسی بر کنگر  
**نشر** صیقله اکلنوزای بیت جفا پشته که حلقه حلقه در صورت طلد اندیشه **نشر**  
و تکلم زبان فرنده در خدمت کلم فصیح و شعر شعراء فرس کبر تعزیر اداسی غایده صبح  
واقع اولمشد و یکی مطلع فارسی در فغانک انکاس غیر سندی **نشر** در اول  
فی کز تور شد بدول چاکم نای شود ناله کند بر خاکم بسته اند انگشتی



در میان از باب غم تا که باید دلبر آرد ناله چهاراد **مقدم** **نثر** مسطور  
 دیوانه مسطور اولن اشعار کثیر قسط نمید و واقع اولمغین ابیاتند  
 اولن امثال بعضی ولایت مزبورن کمر عادت قدیمه و اصطلاحات  
 موافق واقع اولمشد اما اول عبارات سماعیه غافل اولن کتاب ایاتی  
 تحقیق این مویب ترزوق مصور ایدر لایله ایضاً حلالی اولمغین شرح  
 قلندر بو معنا کتب بله کثیر اولند **بیت** که در کچوقه دلبرای باغبان لطف  
 وارند بر بو کبر سرور و ان آصر ولایت مزبوره اصطلاحاً صریحاً تمثیل  
 و تربیت معانی در فلان کما یوفدان آصر در بر بوبیت در اول  
 دیاره متعلق سماعه موقوف عبارت **بیت** طفر قدر نیاز و توقع نیز  
 فرهادی کتون تمنا قیاسه **نثر** تمنا قیاسی محو و مزبورن کما میباشند  
 سیاه خلق اولش کوه بی کتونه مانند بر قلعه بلند در و بر در **نثر**  
 بر معنای اول دیار اصطلاحاً ایهام ایدر **نثر** اولیسکل کجاست در  
 اجمعی کیم نذر لیر نصیب اولد از حلوای رقیب **نثر** بوبیت معنای ایهامی  
 اولد که اول ولایت حقیقتاً کچون حلو ایدر بوب کچو لر و بقیه لر **نثر**  
 ایتمه و مسکینه اولشد در لاول دیار اول حلو اندر **نثر** نصیب  
 در لاول حوم و قوم کما سیاه در بعضی لر المی نوح در در کجاست خلص  
 وجه مناسبت و اتمه خلص بلین مطابقت بود در لاول اما کما کینه

بوبیت کثیر حوم مزبور کدر خطیده بوبیتی که بدم و حضور شغلر **نثر**  
 اولی عمر نرود بوجهد اشتم که بر کوز مجلس عظامده اثر کرام  
 و حوم احمد پاشا در نثر شجره تغیل و بر صبح اند که مذکور بخاطر  
 کمالات انصاف و در تنزل و نه تزل کما کما و سابق الذکر کدر نیت فضیلت  
 بوبیت اقدار و اعتراف **نثر** بیت بخاطر در یسند اولی کما کما  
 که عیسی کما کما اغینه دلم و در احمد **نثر** حوم سابقاً شده از در قرآن  
 ولایت متصرف اولان سلطان عبداله بن سلطان بایزید ارتباط و خفا  
 اتمه را ایدر در دنیا در سرای آخره نقل ایدر سلطان محمود آستانه  
 کلوشا بنی اولدایر و مذمت توقیع قدر رفیع ایدر بوبیت و  
 بولایر ایدر دخی فغانه بنایه انتقال ایدر کما در دولت کلوشا باقی عمر یازید  
 خان خدمت کچو در لرو و کچو طغوزیون زاون دور دین مرغ و  
 نفس نرود و چو در لرت کما کما تاریخ اولمشد **نثر** کما کما  
 جانبدارند در سلطان بایزید و در نثر فوت اولد در علم نجوم دانستن احوال  
 بهر ایدر و فن اصطلاحاً مانتد بزرگ ایدر بوبیت و بوبیت حادث اولد  
 نجوم مقتضای سیری واقعه و تأثیر دگیری در دیر ایدر **نثر**  
**مطلع** نرود ایدر کما کما به اختصار بعد اینر مد **نثر** و بوبیت دلاور در  
 بر لیر اعتبار خوب و بر حقیقت آنک اشعارند **نثر** بوبیت کما کما

38

خدمت



اولم قول قربانی تو می شریعت است ترک آنی شراب باز  
اچو بمرت و تور شد دکانده قیون بیکه بیشتر کیر وایلر کفر قانی  
ترا فردن ایند لبر بود ریارت صقله حد قوردند زانی که اولید ریو حیات  
**نجم رومی رحمه الله علیه** بود فردل و نجوم طریق طوتمش فکر  
حریف و نکته دانلقده سخن که ارقده بخشند و ظریفاید زین شعور  
داغید دکلدر شوخ طبع و لطیفه کوی و صرا آل و کشام روی کمنه  
سلطان سلیم طالب تراحه بر قاج دانه غزل صوند بر بیت آند  
**مرقوم بر بیت** رقیبک اول چای یوقدر وزیر اول مکر سلطان سلیم  
**قطعه** غزیدید و کی خلقک بوزمانده کور سو بر بی در خیسو لید  
بعقوب دینی دنیا کنی یا پیش سقربان دید لر جی اولی در  
شوم دنیا چون عقبای بقدر اکا عاقل دید غایت لچ **عشق میرا شک**  
سربازی بی و محبت کعبه **سنگ** فدای عظیمی قدوة السادة  
**سید نسیمی قدس الله سره** سادات صحیح الانسابند و اولیاء و اولاد  
مابده دیار بغداد نسیم آدلونا حیدر اولد و غرضنا کتبده نسیمی  
تخلص نمشد اسم شریف از سید عماد الدین و علامتیه زمرد سینه **نسیمی**  
ترکی شعر اول اول شهورت بولشد و مراد غار از خان دورند زود  
لسان نکت نکر هر برنده بردیوان علم سلوک و اسرار شایخین

مشایخه جوق عرفانی وارد حضرت شیخ بشی نکر جمله فراسند زاید صکم  
فضل الله کوفی نکر خلفا سند اولد از ایکسی سلوک این حروفه قلمش و او تو  
ایک حروفی شکل انده بولشد و بر مطلق معناسی حروفه متعلق **در بیت**  
یوزک مصحف درای روح مصور تعالی ثناء الله اکبر **نثر** مناقب الوصلین  
یاز که سید نسیمی حروفی دکل ایدر اقا حروف علمند خبر دار و خواص حروف و افاق  
اسرار ایدر اولد از مقام بر بولشد بلین و توحید ذات فناء بولین انکر  
احوالند خیر و لمر دیشتر عمر آخر لرن عالم غیب از جذبه ایش شریب نیچه زمان کندی  
کنده و هضم و حوصله یه قادر اولیب اسرار واجب الکتبی اظهار و انکاش  
اند از بر بی بود که قتل با عت اولشد **بیت** منصور ان الحق سولید  
حق در نور حق سولید انکر خراسی غم دکل بیگانه دیر دارا **نثر**  
اصطلاحات مشایخه بو کافرب فرایض در لر عشق کند و لکنه ز کجوب  
عین معشوق اولد و غنی مقامه رقطم باران دریایه ایدر ب مهر اولد و غ  
کبی ظاهره یقن کفر کور رکن اصل سرفتنده ایمان کامل در اصل ظاهر  
فتن کفر اولد و غر بود که مقام کفره قریب در نفوذ بالله اگر بود مقامه  
یتیم به حاصل حق اولدین بو کونه نور لر تقلید له سولید کافر اولد و غنی  
سید نسیمی نکر برادرش شاه خندان زولیده موسی که مجذوب صفت اهل حال  
نصیحاً بوبیت یازوب کوندر **در بیت** کل بوسری کسبه فاش ایلد



خوان خواص عامیه آتش بد نش بود و فراد اندر بوبیتیری یزدیکه  
**بیت** دریای محیط جوشه کلد کونیل مکان خروشه کلدل سرازول  
آشکارا علق نیچ ایلسون مذارا یروکوک آراسی حقا اولر مطلق  
سویردو و چنگو فی انالیق **نثر** عاقبت ائمه عرب شهر حلبه بوزر کلدل  
شرع ترقیه مخالفه دیو قتلند فتوی ویرد بر بوسن چقد لرو و و کلدل  
نظر اید و بر طریق شرع لولین وارد لوزر ارباب شرع نظر ظاهره  
نه سرایر و ضمائر و در قوه کلدل اسر اسکو کنه اطلاع السین دیوانلرند  
مردوم و مصلور اولر مقطعاته و رباعیات نظر انور بوبر قج ابیات  
فارسی انور دیوان ثانی لسنه **نثر** طایر بوجید را باید بر لاردن  
بعد از ان در عالم وحدت دم لاندن رنگ و بوی از حقیقت کد بر آوژ  
چون کل حد بر کاید خیمه بر می ازدخ ای سیمی با مقلد سرق ضایع مکن  
از تجلی دم چه حاصل پیش تا بنیازدخ **نثر** **عبدالله علیه** ولایت قرا ما  
بوفنده اولقدر استطاعت و قید و ایراد الفاظ معاینه چند ان  
قدر بر بوقدر سلطه سلیم دورند نقل اندر بومطلع آنوکه **مطلع**  
روی شرقی طلمی کمر طلوع شاهیلر کبر صبر باضیح آنرستی سایلر  
**ملک** کوزلر مدرا قدر در یار کبر با شیمیم دوستلر حوق نسیم کوزلر او کمدق  
**نثر** و شوهر شوهر انکار انکار اندر اما عوام الناس عموما سلیم

سلیم انناد اتمشرد **نثر** کجکلیچر سیمل انکدر خیالکد عسکری  
بردر کلو ایکی کوزلو کبر بدیر قانیم **نثر** علی الخصوص بوبیت ظاهره  
کر تخیل و دقیق در اما معنیده نزدیک در زیر اخیال کوزلر کچ  
قائمه کچر لکی احوال شوره شور اولین معنائک تحت و تقاضی فرق  
ایدوب بچر اهل دارد و ایشک آنر مقلد نه بلور **نثر** **محمد پاشا**  
ولایت قرا مانده ملا خداوند کاد نسند در سلطه محطاب ترا هک  
وندانند و وزیر انکد فضیلت کنند در تدریسند **نثر** پاشا ایلر اولر  
دور در **نثر** پاشا بیکه عنوان بولش لرایر **نثر** پاشا بیکه  
وجه اولر مرهاتری فن پاشا در نه نظم دکشا در سلطه محمد غادر  
جانبند دیار عجم سردار اوزوز حسنه ارسال اولنان مکتور مرغور  
بوللر املا و انشا اتمشرد در اتحاق فضل و فصیح اولر که ولایت  
عثمانیه دین ملوک ممالک اندر مفید و مختصر بنامه نامی تحریر و ترویج  
ایصال و ارسال اولنما مشر منکدر منصب قرا لرد و کسره صدا  
وار مننه باعث اولر مکتوب اولر دیور روایت ایدر لر مکر اولر قانده  
کماله رغبت و کامله رعایت اولور مشر و کس مرتبه استحقاقه  
بولور مشر کویا که بومقطع انوکه در حال و احوال بیان احوالی  
واقع اولمشد **نثر** طالعده دولت اولر خدمت فاند











بوبرق مطلع انک شازند **مطلع** با آن تو شود آسم پر شرار اولی نذر  
 کون کورینور کن کو اکب انکار اولی نذر دختر زد دیو این باخ اولده  
 نیمه اولده که بوش بواصل معنی بگر دهنگن کلن خنابا غیب بر فطانت  
**شعر** و صید تبریز سالی عروضه اولن جور که هر ریزده الف قافیه  
 بر غزل دیوب کند و داغی چوق بخور اختراع اتمش در اول جور  
 اوزن دید کی اشعار که بعضی مستطوب بعضی بر نقطه و کیمی بر نقطه  
 دیشدر بر شعری نقطه **انکه** شعوطا لعل سعد اوله عالمده دلا هدم اوله  
 اگر اول مرکبا و اوله اسم دله درد و که کم لعل دلا اوله اوله  
 در دووا محرم اوله اوله اهل دله هدم اوله اوله اوله اوله  
 هدم اکا **مطلع** بر نقطه قشقی قشقی چینی زینت چین بقشقی  
 نظیف تن بت چین و بوبرق بیت مغلوب ستوی دفر انکه ترکیده  
 کما تمش شعرا لعل در لعلی بلا او در او روصه حور وار دوا  
 خوش کما لکه کلا مشوخ آشنای لالی انشا شورخ بالال آب  
 خوش آتشی راهب بهار شتا **شعر** فارین مقبول و مشهور اوله  
 مستور و ایکی بیت در بیت شکر دهنه غم ندراید دیرانی معانی بقا  
 در کش شکر ترا فوی وزارت و کش شوهرم ببلبل هر شوهر  
**نظیف** و میسر بود و شعر سنده طلبه طالع سنده علمنده شعور حور وار

۱۶  
 وارد بر مطلع انکه **مطلع** تیرگی جانن نولد ستر سوز ای غم کار  
 دکه کزیرا که دنیا و بوبرق طغری **یاد نغابی** **شعر** علیک از نیق ز قضا زمره  
 و بوبرق شعر انکه در اگاه بره خاتون نذر دیرینه انقضا اب دیوب خواج  
 اوله و غمناکستله نغابی تکلم اتمش شانه موافق اشعار و مخلصه مطابق  
 کفاد وارد بر مطلع **انکه** **مطلع** کوزلونه سره حکمش را و چنی الی کوزلونه  
 نقد صبر الزلالر بوسکه دلقانغ اوله و وصل کلنید کیمید دویم  
 معذور طوت دنیا طمع دنیا کیمید **نکاحی** **شعر** علیک استا بنولد کیمید  
 زمره سنده در بود و یکجند فوت اوله اگر فلت طبعه از اشعار قلیل  
 واقع اولشدر اما بوقدن لطف نظم اشعار و بولشدر بر مطلع **انکه**  
**مطلع** ای قلم و حجان کید نازق قونق یار اشکل قویوب نه قورن  
 ارق ارق دشته جان اوله هرتادرا کر سیر هکشر دیره دیو  
 قالمیه آذر حرتنک **عیت** **شعر** شاهباز اندو کی چور زلفه کندن  
 الی صیاد لرای کبک خرام **آنی** **شعر** مذکور کند و حسن عقادیک کند و  
 غایت غم و بولشدر وز غم و بندار حسی نهایت خود بین و خود  
 اولشدر عاقبت الکبر شوم فحوائج دماغه سودا مستولی اولوب  
 غرضی اعتدال دن اعراق بولدر دیوانه اقل نیست دیر کن دیوانه اخط  
 دیوب قاشی کر بو کج تراش و قبل کجوب قلندر لره یولداش اولد زبیر

خاتون







**زنانی قسط بندی و اعطای قضا** از میانند بود و شرعاً است در اما  
 قضای جاده قضا باشد و عرفاً اضافه بر کجوب قضا در دفترند کند و  
 اخراج قضا در مو عظم و تقوی است و بن مدون ابیات و طریق تصوف متعلق  
 قضا و بر و کلمات و در ابیات انوکا شعارند **شعر** مویلیق تا جلا  
 اولدر حیف کم معرفت هبا اولدر دانش و فضل اصل علم اولنگ  
 قبه لبند ایلد قبا اولدر اوراقا پسند انوکا ایچون **علمای** مشتهر اولدر  
**شعر** مذکور است قضای فراغت بر عجب واقع سولر و بر عریب قضای  
 ایلر لرا ابتدا قاضی اولدر مسند قضایه کچر و کی دملور بر کیم واقع سند  
 عرصه عصانت دیوان یزدانی طور مش و اولد اورد اد کور صراط منیر  
 عدل ایچون قورمش ابرار و مجاد در صغیر و کبیر فریخی فی الجنة و فریخی  
 فی السعیر و عدو عیدین شاهد قلوب قضا عضا کدر و لا طعنه  
 هر برین بر در لو غدا بن و بر در لو شیدر عقاب کور در و عرصه عصا  
 بی عدوی حساب ایلر انکال یتیمان و خور مظلومانله طور میور  
 دو نمده و بنوس قضا طغات دانه کندم کبر اول آسیا بلور او کنده  
 و کندوی داخر کور که سجالات غلی صوف عصیا نله طولش و مجمل  
 امضا کلام کنا هذ النده تحت اولش و تحت قضا سند اولان موافق  
 انرا کی یوان پادشا حسین بولش کبر و کور شرر واقع سند بود خوف

و شیشه طور هر قجر اندازند و در شرر بر هیبت هو لنا کله خوا بندر او یانی کله در عمل  
 ایچره واقع اولن مفاسده و قبا کیم مطلع اولوب توبه و استغفار قلد هر هاندم  
 منصب قضای عزالت و اول جرمند فرغت ایدوب کورنه قضا عند تقوی  
 و توکل حق طوئدر اتفاق اول انشا قضا در بر حد نبیره رالت کور  
 و منصب قضای عزالت و موجب فراغت استغفار قلد بر و نک صوب  
 صوابن معروض خطاج کور بر غیرت اقراند تسفیه و تبیل و فقر و فاقه و تنبزه  
 خور و دلیل ایلر بود خرفی زماننا امور قضایا نک عسرتن و اجرائی شکر  
 حق اعدا صومیتن بیایر ایدوب دیدیکه بود فغان امور قضایا نک  
 مشکله کوردم و اولنگ بو عملدن کوریز و پر هیبت اندر الح کامل و عاقل کورم  
 اولاقاضی اولن کسانه قاضیلق علمدن کامل و عالم و بعد تحت قضا سند واقع  
 اولن اعیان و اشترادر الزم و صبر قوی القلب کیم کور که ناکم کالتقات  
 فی زماننا منصبدر خوف اتیمور و جهل و هوایه تابع اولایوب خلق  
 جانبی حق طرقتند ترجیح و اخذ و شرر ایچره حق باطل قیلوب حق الینه  
 ظلم و صیرج اتیمه فصل قضایا هر حکمی شرع شریعه موافق و کتابی مفسر  
 مطابق قیوب حق ایام و اموال موئاج و اعدا در اعراض و پر هیبت مظالم  
 و محابض در کوریز و زیندانه انک جمعیت خاطر و اخذ شرر له من جعل  
 قاضیا فقد دج بغیر یکین مفر و منه ماصدق دوشوب نغم دنیا چون



جان چیمه اتیه بیت بو حنیفه قضا نکرد و مرد تو میری اگر قضای کنی  
 نه وقتیکم مخاطبی بود خطاب بر عتباتی کوش اندر و قومی الزام ایچونیم  
 و حدتدن خوش و خوش ایدوب دیدیکه باب قضایای نه عجب مذموم و  
کستور دکل و اهلی نه طرفه معایت و معلوم دور شد کن عدل ساعده  
 بعدل عبادت سبعین سنه قضا و حکام و ولات پرا حرام حقند  
 دکلیدر دیو که بود در اول لشکر دیدیکه اصحاب زمانند اول و در اول  
 زمانند فصل قضایای اندر میل و محابا و حیض از اشیاء قیلور در شمار  
 خود زمان عرف و اضافت و کثرت و بدعت نیچه لوصص و هوایه تابع  
 اولوب لعن الراسی و المرنی حدیثی مفهومی مظهر دوشمشر بیت  
 نیم ایلکه که بغلر جان کوریز که اولتر کوز کون حکم یوزیر  
 اولن دقله عکس موکافی چون التوز کون کومز کوه قافی نشر یونگر کوز کون  
 اجرای حق اتمک نیچه میتر و عدل ساعده مفهومی عمل اتمک طریقیله  
 منصور مدد تیو قضاات طغات و ولات عقبات حقند بوابیات  
 یونکسانی او قدر نظم در حق قضاات لغات بولار اکثر فنسند جاهل  
 و کسب علیله غیر عاملند یونکون الفاظ و معانی کچر صریح سحر الیه  
 علمدن اولدن بر طرفه واقف ایدر ملائک در موقوف صبی کبر اولن منطقه  
 کلامه کتبه و مردم کوریز بیز کلمی مزین سونه کلا اولور معین

معین کچر فور کونخ نوز عذره حقیقت کوز لک بر خور کور کونند  
 ققت صوف و جبه بوتیش باشی مانند قبه لباس فاخر و اد افند  
 ولکن بر خور نادان کندر دیونلر دیو یار شش رایت ایدر ناخو خور  
 سیکت آدی ملاولی سپهر خوامی صناسی او قلوبا یلو بر حرامی  
 نه حاصل اولدن عالمده کامل کیشی حوز اولمیه علیله عامل دینر ارباب  
 تقوی الکا عالم که واره از نکاب ایدن مظالم نه قانون بیلور کیمی نگر  
 یینه ایلور قسده خلی و می اولور بر مملکتده باشق حکم آلور و بر جلاییم  
 اوین اولور بر بخداد افروفتش اکام اشترها کچر اورردش  
 ایدر آتانی چنگاه قفیش کلور باشینه یوز بیکن لوشوش بولار که  
 کبر اوله سنده سکین یور و افروفتش شومک ایدر شکین مهابک طولور  
 بومساکل هلاک ایلر سنده اوله سالک ار ایدر دیز جقوب غم  
 کنارایت قوغوغای فراغت اختیارایت دل و جانده اوله کلاط  
 فنا کچر یدر اندن قلم طالب نور قسطی رتبه ایدر علی قضاات ط  
 ایوب ح کی دار الحریثه ایدر امدت سر اولن عرب جلیک ایدر فضات  
 اچر علیله عامل بر عالم ربانو علم فتوح نجات ثانی ایدر سلطان محمد  
 دور زند فوت اولشدر و اثار و اشترها ار و و رایامه اوله کندر  
 مطلع انکدر مطلع قامت شمشاد که او یکند کچر نادرک باشنه اولشدر



نه غوغا قدر مرغان چمن **نور کاتب** اهل قسند ز قول اصلند ز نور  
شواهند در نظم و انشای و تاریخ معراج متفق کنند در بر مطلع انگار  
**مطلع** اگر جان کور ملک احسن بدن از یوزر جانانی سیرت بیرون  
**نثر** بوی قیام ابیات در آن لطافتند در نظم جو جویت عالم سلطه  
اولور بر اثر هی سلطه بلکه جانان اولور بر اثر غم قیام  
اود در اما کوز سک خاطرن یوکه جانلو و یوب قریب اولور بر اثر  
اوتی نکر کنکور کند سوزیده صفتی کم اود من آتش سوزان اولور بر اثر  
**نور** بلغاد **ره الله** ارباب قلعه بود خوشه کنند در دیوانه عشق  
آبد ال فراج شخص ایدر انشاد غایت و افروخته عانی نهایت نادر  
اد صنایع شعریه در انجی مراعات نظم قادیار ایدر بر مطلع انگار  
**مطلع** در دله درد اولمشد بگو فرایو کبر قنلو باشم بریرال اندر  
ولی الماکر **نثر** بر زمان جهت ایچوز قضاتله بدنه و افرو ملازمت و ملازمت  
مداومت اندر عاقبت دیر میخی المرو باب سرد ز اچو و کریخی افند  
کو کلمه یول بولاماد بر بیت انگار **بیت** یانندن معرفت بر یول کچر  
افند حضرت معنید خیران **قطعه** بقدر شهر افند ز شوتله دیوم  
اوینی نگر ریه محض ایدر افند جفر تیز ایل دی لوشه جقه  
**نیاز** یوزر **ره الله** شعرا و و مکفید فکند ز یلدرم جان مادله

ما دحلرند ز در اول عصر شعرا نیک ممتاز و مستثنای و غزل و قصیده  
طرزندن جمله ز فضل و کماله علاکی و اولاسی ایدر و افرو قصاید و انشاده  
یلدرم خانه نامه مرتب و مکمل دیوانه و لسان ثلاثه در نیک نظم و شعرین  
بیان و ایدر یوزر بیت انگار مطلع قصید کنند **نظم** یلدرم خایانند  
الوقت حامی الملک و ماحی الاعداء توتنه متفق توتنه مکند در حکمت  
در رودار **نثر** احمد پاشا نکر اکثر قصاید و یوکه نظم واقع اولمشد  
احمد آفتاب و شکار آب قصید لر نیک مختصر اول دومین بولش  
طرز مغزین بو بولمشد و نورک الفافیه کنند مصنیع و مقصاید  
وارد در احمد پاشا قصر قصید سنک بنا و بنیادن اول طرز اوزن  
طرح و تقسیم ایدر بیت بیت نظم همیشه در بیت بود **بیت**  
آهوی فلک خرج بلنکند **اهین** **بیت** علیک سایه سی ایندی علیا  
**جواب** **نثر** پاشا آهوی فلک کور در کج یو لیاگی خون جگر ندرم  
صبح اولدر دم آل مذکور زمانده معلوم و شهور اولمشد  
اما خلق مایبشتن دیوانه کم یارب و اخین او نود لشد بر بیت  
انگار شعرا ندرند **بیت** ز فکر کیم کند ز باشم کوز طوغه بر کوز  
حقیق ایزه کنکه الیلک جلی **نیاز** **ره الله** **نظم** سلطه  
عبد الله ما دحلرند ز صنایع شعریه قادر شاعر ماهر و افسوس



نسخ مجذبه تمام ساحر در کتب بود خواص او قدر معلوم و مشهور و شهرت او در  
 السنه ناسده مذکور و کلام او مطلع انگذر مطلع ابروی سیاهی اول حاجب باغچه  
 المثنی یکی حوامی یکی قوا حاجنه **نیاز سیرور** **رحم الله علیه** پادشاه فرزند  
 بودند بود و شواکنه زاده شعری انجمن کلام موزون و دایره رنگ  
 تصنیف بیرون در بر پرچم بیتا نگذر شود و لال و بر مرزین فلاحی  
 عزت او مزین ترین ذلت باقی منصب عالی منصب عالمه آنگذر  
 ذلت باقی غصه خود حاضر او مزین تر شاد در حرم اوق  
 بوغیته قوا باقی **صف الوار و احذر** **رحم الله علیه** کلیه  
 کتاب زمره سنگ بود و شواکنه در خوش آینه و زکین و وافر  
 غلیانی و مصنف و منظم بر قاج پان تألیفاتی و در بر مطلع  
 اند اشعار نهند **مطلع** زرد او نوله قشکر ای د خلد کلکون  
 سوره اول و اکثر اول و مصرع الک التوزن شیرین لبرنگار کر شیرین کرد  
 اما لطفه عاشقانه بر کردیم که اما **واسعی حلی** **رحم الله علیه** در نه فرزند  
 دیمتوقه نام قصه در و رسوم مولانا لطفی نکر عشره کند در اول زمانه  
 عشره حادثه واقع اول و بقیش او اولند قن همان واسعی دکل هجر  
 واسعی انجمن دیو سلطان بایزید اول طایفه قهر و غضب صورتی و کوشش  
 بونکر هر بر اضطرار فرار و ترک یار اندکده بود و خولا بیت عجم

[illegible]



دخنی غنی بر او لا و غنی بود ترا الیه یعنی که ویره نشاء لعل را افتان کن  
کونی ایوایله کچو بوجها باغنده باغبان به دیلر سی زخو انکدر **والی**  
**بلغار** در بودورک مقلد وقت شاعر لرند بلده فروره محمد کاوشم  
دیگله مشهور در و برادر در خواستد لعل بغیله مقلد در کاوشم  
و فرصد اکثر لعل و بزغال روی **نشر** شاعر لرند بر مصرع واقع اولمشد الکری  
دخنی کوزر عجمی مفضل و مکمل و عقل اول کچو بلغده و خلفه قطعا بر  
وجود نه قابل دکلر در و بر قول بیک حجت قاطعه و ضرار بر اهل طاعه  
ایراد و ابرازات که کند و اعتقاد و عناد لعل طر نقیدر دو نمکه قایل  
دکلر در تقطیع و اوزان اصول بحور و میزان بلده کلرند بر شعر کوزر  
و جزم و وقوف صیر و بر در فرج و بزر اندازد دوزوب دید کی شوک  
مصرع لعل او لعل و بر ایکی حرفه یا دکلر بکلر ترخیم در دیوایکی بوزر  
کند و زغنی دلبری مدح ایبر اما مدح لعلی ذمه و وصف لعلی تمه چقر بو  
مطلع انکر در اکثر اکاوند دیشلر در بری در کلر قحین اولفا حلی کوزم  
آی کوزم صانورم **نشر** و بری دخنی دیر که طلعه میمون جهان آزادی  
کوزم صانورم بو مطلع دخانی لعل الفاظ نام بوطنه در مقلد  
اولد و غنی شد ز غنیر او لندر **مطلع** کوزم شدر ای صنف شهل کوزر  
دکلر عصای غنم در آل کوزر بزه **لطیفه** اول دیار کاعیا نده

اعیا نند بر رفوت اولد قد برینه دکلر که فلان کسده اکا بر خدی  
بزد کوا و عالیه قدر کسده ایدر بر قح بیت و شیه دیگوز غایند محل  
و مناسبا ایدر نه خوش دید کوزر دیکله **اول** حیاتین الی بود مرشد الیه  
بزرگی او کلام دیو جواب ویر در زمانه بوزر کسیر یاد کار لعل و طرفه کوزر  
چوق اولور هر بر رفوت نفک عرض و ارباب شعر کسیر بیت بوزر و بوزر  
دعوا سن قلمور بر زمانه بوفقیه کسیر عقند بر نیم هرزه دیشلر معنا  
قطع نظر و زمره قافیه سی یوق قوسک که بر قح بیت عجم دیشلر  
بوزر بوفند کسیر خارج التفات اتمیوب کوزر دکلر مرسل  
زینده نصیحتا و صوم احمد پاشا ناکر و قطع سن کسیر ایدم **قطعه**  
خاطر شاعر آینه کسیر صندین بر صفا کسیر کوزر صنیعی صنیعی  
ولی اندن باشد تا یا غنه نیشلر کوزر **و صدر** **اول** استانبولون  
تاج زار کسیر کسیر بود و شعر اندن بوزر ساله خواجه عبدالرؤف کسیر  
موجود در بین الانام انا باجی حکایتی دیگله مشهور و در ان لطیفه  
دیگله مذکور در اوصاف صفات زنده خوب تعبیری و احوال اقوال  
بیشم زنده لطیف تقریر لعل و ادا اشعار غایت قلک و نهاده  
مذمت اوزن واقع اولغین شعره چند ان کسیر تر بو قدر و بو قطع انکر  
اشعار اندر **مقطع** بزم بلاج و صدر ایچکده غم شرابن باش اولد



اهل عقده ایاغلی چکر یوق **مولانا وحید** **رحمه الله علیه** بالی کسرنه در  
 بین الامام حاجی حسن حاج دیگه شریعت بولنده و سلطه بایزید خان غادکا  
 دورنده قاضی عسکر اولنده عصره نه بین الاصلی اهل بیت است  
 و مولای مولوتیه مقوم معتقد حشر تاج زاج هوس نامه نام رساله  
 اول عصره که مولای سندن برقی کسسته تفصیل و ترجیح اندکده مولی الیه که  
 مولی الیه که افضلند بوبرق بیتله شهادت اتمده **تکلم** بر حاج حسن  
 وحید زمانه معتد اسی و فریدر فضیل معدن و علم کانر شریعت  
 مسند نغان ثانی اما کند و اوله شعره شکیه و ابیاتر چند آن  
 کثیره دکلده بویکی مطلع انکه **مطلع** بر کثره شوق غم کوی یاد اتمم کرک  
 مهم اوله مهربان آنکا داتسم کرک **وله** راه غمکه اولای کولم روا  
 سکا ترک الیلد علاقه سنی که جان سکا شرمه عید که مولانا می بود  
 بکون ضد لای روی دریا غمین سیرین ایلر کن بر فکر فکر سیر کو او  
 بویست بالیده وارد اولور **سیر** کشتی دل بولتی ایچون بحر حیرت  
 خلاص کاکل دیر خیالند زینلر بغلش **شعر** اتفاق بر طرف بیکته که ار  
 بویستی استماع اندکه تمثیل و تشبیهان معقول و مقبول کور میوب  
 دخل و استرزه بوزندن بویست که عتراف اتمده **سیر** شوق و آرزو بار چایه  
 طاقیلر یغون اوز غائله لطف طبعند افرندم کاکل دیر همیشه

همیشه جواب **رحمه الله علیه** دل کشتی نه بار چدین ترک نه درس اور غانه قیوب  
 آنهمان آنده اصدر **و صدر** **رحمه الله علیه** ازینقی نام قصیده نه قضا طایفه  
 سندن سلطان سلیم طاب ثراه دورنگ آفرنده آخره نقل اندر کسخته از عا  
 و صاحب فضل و اهل معارف کسسته ایدر مجتهد اشعار و پسندیده ال  
 وارد در مکتوب انکه اشعار سندن **مطلع** اکسک اولر کولک کجی تن  
 صد چاکله فی المثل بر طلفه بگردد ایم اوینر خاکله **وله** معر عالم  
 رخلر کن الدار صوبه بزرده تاب حشره دکر باز چاه غمکه بویست افران  
**وصالی** **رحمه الله علیه** بدین ایلندند سلطه بایزید و سلطه سلیم زمانه  
 ادرند کسرای عامره خواجیه سی ایدر مدون ابیاتی و اسامی محاسن  
 هو اسم ایچون دینلش **تکلم** ای وارد در مکتوب انکه **مطلع**  
 ای بنم کولم سوری کوز لرم نور مراد بوقولکر ایر کور مراد الیه  
 کل نامراد **شعر** و بوشه مصنوع دفرانک کجلیه ایجا دند خاقه خضر عید  
**شعر** کوز لرم کوز لرم کوز کی جانله کون کوزه کوتره کوز کی کوز دینر  
 اوله ایکن اغلما قدن کوز که او یلی قان اولر کوزم چوقوز دند  
 کوز او چندن نه عجب کوزه اوین کورمک و لمر ایکی کوزم کبر کوز و کی ولی  
 کوزم کوزنی کوزد که ایکی کوزم کوز لرم کوز لرم کوز لرم کوز لرم  
 طوش کوز او جیلده کوزه درکن کوزه کوز اولد رفتن کوز لرم

چرا



آند و صالی دلتی کوزنه اراق دیدم می کوزه او یوب کوزن کوزله کن  
نشر علم بیاند و فن عروضه کامل و ماهر او افعین شعر اینند بجا  
و دخال ایدر هر شاعر کوزنه دخل ایدوب بو تمثیل و تشبیه بو آراج  
صحیح دکل و بونمایه و بو استعان بو محله در دست دکل دیو اعتراض  
ایدرد و قوملر کیم ارم می و ملت قوم میاست لکن که مترجمش  
شعرا دزیری بو خصوصی بو قطعه ایله تصدیق ایدر **قطعه** ناسخ فن  
بیان اعز و صالی حضرت صنعت شعرا چه اوت و او جید دولت  
شعر کوشش بخانی کیم هر یوزده حجت عالیه کورد دولت ترک  
شعرا چن غیر ضیاتی عرض ایدر بو مثلدر و یلندر خلقا چن بو شعر  
نشر و شعرا دزیری بو بیلکه آن تصدیق اتمش **بیت** ملا و صالی  
حضرت عیسی کل عیسایی در دیکر کایوق سنتی تشبیه میسای  
**جواب صالی** اهل سنت مؤمن ای بکاست سزدین کوشن کل کسا  
کویار شهباز قلموز و صفی **حمد الله علیه** روم ایلین کسور  
قضات طائفه سندند شعر لایق وصف و تعریف و محل مدح و توصیف  
شعر شیرین و رنگین و نکر و جانشین مقبول و دلپذیر و محال کیر لکه  
و دلپذیر لکه خوشنما تر به نظیر در بو بر قح مطلع انکرا شعرا دزیر  
**مطلع** نقد تر کیر ایره جانم جانم جانم کوینه دوزنلر آچن جانم

جانم **شعر** کوی کل بلا او قنه قلدیر نشانی بلا چون می کورد خدا  
جهان سنی ایکی جهانند چو جان بر او لور شایه لبر نه جانم و برین  
بن ایکی جهان سنی بهانه عشق ایدوب بن فقیه جورانه آنک حقی  
شعرا اندر بیانه کنی **نشر** سلطان بایزید طایب نراه دورین مذنب  
محور سز مذکور و حاضر ایکن هر قاضی کت قضایند واقع اولی اموال  
شاهی به ناظر اوماق قانون مقرر اولد و عیار عشقه امنایله متفق  
اولوب مال میرد زنده اکل اندک یو حسی کلر زمانده بو شعر  
چن چن حسی حال دینند **شعر** به منام هر اچو چرخ اندر سرگردان  
کوشن کوی کوی اچو صقل در دوران بزر بلدیار شید الغم عشقه زندان  
اندیلر سینه جانی کبر صقل در دوران بزر هجره دوشدم در دلم  
غایت غصه او شد زلایم حسیم صور ما غله یعنی که یاران سنی  
**نشر** در حوم حال هیاتند غایت ضعیف اندام و هر همتان کلام  
ایدر ضعف و تخافتند قامت الفهائی لام الف کبر بو کل و بیکر لکن  
اجل عصای اکاد کش ایدر **عیش المریض نزع الروح** مضمون  
حیاتند و فماتی ترجیح ایدر در و اولد دیو ایکی توند بر در دولت  
خبر کیدر اول اثناح ارباب مناصب بر و قوم قوت اولد  
دیو بو منصوبه ایله منسوب اولور اولد فرخ دوشه دوزنلر



مرحوم علی پاشایه کلمه بر قطعه ایله عرض حال و شرطه مقال ایدر **قطعه**  
وصفی پیر ناتوان ایچون اولور دیودر وایت اتمش غالباً شمله حضور <sup>کرده</sup>  
حیرت نر کنایت اتمش کوردلر کوندن بیکر اولور کنی بیکر برین کایت اتمش  
**خوف الیاء هاتنی روحی** اما سیه جانلر نر تجار قسمندر بودور  
شوالندز ایدر فیلی خریف و نکره دان و ظریف صاحب عرفان ایدر اما  
شوله دفر مشهور و السته نکره مذکور اولما مشهور و مطلع **الکره**  
بکده ای سیه قن اولمهم درد ایاو رنکر وینی نزل ایلر ایدر زرد ایاو  
**نشر** منور غایتده و جیه رشیق و کیدوکی یا کاشیق ملبس و مالدار  
و مصاحبت نر نهایتدن مایل و ضریر ایدر اتفاق عجایز روز <sup>کار</sup>  
بر عجون کتار و دلا مکاره بوکه تعشق ایدر و ب منور شکار  
و صید کند کینه قید اتمک ایچر جمله باغچ و باغچ و باغچ و باغچ  
اولسون کلانی ال اولنجی تحت نکاح اولورین بوکوز یارین اولورین  
باری اوکل اولورین و جاریه لر یکر حسنی لر ندر تمتع ایچون کاورین  
و دیلر سکسکان بر خاندان عظیمدن بر جمیل دختر الی ویرور سیه  
دیوب بو مکره اول بو الصوسی شکار و دانه افنوله دام سکره گرفتار  
ایدر و بعد بیچاره وافر کس کبابنر و دیگر کفرسونی آشتاب چکور  
کالا و کس یادنه رواج ویر کاک ایچون سرچ سفید آج ایلر دیور

دیور و ترویره مشغول اولور ایدر و سیه یوب کوز لرین کورمه لیب  
دست و پاین مکنان و اندام بی اندامن غرقی دزدو دیور دیا قلوب <sup>داردی</sup>  
در دهنده کرا اثر و دیده سیه لسماره یه نظر ایدر اولر مجوزه فرهاد کش  
بوکابر مرتبه شیرین یور و جهله نازنین کورنور که غلبه کور و فرسودگی  
اختیار اولور پیرم نر زانکونه آلب و خوار شوق و محبتد یوب و آغوش  
در آغوش مشغول اولوب عرض محبت و اظهار مودت ایدر کن عجز کیکر  
اثر ایدر کن بیور و مکره کورک توجیه و رغبت نر استغنا قلوب مال و نعمت  
مسکینه سنده ادر منور باغ نر کوزنه قورق صدر منور کله اولور و ملک  
الذی الورد کندوی کور دازنر و دیوانه قلوب آتی کوروب بر مردانا  
بو بر قح ابیاتر امل و انشا اتمش **ظلم** دیمز مرقا که عالمده ارنلو که مال ایچون  
ننه مغلوب اولار حضور صا که اولور بر رخس جادو این ککر مله بر سینه  
آهوه قورنر او قارونر دکلونجی بیکر نر بیکر نکر عریان و کنی  
نه کیم قاریلق غارض اولور اول اولور جادو و غلبه ککر مشغول  
ارافسوند خوامتک استر حقالندز دما دم بیکر استر یدور  
تا شود کلوس کس کتابر کورینور که عالم آفتابر ویرر الیبت صقان  
زنا لینه دن و جانیلر بیلر غلبه لینه ایدر کراشی آهوه دلی  
موم اولور اول عورت ککر محکوم اراوله چونکه کور مسکر



وارد و عورت همان بلد و کن اشو قرار عورت سوزینه او نیز بیشتر گنایم  
دایمی طویز حذر ایله خند همان لادن طولود در دهر ایچر مکان لادن  
قریبا که اندر داد فریاد بولان اویدر باشد چقدر قرها **قطع**  
حال ایچو چغتایند پیرم نذر کریم بیخه با ترسه التونه لغت اولسونا  
و مالینه حالی ملعون و کندر ملعونه **هکلی** **الله علیه و آله** ولایت عجم  
سادات طائفه سندن در سلطان سلیم طاب ثراه چلبی سلطان ایکن ماد جلون  
و مصاحب لند زاید بر سلطان بایزید که اندو کی محاربه فوت اولد  
جانانلره قافیه سن اول اول بولمشد و باقی نظم کویلا کاپی دو اولمشد  
**شوریم** می ایلمشیم دوزیم سلطانیله نیجه سلطانلره بی سرو سامانلره  
وه نه خوش بلدیکه یوقدر بنی آدم وفا شو که انس ایلاز مجبور کربوانلره  
نه بکامیرو نه خود و وصل دوشین شیده اولوب اغفاللره  
**نه** بوفقیه دخی عالم صبا و تدحیف کلام قدیمی نصف اتمشدم بو شعر  
اول زمانده اکان نظم دیشدم شعر اتمیوب هر محبت مریا بانلره  
دخجج اولین زلف پریشانلره بخمخیز چونکه سیه در خط استعاره  
حالی شرح ایده من دفتر دیرانلره قطره خون جگر در سیمک شقای  
کوزلم طاسنی فرین ایلاز جانلره ایل غزاله ایله کامل صحبتی  
عارف و نرطوبت او تور مریا انلره بیل طبع لطیف چمنه قله حصوس

هوس اندر کل صحبتی غنچه خند انلره **هلالی قرامان** طریقه علم  
نقاع اتمش صاحب فضل و معرفت و شیرین کلام و خوش طبع گنیده  
خصوصا فن فرسده غایتده ماهر و مدون و فاضل علی حد افاج  
قادر سائر معارفند غیر مدون اشعار و خوش آینه گفتار و ادب  
بو مطلع **انکر مطلع** طیب جود ایدوب فقر و فاقه دیز زار دیزم  
بیور در شراب دنیا ز **هلالی بویور** **الله علیه و آله** سلطان بایزید دورنده  
واقع اولن شواهد رفیق شعور ایجاد صدفه و جوق معارفه قادر گنیده ایداق  
والشعار مدون و مطور در آما بین الانام غیر مشهور در بوقافیه شعور  
بوندن احسن گنیده **شور** کوز کوم اولوب ایکنه حسی اتمشدر عرض  
نسبت یوز که کونده بین السماء و الارض عسکه هم انکه اول دکلو قادرم که  
کعبه چو ک طوافی اولمشد بر کافض بر قطره یا شفا در چشم شوق لعلک  
کوجم خون دلن جوق الیر کوزلم قرض **مطایبه** منصور امام عقده بوقطره  
اکا اسناد اولمشد **قطع** اتملوس جهان ای مفود ساکور من اقامتی معقول **الله علیه و آله**  
ایم معقول ایدین طعن در چون جائز اولم اقامت معقول **هلالی ستانبول**  
ارباب حریف و بود در شعر انلره ایدر **هلالی** سا و جود در ضعیف و اندای  
خفیف اولد و غرضنا سبیل **هلالی** تخلص ایدر در طریقه غزل مولانای آهی  
چی دویدر آهی جملات کوز که از دروم خسرویدر **مطلع** **انکر مطلع** چاهل



چقدر گریه بانی قزل قان لاله کویا پیرهن نوسف کفان لاله **نظم** و مطلع  
در آنکس که بتبعی در **مطلع** بنم اول صید فکده یارک غرق خون اولش  
سرم سمنین او یکم یکم کون اولش **نظم** آللر کیسه چن کل کیز اول  
نازک بدن ینه قفت قانه کوش ای بو ظالم دیر کورن دله داغ درد  
همران دین پر خون سینه چاک دولت عشق کله ای کفر غم اکس لاله  
قدیان او یکسب صالند عین نازک کستان کرو با لایه طو لاشه زلفون  
**نظم** لوله سیر باغ ایلر دیو غالب او قندارون سرو چمنی سما  
یا نشو به یاسمن او یکسور سر کل اندام سمن چاییم خامه سن  
اگر قلم لطف ای نازک بدن طو تمیز زلفک او جن دل کم دخترا  
تا شود کلو تشنه در له اتمن خا ه قدر و خا غنمدر جاویر دم ای  
سرو ذریه تابوت اتلر کا کلر غن نسبت ایلر مژگی اما کوشر شکر باشم  
او ز که قوشه رای لطیف طوطی شیرین سخن **هامی** **نظم** بور قمر بنی ازینق  
نام قصیده زو واد خان خانزاده جلوه فرشی و احمد ایلدیر عصر  
کلمه روسی نامه نام کتابی خلیل پاشا نامه سی نامه همامی  
ترکیه ترجمه قلم طالب و مطلوب و محبوب ببینند لازم اولن  
احوالی و ضایعات اولن حالی نظم ایوب جریست نامه او وقت  
خامه لاشه عشاق مشتاق آنکه محبوب و مطلوبه عرض اختیاق و شرح

361

و شرح افتراق ایوب حبیب لغز سینه تمنا وصال و توقع مش  
جمال ایلر یور بر قیج ابیات اول کتابدند **نظم** الا ای سرو قد لاله پیکر  
مبارک طلعت فرضند اخته یخا غزاله باغ لکلا عذار در در کلا طراوت  
بدر اقلیم شک شهر یار طقوز میدان چرخ کاشوار محبت اهلک و خوشی  
دوای اولمیلر ک طیبی سلامی چویم سبل و کل سلامی چویم نوای سارلیل  
پیامی پرفراق و در دست که فیض اولور محبت کولدن حسنی نور صبر  
ایسر ک اولور کولیم بوطر مد توفا شوک دیوانه امل جاکل شمع پروانه اولم  
بدر طامو فراق کعبه سکر حبت وصال کدر کاشانه لسان ترکیه قصین  
مصنوعه بوند مطبوع و مصنوعه کمنه دیمشدر بر قیج بیتی وارد **نظم**  
**و التصریح** ای سکندر در سلیمان لصوت و دارا دار وی غضنفر فرز زریمان  
رتبت لهداب و آرتجیس **نظم** دو شکر کلام و شش کور اولور اولی بیری کور  
نوله چون کن خسرو کارانکه یوزد دوتد کار **نظم** مکر رایتک غبانی  
فاتند اولور تیمور مور مدحک غیر عارنده اولور اتحاد عار  
**نظم** حرف الیاء یا در **نظم** عجم زاج و قیود دنیوی نه اکثرند آزاد ایلر  
بو کدر کاه فانی حرم عمر اولد قی ناهل و توطن و مسافر اهل سفر کبر و بر  
برایکی کور تمکی اختیار اتمشدر و دوایین فرسک ابیات معتبر سی  
اکثر یا یادند و مطالع مخیدگی حاضر روشن نهادند اید اقا کله



تصرف طبعی غایتی کم یاب و ناد و معنای جدیدی غیر قادر ایدر بر بر حق  
بیت انکه ابیاتند در شعر که خطی حایل اولور در خسار دایر زلفی گاه  
باشیم کور طوغد قلدلر کتاب چینه سیر باغ اتم قویب کوقده دلبز  
دک کلور و چین دل اوز در هر کبانه پادشاه کورنی سو مکر کبانه جو  
باشه ایایه کنا خورشید ایایه **نظم مولف** ظلمت شب ایلویه عالمی  
صنم کبانه باد آهمن کونیش در چراغ مهر و ماه خط کلر کلو  
طوتماسر ماتم اگر زلف و خال کلر لباس شکلا و لرد در سیاه  
ملک دله غم طور دکن نوله شاد کلر بر ولایت یکر زیر اصغر  
ایکی پادشاه سیر ایدر در دو کیم کورد ممش رو کبر اول هلال  
ابرو قمر کیموب بر شکلاه دعوی زینبکن مقام اتمش لطیفی  
چشم یار بکوز اول آهویه کلر از قلمش خوابگاه **یحیی علی کلر**  
التانبولر سلحدار لر زمره سنده بود و شعر سنده در و صوم **خوشنود**  
**ع** عاشق کلر طغلق در غرنه باشتی وارمش **نثر غزنه** بوندز بیکر **نظم**  
دیلمشدر مطلع بود **در مطلع** کوز نشی کبر صوفی غم کبر آشتی وارمش  
قین مجنون دیکوز عقل معاشی وارمش **یحیی** استانبولر پادشاه  
بنده لرنده خدمت گذار سپاهی و وضعی سپاهی کلماتی الهی در  
شعرا زمانه ممیاز لرندن و اهل اشترها و صاحب امتیاز لرندن

۱۶۴  
امتیاز لرندن در خوش تنویری و مخیل و مصنع ابیات معنوی و ارد  
اشعار نکر بعضی دندانه و بعضی محققانه واقع اولمشدر بومطلع انکر  
اشعارند **در مطلع** صبح صادق کبرای غافل اغرد صفت کلر غافل  
اوله سنی چنبیده بوغزلرا جلک **نثر** و بومطلع دخر در دولتیه دریا  
اولن رضوان طوبی قدر و کسرو سده خرام منتهای قامت حقند واقع  
اولمشدر **در مطلع** دربان شاه ایلویه اول سرو قامتی دورانینه  
قبویه کتور در قیامتی **نثر** و بویکی بیت دفرانک شاه و کدانا نام کتابین  
حضرت آدم صغی ابوالشیرلوب و حضرت محمد صلوات الله علیه  
ابوالارواح اوله و غناش **نظم** انی خلق اندر ابتداء خدا  
انبیاء هب طفیل اولدر انکا ظاهر اخاتمه او سرور اولور  
مبتدا کاه اولور مؤخر اولور **در بیان خاتمه کتک**  
بحمد الله الملك العلام بو کتاب فصاحت فرجام و بلاغت انجم  
تاریخ هجرت کذنه ثلثه و خمیس و تحمیه تجاوز آمدن اتمام  
و احتتام بولد او سر جمله طور و مذکور اولن سامی شعرا عدد  
و شمار ح تمام اوج یوز نفر اولدر امانه قائل کثرت قیود و خون  
و خرماندن و نوایب مصایب زماندن بر دم خلاص اولامام  
و ایجاد و تصرف انکا که قوت و قدرت و ایدر فعل کتور مکه



سمیه ابدیه  
و در این مبین اکا درت عباد  
کامیاب  
ضلع صاف جنه ضمیمه یاد

۱۴۸  
 بود غفلت در ره که جان و دلک  
 ماسوا سو کو سیه طویل بود  
 که چه چو قدر کناهک انواعی  
 حب دنیا بود جلد دن اولود  
 و ای حاصل عظام دنیا به خلق زمان بر مرند صحرای و الایش  
 و ارایش حرص و هوا بونری بر در جبهه تحریرش انچه که بیانی  
 زمان علم امتی دینهم در انهمم معنای ظاهرا و لوب هر یک بحسب  
 درهم و دنیا و محبوب و مطلوبی اسباب دنیا غدا را اولمش  
 ذرا بدی خلق دنیا تک مرادی  
 در اولمش ی بولاری انگر طاری  
 دم اوز نزدی کند معرفت  
 اثر یو غندی روحانی صفندن  
 و داع انچه خلق علم و عرفان  
 معارف و فتن دوشم دوران  
 جهان معنوق و لوب مال و مناله  
 کمته میل اینمزایدی کاله  
 ابرش ی و ارایه اشراط  
 انک انارید رهب بوعلامت  
 لاجرم سپهرک بو تا نیرد لکیرندن عالم پز مرد دل و انسر  
 خاطر و اسیر ارایش صورت ظاهر اولوب بو خصوص مراد بخ  
 بدست خود و وسی مشکور ایده هم و شول اسلوب مرغوبه صغی  
 خیاله رسم و تصویر اولمش ی اول طریق و طرز کیده هم لابد  
 ریبجه کتا بده سابق الذکر اولان یار قدیک احکام و ابرایله  
 چار و نا چار بود در اقی پریشانی مهالمن انعامه و انجا



واختصاصه بشده و مردم بوا میده اخوان عرفانک بوکتاب شیرین  
خط به توجه نظرری واقع اوله قدمه وسعت الطاف عیمه لرندن  
بو عبد ضعیفی یعنی عبد اللطیف حق تعالی ملک رحیمه یار و جان  
حزین خیر و عارف یله شاد ایدمه لر

اوکی انیادان ایمان یله کتون دیه بو بنده به حق رحمت انسون  
رعادن یار ایدن جان عزیزیم جهان دارندن ایمان یله کتون  
تمت الاوراق بعون الله الملك الخلاق وقد وقع النواع من  
تحريره في جدار الاول من يوم پنجشنبه في سنه ثلاث وخمسين  
وتسعين من الهجرة النبوية عليه افضل  
الصلوة والسمية والحمد  
لله رب العالمين

عم